

به نام خدا

فصلنامه پژوهش حسابداری، پاسخگویی و منافع جامعه "نشریه علمی"

سال دهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۹)، زمستان ۱۳۹۹

فصلنامه

منافع جامعه حسابداری، پاسخگویی و

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهراء (س)

مدیر مسئول: علی رحمانی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

سر دبیر: جعفر باباجانی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی

مدیر داخلی: پریسا سادات بهبهانی نیا، استادیار دانشگاه

الزهراء (س)

هیأت تحریریه:

حمید پورجلالی، استاد دانشگاه هاوایی

رضوان حجازی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

علی رحمانی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

ذبیح اله رضایی، استاد دانشگاه ممفیس

شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

مهناز ملانظری، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

سعید همایون، دانشیار دانشگاه گاول

حسن یزدی فر، استاد دانشگاه سالفورد

ویراستار علمی: پریسا سادات بهبهانی نیا

ویراستار ادبی: ماندانا طاهری

ویراستار انگلیسی: ماندانا طاهری

طراح جلد: مریم صمدیان

صفحه آرا: خدیجه اسفندی

امور هماهنگی و اجرا: اعظم پاک خصال و خدیجه اسفندی

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء

(س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی کد پستی:

۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن: ۸۵۶۹۲۴۲۱ و ۸۵۶۹۲۷۴۵ نمابر: ۸۸۲۵۲۱۷۸

رایانامه: jaacsi@alzahra.ac.ir

وبگاه: jaacsi.alzahra.ac.ir

این فصلنامه طبق مجوز شماره ۸۹/۲۲۵۱۶ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۸ از وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی به چاپ می رسد.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

پژوهش‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیأت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که پژوهش‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم پژوهش به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل پژوهش

پژوهش در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن B Nazanin با اندازه قلم: برای عنوان پژوهش ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پرننگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن B Zar با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی پژوهش ۱۲، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی‌متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی‌متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پرننگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و شکلها ایتالیک و پرننگ (Bold)، دارای فاصله ۶ نقطه (pt) قبل و بعد از نگاره و شکل و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی پژوهش و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت پژوهش‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن پژوهش از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار پژوهش

۲-۱. صفحه جلد پژوهش: این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل پژوهش؛
- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛
- رتبه علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛
- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

۲-۲. **صفحه اول پژوهش:** عنوان و چکیده پژوهش به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف پژوهش، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوه استفاده از آن در پایگاه اینترنتی: www.aeaweb.org/journal/jel_class_system.html قابل دسترسی است.

۲-۳. **صفحه دوم تا انتهای پژوهش:** این بخش باید در بردارنده موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛
- مروری بر پیشینه (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش؛
- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد)، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛
- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛
- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در پژوهشات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛
- فهرست منابع.
- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌های فارسی در متن پژوهش از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود. هر منبعی که در متن پژوهش به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود. در صورت نیازه توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۴-۲. **پژوهش:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان پژوهش. (نقطه)

۴-۳. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۴-۳. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

-در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

-فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا پژوهش‌ای که زودتر (قدیمی‌تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۰/۵ سانتی متر می‌باشد.

۵. شکلها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان شکلها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است شکلها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آن‌ها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره ۱) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین ستون‌ها است با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و شکلها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در جداا دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی نوشت و محتوای پی نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

۷. سایر نکات

- قبل از نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، دو نقطه، علامت سؤال، علامت تعجب و... نیازی به فاصله نیست، اما بعد از این علائم باید یک فاصله گذاشته شود.

- هنگام استفاده از پرانتز قبل از باز شدن پرانتز و بعد از بسته شدن پرانتز از فاصله استفاده کنید.

- معادل‌های انگلیسی عناوین علمی نویسندگان به شرح نگاره زیر می‌باشد:

| عناوین | معادل انگلیسی |
|-----------------------|-----------------|
| کارشناس | BSc. |
| دانشجوی کارشناسی ارشد | MSc. Student |
| کارشناسی ارشد | MSc. |
| دانشجوی دکترا | Ph. D. Student |
| دکترا | Ph. D. |
| استادیار | Assistant Prof. |
| دانشیار | Associate Prof. |
| استاد | Prof. |

* پژوهش‌های فرستاده شده نباید به صورت هم‌زمان به مجله‌های فارسی‌زبان دیگری در داخل و یا خارج از کشور ارسال شده باشد.

* فصلنامه از پذیرش پژوهش‌هایی که موارد شکلی و ساختاری یاد شده در راهنما در آن‌ها رعایت نشده باشد، معذور است.

* فصلنامه در ویرایش پژوهش‌ها و حذف برخی بخش‌ها، بدون تغییر در محتوای آن، آزاد است و پژوهش‌هایی را که دریافت می‌کند، باز نمی‌گرداند.

* مسئولیت صحت و سقم مطالب پژوهش به عهده نویسنده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

* فایل ورد را به زبان انگلیسی نام‌گذاری کنید. این نام باید شامل: نام خانوادگی نویسنده اول و تاریخ ارسال پژوهش باشد. ۱۳۹۱ پژوهش‌ها صرفاً از طریق وبگاه مجله دریافت می‌شود.

* به منظور تسریع در فرایند داوری و چاپ پژوهش، از استادان و پژوهشگران محترم تقاضا می‌شود قبل از ارسال پژوهش از ویرایش فنی و ادبی پژوهش و رعایت نکته‌هایی که در این راهنما درج شده است، اطمینان حاصل نمایند.

* پژوهش‌های پژوهشی به پژوهش‌هایی گفته می‌شود که از پروژه پژوهشاتی، رساله دکتری یا پایان‌نامه کارشناسی ارشد استخراج شده باشد.

فهرست مطالب

- ۱ اثر مسئولیت اجتماعی راهبردی بر عملکرد مالی و ضریب واکنش سود شرکت‌ها
محسن حسنی
- ۲۷ تأثیر مسئولیت پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت با در نظر گرفتن نقش تعدیلگر ارزش ویژه نام و
نشان تجاری
وحید بخردی‌نسب، فاطمه ژولانژاد
- ۷۳ رابطه افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و دقت پیش‌بینی مدیران
رضوان حجازی، حسین رجب‌دوری
- ۹۳ بررسی تأثیرات انتشار گازهای گلخانه‌ای، عملکرد زیست‌محیطی و عملکرد اجتماعی بر عملکرد مالی
شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
محمد قاسمی، موسی محمدی، چیاہ امین پناه
- ۱۱۱ شناسایی و رتبه‌بندی شاخص‌های کارایی حسابداری در صنعت بانکداری با تأکید بر بانکداری بدون ربای
ایران
حامد تاجمیر ریاحی، رضا یارمحمدی، محمد رحمتی
- ۱۴۱ بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی: شناسایی چالش‌های موجود و عوامل پیش‌نیاز تحول
از دیدگاه خبرگان
غریبه اسماعیلی کیا

اثر مسئولیت اجتماعی راهبردی بر عملکرد مالی و ضریب واکنش سود شرکت‌ها

محسن حسنی^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۰۲

مقاله پژوهشی

چکیده

مسئولیت اجتماعی، تعهد شرکت‌ها برای اقداماتی است که علاوه بر تامین منافع شرکت، موجبات بهبود رفاه جامعه را نیز فراهم می‌آورد. بر این اساس، مسئولیت اجتماعی یک تعهد است که شرکت باید در قبال آن پاسخگو باشد؛ به عبارتی، شرکت‌ها مسئول هستند که از آلوده کردن محیط زیست، اعمال تبعیض در امور استخدامی، بی‌توجهی به تامین نیازهای کارکنان، تولید کردن محصولات زیان‌آور و نظایر آن که به سلامت جامعه لطمه می‌زنند، بپرهیزند. هدف از این پژوهش، بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی راهبردی با عملکرد مالی و ضریب واکنش سود شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران است. برای این منظور داده‌های ۱۰۹ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۷ ساله از ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ بررسی شد. برای سنجش مسئولیت اجتماعی راهبردی از شاخص کارول (۱۹۷۹) استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر ضریب واکنش سود، تأثیر مثبت دارد. همچنین، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام تأثیر معنی‌داری ندارد، اما بر بازده دارایی‌ها تأثیر مثبت دارد.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت اجتماعی راهبردی، عملکرد مالی، ضریب واکنش سود.

طبقه‌بندی موضوعی: M21, M41

DOI: 10.22051/ijar.2020.28044.1542

^۱ استادیار حسابداری و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، (mhassani2418@gmail.com)

مقدمه

مسئولیت اجتماعی شرکت، تعهد سازمان برای در نظر گرفتن منافع مشتریان، کارکنان، سهامداران، جامعه و محیط زیست و در نظر گرفتن پیامدهای اجتماعی و زیست محیطی ناشی از فعالیت های تجاری سازمان است. با توسعه مسئولیت اجتماعی شرکت ها به گستره ای شامل فرآیندهای کسب و کار شرکت و مدیریت ذینفعان، شرکت ها می توانند به هدف نهایی خود یعنی ایجاد ارزش برای شرکت در کنار ایجاد ارزش های اجتماعی، دست یابند. در حال حاضر، مسئولیت اجتماعی شرکت ها، پاسخی به دو تغییر مهم شامل افزایش نگرانی عمومی نسبت به محیط زیست و جریان آزاد اطلاعات که توسط اینترنت فراهم شده است، می باشد. به عبارتی، فیلم هایی مانند "حقیقت ناراحت کننده" تغییرات زیست محیطی و محافظت از طبیعت را توسط بشر بیشتر نمایان کرده است. بر این اساس و مبتنی بر انتظاراتی که جامعه از سازمان در این حوزه دارد، می توان زمینه و حدود مسئولیت اجتماعی شرکت ها را تعیین کرد. اگر سازمان به درستی به مسئولیت اجتماعی خود عمل نکند، در وهله اول مشتریان خود را از دست می دهد و سپس، دولت و مقام ناظر از طریق قوانین و مقررات و مجازات های مختلف، آنها را مجبور به انجام این مهم می کند (زرافشان، ۱۳۹۵).

وود (۱۹۹۱) مسئولیت اجتماعی شرکت ها را به سه بخش تقسیم کرده است که شامل مسئولیت های نهادی، سازمانی و شخصی است و بیان می کند که پیامدهای رفتار سازمانی شامل تأثیر در برنامه ها و سیاست های اجتماعی می باشد. به عبارتی، وضعیت ایده آل شامل موقعیت تبدیل انگیزه های خوب به خروجی های خوب است، اما وود (۱۹۹۱) فرض کرده است که خروجی های خوب می توانند ناشی از انگیزه های بد نیز باشند و برعکس. سایر مدل ها، مسئولیت اجتماعی را به وسیله اقتصاد، محیط و جنبه های اجتماعی مشتق شده از ارزش آفرینی در آینده، تعریف می کنند. حاکمیت شرکتی به عنوان ابزاری برای هماهنگی با قوانین، مقررات و اصول اخلاقی در سازمان ها به طور کاملی با مسئولیت اجتماعی مرتبط است. در واقع تلفیق مفاهیم اجتماعی و محیطی در عملیات کسب و کار و تعامل با ذینفعان به صورت داوطلبانه را می توان مسئولیت اجتماعی شرکت دانست. به طور خلاصه، واژه مسئولیت اجتماعی شرکت ها به ظهور یک جنبش اشاره دارد که به دنبال وارد کردن عوامل محیطی و اجتماعی در تصمیمات تجاری شرکت ها، استراتژی تجاری و حسابداری با هدف افزایش عملکرد اجتماعی و محیطی در کنار

ابعاد اقتصادی است، به گونه‌ای که برای واحد تجاری، جامعه و محیط مفید و سودمند باشد (زارفشان، ۱۳۹۵).

نولت و همکاران (۲۰۱۵) بیان می‌کنند شرکت‌هایی که درگیر مسئولیت‌های اجتماعی هستند، دارای عملکرد مالی بالاتری هستند. اگرچه اکثر مطالعاتی که رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت و عملکرد مالی شرکت را مورد آزمون قرار دادند، به یک اجماع مشخص نرسیده‌اند. در واقع نتایج مطالعات، رابطه مثبت، منفی و خنثی را بین مسئولیت اجتماعی شرکت و عملکرد مالی شرکت گزارش کرده‌اند (فماندز و فیجستو، ۲۰۰۹)، اما مطالعات انجام شده توسط ماگولیس و همکاران (۲۰۰۹) بر روی ۱۶۷ پژوهش انجام شده بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۷، نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکت بر سود حسابداری و همچنین ضریب واکنش سود، تأثیر مثبت دارد. همچنین، بارون (۲۰۰۱) به این نتیجه رسید که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر سودآوری آن‌ها و ضریب واکنش سود، تأثیر مثبت دارد. مسئولیت اجتماعی شرکت، تقاطعی بین کسانی است که هدف آنها رسیدن به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها است و کسانی که این قصد را دارند، دلیلشان این است که ترکیب فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت به‌عنوان بخشی از استراتژی‌های شرکت، منجر به افزایش عملکرد مالی خواهد شد و هم زمان با آن برای سهامداران ایجاد ارزش می‌کند (سایکتی، ۲۰۱۵).

اما مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها چه رابطه‌ای با عملکرد شرکت دارد؟ مسئولیت اجتماعی شرکت به‌عنوان یک استراتژی می‌تواند مانند پلی بین علاقه‌مندی‌های سهامداران و سرمایه‌گذاران عمل کند (زارفشان، ۱۳۹۵) یا بر اساس نظر پورتر و همکاران (۲۰۰۶)، رابطه بیرون به درون و درون به بیرون، ایجاد کند. بنابراین، از فعالیت‌های معرف مسئولیت‌های اجتماعی شرکت این انتظار می‌رود که مزیت رقابتی و در نهایت عملکرد مالی شرکت را بهبود ببخشد. بر این اساس، این سوال مطرح است که مسئولیت اجتماعی شرکت چه رابطه‌ای با ضریب واکنش سود دارد؟ شرکت‌ها باید اطلاعات مسئولیت‌های اجتماعی را به سهامداران بصورت علامت انتقال دهند (زارفشان، ۱۳۹۵). در واقع این اطلاعات به صورت افشا در گزارش سالانه ارائه می‌شود. افشای اطلاعات مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها در گزارش‌های سالانه، از روش‌هایی است که شرکت می‌تواند به سهامداران خود علامت دهد که می‌تواند مدیریت سهامداران را خوب انجام دهد و عملکرد تجاری را بهبود ببخشد (سایکتی، ۲۰۱۵). مدیریت استدلال می‌کند

که همبستگی بالایی بین روش‌های مدیریت خوب و فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی وجود دارد به این دلیل که مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی، رابطه شرکت و سهامداران را بهبود می‌بخشد (پورتنی، ۲۰۰۸). با انجام مسئولیت اجتماعی، شرکت قادر است که علاقمندی‌های شرکت و سهامداران را همسو نماید. سایاکتی (۲۰۱۵) نیز به این نتیجه رسید که مسئولیت اجتماعی بر ضریب واکنش سود تأثیر مثبت می‌گذارد.

بر همین اساس این پژوهش قصد دارد تا به این سوال پاسخ دهد که آیا مسئولیت اجتماعی بر عملکرد مالی و ضریب واکنش سود تأثیر دارد؟

مبانی نظری پژوهش

تمامی سازمان‌های دولتی و خصوصی، برای توسعه، رشد و پایداری در عرصه رقابتی امروز به نوعی سیستم ارزیابی عملکرد نیاز دارند، که در قالب آن بتوانند کارایی و اثربخشی برنامه‌های سازمان، فرایند و منابع انسانی خود را مورد سنجش قرار دهند. سازمان‌های کارا به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها بسنده نمی‌کنند، بلکه از این داده‌ها برای بهبود سازمان و تحقق رسالت‌ها و استراتژی‌ها استفاده می‌کنند. به عبارتی، به جای ارزیابی عملکرد به مدیریت عملکرد، می‌پردازند.

از گذشته، موفقیت یک شرکت به‌طور کلی از طریق سنجش عملکرد اقتصادی آن، رضایت مشتریان و کارکنان، نرخ سهام و میزان مسئولیت‌پذیری در برابر جامعه سنجیده می‌شده است. در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ بهبود فرهنگ واردات و رشد فعالیت‌های سهامداران از طریق تغییرات کوتاه مدت نرخ سهام به تمرکز بیشتر سازمان‌ها بر ذی‌نفعان و سهامداران منجر گردید. تحقیقات نشان داده‌اند که وجود ارتباط بین عملکرد پایه‌ی اقتصادی یک شرکت و نرخ کوتاه مدت سهام لزوماً جزو مجموعه عوامل مؤثر خارج از حیطه‌ی کنترل مدیریت، نظیر انگیزه‌ی سرمایه‌گذاران و شرایط عمومی بازار که می‌توانند تأثیر بسزایی در تغییر نرخ سهام داشته باشند، نیست. همچنین، تطبیق منافع متفاوت سهامداران و مدیریت از نقطه نظر زمانی امری است بسیار مشکل که مستلزم ملاحظات زمان‌سنجی پیچیده‌ای است. به همین دلیل، داشتن یک تعریف چند بُعدی از موفقیت به‌نحوی که مدیریت را قادر به ارزیابی و کنترل کسب و کار نماید، ضروری به نظر می‌رسد. این مهم باید اهداف مالی و ریسک‌های ارزیابی یک سویه به سمت ارزش‌های

جامع و بلندمدت مؤسسات اقتصادی را در نظر گیرد. تعادل در موفقیت‌های حاصله و زمان‌سنجی مطلوب دستاوردها از طریق تشویق اقدامات نوآورانه در فعالیتهای توسعه‌ای، نهایتاً به خدمت‌رسانی بهتر به سهامداران (و جامعه) منجر می‌گردد.

چندین رویکرد متفاوت برای ارزیابی یک سازمان از طریق رجوع به مدل‌های تعالی کسب و کار وجود دارد. برخی از آنان به‌طور ذاتی مدل‌های کمی هستند، در حالی که بقیه ضرورتاً از روش‌های کیفی بهره می‌برند. رویکرد کمی، اغلب از ایده پرسشنامه برای پوشش معیارهای مختلف مدل بهره می‌گیرد. در این روش، از طریق تجزیه و تحلیل‌های آماری مفصل، به وسیله داده‌های جمع‌آوری شده، امتیازات مدل محاسبه می‌گردد. در رویکرد کیفی معمولاً استفاده از یک سری فرمول‌ها (اگر معیارهای مدل تفکیک شده باشند، برای هر یک از معیارها یا زیرمعیارهای مدل) حاکم است، که می‌بایست به وسیله تیم‌های ارزیابی به مورد اجرا گذاشته شود.

در فرآیند ارزیابی، هدف اصلی ارائه تصویری از سازمان است که نه تنها نقاط قوت و حوزه‌های قابل بهبود آن را مشخص کند، بلکه برخی فعالیت‌های بهبودبخش را که لازم است در عمل منظور شوند نیز تعیین کند. در هر مورد، یافتن راهی برای مقایسه امتیازات به دست آمده هنگامی که مدل‌های تعالی کسب و کار متفاوتی مورد استفاده قرار می‌گیرند، نه تنها برای اعتباربخشی متقابل الگوهای مختلف، بلکه به منظور تسهیل کردن تجربه الگوبرداری، بسیار مفید است (امیری، ۱۳۸۶).

زمانی تصور بر این بود که سازمان‌ها و تولیدکنندگان صرفاً در مقابل سهامداران و کارکنان مسئولند و یا اینکه باید بهترین محصول مصرفی را با قیمت پایین‌تر و کیفیت بالاتر بدون توجه به آثار و عواقب ثانوی محصول، به دست مشتری برسانند. رقابت شدید، افزایش جمعیت و کمیابی منابع و آلودگی‌های محیطی باعث به وجود آمدن رویکردهای نوین در سازمان و نحوه مدیریت سازمان شد که تعهد و مسئولیت اجتماعی نیز نتیجه این تحولات بود. در واقع شاید بتوان گفت: مطرح شدن این مسئولیت، پاسخی به نیازها و چالش‌های محیطی بود (زارفشان، ۱۳۹۵).

چنانچه ماموریت و سیاست‌های سازمانی در راستای انتظارات و ارزش‌های جامعه تعریف شود و به نیازهای فردی و شخصی نیز در حد مقبولیت و مشروعیت توجه شود، هدف‌های بعدی برای

فرد، دستیابی به هدف‌های اجتماعی است. توجه به نیازهای اجتماعی و نیازهای برتر از آنجا نشئت می‌گیرد که انسان ضمن اینکه از نیروی تعقل برخوردار است، موجودی اجتماعی است و در کنار یک گروه کوچک و بزرگ، در مجموعه‌ای بزرگتر به نام اجتماع زندگی می‌کند. این اجتماع دارای حرمت و احترام زیادی است، به طوری که همه افرادی که در این اجتماع زندگی می‌کنند، باید رفتار و کردار خود را با مصالح جامعه هماهنگ سازند. در حقیقت، اندیشه برابری و همسانی ذاتی و زیستی در ذهن انسان‌ها، اصل "مسئولیت‌های اجتماعی" را به وجود می‌آورد (زارفشان، ۱۳۹۵).

به طور کلی، مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، کاملاً نزدیک به مفهوم توسعه پاینده است که بستگی به سه عنصر کلیدی حمایت محیطی، رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی دارد. به عبارتی، پیامد رویکرد توسعه پاینده، توجه خاص به مفهوم افشاء و گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها است. ظهور و افزایش علاقه به افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، منعکس کننده افزایش تقاضا برای شفافیت است که ریشه در عوامل بسیاری دارد و پاسخ به آن مستلزم موارد ذیل است:

۱) توسعه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و استانداردهای خاص آن

۲) افشاء اطلاعات جدید و وسیع برای برآورده کردن نیازهای اطلاعاتی ذینفعان مختلف

۳) ارائه گزارش عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به سرمایه‌گذاران در جهت کاهش عدم اعتماد آنان به سازمان‌ها (حساس یگانه، ۱۳۹۳).

به طور خلاصه، واژه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به ظهور یک جنبش اشاره دارد که به دنبال وارد کردن عوامل محیطی و اجتماعی در تصمیمات تجاری شرکت‌ها، استراتژی تجاری و حسابداری با هدف افزایش عملکرد اجتماعی و محیطی در کنار ابعاد اقتصادی است، به گونه‌ای که برای واحد تجاری، جامعه و محیط، مفید و سودمند باشد (زارفشان، ۱۳۹۵).

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به دو مقوله اشاره دارد:

۱) مسئولیت برای ایجاد ارزش در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی

۲) پاسخگویی شفاف به تقاضاهای ذینفعان

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، یک مفهوم در حال نمو و تکامل است که به‌عنوان روشی است که شرکت‌ها دغدغه‌های اجتماعی، محیطی و اقتصادی خود را در ارزش‌ها، فرهنگ‌ها، تصمیمات، استراتژی و عملیات به‌گونه‌ای شفاف برای پاسخگویی، یکپارچه نموده و در نتیجه، رویه‌های بهتر برای شرکت و در راستای ایجاد رفاه و بهبود در جامعه تدوین نمایند.

پیشینه پژوهش

اعتمادی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان اصول اخلاقی کسب و کار، مسئولیت اجتماعی و عملکرد شرکت‌ها در میان ۵۰ شرکت انجام داد. نتایج این پژوهش نشان داد که سازمان‌هایی که مسئولیت اجتماعی دارند نسبت به سایر رقبا مزیت رقابتی بیشتری کسب می‌کنند، اما سازمان‌هایی که اصول اخلاقی کسب و کار را رعایت می‌کنند، نسبت به سایر رقبا هیچ مزیت رقابتی کسب نمی‌کنند. رعایت مسئولیت اجتماعی باعث کسب مشروعیت توسط جامعه می‌شود، اما سازمان‌هایی که اصول اخلاقی کسب و کار را رعایت می‌کنند، هیچ مشروعیتی توسط جامعه کسب نمی‌کنند. در جامعه‌ای با افول اخلاقی، سازمان‌هایی که مسئولیت اجتماعی بالایی دارند، دارای مزیت رقابتی و مشروعیت بالای اجتماعی می‌باشند و سازمان‌هایی که اخلاق کسب و کار را رعایت می‌کنند، هم مزیت رقابتی و هم مشروعیت اجتماعی کسب می‌کنند.

موسوی و رضایی (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان تبیین ایفای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و تاثیر آن بر ریسک سقوط قیمت سهام با استفاده از اطلاعات ۸۶ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳، انجام دادند. با بکارگیری روش داده‌های ترکیبی و رگرسیون خطی چندمتغیره، یافته‌های پژوهش نشان داد که بین ایفای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و ریسک سقوط قیمت سهام، رابطه معناداری وجود ندارد.

نایت (۲۰۰۷) بیان می‌کند که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها یک منظومه مفهومی با واژه شناسی متنوع و مرتبط است که به جامعه و محیط اشاره دارد و با زبانی شفاف، پاسخگو و پاینده با رویکرد اخلاق تجاری و چند بعدی، پارامترهایی را درباره نقش اجتماعی شرکت‌ها مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع، این بحث که شرکت‌ها به دامنه وسیعی از ذینفعان فراسوی سهامداران مسئولیت دارند، در مرکز ثقل مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها قرار دارد.

سایکتی (۲۰۱۵)، به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی استراتژیک و مسئولیت اجتماعی غیر استراتژیک بر عملکرد مالی و بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی استراتژیک و مسئولیت اجتماعی غیر استراتژیک بر ضریب واکنش سود (ERC) پرداخته است که نتایج این مطالعه نشان می‌دهد مسئولیت اجتماعی استراتژیک و مسئولیت اجتماعی غیر استراتژیک به ترتیب بر عملکرد مالی تأثیر مثبت و منفی می‌گذارند. سطح مسئولیت اجتماعی استراتژیک فاش شده در گزارش‌های سالانه بر ضریب واکنش سود (ERC) تأثیر مثبت می‌گذارد، در حالی که مسئولیت اجتماعی غیر استراتژیک تأثیری بر ERC ندارد. سهم اصلی این مطالعه تهیه ماتریس چک لیست برای تمایز بین مسئولیت اجتماعی استراتژیک و مسئولیت اجتماعی غیر استراتژیک است.

یان، هائو و لی (۲۰۱۷) در تحقیقی به بررسی مسئولیت اجتماعی شرکت و عملکرد مالی در صنعت رستوران پرداختند. آنها در پژوهش خود ۴۰۸ شرکت استرالیایی را برای سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ مورد آزمون قرار دادند. نتایج نشان داد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالا ارتباط با عملکرد شرکت دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین افشای اطلاعات مرتبط با مسئولیت اجتماعی و عملکرد شرکت ارتباط وجود دارد، در نهایت نشان دادند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی به عنوان بخشی از استراتژی‌های مسئولیت اجتماعی، تأثیر مثبت بر سود شرکت دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. برای نمونه‌گیری از روش غربالگری استفاده شد؛ به این صورت که پژوهشگر شرایط را برای انتخاب نمونه مورد نظر تعیین می‌نماید و در صورتی که هر عضو جامعه واجد یکی از شرایط نباشد از جامعه حذف و در نهایت باقی مانده جامعه، نمونه را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، نمونه مورد بررسی در این پژوهش مطابق با نگاره ۱ برابر با ۱۰۹ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران بود.

نگاره (۱): روش غربالگری

| | |
|----------|--|
| ۴۸۸ | کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تا پایان سال ۱۳۹۶ |
| | معیارها: |
| -۱۷۱ | شرکت‌های غیرفعال |
| -۴۵ | شرکت‌های پذیرش شده در بورس بعد از سال ۱۳۸۹ |
| -۴۰ | شرکت‌های مندرج در صنایع مالی و واسطه‌گری شامل بانک، بیمه، شرکت‌های هلدینگ و سرمایه‌گذاری |
| -۳۹ | شرکت‌هایی با سال مالی غیر از ۱۲/۲۹ و با تغییر سال مالی |
| -۸۴ | شرکت‌هایی با وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه |
| ۱۰۹ شرکت | تعداد شرکت‌های موجود در نمونه |

فرضیه‌ها و مدل پژوهش

با توجه به موضوع و بیان مسئله پژوهش، فرضیات پژوهش به صورت زیر تدوین شده است. همچنین، مدل‌های آماری برآورد فرضیه‌های پژوهش از پژوهش سایکتی (۲۰۱۵) بدست آمده است.

فرضیه اصلی اول: مسئولیت اجتماعی راهبردی شرکت‌ها بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت تأثیر معنی‌داری دارد.

$$MTB_{it} = \beta_0 + \beta_1 CSR_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 UBETA_{it} + \beta_4 UE_{it} + \beta_4 LEV_{it} \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

فرضیه اصلی دوم: مسئولیت اجتماعی راهبردی شرکت‌ها بر بازده دارایی‌ها تأثیر معنی‌داری دارد.

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 CSR_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 UBETA_{it} + \beta_4 UE_{it} + \beta_4 LEV_{it} \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

فرضیه اصلی سوم: مسئولیت اجتماعی راهبردی شرکت‌ها بر ضریب واکنش سود تأثیر معنی‌داری دارد.

$$CAR_{it} = \beta_0 + \beta_1 CSR_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 UBETA_{it} + \beta_4 UE_{it} + \beta_4 LEV_{it} \varepsilon_{it} \quad (۳)$$

متغیرهای پژوهش

متغیرهای وابسته

برای محاسبه نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB) از رابطه ۴ استفاده شده است (رضایی، ۱۳۹۵)

$$MTB = \frac{\text{ارزش بازار حقوق صاحبان سهام}}{\text{ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام}} \quad (۴)$$

بازده دارایی‌ها (ROA): برای محاسبه بازده دارایی‌ها از رابطه ۵ استفاده شده است (سایکتی، ۲۰۱۵).

$$ROA = \frac{\text{سود خالص}}{\text{کل دارایی‌ها}} \quad (۵)$$

ضریب واکنش سود (CAR):

برای تعیین ضریب واکنش سود، از معادله رگرسیونی ۶ استفاده شده است (سایکتی، ۲۰۱۵).

$$R = a + b(E) + e \quad (۶)$$

که در آن R نشان دهنده بازدهی، E نشان دهنده سود و e عامل توزیع جزء خطا است. در این رابطه خطی، شیب منحنی یا ضریب متغیر مستقل که با b نشان داده شده است، ضریب واکنش سود نامیده می‌شود.

متغیرهای مستقل

مسئولیت اجتماعی راهبردی (SR):

با بهره‌گیری از الگوی مسئولیت اجتماعی راهبردی کارول (نگاره ۲)، ابتدا شاخص‌هایی برای ابعاد اقتصادی، قانونی، اخلاقی و انسان‌دوستانه انتخاب گردید (رضایی و محمدپور، ۱۳۹۶؛ موسوی، رضایی و شاه ویسی، ۱۳۹۶). بر این اساس، بعد انسان‌دوستانه شامل شاخص‌های نرخ تعدیل کارکنان یا تعداد کارکنان است؛ بعد اخلاقی شامل شاخص‌های اقلام تعهدی اختیاری

(مدیریت سود) است؛ بعد قانونی شامل شاخص‌های نرخ موثر مالیاتی است و در نهایت بعد اقتصادی شامل شاخص‌های کیوتوبین، شاخص رشد فروش و شاخص بازدهی سهام است.

در نهایت با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها که امکان مقایسه چند شرکت از لحاظ چندین معیار را فراهم می‌کند، برای سنجش ضریب ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌عنوان متغیر مستقل، استفاده شد. نحوه سنجش شاخص‌های مسئولیت اجتماعی در نگاره ۲ ارائه شده است.

تحلیل پوششی داده‌ها مبتنی بر یکسری بهینه‌سازی با استفاده از برنامه‌ریزی خطی می‌باشد که به آن روش ناپارامتریک نیز گفته می‌شود. در این روش منحنی مرزی کارا از یک سری نقاط که بوسیله برنامه‌ریزی خطی تعیین می‌شود ایجاد می‌گردد. برای تعیین این نقاط می‌توان از دو فرض بازدهی ثابت و متغیر نسبت به مقیاس استفاده کرد. روش برنامه‌ریزی خطی پس از یک سری بهینه‌سازی مشخص می‌کند که آیا واحد تصمیم‌گیرنده مورد نظر روی مرز کارایی قرار گرفته و یا خارج از آن قرار دارد؟ بدین وسیله واحدهای کارا و ناکارا از یکدیگر تفکیک می‌شوند. تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها تمام داده‌ها را تحت پوشش قرار داده و به همین دلیل تحلیل پوششی داده‌ها نامیده شده است (لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۲).

تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها از دو الگو برای محاسبه خروجی‌ها استفاده می‌کند. در این پژوهش به دلیل ماهیت خطی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، از الگوی سی سی آر استفاده شد. علت این انتخاب، ارزیابی نسبی عملکرد واحدهایی است که در بعضی موارد مدیریت واحد هیچ کنترلی بر میزان خروجی ندارد و مقدار آن از قبل مشخص و ثابت می‌باشد و برعکس در بعضی از موارد میزان ورودی ثابت و مشخص است و میزان تولید (خروجی) متغیر تصمیم است و در چنین شرایطی، دیدگاه خروجی مناسب می‌باشد. در نهایت انتخاب ماهیت ورودی و خروجی بر اساس میزان کنترل مدیر بر هر یک از ورودی و خروجی‌ها، تعیین می‌گردد.

نگاره (۲): نحوه سنجش شاخص‌های مسئولیت اجتماعی (رضایی و محمدپور، ۱۳۹۶)

| بعد | متغیر | طریقه محاسبه |
|-----------------------|-------|--|
| مسئولیت انسان‌دوستانه | I_1 | <p>آنچه سازمان مایل است انجام دهد (کارول، ۱۹۷۹). برای سنجش این بعد از نرخ تعدیل کارکنان به‌عنوان شاخص استفاده می‌شود. بدین ترتیب که اجتماع از هر شرکتی انتظار دارد، کارکنان خود را در هر سال افزایش دهد یا حداقل تعدادشان را نسبت به سال قبل ثابت نگه دارد. در واقع این مسئله از دیدگاه کارآفرینی، ارزش محسوب می‌شود. تعدیل کارکنان به معنای امتیاز پایین‌تر در مسئولیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، این متغیر با استفاده از نسبت تغییرات کارکنان به تعداد کارکنان سال قبل، سنجیده می‌شود. این متغیر به‌عنوان ورودی در مدل تحلیل پوششی داده، در نظر گرفته می‌شود.</p> |
| مسئولیت اخلاقی | I_2 | <p>مسئولیتی است که شرکت در قبال سهامداران باید رعایت نماید. در واقع آنچه سازمان بهتر است انجام دهد (کارول، ۱۹۷۹). این بعد بوسیله مدیریت سود سنجیده می‌شود. این مسئولیت، در این پژوهش به‌معنای عدم مدیریت سود است و با تعریف مسئولیت اخلاقی، همگام است. برای برآورد آن برای شرکت‌هایی که دارای اقلام تعهدی اختیاری بالاتر و مساوی صفر هستند، مقدار صفر (امتیاز کمتر) و برای آن دسته از شرکت‌هایی که اقلام تعهدی اختیاری منفی دارند، مقدار یک (امتیاز بیشتر) در نظر گرفته شد. این متغیر به‌عنوان ورودی در مدل تحلیل پوششی داده، در نظر گرفته می‌شود.</p> |
| مسئولیت قانونی | I_3 | <p>در درجه کمتری از بعد قبلی قرار دارد و نشان دهنده این اصل است که هر کسب و کاری مستلزم پیروی از قوانین و مقررات تعیین شده برای صلاح همگان است (کارول، ۱۹۷۹). برای سنجش این بعد از نرخ موثر مالیاتی استفاده می‌شود که با تعریف کارول همسو است. در واقع پرداخت مالیات، به معنای رعایت قانون و حقوق اجتماعی، تلقی می‌شود. نحوه اندازه‌گیری این بعد در ادامه ذکر شده است.</p> $I_3 = \frac{\text{هزینه مالیاتی‌های}}{\text{سود قبل از مالیات}} \quad (7)$ |

| طریقه محاسبه | متغیر | بعد |
|--|--|--|
| <p>نسبت کیو توین:</p> $(8) Q = \frac{MVE+TD}{TA}$ <p>که در آن MVE: ارزش بازار، TD: کل بدهی‌های و TA: کل دارایی‌های شرکت است.</p> | <p>یکی از ابعاد مسئولیت اقتصادی شرکت در قبال سهامداران، افزایش ارزش شرکت می‌باشد و ارزش نیز به کمک شاخص کیو توین سنجیده می‌شود. این متغیر به‌عنوان خروجی در مدل تحلیل پوششی داده‌ها، در نظر گرفته می‌شود.</p> | <p>O_1</p> <p>مسئولیت اقتصادی</p> |
| <p>نرخ رشد فروش:</p> $(9) \text{growth} = \frac{S_{it}-S_{it-1}}{S_{it-1}}$ <p>S: عبارتست از فروش</p> | <p>یکی از ابعاد مسئولیت اقتصادی شرکت در قبال سهامداران، افزایش رشد مالی شرکت می‌باشد و رشد مالی نیز به کمک شاخص رشد فروش، سنجیده می‌شود. این متغیر به‌عنوان خروجی در مدل تحلیل پوششی داده‌ها، در نظر گرفته می‌شود.</p> | <p>O_2</p> <p>مسئولیت اقتصادی</p> |
| <p>بازدهی سهام: (۱۰)</p> $\text{Ret}_{it} = \frac{P_e(1 - \alpha + \beta) - (P_b - C\alpha) + \text{DPS}}{P_b + C\alpha}$ <p>که در آن Ret_{it}: بازده سهام شرکت i در دوره t</p> <p>P_e: قیمت سهام در پایان دوره مالی، α: درصد افزایش سهام از محل مطالبات و آورده نقدی، β: درصد افزایش سهام از محل اندوخته‌ها، P_b: قیمت سهام در ابتدای دوره مالی، DPS: سود تقسیم شده طی دوره مالی، $C\alpha$: درصد افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی به ارزش اسمی هر سهم</p> | <p>یکی از ابعاد مسئولیت اقتصادی شرکت در قبال سهامداران، بازدهی سهام بالاتر شرکت می‌باشد. بازدهی سهام نیز توسط معادله شماره (۱۰) سنجیده می‌شود. این متغیر به‌عنوان خروجی در مدل تحلیل پوششی داده‌ها، در نظر گرفته می‌شود.</p> | <p>O_3</p> <p>مسئولیت اقتصادی</p> |

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size): برای محاسبه ارزش شرکت از لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت استفاده شد (سایکتی، ۲۰۱۵).

بتای بدون اهرم (UBETA):

بتا، ریسک سیستماتیک اوراق بهادار در مقایسه با کل بازار است. بتا، در مدل قیمت گذاری دارایی های سرمایه ای (CAPM) استفاده می شود؛ مدلی که بازده پیش بینی شده یک دارایی را بر اساس بتای آن و بازده پیش بینی شده بازار محاسبه می کند. به عبارت دیگر، بتا اکتشافی، تأثیر سطح بدهی شرکت را در مقایسه با ارزش سهام در معرض ریسک سیستماتیک خود در نظر می گیرد (سایکتی، ۲۰۱۵).

بتای محاسبه شده با استفاده از مدل CAPM = UBETA

که مدل قیمت گذاری دارایی های سرمایه ای به شرح زیر است:

(صرف ریسک بازار * بتا) + نرخ بازده بدون ریسک = نرخ بازده مورد انتظار

سود غیرمنتظره (UE):

سودی که انتظار آن در زمان فروش محصول پیش بینی نشده است، می باشد. نحوه محاسبه آن در رابطه ۱۱ ارائه شده است (سایکتی، ۲۰۱۵).

$$UE = \frac{\text{سود سال قبل} - \text{سود سال جاری}}{\text{سود سال قبل}} \quad (11)$$

اهرم مالی (LEV): برای محاسبه اهرم مالی از رابطه ۱۲ استفاده شد (رضایی، ۱۳۹۵).

$$LEV = \frac{\text{کل بدهی ها}}{\text{کل دارایی ها}} \quad (12)$$

تجزیه و تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی

با در نظر گرفتن ضریب چولگی متغیرها، مشخص می‌شود که توزیع متغیرهای پژوهش به‌طور کلی از چولگی نرمال برخوردار است؛ این بدان معناست که توزیع جامعه کاملاً متقارن است. همچنین، با توجه به ضریب کشیدگی که نشان‌دهنده میزان پراکندگی داده‌های مشاهده شده پیرامون میانگین داده‌ها است، تنها میزان کشیدگی متغیر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و مسئولیت اجتماعی راهبردی مخالف توزیع نرمال است. به عبارتی، پراکندگی داده‌های مربوط به باقی متغیرها کمتر یا بیشتر از توزیع نرمال است، اما با توجه به حجم بالای مشاهدات، توزیع نرمال در مورد داده‌ها نادیده گرفته شده است.

نگاره (۳): آمار توصیفی

| تعداد مشاهدات | کشیدگی | کجی | انحراف معیار | حداقل دامنه | حداکثر دامنه | میانگین | |
|---------------|--------|--------|--------------|-------------|--------------|---------|-------------------------------|
| ۸۷۲ | ۳/۲۳۶ | -۱/۹۷۷ | ۷/۰۸۸۱ | -۱۵۴/۳۲ | ۱۲۱/۵۰ | ۲/۱۲۸ | نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری |
| ۸۷۲ | ۷/۲۰۵ | -۰/۰۲۵ | ۰/۱۲۷ | -۰/۷۸ | ۰/۶۲۱ | ۰/۱۱۴ | بازده دارایی‌ها |
| ۸۷۲ | ۲/۵۲۲ | ۰/۱۷۹ | ۰/۱۷۷ | -۱/۱۸ | ۱/۸۰۶ | ۰/۰۰۱ | ضریب واکنش سود |
| ۸۷۲ | ۴/۰۴۹ | ۱/۳۱۱ | ۰/۲۳۲ | -۱/۳۱ | ۳/۵۹۰ | ۰/۰۲۶ | مسئولیت اجتماعی راهبردی |
| ۸۷۲ | ۳/۴۷۹ | ۰/۵۴۷ | ۱/۵۲۷ | ۹/۹۱ | ۱۸/۴۵۳ | ۱۳/۴۳۸ | اندازه شرکت |
| ۸۷۲ | ۶/۱۱۴ | ۰/۹۱۱ | ۰/۹۰۵ | -۲/۴۵ | ۶/۴۸۲ | ۰/۶۹۴ | بتای بدون اهرم |
| ۸۷۲ | ۳/۱۰۵ | ۱/۶۶۵ | ۴۲۲.۰ | -۰/۷۳۶ | ۴/۶۸۹ | ۰/۱۹۱ | سود غیرمنتظره |
| ۸۷۲ | ۳/۵۶ | ۰/۱۳۱ | ۰/۱۸۷ | ۰/۰۹۶ | ۱/۴۰۹ | ۰/۶۱ | اهرم مالی |

مانایی داده‌ها

پس از بررسی نرمال بودن داده‌ها، از آزمون لوین، لین و چو استفاده می‌شود تا از مانا بودن داده‌ها اطمینان حاصل گردد. نتایج آزمون برای متغیرهای پژوهش در نگاره ۴ ارائه شده است. با توجه به نتایج، مقدار سطح معنی‌داری برای متغیرها کمتر از مقدار ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین تمامی متغیرها، مانا می‌باشند.

نگاره (۴): نتایج آزمون مانایی

| نتیجه | احتمال | آماره آزمون | متغیر |
|-------|--------|-------------|-------------------------|
| مانا | ۰/۰۰۰ | -۱۲/۵۹ | بازده دارایی‌ها |
| مانا | ۰/۰۰۰ | -۲۱/۴۲ | ضریب واکنش سود |
| مانا | ۰/۰۰۰ | -۳۰۴/۱۶ | مسئولیت اجتماعی راهبردی |
| مانا | ۰/۰۰۰ | -۶/۹۱ | اندازه شرکت |
| مانا | ۰/۰۰۰ | -۲۱/۲۱ | بنای بدون اهرم |
| مانا | ۰/۰۰۰ | -۱۳/۷۵ | سود غیرمنتظره |
| مانا | ۰/۰۰۰ | -۳/۹۴ | اهرم مالی |

تعیین ساختار داده‌ها و نحوه برازش آنها

ابتدا باید نوع الگوی برآورد مشخص شود. به عبارتی، ابتدا باید بررسی شود که داده‌های مورد بررسی تلفیقی یا تابلویی هستند.

نگاره (۵): نتیجه آزمون F لیمر مدل‌های پژوهش

| احتمال | آماره آزمون F لیمر | فرضیه |
|--------|----------------------|-------|
| ۰/۰۰۰ | ۱۵/۱۳ | اول |
| ۰/۰۰۰ | ۲۲/۱۰ | دوم |
| ۰/۰۰۰ | ۲/۴۲ | سوم |

با توجه به نتایج نگاره ۵ و با توجه به آماره F ، برای مدل مورد بررسی و برای فرضیه‌های اول، دوم و سوم پژوهش، روش داده‌های تابلویی مورد پذیرش قرار گرفت.

تعیین مدل آزمون

بعد از انجام آزمون F لیمر و انتخاب مدل اثرات ثابت مقطعی برای انتخاب روش آزمون داده‌ها از بین دو روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود.

نگاره (۶): نتیجه آزمون هاسمن مدل‌های پژوهش

| فرضیه | آماره آزمون | احتمال |
|-------|-------------|--------|
| اول | ۲۰/۲۴ | ۰/۰۰۱ |
| دوم | ۱۸/۴۴ | ۰/۰۰۲ |
| سوم | ۳/۳۲ | ۰/۶۴۹ |

با توجه به نتایج نگاره ۶ و با توجه به آماره آزمون، برای مدل فرضیه‌های اول و دوم اثرات ثابت مورد پذیرش قرار گرفته است و برای فرضیه سوم با توجه به سطح احتمال، مدل اثرات تصادفی استفاده شد.

تفسیر نتایج آزمون

آزمون رگرسیون فرضیه اول

نتیجه تحلیل فرضیه اول در نگاره شماره ۷ ارائه شده است. بر اساس مقدار آماره $t(۰/۶۷۸) =$ و در سطح معنی‌داری ۹۵ درصد، نتایج حاکی از آن است که مسئولیت اجتماعی راهبردی شرکت‌ها بر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری تأثیر معنی‌داری ندارد.

میزان ضریب تعیین تقریباً برابر ۰/۶۹ است. بدین معنا که متغیرهای مستقل و کنترلی ۶۹٪ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. با توجه به نتیجه نگاره فوق، میزان آماره دورین واتسون ۸۱ است. بنابراین، در جملات باقیمانده‌ی این الگوی رگرسیونی خودهمبستگی وجود ندارد. نتایج نگاره با سطح معنی‌داری صفر (زیر ۰/۵٪)، بیانگر این است که رابطه خطی معنی‌دار بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد و الگو از اعتبار الزام برای تحلیل برخوردار است.

نگاره (۷): نتیجه آزمون فرضیه اول

| نام متغیر | نماد متغیر | ضریب | آماره t | سطح معنی داری | چندخطی | نتیجه |
|------------------|------------|------------|-----------|-----------------------|----------|-----------------|
| عرض از مبدا | C | -۵/۱۹۳۸۸۸ | -۶/۲۵۲۵۷۸ | ۰/۰۰۰ | - | معنی دار و منفی |
| مسئولیت راهبردی. | CSR | ۰/۰۵۱۰۲۲ | ۰/۶۷۸۶۴۸ | ۰/۴۹۷۶ | ۱/۶۵۸۴۸۹ | بی معنی |
| اندازه شرکت | SIZE | ۰/۵۳۱۹۸۱ | ۸/۱۲۲۰۳۳ | ۰/۰۰۰ | ۱/۵۴۸۴۴۹ | معنی دار و مثبت |
| بتای بدون اهرم | UBETA | ۰/۰۵۵۳۸۱ | ۲/۵۳۸۳۱۱ | ۰/۰۱۱۳ | ۴/۳۶۱۷۳۹ | معنی دار و مثبت |
| سود غیر منتظره | UE | ۰/۰۳۹۸۹۸ | ۰/۲۵۹۳۷۷ | ۰/۷۹۵۴ | ۲/۳۷۶۹۶۰ | بی معنی |
| اهرم مالی | LEV | ۰/۲۰۰۴۱۰ | ۱/۱۷۷۴۱۲ | ۰/۲۳۹۴ | ۳/۸۱۸۴۹۴ | بی معنی |
| R2 | ۰/۶۹ | آماره F | ۱۵/۰۳ | دوربین واتسون | ۱/۸۱ | |
| R2 تعدیل شده | ۰/۶۴ | سطح احتمال | ۰/۰۰۰ | باقی مانده رگرسیون | ۰/۲۱۲ | |

آزمون رگرسیون فرضیه دوم

نتیجه تحلیل فرضیه دوم در نگاره شماره ۸ ارائه شده است. همان طور که در نگاره مذکور مشاهده می شود، با توجه به مقدار آماره t ($t = ۲/۹۰۰$) و در سطح معنی داری ۹۵ درصد، نتایج حاکی از آن است که مسئولیت اجتماعی راهبردی شرکت ها بر بازده دارایی ها تأثیر مثبت و معنی داری دارد.

نگاره (۸): نتیجه آزمون فرضیه دوم

| نام متغیر | نماد متغیر | ضریب | آماره t | سطح معنی داری | چندخطی | نتیجه |
|-----------------|------------|------------|-----------|-------------------|----------|-----------------|
| عرض از مبدا | C | -۰/۱۰۵۳۴۵ | -۱/۴۸۵۳۱۳ | ۰/۱۳۷۸ | - | بی معنی |
| مسئولیت راهبردی | CSR | ۰/۰۰۸۰۵۱ | ۲/۹۰۰۳۳۸ | ۰/۰۰۳۸ | ۱/۰۶۳۹۷۹ | معنی دار و مثبت |
| اندازه شرکت | SIZE | ۰/۰۳۵۰۲۲ | ۷/۶۰۸۸۹۱ | ۰/۰۰۰ | ۱/۲۴۵۳۱۷ | معنی دار و مثبت |
| بتای بدون اهرم | UBETA | -۰/۰۰۳۸۲۱ | -۰/۴۵۴۴۹۶ | ۰/۶۴۹۶ | ۱/۱۲۷۴۰۵ | بی معنی |
| سود غیر منتظره | UE | -۰/۰۰۵۰۱۴ | -۱/۶۰۴۶۸۰ | ۰/۱۰۸۹ | ۱/۱۰۱۹۳۷ | بی معنی |
| اهرم مالی | LEV | -۰/۴۱۸۲۸۴ | -۱۴/۳۰۳۴۳ | ۰/۰۰۰ | ۱/۲۹۵۹۷۵ | معنی دار و منفی |
| R2 | ۰/۵۳ | آماره F | ۸۱/۲۹ | دوربین- واتسون | ۱/۹۶ | |
| R2 تعدیل شده | ۰/۵۲ | سطح احتمال | ۰/۰۰۰ | باقیمانده رگرسیون | ۰/۹۹ | |

میزان ضریب تعیین تقریباً برابر ۵۳ درصد است و بدین معنا است که متغیرهای مستقل ۵۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. با توجه به نتیجه نگاره فوق میزان آماره دوربین واتسون ۱/۹۶ است. بنابراین، در جملات باقیمانده‌ی این الگوی رگرسیونی خودهمبستگی وجود ندارد. نتایج نگاره با سطح معنی داری صفر (زیر ۰/۵)، بیانگر این است که رابطه خطی معنی دار بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد و الگو از اعتبار الزام برای تحلیل برخوردار است.

آزمون رگرسیون فرضیه سوم

نتیجه تحلیل فرضیه سوم در نگاره شماره ۹ ارائه شده است. همان طور که در نگاره مذکور مشاهده می‌شود، با توجه به مقدار آماره t ($t = 2/12$) و در سطح معنی‌داری ۹۵ درصد، نتایج حاکی از آن است که مسئولیت اجتماعی راهبردی شرکت‌ها بر ضریب واکنش سود تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

نگاره (۹): نتیجه آزمون فرضیه سوم

| نام متغیر | نماد متغیر | ضریب | آماره t | سطح معنی‌داری | چندخطی | نتیجه |
|------------------|------------|------------|-----------|--------------------|----------|-----------------|
| عرض از مبدا | C | ۰/۲۴۹۷۸۶ | ۱/۲۷۷۶۷۷ | ۰/۲۰۱۸ | - | بی‌معنی |
| مسئولیت راهبردی. | CSR | ۰/۰۳۴۶۴۲ | ۲/۱۲۹۷۱۰ | ۰/۰۳۳۵ | ۱/۰۶۳۴۱۱ | معنی‌دار و مثبت |
| اندازه شرکت | SIZE | -۰/۰۲۱۶۴۴ | -۱/۶۲۸۷۹۳ | ۰/۱۰۳۸ | ۱/۱۶۴۸۱۱ | بی‌معنی |
| بتای بدون اهرم | UBETA | -۰/۰۰۴۴۴۲ | -۰/۵۸۶۸۴۰ | ۰/۵۵۷۵ | ۱/۰۴۲۱۹۸ | بی‌معنی |
| سود غیر منتظره | UE | -۰/۰۰۷۴۳۱ | -۰/۵۸۰۴۰۸ | ۰/۵۶۱۸ | ۱/۰۰۹۵۸۶ | بی‌معنی |
| اهرم مالی | LEV | ۰/۰۷۵۸۸۷ | ۱/۳۶۴۴۱۳ | ۰/۱۷۲۸ | ۱/۱۷۸۹۴۴ | بی‌معنی |
| R2 | ۰/۲۷ | آماره F | ۲/۵۰ | دوربین واتسون | ۲/۲۳ | |
| R2 تعدیل شده | ۰/۱۶ | سطح احتمال | ۰/۰۰۰ | باقی مانده رگرسیون | ۰/۱۶۲ | |

میزان ضریب تعیین تقریباً برابر ۲۷٪ است. بدین معنا که متغیرهای مستقل ۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته ضریب واکنش سود را توضیح می‌دهد. با توجه به نتیجه نگاره فوق میزان آماره دوربین واتسون ۲/۲۳، است. بنابراین، در جملات باقیمانده‌ی این الگوی رگرسیونی خودهمبستگی وجود ندارد. نتایج نگاره با سطح معنی‌داری صفر (زیر ۵٪) بیانگر این است که رابطه خطی معنی‌دار بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد و الگو از اعتبار الزام برای تحلیل برخوردار است.

نتیجه گیری

فرضیه اول پژوهش نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، تأثیر معنی‌داری ندارد. این مسئله به دلیل ارائه کمتر از واقع ارزش دفتری سهام نسبت به ارزش بازار سهام شرکت‌ها می‌باشد. همچنین، این مورد به دلیل شناسایی زیان‌ها و به تعویق انداختن شناسایی سودها است. بر این اساس، نتایج فرضیه اول با پژوهش سایکتی (۲۰۱۵) همسو بود.

پورتر (۱۹۸۵)، فعالیت‌های اصلی شرکت‌ها را به ۵ گروه شامل فعالیت‌های لجستیک ورودی، عملیات، لجستیک خروجی، بازاریابی و فروش و خدمات پس از فروش، تقسیم کرده است. فعالیت‌های حمایتی هم به چهار بخش شامل فعالیت‌های تهیه، توسعه فن‌آوری، مدیریت منابع انسانی و زیرساخت شرکت تقسیم شده است. مسئولیت اجتماعی راهبری شرکت به‌عنوان یک استراتژی می‌تواند مانند پلی بین علاقه‌مندی‌های سهامداران و سرمایه‌گذاران عمل کند (پورتر و همکاران، ۲۰۰۲). بر اساس نظر پورتر و همکاران (۲۰۰۶) از هر فعالیت مسئولیت اجتماعی راهبری شرکت، این انتظار می‌رود که مزیت رقابتی و در نهایت عملکرد مالی شرکت را بهبود ببخشد. بارنت و سالمون (۲۰۱۲) و لانتوز (۲۰۰۱) نیز به این نتیجه رسیدند که مسئولیت اجتماعی به‌طور مثبت، عملکرد مالی یا بازده دارایی‌های شرکت را پیش‌بینی می‌کند. بر این اساس، نتایج فرضیه دوم با پژوهش‌های پورتر و همکاران (۲۰۰۶) و سایکتی (۲۰۱۵) همسو بود.

بر اساس نظریه علامت‌دهی، شرکت باید اطلاعات مسئولیت اجتماعی خود را به سهامداران بصورت علامت انتقال دهد (گوادفری و همکاران، ۲۰۱۰). در واقع این اطلاعات به صورت افشا در گزارش سالانه ارائه شود. افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی در گزارش‌های سالیانه، از روش‌هایی است که شرکت می‌تواند به سهامداران خود علامت دهد که می‌تواند مدیریت سهامداران را خوب انجام دهد و عملکرد تجاری را بهبود ببخشد (سایکتی، ۲۰۱۵). مدیریت استدلال می‌کند که همبستگی بالایی بین روش‌های مدیریت خوب و فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی وجود دارد به این دلیل که مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی، رابطه شرکت و سهامداران را بهبود می‌بخشد (سایکتی، ۲۰۱۵). با انجام مسئولیت اجتماعی، شرکت قادر است که علاقه‌مندی‌های شرکت و سهامداران را همسو نماید. سایکتی (۲۰۱۵) نیز به این نتیجه رسید

که مسئولیت اجتماعی بر ضریب واکنش سود تأثیر مثبت می‌گذارد. بر این اساس، نتایج فرضیه سوم با پژوهش سایکتی (۲۰۱۵) همسو بود.

پیشنادهای کاربردی

با توجه به نقش معنی‌دار مسئولیت اجتماعی شرکت در بهبود عملکرد مالی آن، پیشنهاد می‌شود در گزارش‌های مالی سالانه شرکت‌ها، به کیفیت افشا در مورد حقوق صاحبان سهام و رویکردهای بشر دوستانه شرکت توجه بیشتری شود.

پیشنهاد می‌شود به منظور تقویت سطح مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و التزام به تعهد نسبت به این مسئولیت در شرکت‌ها، الزامات قانونی از سوی سازمان بورس نسبت به افشای مسئولیت‌های اجتماعی، زیست‌محیطی، تعهد به حقوق صاحبان سهام، آموزش کارکنان و مواردی این چنینی در نظر گرفته شود.

پیشنهاد می‌شود به منظور تقویت سطح مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نسبت به منافع ذینفعان و سرمایه‌گذاران، از تحلیلگران مالی در شرکت‌ها بهره گرفته شود و تحلیل‌های اقتصادی عملکرد شرکت افشا شود.

به مدیران شرکت‌ها توصیه می‌شود مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به‌عنوان یک روش مدیریتی در مجموعه خود اجرا نمایند تا فرایندهای عملیاتی را در این جهت و به تبع آن در جهت کسب منافع اقتصادی بلندمدت و تسریع در نوآوری‌ها، بهبود دهند.

محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌های مرتبط با داده‌ها: این امکان وجود دارد که شرکت یا شرکت‌هایی اطلاعات مالی خود را بصورت کاملاً شفاف ارائه نداده باشند.

محدودیت‌های مرتبط با سنجش متغیرها: در این پژوهش برای سنجش مسئولیت اجتماعی از مدل کارول استفاده شد و برای اندازه‌گیری شاخص‌های مدل مذکور، از داده‌های موجود در صورت‌های مالی استفاده شد، بنابراین امکان نظرسنجی از کارکنان، سهامداران و یا کاوش مشکلات زیست‌محیطی شرکت براساس گزارشات موجود ممکن نشد.

منابع

- Aabo, T. , Pantzalis, C. , & Park, J. C. (2017). Idiosyncratic volatility: An indicator of noise trading?. *Journal of Banking & Finance*, 75, 136-151.
- Abbasi, A. (2016). Investigating the relationship between transaction volume, stock returns and yield fluctuations at different time scales in Tehran Stock Exchange, *Journal of Management and Finance*, Vol. 4, No. 4, pp. 99-114. (In Persian)
- Angelia, D. , & Suryaningsih, R. (2015). The effect of environmental performance and corporate social responsibility disclosure towards financial performance (Case study to manufacture, infrastructure, and service companies that listed at Indonesia stock exchange). *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 211, 348-355.
- Bame-Aldred, C. W. , Cullen, J. B. , Martin, K. D. , & Parboteeah, K. P. (2013). National culture and firm-level tax evasion. *Journal of Business Research*, 66 (3) , 390-396.
- Banker, R. D. , Charnes, A. , & Cooper, W. W. (1984). Some models for estimating technical and scale inefficiencies in data envelopment analysis. *Management science*, 30 (9) , 1078-1092.
- Berle, A. A. , & Means, G. G. C. (1991). *The modern corporation and private property*. Transaction publishers.
- Bowen, R. M. , DuCharme, L. , & Shores, D. (1995). Stakeholders' implicit claims and accounting method choice. *Journal of accounting and economics*, 20 (3) , 255-295.
- Cegarra-Navarro, J. G. , Reverte, C. , Gómez-Melero, E. , & Wensley, A. K. (2016). Linking social and economic responsibilities with financial performance: The role of innovation. *European Management Journal*, 34 (5) , 530-539.
- Charnes, A. , Cooper, W. W. , & Rhodes, E. (1978). Measuring the efficiency of decision making units. *European journal of operational research*, 2 (6) , 429-444.
- Datta, S. , Iskandar-Datta, M. , & Singh, V. (2017). The impact of idiosyncratic risk on accrual management. *International Journal of Managerial Finance*.
- Erle, B. (2008). Tax risk management and board responsibility. In *Tax and corporate governance* (pp. 205-220). Springer, Berlin, Heidelberg.
- Farrell, M. J. (1957). The measurement of productive efficiency. *Journal of the Royal Statistical Society: Series A (General)* , 120 (3) , 253-281.
- Friese, A. , Link, S. , & Mayer, S. (2008). Taxation and corporate governance—The state of the art. In *Tax and corporate governance* (pp. 357-425). Springer, Berlin, Heidelberg.
- Hasan, M. M. , & Habib, A. (2017). Firm life cycle and idiosyncratic volatility. *International Review of Financial Analysis*, 50, 164-175.
- Hassas, yeganeh. And Barzegar, Q. (2014). Theoretical foundations of corporate social responsibility and its research paradigm in accounting profession, *management accounting: Fall 2014, Volume 7, Issue 22; From page 109 to page 133.* (in Persian)

- Hasseldine, J. , & Morris, G. (2013, March). Corporate social responsibility and tax avoidance: A comment and reflection. In *Accounting Forum* (Vol. 37, No. 1, pp. 1-14). Taylor & Francis.
- Herfindal, O. C. (1959). *A General Evaluation of Competition in the Copper Industry, Copper Costs and Prices. 1870-1957.*
- Hoi, C. K. , Wu, Q. , & Zhang, H. (2013). Is corporate social responsibility (CSR) associated with tax avoidance? Evidence from irresponsible CSR activities. *The Accounting Review*, 88 (6) , 2025-2059.
- Huseynov, F. , & Klamm, B. K. (2012). Tax avoidance, tax management and corporate social responsibility. *Journal of Corporate Finance*, 18 (4) , 804-827.
- Khanagha, J. B. (2011). Value relevance of accounting information in the United Arab Emirates. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 1 (2) , 33.
- Kordestani, Gh. And Hedayati keshavarzi, M. (2010) , Accounting Profit versus Economic Profit, *Official Journal Accounting*, No. 12 (Pope 24) , p. 118. (in Persian)
- Kumari, J. , Mahakud, J. , & Hiremath, G. S. (2017). Determinants of idiosyncratic volatility: Evidence from the Indian stock market. *Research in International Business and Finance*, 41, 172-184.
- Lobo, G. J. , & Zhou, J. (2001). Disclosure quality and earnings management. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 8 (1) , 1-20.
- Mashayekhi, b. (2005). The role of voluntary accruals in earnings management of listed companies in Tehran Stock Exchange, *Accounting and Auditing Reviews: Winter 2005, Volume 12, Number 42; Page 61 to page 74.* (in Persian)
- Mehrabani, AS. (2014). The Effect of Quality of Accrual Items on the Relationship between Managing Power and Accounting Profit, *Empirical Accounting Research*, Volume 6, Issue 2. (in Persian)
- Mousavi, A. , Rezaei, F. And Shah weiss, Fr. (2017). Explanation of corporate social responsibility and its effect on the risk of falling stock prices, *Financial accounting knowledge*, Volume 3, Number 3 - Issue 3 - Issue 10, Autumn 1395, p. 47-74. (in Persian)
- Najafi, A. Khorasani, p. (2017). Development of a Multi-objective Model for Optimization of the Index Tracker Basket with Beta Evaluation, Non-RMS, and Tracking Error, *Journal of Investment Knowledge*, Year Six / Issue 21. (in Persian)
- Naser, p. Khalili, M. (2010). The Relationship between Social Responsibility and Financial Performance of Companies, *Journal of Research in Business Management*, Volume 2, Issue 4. (in Persian)
- Perra, A. A. , & Thrikawala, S. S. (2010). An empirical study of the relevance of accounting information on investor's decision. Online paper (ICBI 2010) University of Kelaniya, Sri lanka, 4 (2) , 45-78.
- Rezaei, F And Mohammad Poor, M. (2017). The Relationship Between Corporate Responsibility of Companies and Their Implied Cost of Capital, *New Research in Accounting*, Volume 1, Issue 1, Spring 2012 (in Persian)
- Sayekti, Y. (2015). Strategic corporate social responsibility (CSR) , company financial performance, and earning response coefficient: Empirical evidence

- on Indonesian listed companies. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 211, 411-420.
- Scholtens, B. , & Kang, F. C. (2013). Corporate social responsibility and earnings management: Evidence from Asian economies. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 20 (2) , 95-112.
- Sikka, P. (2010, September). Smoke and mirrors: Corporate social responsibility and tax avoidance. In *Accounting forum* (Vol. 34, No. 3-4, pp. 153-168). No longer published by Elsevier.
- Yaghubi, M. (2007). Investigating the Relationship Between Managers' Job Security and Smoothing Smooth in Companies Accepted in Tehran Stock Exchange, Master's Degree, Mazandaran University. (in Persian)
- Youn, H. , Hua, N. , & Lee, S. (2015). Does size matter? Corporate social responsibility and firm performance in the restaurant industry. *International Journal of Hospitality Management*, 51, 127-134.
- Zarfshan, Z. (2016). The relationship between social responsibility and tax evasion through corporate governance mediation, MSc dissertation, Azad University of Qazvin. (In Persian)

تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گر ارزش‌ویژه نام و نشان تجاری

وحید بخردی‌نسب^۱، فاطمه ژولانژاد^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده

بهبود عملکرد مالی تنها با حداکثرسازی سود و منافع میسر نخواهد شد. مبتنی بر تئوری قراردادهای اجتماعی، جامعه به شرکت اجازه فعالیت می‌دهد و از شرکت انتظار دارد تا منافع تمامی ذی‌نفعان را مهیاء سازد. یکی از منافع مورد انتظار تمامی سهامداران، مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. همچنین، ارزش ویژه نام و نشان تجاری به عنوان یک برند، یکی از دستاوردهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی است که منجر به بهبود عملکرد مالی شرکت می‌شود. بنابراین، هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گر ارزش نام و نشان تجاری می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۹۲ می‌باشد. حجم نمونه بر اساس روش حذف نظام‌مند بالغ بر ۱۷۹ شرکت می‌باشد. روش اجرای پژوهش مبتنی بر رگرسیون چندکی و الگوی معادلات ساختاری می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و محرک اعتبار ارزش نام و نشان تجاری، عواملی مثبت و قابل توجه برای همه چندک‌ها هستند. عامل محرک توسعه برند، تأثیر مثبت و قابل توجهی را بر روی چندک‌های بالاتر عملکرد مالی شرکت می‌گذارد. یافته‌ها نشان‌دهنده تأثیر منفی بر عملکرد مالی شرکت در زمینه عامل محرک وفاداری به برند هستند.

واژه‌های کلیدی: ارزش نام و نشان تجاری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عملکرد مالی شرکت، رگرسیون چندکی، معادلات ساختاری.

طبقه‌بندی موضوعی: G10, G32

DOI: 10.22051/ijar.2019.23306.1475

^۱ دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران، نویسنده مسئول، (Vahid.BekhradiNasab@gmail.com)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران. (jolanejad1022@gmail.com)
jaacsi.alzahra.ac.ir

مقدمه

در محیط رقابتی کنونی که یکی از مشخصه‌های بارز آن کمیابی منابع است، مدیریت و ارزیابی عملکرد، نقشی حیاتی برای سازمان ایفا می‌کند (آمادو و همکاران، ۲۰۱۲). صاحب‌نظران و محققان معتقدند عملکرد، موضوعی اصلی در تمامی تجزیه و تحلیل‌های سازمانی است و مشکل بتوان سازمانی را تصور کرد که مشمول ارزیابی و اندازه‌گیری عملکرد نباشد. سازمان‌ها جهت فراهم آوردن بازخورد به مدیران در ارتباط با رسیدن به هدف‌های راهبردی، به ارزیابی عملکرد متکی هستند (کراونس و همکاران، ۲۰۱۰). موضوع همسو بودن عملکرد مالی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی یکی از موضوعاتی است که همواره بین نظریه‌پردازان محل اختلاف بوده، اما علی‌رغم مقبولیت بالای اصول مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، هنوز پاسخ قاطعی به این پرسش داده نشده که آیا مدیران باید سیاست‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در تصمیم‌های تاکتیکی و راهبردی خود دخالت دهند یا خیر. منتقدان معتقدند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها یک ساختار مبهم دارد و مدیران جهت تعیین اینکه مسئولیت اجتماعی آن‌ها چیست ناتوان هستند. از طرفی مسئولیت‌پذیری اجتماعی باعث افزایش هزینه‌های عملیاتی می‌شود و ثروت سهام‌داران را از بین می‌برد. پس نگرانی اصلی منتقدان مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها این است که هزینه‌های مربوط به بهبودهای عملکرد اجتماعی شرکت ممکن است از منافع آن بیشتر شود.

در کانون رابطه قراردادی بین شرکت و ذی‌نفعان، توجه به آینده قرار دارد و آینده هم از طریق پایداری مشهود خواهد شد. پایداری، مفهومی است که هم در مباحث جهانی‌سازی و هم در مباحث عملکرد مالی شرکت مطرح است. پایداری موضوع بحث‌برانگیزی است که تعریف‌های متعددی برای آن ارائه شده است (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۰). یکی از نخستین و شناخته‌ترین تعریف‌هایی که از پایداری شرکت‌ها شده، عبارت است از «رفع نیازهای حال حاضر بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود». همچنین، کمیسیون جهانی محیط‌زیست در تعریف پایداری شرکت بیان می‌کند که پایداری، اصلی اساسی برای تغییر جهانی و ماندن به‌عنوان وسیله‌ای برای برآوردن نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن توانایی‌های نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود است (خدای پور و شفیع، ۱۳۹۲). در واقع مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها اقدامی است که در آن شرکت‌ها در فعالیت‌های اجتماعی

حضور یافته و همچنین اثرهای مخرب کسب و کار بر جامعه و محیط طبیعی را کاهش می‌دهند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی با ایجاد نام و نشان تجاری معتبر، مشتریان را از رقبا دور کرده و در نتیجه باعث بهبود سودآوری شرکت می‌شود (استیوان و درام‌وان، ۲۰۱۱).

یکی از فواید ارزش ویژه بالای نام و نشان تجاری برای شرکت‌ها، توانایی کاهش هزینه‌ها و افزایش سود است. همچنین، به شرکت‌ها در افزایش قیمت کمک می‌کند و بر ارتباطات بازاریابی مؤثر است و احتمالاً تأثیر مثبتی بر روی توسعه ارزش نام و نشان تجاری به سایر طبقات محصول را دارا است و هزینه تبلیغات و فروش را کاهش می‌دهد. به بیان دیگر ارزش بالا، تمایز بیشتر و نام و نشان تجاری با ارزش‌تر، واکنش بهتر مصرف‌کننده را ایجاد می‌کند (گیل، ۲۰۰۷). شرکت‌ها می‌توانند بر پایه‌ی یک نام و نشان تجاری قدرتمند، قیمت‌های بالاتری را برای محصولات خود تعیین کنند، اهرم تجاری بهتری ایجاد کنند، حاشیه فروش و سود خود را افزایش دهند و آسیب‌پذیری خود را در مقابل رقبا کاهش دهند (آکر و جواچیمتالر، ۲۰۰۰). در طول دهه گذشته، مدیران و سیاست‌گذاران به‌طور فزاینده‌ای بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها تأکید کرده‌اند، اما هیچ مطالعه‌ای در زمینه ارتباط میان مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، ارزش نام و نشان تجاری و عملکرد شرکت صورت نگرفته است. بنابراین، پژوهش‌ها در خصوص ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و عملکرد مالی شرکت‌ها بسیار مورد توجه محققان بوده است. بر این اساس، پژوهش حاضر به بررسی ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و عملکرد مالی شرکت‌ها با تأکید بر نام و نشان تجاری شرکت‌ها پرداخته است و در ادامه مبانی نظری و فرضیه‌ها، روش اجرای پژوهش، یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

مروری بر مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

امروزه یکی از مهمترین مسائل مالی شرکت‌ها اندازه‌گیری عملکرد آن‌ها می‌باشد. اندازه‌گیری عملکرد مالی شرکت‌ها از آنجا که پایه بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها در داخل و خارج از شرکت می‌باشد، حائز اهمیت است. تصمیم‌گیرندگان و سرمایه‌گذاران نیز به‌منظور دستیابی به عملکرد بهینه برای واحدهای اقتصادی، به عوامل مؤثر بر عملکرد توجه می‌نمایند. بنابراین،

بررسی رابطه‌ی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش نام و نشان تجاری بر عملکرد شرکت که در نهایت منجر به افزایش ارزش شرکت می‌گردد، ضروری به نظر می‌رسد.

عملکرد مالی شرکت

در محیط رقابتی کنونی که یکی از مشخصه‌های بارز آن کمیابی منابع است، مدیریت و ارزیابی عملکرد، نقشی حیاتی برای سازمان ایفا می‌کند (آمادو و همکاران، ۲۰۱۲). صاحب‌نظران و محققان معتقدند عملکرد، موضوعی اصلی در تمامی تجزیه و تحلیل‌های سازمانی است و مشکل بتوان سازمانی را تصور کرد که مشمول ارزیابی و اندازه‌گیری عملکرد نباشد. سازمان‌ها، جهت فراهم آوردن بازخورد به مدیران در ارتباط با نیل به هدف‌های راهبردی به ارزیابی عملکرد متکی هستند (کراونس و همکاران، ۲۰۱۰). ارزیابی عملکرد، اندازه‌گیری و بررسی چگونگی استفاده از منابع و دارایی‌های موسسه در جهت هدف‌های شرکت است. اندازه‌گیری عملکرد مالی و عملیاتی، پایه بسیاری از تصمیم‌هایی از قبیل پاداش مدیران، قیمت سهام، ریسک سهام، تصمیم‌گیری مربوط به سرمایه‌گذاری‌ها و بسیاری از موارد دیگر است. این تصمیم‌گیری‌ها باید بر اساس نتایج ارزیابی‌ها انجام (با معیارها و شاخص‌های عملکرد) و متناسب با فرایند کاری سازمان باشد. بنابراین، عملکرد واحدهای تجاری بر اساس دستیابی به اهداف تعیین‌شده کوتاه‌مدت و بلندمدت ارزیابی می‌شود و عملکرد عملیاتی معیار مناسبی جهت دسترسی به اهداف تعیین‌شده قلمداد می‌گردد. در حال حاضر، ارزیابی عملکرد بسیاری از شرکت‌ها و سازمان‌ها بر اساس شاخص‌های مالی صورت می‌گیرد (خالقی‌مقدم و برزیده، ۱۳۸۲).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها معانی مختلفی دارد، اما همیشه برای همه افراد یکسان نیست. برخی از افراد، آن را تعهد یا مسئولیت قانونی می‌دانند، برخی آن را به معنی رفتار مسئولانه اجتماعی بر حسب رعایت مسائل اخلاقی تعریف کرده‌اند و برخی دیگر معنی آن را مسئول بودن دانسته‌اند. خیلی از افراد، آن را معادل هدایای صدقه‌ای و کمک‌های خیریه می‌دانند. بعضی از آنها، آن را به معنی آگاهی اجتماعی می‌پندارند و بسیاری از آنان که مشتاقانه این مفهوم را پذیرفته‌اند آن را به معنی مشروعیت و مقبولیت می‌دانند. تعداد کمی هم البته، آن را مثابه نوعی

وظیفه محول شده برای اعمال ضوابط رفتاری عالی‌تر بر روی بنگاه‌های اقتصادی، بازرگانان و صنعت‌گران و نه شهروندان می‌پندارند. تأکید بر اهمیت مسئولیت اجتماعی و رعایت آن از سوی سازمان‌ها می‌تواند از کارکردی مثبت بر عملکرد سازمان‌ها برخوردار باشد، به نحوی که به‌طور معنی‌داری تعهد سازمانی کارکنان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (مرتضوی و همکاران، ۱۳۸۹).

کمیسیون اروپا مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها را مفهومی می‌داند که به‌موجب آن شرکت‌ها مسئولیت اجتماعی و زیست‌محیطی را با فعالیت‌های تجاری و تعاملات خود با ذینفعان بر مبنای داوطلبانه توأم می‌کنند. کمیسیون اروپا معتقد است علی‌رغم آن‌که در این مفهوم تعداد روزافزونی از شرکت‌ها مشمول فرهنگ مسئولیت اجتماعی می‌گردند و طیف گسترده‌ای از رویکردها به مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها وجود دارد، اما توافق گسترده‌ای درباره خصوصیات اصلی آن وجود دارد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، حرکتی توسط شرکت‌های تجاری و فراتر رفتن از حداقل الزامات قانونی است که به‌صورت داوطلبانه پذیرفته شده است، زیرا مؤسسات اقتصادی آن را جز منافع بلندمدت خود تلقی می‌کنند. بدین ترتیب کمیسیون اروپا، عملکرد درونی (واقعیت اصلی) مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها را به رفتارهای تجاری مربوط می‌کند که آن را از امور بشردوستانه و خیرخواهانه شرکت‌ها جدا کرده و آن را در عملکردهای خود شرکت تعریف می‌کند. تأکید بر روی منافع اقتصادی از ملاحظات سیاسی و زیستی ناشی می‌شود که به‌طور خاص به قضیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها اشاره می‌کند.

بسیاری از صاحب‌نظران نیز کمک‌های خیریه و بشردوستانه را نوعی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها نمی‌دانند و استدلال می‌کنند که کمک‌های بشردوستانه توسط شرکت‌ها باعث می‌گردد در بحث رفاه اجتماعی وجه تشابه بین مردم به‌عنوان افراد جامعه و سازمان‌های کسب‌وکاری به‌عنوان نهادهای جامعه از بین برود. برخی از منتقدین نیز شکایت می‌کنند که مفهوم عبارت مسئولیت‌پذیری اجتماعی دست مدیران اجرایی شرکت‌ها را باز گذاشته است تا تعهدات اجتماعی شرکت را با توجه به نظر و خواست خود تعیین نمایند. اگر از این دیدگاه به موضوع توجه شود، مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌صورت پوششی در می‌آید که سازمان یا فرد می‌تواند بدان وسیله ارزش‌های شخصی خویش را به نمایش بگذارد بدین ترتیب مدیران برای

ارضای نیازهای شخصی خود از جیب سهامدار سخاوتمند می گردند. دسته دیگر از منتقدان به رسوایی‌های مالی و اخلاقی شرکت‌های بزرگی چون ان‌رون، پارلارمات و ورلدکام اشاره می‌کنند و می‌گویند که علی‌رغم رشد جنبش مسئولیت‌پذیری شرکتی و ادعاهای شرکت‌ها در این مورد، این رسوایی‌ها ثابت می‌کند که شرکت‌ها و مدیران آن فقط و فقط به فکر سود خود هستند و مسئولیت اجتماعی شرکتی فقط کلمه زیبایی است.

جدا از مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی بسیاری نیز در انگیزه شرکت‌ها در برنامه و فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها تردید دارند؛ برخی می‌گویند انگیزه‌های شرکت‌ها از انجام فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی ممکن است سیاسی باشد و بدین طریق می‌خواهند به برخی از مقامات سیاسی و محلی نزدیک شده تا امتیازی را به دست آورند. شرکت‌ها می‌توانند از طریق فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تنظیم محیط سیاسی و پیش‌برد اهداف سیاسی خاص خود استفاده کنند و یا حتی فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی خود را ابزاری در جهت حفظ منافع سیاسی خاص خود در چانه‌زنی سیاسی در معاملات سیاسی و قراردادهای اقتصادی قرار دهند. بدین شکل بسیاری از شرکت‌ها از هدایای خیریه و سایر تلاش‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی برای پل زدن به رهبران سیاسی استفاده می‌کنند. هر چند که به نظر می‌رسد اصطلاح مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی در معنای نسبتاً وسیعی به کار رفته است و بعضی از اصطلاحات دیگر چون مسئولیت شرکتی، شهروند شرکتی، درستی شرکتی، چندین معنی گسترده و کلی داشته‌اند. هر کدام از این اصطلاحات تا اندازه‌ای بر روی بخشی خاص از ابعاد مسئولیت اجتماعی شرکتی متمرکز شده‌اند. بعضی مسئولیت شرکتی را ترجیح می‌دهند به این دلیل که تعبیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شامل مسئولیت‌های زیست‌محیطی نمی‌شود. هر چند که بعضی هم معتقدند مسئولیت‌پذیری اجتماعی ابعاد زیست‌محیطی را هم شامل می‌شود. اصطلاح مسئولیت سازمانی و مسئولیت اجتماعی از جانب بعضی‌ها ترجیح داده شده است، به این دلیل که این اصطلاحات، هیچ نوع مشخصی از سازمان‌ها را مجزا نمی‌کنند. شهروندی شرکتی هم دربردارنده این مفهوم است که هر بنگاه به مثابه یک شخص یا شهروند دارای حقوق و وظایفی است. مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها همچنین، در بعضی موارد آمیختگی‌هایی با مفهوم توسعه پایدار دارد. این امر بیشتر واسطه فعالیت‌های کمیسیون برتلند بوده و توسط اجلاس زمین ریو (۱۹۹۲) هم مورد پذیرش واقع شده است. بسیاری از تعابیر نیز مسئولیت‌پذیری اجتماعی

را در سه محور اصلی اقتصاد، محیط‌زیست و اجتماع، سازمان‌دهی نموده‌اند. بر این اساس، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها به همکاری‌های تجاری و کسب‌وکار برای ماندگاری پایداری و دوام اطلاق می‌شود و در بعضی مواقع مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و پایداری با تعبیری یکسان به کار می‌روند، اگرچه ماهیت توسعه پایدار غالباً گسترده‌تر از آن چیزی است که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بتواند آن را تحقق بخشد. برای مثال، توسعه پایدار نوعاً فراتر از رویکردهای داوطلبانه و غیرداوطلبانه قدم برمی‌دارد و شامل فعالیت‌ها و تدابیری است که فقط دولت و بخش‌های میانی حکومتی از عهده آن برمی‌آیند. لازم است خاطر نشان کرد که مفهوم اجتماعی در اغلب مباحث، مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و توسعه پایدار، به دو معنا به کار می‌رود. بعضی مواقع مسئولیت‌پذیری اجتماعی در مقابل حوزه‌های دیگری چون محیط‌زیست و اقتصاد قرار می‌گیرد و در این معنا مسئولیت‌هایی در حوزه‌هایی چون حقوق بشر، محل کار، حمایت‌های مصرف‌کننده و موضوعات اجتماعی را در بر می‌گیرد. مفهوم اجتماعی همچنین، به معنای وسیع‌تری برای در بر گرفتن کل اجتماع نیز بکار می‌رود و بنابراین، مسئولیت‌های اقتصادی و زیست‌محیطی را هم شامل می‌شود (امیدوار، ۲۰۰۹).

مفهوم پایداری شرکت‌ها

در کانون رابطه قراردادی بین شرکت و ذی‌نفعان، توجه به آینده قرار دارد و آینده هم از طریق پایداری، مشهود خواهد شد. پایداری، مفهومی است که هم در مباحث جهانی‌سازی و هم در مباحث عملکرد مالی شرکت مطرح است. پایداری، موضوع بحث‌برانگیزی است که تعریف‌های متعددی برای آن بیان شده است (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۰). یکی از نخستین و شناخته‌ترین تعریف‌هایی که از پایداری شرکت‌ها شده است، عبارت است از «رفع نیازهای حال حاضر بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود». همچنین، کمیسیون جهانی محیط زیست در تعریف پایداری شرکت بیان می‌کند که پایداری، اصلی اساسی برای تغییر جهانی و ماندن به‌عنوان وسیله‌ای برای برآوردن نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن توانایی‌های نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود است (خدای پور و شفیع، ۱۳۹۲).

اندازه‌گیری پایداری

مفهوم پایداری مفهومی چندبعدی است که نمی‌توان آن را به راحتی و به طور مستقیم اندازه‌گیری کرد. این مفهوم نیازمند مجموعه‌ای از شاخص‌ها است که بتوان به وسیله آن برای ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌ها در رابطه با هر یک از ابعاد مختلف پایداری (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی)، استفاده کرد. یکی از شاخص‌هایی که امروزه برای اندازه‌گیری پایداری شرکت‌ها (در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) از آن استفاده می‌شود، شاخص پایداری داو جونز می‌باشد (خدای پور و شفیعی، ۱۳۹۲).

شاخص پایداری داو جونز

شاخص پایداری داو جونز در سال ۱۹۹۹ به وجود آمد. این شاخص جزو اولین شاخص‌های پایداری در سطح جهان است که مرجعی برای شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران است. شاخص پایداری داو جونز بر اساس تحلیل اقتصادی شرکت، عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی، ارزیابی موضوعاتی از قبیل حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک، برندسازی، کاهش تغییرات آب و هوایی، استانداردهای زنجیره تأمین و فعالیت کارکنان طراحی شده است. در این ارتباط، تلاش می‌شود که شرکت‌هایی که معیارهای پایداری و اصول اخلاقی را به صورت عمومی، تخصصی و صنعتی رعایت نمی‌کنند، طرد شوند. شاخص‌های پایداری داو جونز شامل گروه شاخص‌هایی است که بر اساس محیط جغرافیایی به شش شاخص از جمله شاخص جهانی، شاخص اروپا و اتحادیه اروپا، شاخص آمریکا و آمریکای شمالی، شاخص آسیا و اقیانوسیه و شاخص کره تقسیم شده است. علاوه بر این، برای شاخص‌های پایداری داو جونز، شرکت‌ها باید بر اساس برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیست بلندمدتشان، ارزیابی و انتخاب شوند. معیارهای این شاخص‌ها به صورت سالانه انتخاب می‌شوند و شرکت‌ها باید برنامه‌های پایداری بلندمدت خود را بهبود بخشند تا در شاخص بمانند. این شاخص‌ها بر اساس دلار آمریکا و یورو و با استفاده از فرمول لاسپیرز محاسبه می‌شوند. یکی از موارد مهم در شاخص‌های پایداری داو جونز بحث تقسیم‌بندی صنایع است که همانند صنایع مختلف تعریف شده در بورس، مشخص می‌شوند. البته شرکت‌هایی که درآمدشان از الکل، تنباکو، شرط‌بندی و اسلحه به دست می‌آید در این تقسیم‌بندی قرار نمی‌گیرند و در شاخص در نظر گرفته نمی‌شوند (فرهانیان و دعائی، ۱۳۹۲). اصطلاح پایداری در برگیرنده تمامی فعالیت‌های مربوط به تولید و رشد اقتصادی است، به

شرطی آنکه منابع طبیعی و زیست‌محیطی که جوامع حال و آینده به آن وابسته‌اند، حفظ شود. در سال ۲۰۰۲، شرکت‌کنندگان اجلاس توسعه پایدار جهانی به این نتیجه رسیدند که شرکت‌ها نقش مهمی را در تغییر الگوی مصرف و تولید در آینده بازی می‌کنند (سازمان ملل، ۲۰۰۲).

بنابراین، لازم است که رفتار شرکت‌ها در کل زنجیره تولید، شامل تمام فعالیت‌های مربوط به دستیابی به مواد خام تا تحویل محصول نهایی به مصرف‌کنندگان، تغییر کند. دلیل چنین امری این است که اجزای زنجیره تأمین که متشکل از تولیدکنندگان مواد اولیه، پردازش‌کنندگان، معامله‌گران و مصرف‌کنندگان است، بیشتر اوقات با استفاده از منابع طبیعی و آلاینده‌هایی که اثر منفی روی اجتماع و محیط‌زیست ایجاد می‌کنند، در ارتباط هستند. هدف اصلی هر شرکت در بلندمدت، ایجاد ارزش و حداکثرسازی آن برای سهامداران است. گزارشگری پایداری مورد توجه سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران، جوامع کسب‌وکار و سرمایه‌داران قرار گرفته است و برخلاف مؤلفه اصلی در پایداری شرکت‌ها، موضوع آن تداوم فعالیت بنگاه در شرایط محیطی خاص است و هستی و نیستی بنگاه را مورد چالش قرار می‌دهد. بدیهی است چنانچه یک بنگاه اقتصادی راهبرد پایداری شرکتی داشته باشد، می‌تواند آن را به یک مزیت رقابتی در مقابل رقبا تبدیل کند. طبق پژوهشی که از ۲۷۲ مدیر ارشد در ۲۴ شرکت بزرگ جهانی به‌عمل آمده، حداقل ۶ نتیجه حاصل شده است. این نتایج شامل افزایش گزارشگری پایداری شرکت‌ها به‌رغم تکمیل نبودن ابزارهای این نوع گزارشگری، برجسته بودن نقش مدیران ارشد مالی، کارکنان بنگاه‌ها به‌عنوان ذینفعان کلیدی، در اولویت قرار گرفتن مسائل زیست‌محیطی گازهای گلخانه‌ای و دسترسی به آب آشامیدنی برای بنگاه‌ها به‌رغم فقدان نظارت دولت‌ها و قانون‌گذاران، افزایش آگاهی از کمبود منابع کسب‌وکار و تأثیر رتبه‌بندی بنگاه‌ها از طریق پایداری شرکت‌ها بر عملکرد آن‌ها است. علاوه بر آن، مطابق با مستندات و پژوهش مستقل دیگری که توسط موسسه حسابرسی KPMG (سومین موسسه بزرگ حسابرسی جهان) در سال ۲۰۱۰ بین ۳۷۸ مدیر ارشد شرکت‌های بزرگ جهان صورت گرفته است، مشخص شد که ۶۲ درصد این شرکت‌ها دارای استراتژی پایداری شرکتی هستند و هم‌اکنون در بسیاری از کشورها نظیر دانمارک، برزیل، سنگاپور، فرانسه و آفریقای جنوبی الزامات پایداری شرکتی اجرا می‌شود. شاید به جرت بتوان گفت پایداری شرکت‌ها در قرن حاضر مهمترین دل‌مشغولی دولت‌ها و بنگاه‌ها است.

ظهور مقوله‌هایی چون حسابداری مسئولیت اجتماعی در فرآیند توسعه و تکامل سرمایه‌داری جهانی و تغییر در انتظارات جامعه از بنگاه‌های فراملیتی باعث ایجاد تعاریف جدید و پیدایش پدیده‌هایی همچون حاکمیت شرکتی، توسعه پایدار و پایداری شرکتی شده که اعمال این گونه پدیده‌ها، مسئولیت مدیران بنگاه‌ها را دوچندان کرده است. از سوی دیگر دولت‌ها و نهادهای نظارتی به‌عنوان امین و ناظر جوامع نیز برای حفاظت از منافع عمومی ناچارند، حوزه نظارتی خود را بر بنگاه‌های اقتصادی تشدید کنند. تحقیقات به‌عمل آمده نشان می‌دهد، اجرای این مسئولیت‌های جدید باعث کاهش هزینه‌های مستقیم شامل مواد اولیه، انرژی و اتلاف وقت و همچنین موجب افزایش بهره‌وری کارکنان (از طریق افزایش انگیزه، کاهش غیبت و دقت بیشتر در فرآیند تولید) شده است. بنابراین، اگر پایداری شرکتی رفع نیازهای فعلی بنگاه‌ها بدون از بین بردن یا به خطر انداختن توانایی و ظرفیت آتی بنگاه‌ها دانسته شود، دولت‌ها و قانون‌گذاران راهکاری جز توصیه به اجرای قانونمند پایداری شرکتی ندارند، تا بتوانند منافع آتی عمومی را حفظ کنند. از بورس‌هایی که به‌تازگی تلاش‌های مؤثری را در این زمینه انجام داده است، بورس مکزیک است. بورس اوراق بهادار مکزیک، سومین شاخص پایداری جهان را طراحی کرده است. این بورس اخیراً راه‌اندازی شاخص پایداری جدید خود را اعلام کرده است که پس از شاخص پایداری لندن و شاخص پایداری داو جونز، سومین شاخص پایداری در نوع خود است.

ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی و توسعه فرضیه‌ها

این پژوهش بر اساس مطالعات انجام‌شده توسط وانگ و همکاران (۲۰۱۵) که برای اندازه‌گیری متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها صورت گرفته و بر اساس شاخص پایداری داو جونز می‌باشد. نتایج پژوهش محققان یادشده نشان داد که بعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اعتبار علائم تجاری برای کلیه چارک‌های در نظر گرفته‌شده، معنی‌دار است. بر این اساس، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و راهبری شرکتی است.

بعد اقتصادی

به لحاظ تاریخی و همچنین در دنیای امروز، مهمترین بعد مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها بعد اقتصادی است که در آن همه کارها و اقدامات اقتصادی سازمان مدنظر قرار می‌گیرد.

به عبارت دیگر، مسئولیت اولیه هر بنگاه اقتصادی کسب سود است. وقتی سازمان سود لازم را به دست آورد و حیات خود را تضمین نمود، می‌تواند به مسئولیت‌های دیگری پردازد و به بیان دیگر اهداف اولیه سازمانی در این بعد مورد توجه قرار می‌گیرد (رویایی و مهردوست، ۱۳۸۸). همچنین، بخش دیگر از بعد اقتصادی، تأمین سود مورد نظر برای ذی‌نفعان و دفاع از ارزش سهم آن‌ها در بازار بورس می‌باشد. از جنبه‌های گوناگون، بعد اقتصادی زیر بنای اصلی فعالیت‌های یک سازمان است. بر اساس نظر مک‌الیستر (۲۰۰۳)، بعد اقتصادی از راه تأثیر بر سود و ارزش سهام ذینفعان، کارمندان، تأمین‌کنندگان و رقبا بر سازمان تأثیر می‌گذارد (رحیم و همکاران، ۲۰۱۱). شربت‌اوغلی و همکاران (۱۳۸۹) نشان دادند که شرکت‌ها در وهله‌ی اول به بعد اقتصادی اهمیت خاصی می‌دهند. بنابراین، انتظار می‌رود که بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی عملکرد مالی شرکت را افزایش دهد. پس فرضیه اول پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اول: بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معنی‌دار دارد.

بعد اجتماعی

دومین بعد مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها، بعد اجتماعی است. از سازمان‌ها انتظار می‌رود که همچون سایر اعضای جامعه به ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و اعتقادات و باورهای مردم احترام گذاشته و شئون اخلاقی را در کارها و فعالیت‌های خود مورد توجه قرار دهند. به بیان دیگر بعد اجتماعی به مسائل فرا قانونی می‌پردازد که پرداختن به آن‌ها از سوی جامعه با ارزش می‌باشد (رویایی و مهردوست، ۱۳۸۸). مهر و وب (۲۰۰۵) معتقدند که فقط جنبه اقتصادی تصمیم‌ها مدنظر نبوده و بر جنبه اجتماعی آن‌ها تأکید می‌شود. بنابراین، انتظار می‌رود که بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی عملکرد مالی شرکت را افزایش دهد. پس فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه دوم: بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معنی‌دار دارد.

بعد زیست محیطی

بعد زیست محیطی، مسئولیت پذیری محیطی است که به عنوان یک جنبه مهم مسئولیت اجتماعی شرط لازم برای بقا و موفقیت بشر می باشد. مسائل محیطی با حقوق بشر، توسعه و مشارکت جامعه و دیگر موضوع های محوری مسئولیت اجتماعی، پیوستگی تنگاتنگی دارد. یک شرکت نمی تواند مسائل و مشکلات محیطی که در آن فعالیت می کند را نادیده بگیرد. شرکت ها می توانند با اقدام برای حفاظت و ترمیم محیط زیست طبیعی مانند کاشت درخت و حفظ مراتع و زمین های کشاورزی و جنگل ها و اکوسیستم های آن، بسیار مسئولانه تر عمل کنند. شرکت ها همچنین، می توانند عملکرد زیست محیطی خود را با جلوگیری از آلودگی ها برای مثال جلوگیری از نشر آلودگی در هوا، ممانعت از تخلیه آلودگی در آب، عدم تولید پسماندهای جامد و مایع، جلوگیری از آلودگی زمین و خاک، عدم استفاده یا دفع مواد شیمیایی خطرناک و سمی و سایر آلودگی های ناشی از فعالیت ها، محصولات و خدمات سازمان، بهبود بخشند (استاندارد ایزو ۲۶۰۰۰، ۱۳۸۹). بنابراین، انتظار می رود که بعد زیست محیطی مسئولیت پذیری اجتماعی عملکرد مالی شرکت را افزایش دهد. پس فرضیه سوم پژوهش به شرح زیر می باشد:

فرضیه سوم: بعد زیست محیطی مسئولیت پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معنی دار دارد.

بعد راهبری شرکتی

تعریف صندوق بین المللی پول و سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی از حاکمیت شرکتی اینچنین است که "ساختار روابط و مسئولیت ها در میان یک گروه اصلی شامل سهامداران، اعضاء هیئت مدیره، مدیرعامل و سایر طرف های ذی ربط برای ترویج عملکرد بهتر در رقابت به منظور دستیابی به اهداف اولیه مشارکت و تنظیم معیارها و اصول نظارتی و کنترلی است".

تعریف فدراسیون بین المللی حسابداران در سال ۲۰۰۲ نیز بیان می کند که "حاکمیت شرکتی عبارت است از مسئولیت ها و شیوه های اعمال شده توسط هیئت مدیره و مدیران با هدف مشخص کردن مسیر راهبردی است که تضمین کننده دستیابی به اهداف، کنترل مناسب ریسک ها و مصرف منابع به طور مسئولانه باشد (تریگر، ۱۹۸۴)". در این تعریف، حاکمیت شرکتی تنها مربوط به اداره عملیات شرکت نیست، بلکه مربوط به هدایت، نظارت و کنترل اعمال مدیران

اجرائی و پاسخگویی آن‌ها به تمام ذی‌نفعان شرکت یا اجتماع می‌باشد. حاکمیت شرکتی عبارت است از فرایند نظارت و کنترل برای تضمین اینکه مدیریت شرکت مطابق با منافع سهامداران عمل می‌نماید (پارکینسون، ۱۹۹۴). در تعاریف فوق به موضوع حاکمیت شرکتی از دیدگاه‌های متفاوتی توجه شده است. در یک طیف، تأکید و توجه بر روابط بین سهامداران و مدیریت در قالب مالی می‌باشد و در طیف دیگر، اشاره به پاسخگویی شرکت در برابر ذینفعان از جمله جامعه دارد، اما به نظر می‌رسد وجه اشتراک تمام تعاریف ارائه شده، اشاره به یک نکته یا مفهوم اساسی یعنی "پاسخگویی" است؛ پاسخگویی در برابر حقوق سهامداران، پاسخگویی در برابر ذینفعان، پاسخگویی در برابر کل جامعه و نسل‌های آتی. بنابراین، انتظار می‌رود که بعد راهبری شرکتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی عملکرد مالی شرکت را افزایش دهد. پس فرضیه چهارم پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه چهارم: بعد راهبری شرکتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معنی‌دار دارد.

راهبرد برند شرکت

پلونسکی و جونز (۲۰۰۶)، بیان می‌کنند مسئولیت اجتماعی شرکت بخشی از راهبرد برند شرکت است و برندسازی مسئولیت اجتماعی شرکتی، صریحاً به معنای آن است که مسئولیت اجتماعی شرکت، بخش مرکزی برند است و فعالیت‌های مربوطه برند را منتقل می‌کند. لو و باتاچاریا (۲۰۰۶) معتقدند که مسئولیت اجتماعی شرکت با رضایت مشتری و توفیق مالی ارتباط تنگاتنگی دارد. چومویلایلوک و باچر (۲۰۱۰) با مطالعه بر روی مشتریان صنعت بانکداری کشور تایلند به این نتیجه رسیدند که برنامه‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی، منجر به افزایش ترجیح و انتخاب برند نزد مشتریان و مصرف‌کنندگان می‌شود. ترجیح برند، به‌طور گسترده‌ای برای ارزیابی اثرات ارزش ویژه برند کاربرد دارد و نشان‌دهنده تمایل به انتخاب و خرید یک برند است (یو و همکاران، ۲۰۰۰). بنابراین، انتظار می‌رود که راهبردهای برند شرکت نظیر پیشراانه اعتبار، وفاداری و توسعه نام و نشان تجاری، عملکرد مالی شرکت را افزایش دهند. پس فرضیه‌های پنجم تا هفتم پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه پنجم: پیشراانه اعتبار نام و نشان تجاری بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معنی‌دار دارد.

فرضیه ششم: پیشرانه وفاداری به نام و نشان تجاری بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معنی دار دارد.

فرضیه هفتم: پیشرانه توسعه نام و نشان تجاری بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معنی دار دارد.

ارزش ویژه نام و نشان تجاری

در عصر جدید که دوران ادغام و خرید شرکت‌ها است، ارزش نام و نشان تجاری یک عامل کلیدی و تعیین کننده در ارزش شرکت و ارزش بازار سهام می‌باشد. نام و نشان تجاری برای هر شرکت از اهمیت زیادی برخوردار است و ایجاد و حفظ موقعیت مناسب آن در اذهان مشتریان یکی از اهداف مهم بازاریابان می‌باشد. نام و نشان تجاری چیزی است که مشتری می‌خرد و کالا چیزی است که در کارخانه تولید می‌شود. کالا به وسیله رقبا قابل تقلید است، اما نام و نشان تجاری منحصر به فرد است (کیم و همکاران، ۲۰۰۳). در ادبیات مربوط به نام تجاری دو روش اصلی برای ارزیابی ارزش ویژه نام تجاری وجود دارد که یکی از آن‌ها شیوه مالی است و بر اساس عواملی همچون ارزیابی سهام، ارزش فعلی و... انجام می‌شود و دیگری از طریق مصرف کنندگان نهایی است (مایر، ۲۰۰۳) و هر چه مصرف کننده ارزیابی بهتری از نام تجاری داشته باشد، میزان آگاهی و وفاداری به شرکت بیشتر می‌شود و سهم بازار و حاشیه سود بیشتری نصیب شرکت می‌شود (ریو و همکاران، ۲۰۰۱). ارزش ویژه برند، مطلوب نهایی یا ارزش افزوده‌ای است که یک محصول به واسطه برند ایجاد می‌کند. ارزش ویژه برند، همانند یک دارایی برای شرکت محسوب می‌گردد که گردش وجوه کسب و کار را افزایش می‌دهد (سایمون و سولیوان، ۱۹۹۳) و یک مفهوم چندبعدی است که با تقویت ابعادش می‌توان آن را افزایش داد. این ابعاد عبارت‌اند از آگاهی، کیفیت ادراک شده، وفاداری، تداعی و سایر دارایی‌های برند (آکر، ۱۹۹۱). یافته‌های پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۵) و خانی و ابراهیمی (۱۳۹۳) نشان دادند که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و مالکیت علائم تجاری، تأثیری مثبت بر عملکرد مالی شرکت دارد. بنابراین، انتظار می‌رود که ارزش نام و نشان تجاری در رابطه با مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت و عملکرد مالی آن، نقش میانجی‌گری داشته باشد. پس فرضیه هشتم پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه هشتم: ارزش نام و نشان تجاری در رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و عملکرد مالی شرکت، نقش میانجی‌گری دارد.

پیشینه پژوهش

نلینگ و وب (۲۰۰۸)، در پژوهشی تحت عنوان «مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی» به بررسی ارتباط بین عملکرد مالی و مسئولیت‌های اجتماعی در ایالات متحده امریکا پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از وجود یک ارتباط منفی و ضعیف بین عملکرد مالی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بوده است.

جوی و همکاران (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان «مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و عملکرد مالی شرکت» به بررسی رابطه بین عملکرد مالی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها پرداختند که در نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از وجود رابطه مثبت بین عملکرد مالی و عملکرد اجتماعی شرکت بود.

ارشد و عثمان (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عملکرد بانک‌های اسلامی مالزی و عملکرد مالی آن‌ها» متوجه شدند که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و عملکرد مالی شرکت‌ها رابطه مثبت وجود دارد. آنان همچنین دریافتند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی با نسبت بازده دارایی‌ها و نسبت بازده حقوق صاحبان سهام ارتباط مثبت دارد.

عقیف و آنانتادجایا (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و عملکرد: شواهدی از اندونزی» به این نتیجه رسیدند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در حوزه کارکنان و اجتماع، اندازه شرکت، سودآوری و اهرم مالی تأثیر مثبت معنی‌داری بر قیمت سهام دارند. بنابراین، می‌توان گفت شواهدی وجود دارد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر سطح عملکرد مالی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد.

بجتی و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی رابطه‌ی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و کارایی بازار سهام» به این نتیجه رسیدند که کارایی بازار سهام در شرکت‌هایی که کیفیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالایی دارند (بزرگ‌تر مساوی ۱۱ درصد) مشاهده می‌شود، اما در شرکت‌هایی که کیفیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی پایینی دارند (کمتر از ۱۱ درصد) مشاهده نشده است.

وانگ و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهش خود با عنوان «تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بر کیفیت برند و عملکرد مالی» به این نتیجه رسیدند که بین بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت با عملکرد مالی شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد، اما بین بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی، بعد زیست محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و بعد راهبری شرکتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی، با عملکرد مالی شرکت رابطه معنی‌داری وجود ندارد. همچنین، پیشرانه اعتبار نام و نشان تجاری و پیشرانه وفاداری به نام و نشان تجاری بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معنی‌داری دارد، اما بین پیشرانه توسعه نام و نشان تجاری و عملکرد مالی شرکت رابطه معنی‌داری وجود ندارد. در نهایت ارزش نام و نشان تجاری در رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و عملکرد مالی شرکت، نقش میانجی ندارد.

در ایران نیز پژوهش‌هایی در این ارتباط انجام شده است. ثقفیان (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت‌های تولیدی سازمان بورس اوراق بهادار تهران» به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت‌های فعال در صنعت مواد و محصولات دارویی پرداخته است. بر اساس نتایج این پژوهش، بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی در شرکت‌های تولیدی بورس اوراق بهادار تهران، رابطه مثبت به اثبات نرسیده است.

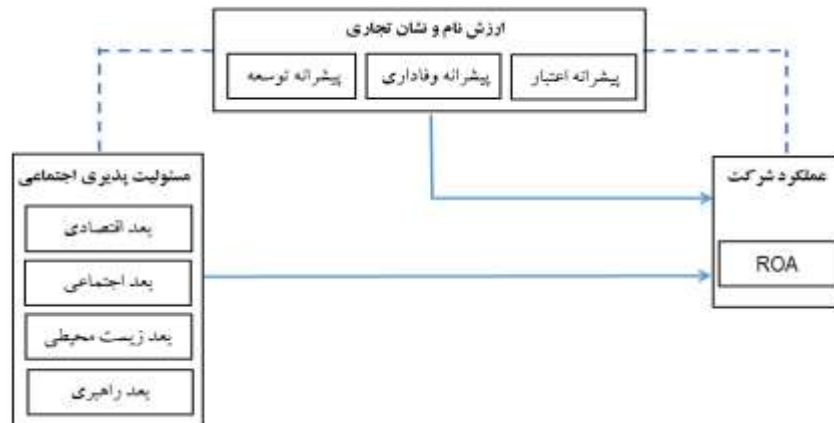
شربت‌اوغلی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «بررسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی نزد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» دریافتند شرکت‌ها در وهله اول به بعد اقتصادی و سپس اخلاقی و حقوقی (البته با اختلاف کم) و در انتها به بعد دوسانه اهمیت می‌دهند. همچنین، شرکت‌های خدماتی نسبت به شرکت‌های تولیدی اهمیت بیشتری برای بعد اخلاقی قائل هستند و بین اندازه‌ی شرکت‌ها و اهمیتی که به بعد اخلاقی در مسئولیت‌پذیری اجتماعی خود می‌دهند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد و شرکت‌های بزرگ‌تر اهمیت بیشتری به بعد اخلاقی می‌دهند.

صنوبر و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «رابطه‌ی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی با عملکرد مالی شرکت‌ها» دریافتند بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و بر اساس ابعاد آن شامل شرایط محیط کار، محیط‌زیست، راهبری شرکت، جامعه و اجتماع محلی و در نهایت رفتار کسب‌وکار با عملکرد مالی شرکت‌ها، رابطه وجود ندارد.

عرب صالحی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی با عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی با عملکرد مالی پرداختند که نتایج پژوهش نشان می‌دهد عملکرد مالی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت نسبت به مشتریان و نهادهای موجود در جامعه ارتباط دارد، اما عملکرد مالی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت نسبت به کارکنان و محیط‌زیست رابطه معنی‌داری ندارد.

بادآور نهندی و برادران حسن‌زاده (۱۳۹۳)، در پژوهش خود تحت عنوان «ارزیابی ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» به این نتیجه رسیدند که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها با ارزش افزوده اقتصادی و نرخ بازده دارایی‌ها، به‌عنوان معیارهای عملکرد، از نظر آماری ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد، اما بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و سایر معیارهای عملکرد از جمله ارزش افزوده بازار، ارزش شرکت، محدودیت مالی و نرخ بازده دارائی‌ها ارتباط معنی‌داری مشاهده نشد.

با بررسی پیشینه پژوهش می‌توان دریافت که تاکنون پژوهشی جهت بررسی ارتباط بین متغیرهای مطالعه حاضر از روش رگرسیون چندکی استفاده ننموده است. پژوهش حاضر با پیشنهاد روش رگرسیون چندکی به‌عنوان روش نوین برآورد عملکرد، بیان می‌کند که این روش می‌تواند ابزاری در جهت برطرف کردن تفاوت بین یافته‌های پژوهشی که از روش‌های رگرسیون حداقل مربعات و زیرمجموعه‌های آن استفاده کرده‌اند، باشد. با استفاده از این روش تصویری کامل و شفاف از اینکه چگونه ابعاد مختلف مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عوامل موثر در ارزش نام و نشان تجاری با عملکرد مالی شرکت در چارک‌های شرطی مختلف مرتبط هستند، ایجاد می‌شود؛ درحالی‌که رگرسیون خطی فقط اثرات میانگین شرطی یک متغیر پاسخ را برآورد می‌کند که به دلیل همپوشانی متغیرها گاهی نتایج گمراه‌کننده‌ای حاصل می‌شود. از طرفی، پژوهش حاضر مدل مفهومی را به‌منظور آزمودن نقش میانجی‌گری ارزش نام و نشان تجاری در ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی با عملکرد مالی شرکت، ارائه کرده است. مدل مفهومی به شرح نمودار (۱)، چگونگی ارتباط بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.



نمودار (۱): مدل مفهومی

در این پژوهش با استفاده از مدل معادلات ساختاری و روش رگرسیون چندکی، اثر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت و ارزش نام و نشان تجاری به طور هم‌زمان بر عملکرد شرکت مورد بررسی قرار گرفته است که در ادامه روش اجرای پژوهش تشریح شده است.

روش اجرای پژوهش

نوع پژوهش از نظر هدف بنیادی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی و از نوع همبستگی و به طور مشخص مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری است، زیرا از یک طرف وضع موجود را بررسی می‌کند و از طرف دیگر، رابطه‌ی بین متغیرهای مختلف را با استفاده از دستگاه معادلات ساختاری تعیین می‌کند. همچنین، با استفاده از رگرسیون به بررسی اثر متغیرها می‌پردازد. نتایج پژوهش‌های بررسی شده نشان می‌دهد که معیارهای عملکرد مالی شرکت یعنی بازده دارایی‌ها گویای این مطلب است که میان یافته‌های محققان مالی تفاوت‌های فاحشی وجود دارد، که به نظر می‌رسد مهمترین عامل این تفاوت‌ها روش‌های مختلف آماری بکارگرفته شده می‌باشد. در اکثر داده‌های مالی فرض اساسی نرمال بودن متغیر وابسته برقرار نیست. به همین دلیل نتایج حاصل از رگرسیون نهایی که بر پایه نرمال بودن داده‌ها است، قابل اعتماد نمی‌باشد. به همین دلیل همواره محققان در حوزه مالی به دنبال روش‌های جایگزین برای حل این مشکل هستند. پژوهش حاضر با پیشنهاد روش رگرسیون چندکی برای ارزیابی عملکرد مالی شرکت،

این روش را به‌عنوان ابزاری در جهت برطرف کردن تفاوت بین یافته‌های پژوهش‌هایی که از روش‌های رگرسیون حداقل مربعات و زیر مجموعه‌های آن استفاده شده است، ارائه می‌دهد. به‌عبارتی، برای آزمون فرضیه‌های اول تا ششم پژوهش از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی و مدل رگرسیون چندکی، استفاده خواهد شد. در رگرسیون چندکی منحنی رگرسیونی به‌گونه‌ای برازش می‌شود که در مجموع فاصله نقاط از آن به حداقل برسد. رگرسیون چندکی رویکردی متفاوت برای معرفی ترکیب روابطی است که از طریق رگرسیون خطی قابل تعریف نیست. با استفاده از این روش تصویری کامل و شفاف از اینکه چگونه سازوکارهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت با عملکرد مالی شرکت در چارک‌های شرطی مختلف مرتبط هستند، ایجاد می‌شود و این در حالی است که رگرسیون خطی فقط اثرات میانگین شرطی یک متغیر پاسخ را برآورد می‌کند که بدلیل هم‌پوشانی متغیرها، گاهاً نتایج گمراه‌کننده‌ای حاصل می‌شود. بنابراین، با به‌کارگیری این نوع رگرسیون، می‌توان به این سوال که آیا اثر و اهمیت رابطه عملکرد مالی شرکت و سازوکارهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت در سطوح مختلف عملکرد متفاوت هستند یا خیر، پاسخ داد.

در این پژوهش در مجموع، ۵ مدل به ازای ۵ چارک، ۰/۰۵، ۰/۲۵، ۰/۵۰، ۰/۷۵ و ۰/۹۵ بر روی داده‌ها، برازش و ضرایب رگرسیون مربوط به هر چارک با استفاده از رابطه‌های تعریف شده برآورد می‌شوند. برخلاف رگرسیون حداقل مربعات که برای برآورد میانگین شرطی از حداقل کردن مانده‌ها استفاده می‌کند، روش رگرسیون چندکی برای برآورد چندک‌های شرطی از حداقل کردن قدر مطلق موزون مانده‌های نامتقارن استفاده می‌کند. اگر مدل رگرسیون خطی به‌صورت: $Y_i = X_i + \varepsilon_i$ باشد و فرض شود $Q_Y(\varepsilon_{\tau_i} | X_i) = 0$ ، آن‌گاه تابع چندک شرطی τ ام توزیع Y به شرط متغیر توضیحی X به صورت $Q_Y(\varepsilon_{\tau_i} | X_i) = X_i^T \hat{\beta}(\tau)$ در می‌آید. برای برآورد پارامترهای رگرسیون چندکی از روش حداقل قدر مطلق انحرافات استفاده می‌شود و پارامتر چندکی τ به شرح رابطه (۱) برآورد می‌شود.

رابطه (۱)

$$\hat{\beta}(\tau) = \min \left[\sum_{i \in \{i: y_i \geq x_i^T \beta\}} \tau |y_i - x_i^T \beta(\tau)| + \sum_{i \in \{i: y_i < x_i^T \beta\}} (1 - \tau) |y_i - x_i^T \beta(\tau)| \right]$$

بر اساس مقدار آماره $Pseudo R^2$ ، می‌توان گفت که آیا یافته‌های مدل خطی رگرسیون چندکی از نیکویی برازش برخوردار است یا خیر. همچنین، این آماره جهت بررسی صحت مدل مورد توجه قرار خواهد گرفت. محاسبات مربوط به این آماره در زمان اجرای مدل، توسط نرم‌افزار انجام می‌شود. شایان ذکر است برای برآورد مدل رگرسیون، بررسی ناهمسانی واریانس، خودهمبستگی و هم‌خطی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین، قبل از آنکه مدل برآورد گردد، این فروض مورد آزمون قرار خواهد گرفت.

از آنجا که مدل مفهومی پژوهش حاضر، درصدد بررسی روابط علی بین سه متغیر (مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، ارزش نام تجاری و عملکرد مالی شرکت) است، به‌منظور فراهم شدن امکان تحلیل همزمان روابط متغیرها و جهت بررسی صحت و سقم فرضیه هشتم پژوهش از روابط علی مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. مدل‌سازی معادلات ساختاری یک تکنیک تحلیل چند متغیری کلی و بسیار نیرومند از خانواده رگرسیون چندمتغیری و به بیان دقیق‌تر بسط مدل خطی کلی است، که به پژوهشگر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به‌گونه‌ای همزمان مورد آزمون قرار دهد و به بررسی همزمان روابط بین متغیرهای مختلف بپردازد.

مدل معادلات ساختاری، یک رویکرد آماری جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده و پنهان است که گاه تحلیل ساختاری کواریانس یا مدل‌یابی علی نیز نامیده می‌شود. متغیر پنهان، متغیری است که به‌طور مستقیم اندازه‌گیری نمی‌شود، بلکه با استفاده از دو یا تعداد بیشتری از متغیرهای مشاهده شده در نقش معرف، سنجش می‌شود. مدل‌سازی معادلات ساختاری از دو بخش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری تشکیل شده است. بخش اول شامل مدل اندازه‌گیری است که رابطه بین متغیرهای آشکار (اندازه‌گیری شده) و متغیرهای پنهان (برآورد شده یا عامل‌ها) را تعریف می‌کند که متغیرهای پنهان نیز در سطوح مختلف به کار برده می‌شوند (کلین، ۲۰۱۰). در پژوهش حاضر سه متغیر پنهان در سطح اول و هشت متغیر پنهان در سطح دوم که همان ابعاد متغیرهای سطح اول هستند، وجود دارد. معیارهای سنجش مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بر اساس شاخص پایداری داو جونز شامل چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و راهبری شرکتی است. همچنین، بر اساس چارچوب الگوی هیروسه، برای اندازه‌گیری ارزش نام تجاری از سه بعد پیش‌ران اعتبار، پیش‌ران وفاداری و پیش‌ران توسعه

ارزش نام تجاری و به‌منظور سنجش عملکرد سازمانی از شاخص بازده دارایی‌ها استفاده شده است. بخش دوم نیز شامل مدل‌ساختاری است که مشخص می‌کند متغیرهای پنهان چگونه به هم مرتبط شده‌اند. پس از مشخص نمودن مدل پیشنهادی و ورود داده‌های مربوطه به نرم افزار، به‌منظور آزمون برازش مدل با داده‌های جمع‌آوری شده از جامعه مورد مطالعه، مدل‌ساختاری اجرا شد.

با توجه به شاخص‌های برازندگی می‌توان گفت که آیا مدل ساختاری طراحی شده جهت برازش و بررسی روابط بین متغیرها معتبر و قابل قبول است یا خیر. بنابراین، شاخص‌های برازش مناسب مدل شامل X^2 ، GFI (شاخص نکویی برازش)، AGFI (شاخص تعدیل شده نیکویی برازش)، CFI (شاخص برازش مقایسه‌ای) و RMR (ریشه میانگین توان دوم باقی مانده) می‌باشد. بدین صورت که مدلی از برازش مناسب برخوردار است که نسبت X^2 به درجه آزادی (df) آن کمتر از ۳، مقدار CFI بیشتر از ۹۰ درصد، مقدار AGFI بیشتر از ۸۰ درصد و مقدار RMSEA کمتر از ۰/۰۷، باشد. همچنین، برای بررسی میزان معنی دار بودن ضرایب مسیر لازم است تا مقدار t در سطح ۹۹ درصد معنی دار بوده و تأیید شود (کلاتری، ۱۳۸۸). در مدل معادلات ساختاری پس از مشخص نمودن میزان برازش مدل مورد بررسی، باید میزان پایایی مربوط به هر بعد، سازه و یا مدل را مورد ارزیابی قرار داد. جهت بررسی روابط رگرسیونی از نرم افزار ایویوز و برای معادلات ساختاری از نرم افزار پی‌ال‌اس استفاده شده است.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ می‌باشد که اطلاعات مالی مورد نیاز برای انجام این پژوهش شامل صورت‌های مالی حسابرسی شده و یادداشت‌های همراه را در دوره زمانی مذکور به‌طور کامل ارائه کرده باشند. به علت گستردگی حجم جامعه آماری و وجود ناهمگونی‌ها بین اعضای جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده شده و از این‌رو نمونه آماری به روش حذف نظام‌مند انتخاب شده است. این شرایط عبارتند از:

(۱) سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.

(۲) شرکت‌ها تا پایان سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

- ۳) شرکت‌ها نایستی سال مالی خود را در طی دوره‌های مورد نظر تغییر داده باشند.
- ۴) شرکت‌ها طی دوره پژوهش، فعالیت مستمر داشته و سهام آن‌ها مورد معامله قرار گرفته باشد.
- ۵) شرکت‌ها جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گرهای مالی و شرکت‌های لیزینگ) نباشند.

با توجه به محدودیت‌های اعمال شده ۱۷۹ شرکت به عنوان نمونه آماری این پژوهش انتخاب شد. از آن‌جا که هر شرکت در طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ دارای ۵ مجموعه اطلاعات مالی قابل استخراج در صورت‌های مالی است، بنابراین تعداد مشاهدات کل شرکت - سال برابر ۸۹۵ مورد می‌باشد.

فرضیه‌ها و الگوی پژوهش

فرضیه‌های این پژوهش مطابق با مبانی نظری به شرح زیر تبیین شد.

۱. بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معنی‌دار دارد.
۲. بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معنی‌دار دارد.
۳. بعد زیست محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معنی‌دار دارد.
۴. بعد راهبری شرکتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معنی‌دار دارد.
۵. پیشرانه اعتبار نام و نشان تجاری بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معنی‌دار دارد.
۶. پیشرانه وفاداری به نام و نشان تجاری بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معنی‌دار دارد.
۷. پیشرانه توسعه نام و نشان تجاری بر عملکرد مالی شرکت تأثیر معنی‌دار دارد.
۸. ارزش نام و نشان تجاری در رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و عملکرد مالی شرکت، نقش میانجی‌گری دارد.

جهت بررسی آزمون فرضیه‌های پژوهش به پیروی از پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۵) از رابطه (۲) استفاده شده است.

رابطه (۲)

$$PERF_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Eco_{it} + \alpha_2 Sco_{it} + \alpha_3 Env_{it} + \alpha_4 Gov_{it} + \alpha_5 PD_{it} + \alpha_6 LD_{it} + \alpha_7 ED_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در رابطه فوق:

$PERF_{it}$: عملکرد مالی شرکت

Eco_{it} : بعد اقتصادی

Sco_{it} : بعد اجتماعی

Env_{it} : بعد زیست محیطی

Gov_{it} : بعد راهبری شرکتی

PD_{it} : پیشرانه اعتبار

LD_{it} : پیشرانه وفاداری

ED_{it} : پیشرانه توسعه

ε_{it} : جزء اخلاص

در ادامه نحوه سنجش متغیرها بیان شده است.

تعیین و اندازه‌گیری متغیرها

متغیر وابسته

عملکرد مالی (PERF): متغیر وابسته پژوهش حاضر عملکرد مالی است. عملکرد مالی به پیروی از پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۵) با استفاده از بازده دارایی‌ها به شرح رابطه (۳) سنجیده شده است.

رابطه (۳)

$$ROA = \frac{\text{Operating Profit}}{\text{Average assets}}$$

که در این رابطه:

ROA : عملکرد مالی

$Operating Profit$: سود عملیاتی

$Average assets$: میانگین جمع دارایی‌ها (ارزش کل دارایی‌ها در ابتدای دوره به علاوه

ارزش کل دارایی‌ها در پایان دوره تقسیم بر دو)

متغیرهای مستقل

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت (CSR): متغیر مستقل پژوهش حاضر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت است. این متغیر بر اساس شاخص پایداری داوونز سنجیده شده است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و راهبری شرکتی است. در ادامه نحوه اندازه‌گیری هر یک از این ابعاد که از مجموع آن‌ها شاخص مسئولیت‌پذیری اجتماعی به دست می‌آید، تشریح شده است.

بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت: بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت با استفاده از میانگین پرداخت‌های شرکت به سهام‌داران و اعتباردهندگان به شرح رابطه (۴) سنجیده شده است.

رابطه (۴)

$$ECO = \frac{SHCI + CCI}{2}$$

که در این رابطه:

ECO : بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت

$SHCI$: مبالغ پرداختی به سهام‌داران

CCI : مبالغ پرداختی به اعتباردهندگان

این مبالغ به شرح روابط زیر اندازه‌گیری شده است.

مبالغ پرداختی به سهام‌داران ($SHCI$): مبالغ پرداختی به سهام‌داران معادل رتبه‌بندی چندکی سود هر سهم که به شرح رابطه (۵) اندازه‌گیری شده است.

رابطه (۵)

$$SHCI = Score(EPs) = Score \left[\frac{NI}{OS} \right]$$

که در این رابطه:

$SHCI$: مبالغ پرداختی به سهام‌داران

$Score(EPs)$: بیانگر رتبه‌بندی چندکی سود هر سهم

EPs : سود هر سهم

NI : سود خالص

OS : میانگین وزنی تعداد سهام عادی در دست سهام‌داران

مبالغ پرداختی به اعتباردهندگان (CCI): مبالغ پرداختی به اعتباردهندگان معادل رتبه‌بندی چندکی مخارج بهره ایجادشده به کل بدهی است که به شرح رابطه (۶) اندازه‌گیری شده است.

رابطه (۶)

$$CCI = Score(IEr) = Score \left[\frac{IE}{Debt} \right]$$

که در این رابطه:

CCI : مبالغ پرداختی به اعتباردهندگان

$Score(IEr)$: بیانگر رتبه‌بندی چندکی نسبت هزینه بهره به کل بدهی‌ها

IE : هزینه بهره

$Debt$: جمع بدهی‌ها

بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت: بعد اجتماعی متوسط پرداخت‌های شرکت به دولت، کارکنان و تأمین‌کنندگان است که به شرح رابطه (۷) اندازه‌گیری شده است.

رابطه (۷)

$$Soc = \frac{GCI + ECI + SCI}{3}$$

که در این رابطه:

Soc : بعد اجتماعی مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت

GCI : مبالغ پرداختی به دولت

ECI : مبالغ پرداختی به کارکنان

SCI : مبالغ پرداختی به تأمین کنندگان مواد و کالا

این مبالغ به شرح روابط زیر اندازه گیری شده است.

مبالغ پرداختی به دولت (GCI): مبالغ پرداختی به دولت معادل رتبه بندی چند کی هزینه مالیات ایجاد شده نسبت به درآمد فروش است که به شرح رابطه (۸) اندازه گیری شده است.

رابطه (۸)

$$GCI = Score(TER) = Score \left[\frac{TE}{Sales} \right]$$

که در این رابطه:

$Score(TER)$: بیانگر رتبه بندی چند کی نسبت کل هزینه مالیات به فروش

TE : هزینه مالیات

$Sales$: فروش خالص و درآمد حاصل از ارائه خدمات

مبالغ پرداختی به کارکنان (ECI): مبالغ پرداختی به کارکنان معادل رتبه بندی چند کی هزینه حقوق و مزایای کارکنان به ازای هر نفر کارمند نسبت به درآمد فروش است که به شرح رابطه (۹) اندازه گیری شده است.

رابطه (۹)

$$ECI = Score(ASER) = Score \left[\frac{SE/EN}{Sales} \right]$$

که در این رابطه:

ECI : مبالغ پرداختی به کارکنان

$Score(ASER)$: رتبه‌بندی چندکی کل حقوق و مزایای پرداختی برای هریک از کارکنان

SE : کل حقوق و مزایای پرداختی

EN : تعداد کارکنان

$Sales$: فروش خالص و درآمد حاصل از ارائه خدمات

مبالغ پرداختی به تأمین‌کنندگان (SCI): مبالغ پرداختی به تأمین‌کنندگان معادل رتبه‌بندی چندکی خرید سالانه مواد و کالا نسبت به فروش خالص و درآمد حاصل از ارائه خدمات است که به شرح رابطه (۱۰) اندازه‌گیری شده است.

رابطه (۱۰)

$$SCI = Score(PCR) = Score \left[\frac{PC}{Sales} \right]$$

که در این رابطه:

SCI : مبالغ پرداختی به تأمین‌کنندگان مواد و کالا

$Score(PCR)$: رتبه‌بندی چندکی خریدهای سالانه مواد و کالا نسبت به درآمد فروش

PC : خریدهای سالانه مواد و کالا

$Sales$: فروش خالص و درآمد حاصل از ارائه خدمات

بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت: بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت میانگین تعداد دفعات جریمه و مقدار جریمه‌های پرداختی به دلیل آسیب‌های وارده به محیط‌زیست است که به شرح رابطه (۱۱) اندازه‌گیری شده است.

رابطه (۱۱)

$$Env = \frac{EDI + FED}{2}$$

که در این رابطه:

EDI: تعداد دفعات جریمه

FED: مقدار جریمه پرداختی شرکت

نحوه سنجش این دو متغیر محیطی به شرح روابط (۱۲) و (۱۳) اندازه گیری شده است.

تعداد دفعات جریمه (*EDI*): تعداد دفعات جریمه به عنوان متغیر محیطی اول، معادل معکوس رتبه بندی چند کی تعداد دفعات جریمه ایجاد شده به دلیل خطرات زیست محیطی توسط شرکت در یک سال به نسبت متوسط صنعت است. تفسیر این رابطه به معنای آن است که هر چه شرکت آسیب کمتری به محیط زیست وارد کند، نسبت بالاتری خواهد داشت. نحوه سنجش متغیر محیطی اول به شرح رابطه (۱۲) می باشد.

رابطه (۱۲)

$$EDI = Score \left[\frac{ED}{IED} \right]$$

که در این رابطه:

EDI: متغیر محیطی اول

Score $\left[\frac{ED}{IED} \right]$: معادل معکوس رتبه بندی چند کی تعداد دفعات جریمه شرکت

ED: تعداد دفعات جریمه شرکت به دلیل ایجاد خطرات زیست محیطی در یک سال

IED: میانگین تعداد دفعات جریمه صنعت

مقدار جریمه پرداختی شرکت (*FED*): مقدار جریمه پرداختی شرکت به عنوان متغیر محیطی دوم معادل معکوس رتبه بندی چند کی مبلغی است که یک شرکت به عنوان جریمه یا کمک به سازمان حفاظت محیط زیست برای آسیب های وارده به محیط زیست پرداخت می کند. نحوه سنجش متغیر محیطی دوم به شرح رابطه (۱۳) می باشد.

رابطه (۱۳)

$$FED = Score \left[\frac{EF}{IEF} \right]$$

که در این رابطه:

FED : متغیر محیطی دوم

$Score\left[\frac{EF}{IEF}\right]$: معادل معکوس رتبه‌بندی چندکی مبلغ پرداختی به‌عنوان جریمه‌ها

EF : مبلغ پرداختی به‌عنوان جریمه‌ها

IEF : میانگین جریمه پرداختی صنعت

بعد راهبری شرکتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت: بعد راهبری شرکتی میانگین اندازه هیئت‌مدیره و سهام‌داران برون‌سازمانی است که به شرح رابطه (۱۴) اندازه‌گیری شده است.

رابطه (۱۴)

$$Gov = \frac{BOS + ESO}{2}$$

که در این رابطه:

Gov : بعد راهبری شرکتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت

BOS : میانگین اندازه هیئت‌مدیره

ESO : سهام‌داران برون‌سازمانی

اندازه هیئت‌مدیره و سهام‌داران برون‌سازمانی به شرح روابط زیر اندازه‌گیری می‌شوند.

اندازه هیئت‌مدیره (BOS): اندازه هیئت‌مدیره معادل رتبه‌بندی چندکی لگاریتم طبیعی تعداد کل اعضاء هیئت‌مدیره است که به شرح رابطه (۱۵) اندازه‌گیری شده است.

رابطه (۱۵)

$$BOS = Score(BM)$$

که در این رابطه:

BOS : اندازه هیئت‌مدیره

BM : تعداد کل اعضاء هیئت‌مدیره که توسط مجمع تعیین شده

سهام‌داران برون‌سازمانی (*ESO*): سهام‌داران برون‌سازمانی معادل رتبه‌بندی چندکی جمع سهام‌داران برون‌سازمانی که بیش از ۵ درصد سهام شرکت را دارند نسبت به تعداد سهام کل شرکت است است که به شرح رابطه (۱۶) اندازه‌گیری شده است.

رابطه (۱۶)

$$ESO = Score \left[\frac{EXT}{TCC} \right]$$

که در این رابطه:

ESO: رتبه‌بندی چندکی سهام‌داران برون‌سازمانی

EXT: جمع سهام‌داران برون‌سازمانی

TCC: تعداد سهام کل شرکت

شاخص مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت: شاخص مسئولیت‌پذیری اجتماعی برابر با جمع *ECO*، *oc*، *Env* و *Gov* به شرح رابطه (۱۷) است.

رابطه (۱۷)

$$CSR = (w_1 \times ECO) + (w_2 \times Soc) + (w_3 \times Env) + (w_4 \times Gov)$$

که در این رابطه:

w_1, w_2, w_3, w_4 : وزن هر یک از پارامترها است.

به دلیل اینکه هیچ‌کدام از پژوهش‌های قبلی از روش‌های وزنی استفاده نکرده‌اند، این پژوهش از یک‌رویه وزنی برابر در اندازه‌گیری شاخص مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت استفاده نموده است.

ECO: بعد اقتصادی

Soc: بعد اجتماعی

Env: بعد زیست محیطی

Gov: بعد راهبری شرکتی

متغیر تعدیل‌گر

ارزش نام و نشان تجاری (BV): ارزش نام و نشان تجاری، به عنوان متغیر میانجی پژوهش می‌باشد که با توجه به انواع مختلف بازاریابی و نمونه‌های مالی، ارزش نام تجاری را در نظر می‌گیرند. وزارت اقتصاد بازرگانی و صنعت ژاپن، الگوی هیروس را ایجاد نمود که ارزش نام تجاری را بر اساس اطلاعات عمومی مالی مطرح نموده و معمولاً عینی‌تر از سایر روش‌های ارزیابی است. این پژوهش، الگوی هیروس را در ارزیابی تحلیل‌ها اعمال می‌کند. این پژوهش ارزش نام تجاری را به عنوان تابعی از سه عامل زیر فرض می‌کند.

رابطه (۱۸)

$$BV = \int (PD, LD, ED, r) = \frac{PD}{r} \times LD \times ED$$

که در این رابطه:

PD : پیشرانه اعتبار ارزش نام تجاری

LD : پیشرانه وفاداری به ارزش نام تجاری

ED : پیشرانه توسعه ارزش نام تجاری

r : نرخ بهره بدون ریسک

نحوه سنجش هر کدام از این متغیرها در ادامه ارائه شده است.

پیشرانه اعتبار ارزش نام تجاری (PD): پیشرانه اعتبار ارزش نام تجاری معادل جریان‌های نقدی قابل استناد به مزیت‌های قیمت یا مازاد ارزش نام تجاری است. نسبت هزینه تبلیغات و آگهی، یا هزینه مدیریت نام تجاری، به کل هزینه‌های عملیاتی، نرخ تخصیص یافته، معرف نام تجاری است که به شرح رابطه (۱۹) اندازه‌گیری شده است.

رابطه (۱۹)

$$PD = \frac{1}{5} \sum_{i=-4}^0 \left\{ \left[\frac{S_i}{C_i} - \frac{S_i^*}{C_i^*} \right] * \frac{AD_i}{OE_i} \right\} * C_0$$

که در این رابطه:

PD : پیشرانه اعتبار ارزش نام تجاری

S : فروش شرکت

C : هزینه‌های فروش شرکت

S^* : فروش شرکت معیار

C^* : هزینه‌های فروش شرکت معیار

AD : هزینه تبلیغات و آگهی

OE : هزینه‌های عملیاتی کل

شرکتی به عنوان شرکت معیار است که کوچک‌ترین شاخص قیمت واحد در محدوده آماری $\pm 3\sigma$ را در هر صنعت داشته باشد.

پیشرانه وفاداری به ارزش نام تجاری (LD): به توانایی یک نام تجاری برای حفظ فروش پایدار در طول یک دوره طولانی مدت با استفاده از وفاداری مشتری و حفظ موقعیت در یک نوع تجارت اشاره دارد. پیشرانه وفاداری به ارزش نام تجاری، پایداری هزینه‌های فروش است که به شرح رابطه (۲۰) اندازه‌گیری شده است.

رابطه (۲۰)

$$LD = \frac{\mu C - \sigma C}{\mu C}$$

که در این رابطه:

LD : پیشرانه وفاداری به ارزش نام تجاری

μC : میانگین هزینه‌های فروش پنج سال شرکت

σC : میانگین انحراف از هزینه‌های فروش پنج سال شرکت

پیشرانه توسعه ارزش نام تجاری (ED): پیشرانه توسعه ارزش نام تجاری بیانگر قابلیت توسعه نام تجاری بوده که بیانگر توانایی یک نام تجاری مشهور برای گسترش در بخش صنعت و ناحیه‌ی جغرافیایی خاصی است. بنابراین، این پژوهش پیشرانه توسعه ارزش نام تجاری را با استفاده از تمرکز بر روی فروش غیرعملیاتی و خارجی شرکت‌ها به شرح رابطه (۲۱) اندازه‌گیری می‌کند.

رابطه (۲۱)

$$ED = \frac{1}{2} \sum_{i=-1}^0 \left[\frac{SX_i - SX_{i-1}}{SX_{i-1}} + 1 \right]$$

که در این رابطه:

ED : پیش‌رانه توسعه ارزش نام تجاری

SX : فروش غیر عملیاتی و خارجی شرکت

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر به دو بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه شده است که در ادامه بیان شده است.

آمار توصیفی

نگاره (۱) آمار توصیفی متغیرهای وابسته، مستقل و تعدیل‌گر را برای کلیه مشاهدات این پژوهش نشان می‌دهد.

نگاره (۱): آمار توصیفی

| متغیرها | PERF | ECO | SCO | Env | COV | PD | LD | ED |
|--------------|-------|-------|------|------|------|------|-------|------|
| میانگین | ۰/۱۲ | ۰/۰۳ | ۰/۱۶ | ۰/۰۱ | ۱/۱۷ | ۰/۲۸ | ۰/۶۴ | ۰/۳۴ |
| میانه | ۰/۱۰ | ۰/۰۲ | ۰/۱۶ | ۰/۰۰ | ۱/۱۹ | ۰/۲۶ | ۰/۶۸ | ۰/۳۶ |
| بیشینه | ۵/۵۷ | ۰/۹۴ | ۱/۲۰ | ۰/۰۱ | ۱/۳۰ | ۰/۸۱ | ۰/۹۵ | ۰/۹۹ |
| کمینه | -۲/۴۴ | -۰/۰۱ | ۰/۰۰ | ۰/۰۱ | ۰/۰۰ | ۰/۱۴ | -۰/۳۷ | ۰/۰۰ |
| انحراف معیار | ۰/۲۷ | ۰/۰۵ | ۰/۱۱ | ۰/۰۰ | ۰/۱۰ | ۰/۰۷ | ۰/۱۸ | ۰/۳۲ |

منبع: یافته‌های پژوهش

از بین شاخص‌های مرکزی بیان شده میانگین مهمترین آن‌ها محسوب می‌شود که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. میانگین، شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال میانگین عملکرد مالی شرکت برابر با ۰/۱۲۹۱۳۶ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر در حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های

مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در نگاره (۱) مشاهده می‌شود میانه متغیر بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی برابر با $0/028970$ است که نشان می‌دهد نیمی از داده‌های این متغیر کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار می‌باشد. همچنین، شاخص‌های پراکندگی به‌طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیر به مدل رگرسیونی می‌باشد، انحراف معیار است. همان‌طور که در نگاره (۱) نیز قابل مشاهده است، انحراف معیار متغیرها صفر نبوده و حائز این شرط می‌باشند. به عنوان مثال، در جامعه آماری مورد بررسی انحراف معیار متغیر بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی برابر با $0/110454$ است.

آمار استنباطی

جهت بررسی فرضیه‌های اول تا ششم پژوهش از مدل رگرسیون چندکی، استفاده شده است. در رگرسیون چندکی منحنی رگرسیونی به‌گونه‌ای برازش داده می‌شود که در مجموع فاصله نقاط از آن به حداقل برسد. برای برآورد مدل رگرسیون، بررسی خودهمبستگی و هم خطی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین، قبل از آن‌که مدل‌ها برآورد گردد، این فروض مورد آزمون قرار گرفته شده است. در ادامه به بررسی فروض کلاسیک رگرسیونی پرداخته شده است.

نتایج فروض کلاسیک

یکی از موضوعات مهمی که در اقتصاد سنجی با آن برخورد می‌شود، موضوع واریانس ناهمسانی است. واریانس ناهمسانی به این معناست که در تخمین مدل رگرسیون مقادیر جملات خطا دارای واریانس‌های نابرابر هستند. به منظور برآورد واریانس ناهمسانی در این پژوهش از آزمون وایت استفاده شده است. از دیگر مفروضات اصلی مدل‌های رگرسیونی، آزمون تشخیص وجود خود همبستگی می‌باشد. در مطالعه حاضر از آزمون بروش گادفری برای تشخیص وجود و یا عدم وجود خودهمبستگی استفاده شده است. در صورتی که سطح معنی‌داری به دست آمده کمتر از $0/05$ باشد، خودهمبستگی وجود دارد. در نهایت به منظور بررسی خطای هم خطی

به‌عنوان دیگر مفروضات فرعی مدل‌های رگرسیونی، از آزمون وایف استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون‌ها به صورت نگاره (۲) بیان شده است.

نگاره (۲): نتایج مفروضات رگرسیونی

| ناهمسانی واریانس | | آزمون خود همبستگی | | 1/ VIF تلورانس | VIF تورم واریانس | نماد متغیر | متغیر |
|------------------|---------|-------------------|---------|-------------------|------------------------|---------------|------------------|
| سطح معنی داری | آماره F | سطح معنی داری | آماره F | | | | |
| ۰/۶۹۲۷ | ۰/۶۴۶۸ | ۰/۴۶۰۶ | ۰/۹۴۶۶ | ۱/۰۱۷ | ۱/۴۸۱ | ECO | بعد اقتصادی |
| | | | | ۱/۱۳۶ | ۳/۵۹۳ | SCO | بعد اجتماعی |
| | | | | ۱/۰۵۶ | ۱/۶۳۲ | Env | بعد زیست محیطی |
| | | | | ۱/۰۱۹ | ۱/۲۴۹ | COV | بعد راهبری شرکتی |

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه ضریب VIF برای کلیه متغیرهای مستقل کمتر از ۱۰ می‌باشد، بنابراین خطای هم‌خطی وجود ندارد. همچنین، چون سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵ است، خودهمبستگی نیز وجود ندارد. بنابراین، نیازی به اضافه کردن متغیر (1) AR به مدل نیست. در آزمون وایت هم با توجه به اینکه p-value به دست آمده برای مدل بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین مدل دارای همسانی واریانس می‌باشد. از این رو می‌توان مدل پژوهش را با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی یا OLS برازش نمود.

نگاره (۳): انتخاب نوع داده‌ها

| آزمون H هاسمن | | | آزمون F لیمر | | |
|---------------|--------|-------------|------------------|--------|--------------|
| نتیجه | احتمال | آماره هاسمن | نتیجه | احتمال | آماره F لیمر |
| اثرات تصادفی | ۰/۳۸۱۵ | ۶/۳۸ | داده‌های تابلویی | ۰/۰۰۰ | ۳/۷۱ |

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون F لیمر در نگاره (۳) برای مدل پژوهش نشان می‌دهد که برای تخمین مدل، روش به کارگیری داده‌ها تابلویی است، زیرا مقدار احتمال مربوط به این آماره برای مدل پژوهش یعنی اثر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بر عملکرد آن با توجه به نقش میانجی ارزش نام و نشان تجاری از سطح معنی‌داری ۵ درصد (۰/۰۵) کمتر است، بنابراین فرض صفر آزمون مبنی بر

تلفیقی بودن داده‌ها برای مدل پژوهش پذیرفته نمی‌شود و رویکرد تابلویی برای داده‌های پژوهش تأیید می‌شود. همچنین، با توجه به آزمون F لیمر، لازم است آزمون هاسمن برای تعیین نوع داده‌های تابلویی انجام گیرد. نتیجه آزمون هاسمن برای مدل پژوهش نشان می‌دهد که داده‌ها، تابلویی با اثرات ثابت یا تصادفی هستند، زیرا مقدار احتمال مربوط به این آماره برای مدل پژوهش، از سطح معنی‌داری ۵ درصد (۰/۰۵) بیشتر است. بنابراین، مدل پژوهش بر روی متغیرهای مورد نظر بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی تخمین زده می‌شود.

برازش مدل

در این بخش نتایج حاصل از برازش مدل پژوهش ارائه می‌گردد.

نگاره (۳): نتایج تخمین مدل با رویکرد حداقل مربعات و رگرسیون چندکی در پنج سناریو

| $PERF_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 ECO_{it} + \alpha_2 Sco_{it} + \alpha_3 Env_{it} + \alpha_4 Gov_{it} + \alpha_5 PD_{it} + \alpha_6 LD_{it} + \alpha_7 ED_{it} + \varepsilon_{it}$ | | | | | | | | | | | |
|--|---------|---------------|--------|---------------|---------|---------------|---------|---------------|----------|---------------|-------|
| چارک ۰/۹۵ | | چارک ۰/۷۵ | | چارک ۰/۵۰ | | چارک ۰/۲۵ | | چارک ۰/۰۵ | | حداقل مربعات | |
| متغیرها | ضرایب | سطح معنی‌داری | ضرایب | سطح معنی‌داری | ضرایب | سطح معنی‌داری | ضرایب | سطح معنی‌داری | ضرایب | سطح معنی‌داری | ضرایب |
| بعد اقتصادی | ۰/۲۶۲ | ***۰/۰۳ | ۰/۷۵ | ***۰/۰۱ | ۰/۵۰ | ***۰/۰۸ | ۰/۴۹ | ***۰/۰۵ | ۰/۳۲ | ***۰/۰۰ | ۰/۹۵ |
| بعد اجتماعی | -۰/۰۸۰ | ۰/۱۴ | ۰/۰۳ | ۰/۰۲ | ***۰/۰۰ | ۰/۰۰ | ***۰/۰۶ | ۰/۰۰ | -۰/۰۳ | ۰/۴۴ | ۰/۹۵ |
| بعد زیست محیطی | -۷۷/۷۴۶ | ۰/۱۲ | ۶۱۹/۶۸ | ۰/۲۳ | ۶۱۹/۲۸ | ۰/۵۲ | -۳۳۷/۶۹ | ۰/۷۴ | -۵۸۶۱/۹۱ | ***۰/۰۰ | ۰/۹۵ |
| بعد راهبری شرکتهای | ۰/۰۴۴ | ۰/۴۴ | ۰/۰۰ | ۰/۸۹ | ۰/۰۳ | ۰/۳۹ | ۰/۰۳ | ۰/۲۷ | -۰/۱۸ | ۰/۹۶ | ۰/۹۵ |
| پیشرانته اعتبار | ۱/۳۱۵ | ***۰/۰۰ | ۰/۹۸ | ***۰/۰۰ | ۱/۱۱ | ***۰/۰۰ | ۱/۲۹ | ***۰/۰۰ | ۱/۵۵ | ***۰/۰۱ | ۰/۹۵ |
| پیشرانته وفاداری | -۰/۴۰ | ***۰/۰۵ | -۰/۰۲ | ***۰/۰۲ | -۰/۰۰ | ۰/۸۷ | -۰/۰۱ | ***۰/۰۱ | ۰/۰۳ | ***۰/۰۰ | ۰/۹۵ |
| پیشرانته توسعه | -۰/۰۵۴ | ۰/۲۹ | ۰/۰۳ | ۰/۱۵ | ۰/۰۱ | ۰/۳۱ | ۰/۰۲ | ۰/۳۱ | -۰/۰۱ | ***۰/۰۰ | ۰/۹۵ |
| نیکویی برازش | - | - | ۰/۱۵ | - | ۰/۲۵ | - | ۰/۲۹ | - | ۰/۲۷ | ۰/۱۸ | ۰/۹۵ |
| تعدیل شده نکویی | - | - | ۰/۱۴ | - | ۰/۱۲ | - | ۰/۲۸ | - | ۰/۲۷ | ۰/۱۸ | ۰/۹۵ |
| سطح معنی‌داری | - | - | ۰/۰۰۰۰ | - | ۰/۰۰۰۰ | - | ۰/۰۰۰۰ | - | ۰/۰۰۰۰ | ۰/۰۰۰۰ | ۰/۹۵ |

منبع: یافته‌های پژوهش

در این پژوهش نخست با رویکرد حداقل مربعات، مدل برازش شده و سپس در مجموع، ۵ مدل به ازای ۵ چارک، ۰/۰۵، ۰/۲۵، ۰/۵۰، ۰/۷۵ و ۱/۰۹۵ بر داده‌ها برازش شده و ضرایب رگرسیون مربوط به هر چارک با استفاده از رابطه‌های تعریف شده برآورد می‌شوند. برازش مدل به شرح نگاره (۳) ارائه شده است.

تأیید متغیر در حداقل سه چارک، به منزله تأیید فرضیه می‌باشد، اما تأیید یک متغیر در یک سطح از چندک به تنهایی به منزله تأیید فرضیه نمی‌باشد.

نتایج فرضیه‌های اول تا ششم

بر اساس نتایج آزمون خود همبستگی و هم‌خطی و نظر به هدف پژوهشی که به بررسی مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی شرکت‌ها در ابعاد مختلف و چارک‌های متفاوت پرداخته است، از مدل رگرسیون چندگانه استفاده شده است. پس از تخمین مدل به بررسی و تفسیر نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است. در قسمت فرضیه‌های پژوهشی، هفت فرضیه مطرح شد که رگرسیون چندگانه پاسخ‌گوی شش فرضیه اول آن بوده است. در این نوع از رگرسیون، مدل رگرسیونی در سطح چارک‌های ۰/۰۵، ۰/۲۵، ۰/۵۰، ۰/۷۵ و ۱/۰۹۵ برازش می‌شوند. چنانچه سطح معنی‌داری مدل رگرسیونی در حداقل سه چارک معنی‌دار باشد، مبنی بر پذیرش فرضیه پژوهشی می‌باشد، که در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود.

نتایج فرضیه اول

فرضیه اول پژوهش درصدد رسیدن به این هدف است که آیا بین بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد یا خیر. نتایج در نگاره (۳) ارائه شده است. بر این اساس، نتایج نشان می‌دهد سطح معنی‌داری برای بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در چارک‌های ۰/۰۵، ۰/۲۵، ۰/۵۰، ۰/۷۵ و ۱/۰۹۵، به ترتیب برابر با ۰/۰۱، ۰/۰۸، ۰/۰۵، ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۰ است. بنابراین، در تمامی چارک‌ها سطح معنی‌داری تأیید شده و در نتیجه شواهد گویای اثرگذاری بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد

^۱ *** پذیرش در سطح ۹۹٪ اطمینان و ۱٪ خطا (P-value < 0/01).

** پذیرش در سطح ۹۵٪ اطمینان و ۵٪ خطا (P-value < 0/05).

* پذیرش در سطح ۹۰٪ اطمینان و ۱۰٪ خطا (P-value < 0/1).

مالی شرکت می‌باشد. در نتیجه فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود و می‌توان گفت که بین بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتایج فرضیه دوم

فرضیه دوم پژوهش درصدد رسیدن به این هدف است که آیا بین بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد یا خیر. نتایج در نگاره (۳) ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد سطح معنی‌داری برای بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در چارک‌های ۰/۰۵، ۰/۲۵، ۰/۵۰، ۰/۷۵ و ۰/۹۵، به ترتیب برابر با ۰/۳۴، ۰/۰۰۰، ۰/۰۰۶، ۰/۹۶ و ۰/۴۴ است که در چارک‌های ۰/۰۵، ۰/۷۵ و ۰/۹۵، سطح معنی‌داری تأیید نشده و در نتیجه شواهد گویای عدم اثرگذاری بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت می‌باشد. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش تأیید نمی‌شود و می‌توان گفت که بین بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

نتایج فرضیه سوم

فرضیه سوم پژوهش درصدد رسیدن به این هدف است که آیا بین بعد زیست محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد یا خیر. نتایج در نگاره (۳) ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد سطح معنی‌داری برای بعد زیست محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در چارک‌های ۰/۰۵، ۰/۲۵، ۰/۵۰، ۰/۷۵ و ۰/۹۵، به ترتیب برابر با ۰/۲۳، ۰/۵۲، ۰/۷۴، ۰/۰۹ و ۰/۰۰۰ است که در چارک‌های ۰/۰۵، ۰/۲۵ و ۰/۵۰، سطح معنی‌داری تأیید نشده و در نتیجه شواهد گویای عدم اثرگذاری بعد زیست محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت می‌باشد. در نتیجه فرضیه سوم پژوهش تأیید نمی‌شود و می‌توان گفت که بین بعد زیست محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

نتایج فرضیه چهارم

فرضیه چهارم پژوهش درصدد رسیدن به این هدف است که آیا بین بعد راهبری شرکتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد یا خیر. نتایج در نگاره (۳) ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد سطح معنی‌داری برای بعد راهبری شرکتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در چارک‌های ۰/۰۵، ۰/۲۵، ۰/۵۰، ۰/۷۵ و ۰/۹۵، به ترتیب برابر با ۰/۸۹، ۰/۳۹، ۰/۲۷، ۰/۴۶ و ۰/۹۶ است که در هیچ کدام از چارک‌ها سطح معنی‌داری تأیید نشده و در نتیجه شواهد گویای عدم اثرگذاری بعد راهبری شرکتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت می‌باشد. در نتیجه فرضیه چهارم پژوهش تأیید نمی‌شود و می‌توان گفت که بین بعد راهبری شرکتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

نتایج فرضیه پنجم

فرضیه پنجم پژوهش درصدد رسیدن به این هدف است که آیا بین پیشرانه اعتبار نام و نشان تجاری و عملکرد مالی شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد یا خیر. نتایج در نگاره (۳) ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد سطح معنی‌داری برای پیشرانه اعتبار نام و نشان تجاری در چارک‌های ۰/۰۵، ۰/۲۵، ۰/۵۰، ۰/۷۵ و ۰/۹۵، به ترتیب برابر است با ۰/۰۰۰، ۰/۰۰۰، ۰/۰۰۰، ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۰ است که در تمامی چارک‌ها سطح معنی‌داری تأیید شده و در نتیجه شواهد گویای اثرگذاری پیشرانه اعتبار نام و نشان تجاری بر عملکرد مالی شرکت می‌باشد. در نتیجه فرضیه پنجم پژوهش تأیید می‌شود و می‌توان گفت که بین پیشرانه اعتبار نام و نشان تجاری و عملکرد مالی شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتایج فرضیه ششم

فرضیه ششم پژوهش درصدد رسیدن به این هدف است که آیا بین پیشرانه وفاداری به نام و نشان تجاری و عملکرد مالی شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد یا خیر. نتایج در نگاره (۳) ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد سطح معنی‌داری برای پیشرانه وفاداری به نام و نشان تجاری در چارک‌های ۰/۰۵، ۰/۲۵، ۰/۵۰، ۰/۷۵ و ۰/۹۵، به ترتیب برابر با ۰/۰۲، ۰/۸۷، ۰/۰۱، ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۰ است.

۰/۰۰۰، است که در چارک ۰/۲۵ سطح معنی داری تأیید نشده و در نتیجه شواهد گویای اثر-گذاری پیشراانه وفاداری به نام و نشان تجاری بر عملکرد مالی شرکت می باشد. در نتیجه ششم پنجم پژوهش تأیید می شود و می توان گفت که بین پیشراانه وفاداری به نام و نشان تجاری و عملکرد مالی شرکت رابطه معنی داری وجود دارد.

نتایج فرضیه هفتم

فرضیه هفتم پژوهش درصدد رسیدن به این هدف است که آیا بین پیشراانه توسعه نام و نشان تجاری و عملکرد مالی شرکت رابطه معنی داری وجود دارد یا خیر. نتایج در نگاره (۳) ارائه شده است. نتایج نشان می دهد سطح معنی داری برای پیشراانه توسعه نام و نشان تجاری در چارک های ۰/۰۵، ۰/۲۵، ۰/۵۰، ۰/۷۵ و ۰/۹۵، به ترتیب برابر است با ۰/۱۵، ۰/۳۱، ۰/۳۱، ۰/۳۱ و ۰/۰۱ و ۰/۰۰۰، است که فقط در چارک ۰/۷۵ و ۰/۹۵ سطح معنی داری تأیید شده و در نتیجه شواهد گویای عدم اثرگذاری پیشراانه توسعه نام و نشان تجاری بر عملکرد مالی شرکت می باشد. در نتیجه فرضیه هفتم پژوهش تأیید نمی شود و می توان گفت که بین پیشراانه توسعه نام و نشان تجاری و عملکرد مالی شرکت رابطه معنی داری وجود ندارد.

نتایج فرضیه هشتم

از آنجا که مدل مفهومی پژوهش حاضر، درصدد بررسی روابط علی بین سه متغیر (مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت، ارزش نام تجاری و عملکرد مالی شرکت) است، به منظور فراهم شدن امکان تحلیل همزمان روابط متغیرها و جهت بررسی صحت و سقم فرضیه هشتم پژوهش از روابط علی مبتنی بر مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج مربوط به ضرایب متغیرهای پژوهش و همچنین بررسی کیفیت مدل مفهومی به شرح نگاره (۸) و (۹) می باشد.

نگاره (۸): آزمون فرضیه هفتم

| متغیر | مسیر | متغیر | نتایج برآورد | خطای استاندارد | آزمون | سطح معنی‌داری |
|-----------------------------------|------|----------------------------|--------------|----------------|-------|---------------|
| ارزش نام نشان تجاری | → | مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت | ۱۰۵/۶۱ | ۱۹۹۶/۳۳ | ۰/۰۵ | ۰/۹۶ |
| عملکرد مالی شرکت | → | مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت | ۴۴۸۱۴۴/۵۸ | ۱۷۵۵۳۱/۸۷ | ۲/۵۸ | ***۰/۰۱ |
| مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت | → | ارزش نام نشان تجاری | ۱۳/۶۸ | ۴/۹۲ | ۲/۷۸ | ***۰/۰۱ |
| پیشرانۀ اعتبار نام نشان تجاری | → | ارزش نام نشان تجاری | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ |
| پیشرانۀ وفاداری به نام نشان تجاری | → | ارزش نام نشان تجاری | -۰/۱۶ | ۰/۰۶ | -۲/۸۲ | ***۰/۰۱ |
| پیشرانۀ توسعه و نام نشان تجاری | → | ارزش نام نشان تجاری | ۰/۰۳ | ۰/۰۵ | ۰/۶۲ | ۰/۵۳ |
| بعد اقتصادی | → | مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت | ۹۲۰۳/۶۷ | ۳۴۲۱/۴۳ | ۲/۶۹ | ***۰/۰۱ |
| بعد اجتماعی | → | مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت | ۷۲۷/۹۴ | ۳۶۱/۷۴ | ۲/۰۱ | **۰/۰۴ |
| بعد زیست محیطی | → | مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ |
| بعد راهبری شرکتی | → | مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت | -۳۰۷/۴۶ | ۴۳۷/۲۰ | -۰/۷۰ | ۰/۴۵ |

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنین، نگاره (۹) نمایانگر شاخص‌های برازندگی مدل مفهومی یا شاخص‌هایی برای تعیین مزیت‌های سازگاری الگو برای تجزیه و تحلیل داده‌ها است. این شاخص‌ها بیانگر این هستند که الگو به سازگاری خوبی با داده‌ها دست می‌یابد. با توجه به شاخص‌های برازندگی می‌توان گفت که مدل ساختاری طراحی شده جهت برازش و بررسی روابط بین متغیرها معتبر و قابل قبول است.

نگاره (۹): شاخص‌های برازش مدل

| شاخص | χ^2 ratio | GFI | AGFI | RMSEA | CFI |
|-------|----------------|-------|-------|-------|-------|
| آماره | ۲/۲۷ | ۰/۹۹ | ۰/۹۸ | ۰/۰۳ | ۰/۹۹ |
| نتایج | مطلوب | مطلوب | مطلوب | مطلوب | مطلوب |

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه هشتم پژوهش درصدد رسیدن به این هدف است که آیا ارزش نام و نشان تجاری در رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و عملکرد نقش میانجی دارد یا خیر. بر اساس نگاره (۸)، نتایج تحلیل معادله ساختاری نشان می‌دهد که ضریب معنی‌داری مسیر برای متغیر ارزش نام و نشان تجاری در رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و عملکرد شرکت از قدر مطلق ۱/۹۶، کمتر است، که حاکی از عدم معنی‌دار بودن اثر در سطح اطمینان ۰/۰۵، می‌باشد، که منجر به رد این فرضیه می‌شود. در نتیجه شواهد گویای این است که ارزش نام و نشان تجاری در رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و عملکرد نقش میانجی ندارد و در نتیجه فرضیه هشتم پژوهش تأیید نمی‌گردد. شواهد در تمامی فرضیه‌ها با پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۵) همخوانی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گر ارزش‌ویژه نام و نشان تجاری است. در این ارتباط، مدل مفهومی به‌منظور آزمودن نقش میانجی‌گری ارزش نام و نشان تجاری در رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی با عملکرد مالی شرکت ارائه شده است که در این پژوهش با استفاده از مدل معادلات ساختاری، اثر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و ارزش نام و نشان تجاری به‌طور هم‌زمان بر عملکرد شرکت مورد بررسی قرار گرفت. این پژوهش با استفاده از روش تطبیقی رگرسیون چندکی و روش حداقل مربعات معمولی، ارتباط بین مسئولیت اجتماعی شرکت را با تأکید بر ارزش نام و نشان تجاری و عملکرد مالی شرکت بررسی نمود. نتایج تجربی بیانگر آن است که داده‌های استفاده شده در رگرسیون چندکی، اجازه می‌دهند که آزمایش‌های عمیق‌تری نسبت به رگرسیون‌های معمولی داشت. یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی این است که شرکت‌های پذیرفته شده

در بورس اوراق بهادار تهران باید به‌طور مداوم در فعالیتهای مسئولیت اجتماعی و مدیریت نام و ارزش تجاری برای به حداکثر رساندن ارزش شرکت خود، فعالیت کنند. تحلیل چندک‌ها در این پژوهش درک خوبی در مطالعه مسئولیت اجتماعی و مدیریت نام و ارزش تجاری را فراهم می‌کند. پژوهش‌های پیشین بیان‌گر این است که محققان مسئولیتهای اجتماعی شرکت و ارزش نام و نشان تجاری را به‌عنوان دارایی‌های نامشهود شرکت که برای سهامداران ایجاد ارزش می‌کنند، معرفی می‌کنند. اگرچه، پژوهش‌های انجام شده فاقد شواهد تجربی در رابطه با مسئولیتهای اجتماعی شرکت و عملکرد نام تجاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس می‌باشند، اما این پژوهش این خلاء را پر می‌کند. بر این اساس، تنها پژوهش انجام شده در این زمینه که نتایج مطالعه حاضر را با آن مورد مقایسه قرار داد، پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۵)، می‌باشد. نتایج در تمامی فرضیه‌ها، با نتایج پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۵) تطبیق دارد. البته پژوهش‌های زیادی در زمینه مسئولیتهای اجتماعی و عملکرد مالی شرکت‌ها در ایران انجام شده است، اما اجرای روش رگرسیون چندکی برای پژوهش‌های مالی و حسابداری به ندرت مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین، تمایز دیگر این پژوهش در بکارگیری متغیر ارزش ویژه نام و نشان تجاری است، که تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، مسئولیتهای اجتماعی شرکت و ارزش نام تجاری، عموماً، می‌توانند سبب افزایش ارزش و عملکرد مالی شرکت شوند. در نتیجه، پیشنهاد می‌شود تا از میزان انجام فعالیتهای مرتبط با مسئولیتهای اجتماعی شرکت‌ها به‌عنوان یکی از مقادیر مشخص انتقادی، برای تفکیک و موفقیت در صنایع بورسی استفاده شود. این یافته‌ها نشان می‌دهند که مسئولیتهای اجتماعی شرکت و ارزش نام تجاری به‌طور مثبت بر روی عملکرد مالی شرکت تأثیر می‌گذارند. این مفهوم می‌تواند به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در راستای مدیریت مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و ارزش نام تجاری برای به حداکثر رساندن ارزش شرکت کمک کند.

همچنین، محدودیت اصلی این پژوهش این است که اگرچه الگوی ارزیابی هیروسه بر نبود عینیت و بی‌طرفی در ارزیابی نام تجاری فائق می‌آید، اما این الگو مشکلاتی در ارزیابی شرکت‌هایی با برنامه‌های تولید چند محصوله مانند شرکت‌های مختلط تولیدی دارد. این محدودیت

سبب ایجاد فرصتهایی برای پژوهش‌های بیشتر بر روی ارتباط مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها و ارزش نام تجاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود.

منابع

- Aaker, D. A. , & Joachimsthaler, E. (2000). The Next Level of the Brand Revolution. *The Free Press, New York, 351p.* Ambler, T. , & Barrow, S. (1996). *The employer brand. Journal of Brand Management, 4*, 185-206.
- Aaker, D. A. , & Joachimsthaler, E. (2012). *Brand leadership*. Simon and Schuster.
- Aaker, David A and Kevin Lane Keller, (1991). "Consumer evaluation of brand extension", *Journal of Marketing*, Vol 54. (Jan) , 27-40.
- Abd Rahim, R. , Jalaludin, F. W. , & Tajuddin, K. (2011). THE IMPORTANCE OF CORPORATE SOCIAL RESPONSIBILITY ON CONSUMER BEHAVIOUR IN MALAYSIA. *Asian academy of management journal, 16* (1).
- Afiff, S. , & Anantadjaya, S. P. (2013). CSR & performance: any evidence from Indonesian LQ45?. *RIBER: Review of Integrative Business & Economics Research, 2* (1) , 85-101.
- Amado, C. A. , Santos, S. P. , & Marques, P. M. (2012). Integrating the Data Envelopment Analysis and the Balanced Scorecard approaches for enhanced performance assessment. *Omega, 40* (3) , 390-403.
- Arab Salehi, M. Sadeghi, G. Minainedin, M. (1392). Investigating the relationship between social responsibility and financial performance of companies accepted in Tehran Stock Exchange. *Experimental Accounting Research, 3* (9): 20-1 (in persian).
- Arshad, R. , Othman, S. , & Othman, R. (2012). Islamic corporate social responsibility, corporate reputation and performance. *International Journal of Economics and Management Engineering, 6* (4) , 643-647.
- Badavar, Y. Baradaran hasan zadeh, R. Ayoub, Y. (2012). Investigating the relationship between environmental efficiency and the return on assets of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Accounting Knowledge, 3* (8): 112-95 (in persian).
- Becchetti, L. , Ciciretti, R. , & Giovannelli, A. (2013). Corporate social responsibility and earnings forecasting unbiasedness. *Journal of Banking & Finance, 37* (9) , 3654-3668.
- Choi, J. S. , Kwak, Y. M. , & Choe, C. (2010). Corporate social responsibility and corporate financial performance: Evidence from Korea. *Australian journal of management, 35* (3) , 291-311.
- Chomvilailuk, R. , & Butcher, K. (2010). Enhancing brand preference through corporate social responsibility initiatives in the Thai banking sector. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*.

- Cravens, K. S. , Oliver, E. G. , & Stewart, J. S. (2010). Can a positive approach to performance evaluation help accomplish your goals?. *Business Horizons*, 53 (3) , 269-279.
- Del Rio, A. B. , Vazquez, R. , & Iglesias, V. (2001). The effects of brand associations on consumer response. *Journal of consumer marketing*.
- Farhanian, S, M, J. Dooyii, M. (2013). Corporate sustainability and the need to pay attention to it in the Iranian capital market. *Monthly magazine* (104): 79-76 (in persian).
- Gil, R. B. , Andres, E. F. , & Salinas, E. M. (2007). Family as a source of consumer-based brand equity. *Journal of product & brand management*.
- Kalantari, K. (2009). *Modeling structural equations in social, economic research (with Liszarl and Sympolis program)*. Farhang sbek Publication, first edition (in persian).
- KhadamiPour, A. Shafiee, H. (2013). Company sustainability and measurement. *Auditor's Magazine*, (69): 3-1 (in persian).
- KhaleghiMoghaddam, H. Berzadeh, F. (2003). Relationship between Different Approaches to Measure Corporate Financial Performance, *Empirical Financial Accounting Studies*, (2) , 83-106 (in persian).
- Khani, A. Ebrahimi, K. (2014). The Impact of Brand Value on Sales Revenue and Corporate Market Value, *New Marketing Research*, 4 (2) 41-54 (in persian).
- Khudhair, A. A. , Norwani, N. M. , Ahmed, A. A. H. K. , & Aljajawy, T. M. (2019). The Relationship between Corporate Social Responsibility and Financial Performance of Iraqi Corporations: A Literature. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 15 (1) , 28-33.
- Kim, H. B. , Kim, W. G. , & An, J. A. (2003). The effect of consumer-based brand equity on firms' financial performance. *Journal of consumer marketing*.
- Kline, R. B. (2015). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications.
- Luo, X. , & Bhattacharya, C. B. (2006). Corporate social responsibility, customer satisfaction, and market value. *Journal of marketing*, 70 (4) , 1-18.
- McAllister, D. J. (1995). Affect-and cognition-based trust as foundations for interpersonal cooperation in organizations. *Academy of management journal*, 38 (1) , 24-59.
- Mohr, L. A. , & Webb, D. J. (2005). The effects of corporate social responsibility and price on consumer responses. *Journal of consumer affairs*, 39 (1) , 121-147.
- Mortazavi, S. PourAzad, N. AmirRazavi, P. Sadeghi Moghadam, M. (2010). The Study of the Moderating Modalities of the Importance of Social Responsibility on the Relationship between Social Responsibility and Organizational Commitment; Case Study: Food Industry Companies of Mashhad. *Journal of Social Science, Faculty of Science Literature and Human Sciences of Ferdowsi University of Mashhad*, (2) 7, 217-193 (in persian).
- Myers, C. A. (2003). Managing brand equity: a look at the impact of attributes. *Journal of product & brand management*.
- Nelling, E. , & Webb, E. (2009). Corporate social responsibility and financial performance: the "virtuous circle" revisited. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 32 (2) , 197-209.

- Omidwar, a. (2009). Promote corporate social responsibility. Complementary and alternative policies and government mandates. Center for Strategic Research. (33): 9-87.
- Parkinson, J. E. (1995). Corporate power and responsibility: Issues in the theory of company law. *OUP Catalogue*.
- Polonsky, M. J. , & Jevons, C. (2006). Understanding issue complexity when building a socially responsible brand. *European business review*.
- Rahimian, N. Rezapur, N. Akhzari, H. (2011). "The Role of Ownership Ownership in the Audit Quality of Accepted Companies in Tehran Stock Exchange", *Audit Knowledge*, 45, 81-68 (in persian).
- RamezanAli, D. Mehrdost, H. (2009). Investigating the Role of Cultural Managers in Promoting Social Responsibility (Case Study: Single Post Managers of Voice and Television Organization) , *Quarterly Journal of Social Sciences Research*, 3 (3) (in persian).
- Saghafian, H. (2009). *Investigating the Relationship between Social Responsibility and Financial Performance of Manufacturing Companies of Tehran Stock Exchange*. Master's dissertation, Tabriz Al-Ghadir Institute (in persian).
- Sanobar, N. Khalili, M. Saghafian, H. (2010). Investigating the Relationship between Social Responsibility and Corporate Financial Performance. *Journal of Research in Business Management*, 2 (4): 28-25 (in persian).
- SharbatOghly, A. Afshari, D. Najmi, M. (2010). Social Responsibility for the Companies Accepted in the Tehran Stock Exchange, *The Journal of Management Science of Iran*, 5 (in persian).
- Simon, C. J. , & Sullivan, M. W. (1993). The measurement and determinants of brand equity: A financial approach. *Marketing science*, 12 (1) , 28-52.
- Tricker, R. (1984). "International Corporate Governance", Singapore: Prentice-Hall.
- Wang, D. H. M. , Chen, P. H. , Yu, T. H. K. , & Hsiao, C. Y. (2015). The effects of corporate social responsibility on brand equity and firm performance. *Journal of business research*, 68 (11) , 2232-2236.
- Yazdani, A. (2009). *Investigating the relationship between environmental efficiency and asset returns of companies accepted in Tehran Stock Exchange*, Master's dissertation, Islamic Azad University of Tabriz (in persian).
- Yoo, B. , Donthu, N. , & Lee, S. (2000). An examination of selected marketing mix elements and brand equity. *Journal of the academy of marketing science*, 28 (2) , 195-211.

رابطه افشای اطلاعات مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت و

دقت پیش بینی مدیران

رضوان حجازی^۱، حسین رجب‌دوری^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و دقت پیش‌بینی مدیران در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. براساس فرضیه افشای شفاف مبتنی بر نظریه ذی‌نفعان، این دو متغیر دارای رابطه مثبت بوده و براساس فرضیه افشای فرصت‌طلبانه مبتنی بر نظریه نمایندگی، روابط این دو متغیر منفی است. دوره زمانی مورد مطالعه شامل سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ و نمونه برگزیده متشکل از ۸۹ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. همچنین، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی استفاده شده است. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان داد بین افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و دقت پیش‌بینی مدیران رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد که مؤید فرضیه افشای شفاف تحت نظریه ذی‌نفعان است.

واژه‌های کلیدی: افشای اطلاعات، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، دقت پیش‌بینی مدیران.

طبقه‌بندی موضوعی: G11, M19

DOI: 10.22051/ijar.2018.21343.1414

^۱ استاد حسابداری دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران، (hejazi33@gmail.com)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران، نویسنده مسئول، (Hosrado@gmail.com)

مقدمه

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، تحت عنوان فعالیت‌های مدیریتی برای پیشبرد خیر و صلاح اجتماعی، فراتر از آنچه قوانین و مقررات از سوی ذی‌نفعان در جامعه مقرر نموده‌اند، تعریف می‌شود (سیگل و ویتالیانو، ۲۰۰۷). در سال‌های اخیر، مسئولیت اجتماعی شرکت به‌عنوان یک دیدگاه غالب در دنیای تجارت مطرح شده است. بسیاری از شرکت‌ها، تعهدهایی را در این حوزه مطرح کرده، طرح‌های مربوط به آن را آغاز کرده، کمیته‌های مربوطه را شکل داده‌اند و گزارش‌هایی را در این راستا ارائه می‌کنند (کیم و همکاران، ۲۰۱۴).

از آنجاکه مسئولیت اجتماعی شرکت به یکی از فعالیت‌های اصلی کسب‌وکار تبدیل شده است، می‌توان آن را به‌عنوان یکی از حوزه‌های اصلی مدیریت در کنار حوزه‌هایی مانند بازاریابی، حسابداری و یا مسائل مالی به شمار آورد (کراین و همکاران، ۲۰۰۸). شرکت‌های عامل به مسئولیت‌پذیری اجتماعی، شرکت‌هایی هستند که اقدام‌های اجتماعی شرکت را در راستای برآورده ساختن توقعات و انتظارات اخلاقی ذی‌نفعان گوناگون، به انجام می‌رسانند (سیگل و ویتالیانو، ۲۰۰۷؛ کیم و همکاران، ۲۰۱۲). پیش‌بینی‌های مدیران در مورد سود و افشای داوطلبانه نیز پیرامون انتظارات و توقعات آینده در مورد سود شرکت است. آنان دارای حجم قابل توجهی از صلاح‌دید و اختیار در زمینه دقت پیش‌بینی در مورد سود شرکت هستند (هرست و همکاران، ۲۰۰۸). اگر مدیران بخواهند در مورد افشای اطلاعات آینده اعتباری را به دست آورند، اطلاعات دقیق‌تر و کمتر جانبدارانه را ارائه خواهند کرد (کینگ و همکاران، ۱۹۹۰). در این زمینه، گراهام و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهش خود دریافتند که پروراندن و توسعه اعتبار و حیثیت در گزارشگری شفاف، عامل کلیدی است که افشای اطلاعات داوطلبانه را برمی‌انگیزد. در مقابل، ممکن است مدیران پیش‌بینی‌های با دقت کمتر و کمتر خوش‌بینانه را در مواقعی که انگیزه افشای اخبار خوب در مورد سود شرکت را برای منافع شخصی خود داشته باشند، انتشار دهند (نو، ۱۹۹۹؛ روجرز و استوکن، ۲۰۰۵). بنابراین، برای بررسی این مساله در بازار سرمایه ایران، لازم است که تحت پژوهشی تجربی در آن ورود نمود.

با توجه به انگیزه‌های افشای اطلاعات مدیران برای اعتبار و حیثیت شرکت در مقایسه با دستاوردهای شخصی، پژوهش‌های صورت گرفته پیشین، پیش‌بینی‌های متفاوتی در مورد رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و کیفیت گزارشگری مالی ارائه کرده‌اند. فرضیه افشای

شفاف مبتنی بر نظریه ذی‌نفعان (فریمن، ۱۹۸۴) بیان می‌کند، زمانی که مدیران بیشتر درگیر فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت هستند، اطلاعات دقیق‌تری را در پیش‌بینی‌های داوطلبانه خود در راستای حفظ و تداوم اعتبار و حیثیت کلی شرکت ارائه می‌کنند. در مقابل، فرضیه افشای فرصت‌طلبانه مبتنی بر نظریه نمایندگی (جنسن، ۱۹۷۶) بیان می‌دارد که رابطه‌ای منفی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و دقت پیش‌بینی مدیران وجود دارد و مدیران در افشای مالی، فرصت‌طلبانه‌تر عمل می‌کنند و پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه‌تری را برای ترسیم تصویری زیبا از عملکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، انتشار می‌دهند.

پژوهش حاضر، با پژوهش‌های صورت گرفته دالیوال و همکاران (۲۰۱۲) در ارتباط است. آنها به وجود یک رابطه مثبت بین دقت پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران و انتشار گزارش‌های مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت پی بردند. در این پژوهش، درحالی که آنها به ارزیابی دقت پیش‌بینی تحلیل‌گران پرداخته‌اند، دقت پیش‌بینی‌های مدیران بررسی شده است. دقت پیش‌بینی مدیران، اطلاعاتی را مبنی بر اینکه آیا مدیران درونی سازمان‌ها، پیش‌بینی‌های دقیق‌تری را در مورد سود در مقایسه با ذی‌نفعان خارجی از جمله تحلیل‌گران ارائه می‌نمایند یا خیر، آشکار خواهد ساخت. در مقابل، دقت پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران به این مساله می‌پردازد که آیا تحلیل‌گران مالی به‌عنوان یکی از واسطه‌های اطلاعاتی بیرونی، دارای ارزیابی دقیق‌تری از سودهای آینده پس از گردآوری و پردازش اطلاعات عمومی موجود از قبیل پیش‌بینی‌های انتشاریافته از سوی مدیران شرکت‌ها هستند یا خیر. در مقایسه با پژوهش دالیوال و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهش پیشرو، به بررسی دقت پیش‌بینی‌های مدیران در مورد درآمدها پرداخته می‌شود که به‌عنوان یکی از منابع اصلی اطلاعات عمومی شناخته می‌شود؛ اطلاعاتی که تحلیل‌گران به‌احتمال فراوان در زمان اظهارنظر در خصوص ارزش شرکت‌ها به آن متکی هستند (ویلیامز، ۱۹۹۶).

هدف این پژوهش، بررسی رابطه افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دقت پیش‌بینی مدیران است. در نتیجه، سؤال پژوهش را می‌توان بدین صورت بیان نمود که آیا افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی اثری بر دقت پیش‌بینی مدیران دارد؟ اگر اثر دارد جهت آن چگونه است. همچنین، با توجه به عدم ورود پژوهشگران، این موضوع دارای دانش افزایی در حوزه

متغیرهای مربوط است و لازم است که این مساله در فضای کشور مورد بررسی تجربی قرار گیرد.

در ادامه، مبانی نظری و پیشینه پژوهش درج شده و سپس روش پژوهش، یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری آورده شده است.

مبانی نظری

نظریه سنتی ذی‌نفعان، مقرر می‌نماید که مدیران دارای التزام اخلاقی برای برآورده ساختن منافع گروه‌های گوناگون ذی‌نفعان از جمله اجتماعات، کارکنان، مشتری‌ها، عرضه‌کنندگان و فراتر از منافع تأمین‌کنندگان سرمایه هستند (فریمن، ۱۹۸۴؛ دونالدسون و پترسون، ۱۹۹۵؛ گاریگا و مله، ۲۰۰۴). به زبان دقیق‌تر، گاریگا و مله (۲۰۰۴) خاطر نشان نموده‌اند که نظریه ذی‌نفعان به‌نوبه خود نظریه بهنجاری است، زیرا ریشه‌های آن در دغدغه‌ها و نگرانی اخلاقی مدیران، پیرامون تأثیرات آنها بر جامعه و همچنین وظایف آنان برای حفظ و مصونیت منافع ذی‌نفعان گوناگون، قرار دارد. جونز (۱۹۹۵) نیز از اقتصاد اطلاعاتی بهره برده و به تبیین نظریه ذی‌نفعان، تحت فرضیه عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و ذی‌نفعان می‌پردازد. او پیشنهاد می‌کند که استقرار و تقویت شهرت و اعتبار برای اقدام‌های صادقانه و اخلاقی اهمیت دارد، زیرا چنین اعتبار و حیثیتی می‌تواند موجب تقلیل و کاهش هزینه‌های ناشی از عدم تقارن اطلاعات شود که به‌نوبه خود بر مجموع ارزش شرکت، خواهند افزود. همسو با این استدلال، چو و همکاران (۲۰۱۳) به شواهد تجربی در مورد رابطه منفی بین مشارکت و نقش مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و عدم تقارن اطلاعاتی استناد نمودند. در مجموع، این نظریه پیش‌بینی می‌کند، مدیرانی که به سبب حضور و مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی محور برای ذی‌نفعان گوناگون شناخته شده هستند، موفقیت چشم‌گیرتری را در بازار تجربه خواهند کرد. درحالی که مدیرانی که شهرت، اعتبار و صداقت خود را از دست رفته می‌بینند، موفقیت کمتری را در بازار تجربه خواهند کرد. شهرت و اعتبار شرکت، نظریه ذی‌نفعان را با کارکردها و روش‌های افشای داوطلبانه شرکت‌ها پیوند می‌دهد (بوج‌راج و همکاران، ۲۰۱۱). کینگ و همکاران (۱۹۹۰) بیان می‌کنند که مدیران دارای انگیزه اقتصادی، برای حفظ و تداوم اعتبار و حیثیت در زمینه افشای با کیفیت، پیش‌بینی‌های دقیق‌تر و فاقد جانب‌داری در خصوص سود دارند. آنها همچنین، مدعی

شده‌اند که چنین اعتبار و حیثیتی منجر به کاهش هزینه‌های معاملاتی مرتبط با عدم تقارن در بازار خواهد شد. همچنین، میلر (۲۰۰۲) خاطر نشان می‌کند که استقرار و پیاده‌سازی یک الگو و اعتبار برای صادق بودن، موجب تقویت و افزایش بهای سهام و کاهش هزینه‌های سرمایه خواهد شد، زیرا این‌گونه اقدام‌ها، منجر به کاهش عدم قطعیت و ابهام و ریسک برای شرکت‌کنندگان در بازارهای سرمایه می‌شود. در نتیجه، چنانچه مدیران در فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت مشارکت داشته باشند تا از این طریق بخواهند شهرت و اعتبار شرکت را از حیث صداقت و رفتار اخلاقی در ارتباط با منافع ذی‌نفعان، ارتقا بخشیده و تقویت نمایند، پیش‌بینی‌های شفاف‌تر و دقیق‌تر در خصوص سودها خواهند داشت. به عبارتی، فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و افشای اطلاعات آن، منعکس‌کننده اقدام‌هایی برای ایجاد اعتبار مدیران در راستای تقویت و ارتقای ارزش شرکت است. بنابراین، پیش‌بینی می‌شود که رابطه‌ای مثبت بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و دقت پیش‌بینی مدیران وجود داشته باشد (لی، ۲۰۱۷).

فرضیه زیربنایی در پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه نظریه نمایندگی این است که مدیران ماهیتاً افرادی فرصت‌طلب هستند و در صورت نبود اصول و سازوکارهای انضباطی، به دنبال منافع خود خواهند بود. بر مبنای این فرضیه، جنسن (۲۰۰۱) بیان نمود که شاید مدیران در پروژه‌های دارای ارزش‌های رو به کاهش، به عنوان مسئولیت‌پذیری اجتماعی، سرمایه‌گذاری نمایند تا از این طریق منافع شخصی را به پیش ببرند. به زبان دقیق‌تر، جنسن (۲۰۰۱) تصریح می‌کند که: «نظریه ذی‌نفعان در دستان مدیران به بازی گرفته می‌شود، به گونه‌ای که می‌توانند منافع شخصی را در قبال مطالبات مالی شرکت و مطالبات جامعه پیگیری کنند».

همسو با این دیدگاه، پژوهش‌های صورت گرفته پیشین مدعی شده‌اند که مدیران در فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی حضور پیدا می‌کنند تا بر سوء رفتارهای خود از طریق به تصویر کشاندن نمایش‌های به ظاهر خوب اجتماعی برای شرکت (هنینوی و مک‌لاگان، ۲۰۰۴) و یا از طریق تضمین دادن به شرکت در برابر زیان‌های بالقوه ناشی از شهرت و اعتبار در خصوص رخدادها و عوارض پیش‌بینی‌نشده جانبی از قبیل استرداد کالاها (مینور و مورگان، ۲۰۱۱)، سرپوش بگذارند. پژوهش‌های صورت گرفته پیشین نیز با توجه به دستکاری بالقوه در سودهای گزارش شده، شواهد تجربی قابل توجهی را در تأیید این ادعا مبنی بر اینکه فعالیت‌های

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت دارای رابطه منفی با کیفیت گزارشگری مالی است، ارائه نموده‌اند. پتروویتس (۲۰۰۶) بیان می‌کند که مدیران به صورت راهبردی مقدار دستاوردهای خیریه را برای پایدار نشان دادن سودهای گزارش شده در گذر زمان تعدیل می‌کنند. باگینسکی و همکاران (۲۰۰۲) نیز دریافتند که مدیریت سود، با سرمایه‌گذاری در اقدام‌های اجتماعی طراحی شده در راستای سود رساندن به ذی‌نفعان، افزایش می‌یابد. این مساله تا زمانی که انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیران بر سیاست‌های افشای اطلاعات و سیاست‌های آنها در ارتباط با ذی‌نفعان حکم‌فرما است، برقرار است. بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود که رابطه‌ای منفی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و کیفیت پیش‌بینی‌های سودها وجود خواهد داشت. به زبان دقیق‌تر، چنانچه مدیران در فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت به شیوه‌ای فرصت‌طلبانه سرمایه‌گذاری نمایند، در خصوص افشای مالی پیرامون عملکرد آینده سود، فرصت‌طلبانه عمل خواهند کرد. در این صورت، ممکن است اقدام به انتشار و ارائه پیش‌بینی‌های با دقت کمتر و جانبدارانه در خصوص سود نمایند تا از این طریق در استفاده فرصت‌طلبانه از منابع شرکت برای پروژه‌های بالقوه بی‌ارتباط با ارزش شرکت و به نام مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، سرپوش بگذارند. بدین ترتیب می‌توان دریافت که رابطه‌ای منفی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و دقت پیش‌بینی مدیران وجود دارد (لی، ۲۰۱۷).

در خصوص دستیابی به اهداف پژوهش و براساس مبانی نظری مطرح‌شده، فرضیه پژوهش حاضر به شرح زیر طراحی و تدوین شده است:

فرضیه پژوهش: بین افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دقت پیش‌بینی مدیران، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

پیشینه پژوهش

عموم پژوهش‌های پیشین در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و عملکرد مالی پرداخته‌اند (اورلترکی و همکاران، ۲۰۰۳؛ شروپشایر و هیلمن، ۲۰۰۷). بنابراین، اطلاعات اندکی در زمینه رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دقت پیش‌بینی مدیران وجود دارد. این مساله در ابتدا از دیدگاه اخلاقی اهمیت دارد، زیرا افشای اطلاعات مالی به‌عنوان شکلی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی تلقی می‌شود (گلب و

استراوسر، ۲۰۰۱؛ جو و کیم، ۲۰۰۸). در میان پژوهشگران داخلی، برای نمونه، سبزی‌پور و همکاران (۱۳۹۱) دریافتند که رابطه مثبت و معنی‌داری بین درصد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره و عدم رابطه معنی‌دار بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی، مانند مالکیت نهادی، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و کیفیت حسابرسی با دقت پیش‌بینی سود توسط مدیران وجود دارد. حاجیها و سرفراز (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی دریافتند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه معکوس و معنی‌داری با هزینه حقوق صاحبان سهام دارد. در پژوهشی دیگر، باغومیان و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی ارتباط میان مسئولیت اجتماعی شرکت و خطر سقوط قیمت سهام پرداخته و دریافتند که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و خطر سقوط قیمت سهام، رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. حاجیها و رجب‌دري نیز (۱۳۹۷) دریافتند که با افزایش کیفیت کمیته حسابرسی، میزان افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، افزایش می‌یابد. همچنین، فروغی و همکاران (۱۳۹۷) دریافتند که مسئولیت اجتماعی از طریق ریسک غیر نظام‌مند بر نگهداشت وجه نقد تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد. مسئولیت اجتماعی از طریق ریسک نظام‌مند نیز بر نگهداشت وجه نقد تأثیر معنی‌دار و منفی دارد. دیگر یافته‌ها نیز نشان داد که مسئولیت اجتماعی از طریق حاکمیت شرکتی بر نگهداشت وجه نقد تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

در میان پژوهشگران خارجی نیز برای نمونه، دالیوال و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند آن دسته از شرکت‌هایی که اقدام به صدور و انتشار گزارش‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت می‌نمایند، کاهش معنی‌دار هزینه‌های معاملات را تنها در مواقعی که عملکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت برتری داشته باشد، تجربه می‌کنند. همچنین، مینگ (۲۰۱۶) با بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی شرکت و خطر سقوط قیمت سهام، دریافت که رابطه منفی و معنی‌داری بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام وجود دارد. لی (۲۰۱۷) نیز به بررسی رابطه بین افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دقت پیش‌بینی مدیران پرداخته و دریافت که بین دو متغیر ذکر شده، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین، لو و همکاران (۲۰۱۷) نیز در پژوهشی با هدف بررسی تأثیر سطح افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر نگهداشت وجه نقد، دریافتند که رابطه مثبت و معنی‌داری بین دو متغیر ذکر شده برقرار است. بدین معنا که با افزایش سطح افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی، میزان وجه نقد نگهداری شده

افزایش می‌یابد. دو و همکاران (۲۰۱۸) نیز دریافتند که بین نگهداری وجه نقد و مواردی مانند سوددهی، سود سهام و افشای اطلاعات، ارتباط معنی‌دار قابل توجهی وجود دارد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان داد، اگرچه پژوهش‌های متنوع و ارزشمندی در این زمینه انجام گرفته است، اما تاکنون پژوهشگران داخلی به بررسی رابطه بین افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دقت پیش‌بینی مدیران نپرداخته‌اند و ضروری است که این مساله در فضای بازار سرمایه کشور مورد آزمون تجربی قرار گیرد تا بتوان براساس آن، برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری را انجام داد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کمی است که در آن از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده شده و براساس فرضیه‌ها و طرح‌های پژوهشی از قبل تعیین شده، انجام شده است. در این پژوهش ابتدا با استفاده از نرم‌افزار اکسل نسخه ۲۰۱۳ متغیرهای پژوهش از روی داده‌های خام و نرم‌افزار ره‌آورد نوین ۳ آماده و سپس با استفاده از نرم‌افزار ای‌ویوز نسخه ۹، تجزیه و تحلیل نهایی انجام شد.

متغیرهای پژوهش

در این پژوهش با پیروی از الگوی لی (۲۰۱۷) از الگوی رگرسیونی زیر استفاده شده که در رابطه ۱ نمایش داده شده است.

رابطه (۱)

$$ACCURACY = B_0 + B_1 CSR + B_2 SIZE + B_3 LEV + B_4 ROA + B_5 LOSS + B_7 BAD NEWS + \epsilon$$

که در این رابطه:

ACCURACY: دقت پیش‌بینی مدیران که در ادامه شرح داده شده است،

CSR: مسئولیت اجتماعی شرکت که شرح آن در ادامه آمده است،

SIZE: اندازه شرکت که با لگاریتم طبیعی دارایی‌ها شرکت محاسبه می‌شود،

LEV: اهرم مالی که بیان‌گر نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها است،

ROA: بازده دارایی‌ها که به‌وسیله تقسیم سود قبل از بهره و مالیات بر میانگین کل دارایی‌ها محاسبه شده است،

LOSS: متغیر مجازی است که اگر شرکت زیان‌ده باشد صفر و در غیر این صورت یک خواهد بود و

BAD NEWS: یک متغیر مجازی است که مقدار آن اگر تعدیل سود هر سهم پیش‌بینی شده منفی باشد، برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر است. منظور از تعدیل منفی در سود هر سهم پیش‌بینی شده، این است که رقم پیش‌بینی اعلام شده، از آخرین پیش‌بینی قبلی، کمتر باشد (فروغی و مهرداد، ۱۳۹۴).

دقت پیش‌بینی مدیران

به‌منظور سنجش دقت پیش‌بینی مدیران از الگوی چنگ و فیرث (۲۰۰۰) استفاده شد. بدین معنا که دقت پیش‌بینی مدیران با توجه به سطح خطای پیش‌بینی سود سنجیده می‌شود. خطای پیش‌بینی به شرح رابطه ۲ محاسبه می‌شود:

$$\text{ACCURACY} = (AP_{it} - FP_{it}) / |FP_{it}| \quad \text{رابطه (۲)}$$

که در این رابطه:

AP_{it} : سود خالص واقعی هر سهم شرکت i در سال t ,

FP_{it} : سود خالص پیش‌بینی شده توسط مدیران برای شرکت i در سال t .

دقت پیش‌بینی مدیران نیز با مقدار ACCURACY سنجیده می‌شود. به‌گونه‌ای که هرچه میزان آن کمتر باشد، باشد، دقت پیش‌بینی مدیران بیشتر است. به‌بیان‌دیگر، هرچه مدیریت شرکت پیش‌بینی دقیق‌تری را انجام دهند، میانگین این نسبت باید کمتر و به صفر نزدیک‌تر باشد (سبزعلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین، سود پیش‌بینی شده و سود واقعی، هر دو به‌صورت خالص و پس از کسر مالیات در نظر گرفته شد. چون ممکن است میزان سود واقعی کمتر باشد و استفاده از آن موجب غلط شدن رابطه شود (رضازاده و آشتاب، ۱۳۸۹).

مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت

مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت، در این پژوهش دارای چهار بعد است و با تفاضل نقاط قوت از نقاط ضعف مربوط، نمره آن محاسبه می‌شود. لازم به ذکر است که در صورت وجود هر نقطه ضعف یا نقطه قوت مربوط، عدد یک و در صورت نبود آنها، عدد صفر در نظر گرفته شده است. در این پژوهش، برای اندازه‌گیری مسئولیت اجتماعی شرکتی از الگوی الگول و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شد که به صورت رابطه ۳ است:

$$\text{CSR-s} = \text{CSR-COM-S} + \text{CSR-EMP-S} + \text{CSR-ENV-S} + \text{CSR-PRO-S} \quad \text{رابطه (۳)}$$

که در این رابطه:

CSR-s: نمره مسئولیت اجتماعی

CSR-COM-S: نمره افشای مشارکت اجتماعی که از تفاضل نقاط قوت و نقاط ضعف خاص خود به صورت رابطه ۴ محاسبه می‌شود. لازم به ذکر است که این نمره، نشانگر مجموع توان و قدرتمندی شرکت‌ها در روابط خود با ذی‌نفعانی اصلی و نه عرضه‌کنندگان سرمایه است (هیلمن و کیم، ۲۰۰۱). در واقع، به‌عنوان یک شاخص مشخص و معین در مورد اقدامات اجتماعی شرکتی در قبال ذی‌نفعانی کلیدی از قبیل کارکنان، مشتری‌ها و جوامع تلقی می‌شود (مانتینگلی و برمان، ۲۰۰۶).

$$\text{CSR-COM-S} = \sum \text{Strengths} - \sum \text{Concerns} \quad \text{رابطه (۴)}$$

که در این رابطه:

CSR-EMP-S: نمره افشای روابط کارکنان،

CSR-ENV-S: نمره افشای محیط‌زیست و

CSR-PRO-S: نمره افشای ویژگی محصولات.

نمونه‌هایی از نقاط قوت و ضعف ابعاد مسئولیت اجتماعی در نگاره ۱ آورده شده است. لازم به ذکر است که این موضوع با مطالعه یادداشت‌ها و صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه گردآوری شده است.

نگاره (۱): نقاط ضعف و قوت ابعاد مسئولیت اجتماعی شرکت

| متغیر | نقاط قوت | نقاط ضعف |
|----------------|---|---|
| مشارکت اجتماعی | ۱- کمک‌های خیریه ۲- کمک‌های نوآورانه (کمک به سازمان‌های غیرانتفاعی و مشارکت در طرح‌های عمومی) | ۱- اثر نامطلوب اقتصادی (اثر منفی بر کیفیت زندگی و تعطیلی کارخانه) ۲- عدم پرداخت مالیات |
| روابط کارکنان | ۱- به اشتراک گذاشتن سود نقدی ۲- مزایای بازنشستگی | ۱- ضعف بهداشت و ایمنی ۲- کاهش نیروی کار |
| محیط زیست | ۱- انرژی پاک (استفاده از سوخت‌هایی با آلاینده‌گی کمتر) ۲- کنترل آلودگی هوا و کاهش گازهای گلخانه‌ای | ۱- تولید زباله‌های خطرناک ۲- پرداخت جریمه به دلیل نقض مقررات مدیریت زباله |
| ویژگی محصولات | ۱- کیفیت محصول ۲- ایمنی محصول | ۱- پرداخت جریمه در مورد ایمنی محصول ۲- پرداخت جریمه برای تبلیغات منفی |

این پژوهش، با پژوهش‌هایی مانند دالیوال و همکاران (۲۰۱۲) از نقطه نظر تمرکز بر اهمیت نقاط قوت و ضعف مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، به جای وجود گزارش‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، متفاوت است. دالیوال و همکاران (۲۰۱۲) از انتشار گزارش‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت به عنوان متغیر جانشین برای افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی استفاده کردند، در حالی که پژوهش حاضر از اندازه‌گیری نقاط قوت و ضعف مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت برای بررسی میزان عملکرد اجتماعی شرکت‌ها بهره می‌برد. نکته مهم نیز ارزیابی و بررسی نقاط قوت و ضعف اقدام‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت است، زیرا صدور و انتشار گزارش‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت به نوبه خود

تضمین کننده این مساله نیست که شرکت در گیر فعالیت های قوی و چشم گیر مسئولیت پذیری اجتماعی در راستای منافع ذی نفعان است (لی، ۲۰۱۷).

جامعه آماری و نمونه پژوهش

در این پژوهش برای اینکه نمونه آماری نماینده مناسبی از جامعه آماری مورد نظر باشد، از روش حذف نظام مند استفاده شده است. برای این منظور، ۶ معیار زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که شرکتی کلیه معیارها را داشته باشد، در نمونه پژوهش انتخاب شده است.

- شرکت قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۵ در بورس فعال باشد.
 - به دلیل ماهیت خاص فعالیت شرکت های هلدینگ، واسطه گری های مالی و شرکت های سرمایه گذاری و تفاوت فراوان ماهیت آنها با شرکت های تولیدی و بازرگانی، شرکت برگزیده از صنایع یاد شده نباشد.
 - به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند باشد و طی بازه زمانی مورد مطالعه، تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت نداشته باشد.
 - صورت های مالی و یادداشت های همراه شرکت ها در بازه زمانی مذکور به گونه ای کامل در وب گاه بورس اوراق بهادار موجود باشد تا بتوان اطلاعات لازم را از آن استخراج نمود.
 - معامله سهام آنها طی دوره پژوهش بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد.
 - اطلاعات مربوط به گزارش های مرتبط با گزارش هیئت مدیره و گزارش عملکرد اجتماعی آنها در دسترس باشد.
- بر اساس معیارهای بالا، ۸۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

در نگاره ۲ آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مورد مطالعه نشان داده شده است. لازم به ذکر است که تعداد مشاهده‌های مورد بررسی برای محاسبه متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی ذکر شده، ۴۴۵ سال / شرکت است.

نگاره (۲): آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

| نام متغیر | میانگین | بیشینه | کمینه | انحراف معیار |
|---------------------|---------|---------|---------|--------------|
| مسئولیت اجتماعی | ۹/۶۲۱۳ | ۱۴/۸۲۳۶ | ۱/۰۰۰۰ | ۳/۹۲۷۴ |
| دقت پیش‌بینی مدیران | ۰/۰۵۷۶ | ۳/۹۶۲۳ | -۲/۳۳۵۸ | ۰/۷۰۱۵ |
| اندازه شرکت | ۱۳/۳۹۹۴ | ۱۷/۷۲۰۵ | ۵/۱۳۱۹ | ۸/۱۲۵۷ |
| اهرم مالی | ۰/۶۴۲۸ | ۰/۷۴۳۱ | ۰/۱۷۰۴ | ۰/۳۹۳۴ |
| بازده دارایی‌ها | ۰/۱۴۲۲ | ۰/۶۴۱۶ | -۰/۲۴۳۷ | ۰/۱۳۲۹ |
| زیان | - | ۰ | ۱ | - |
| اخبار بد | - | ۰ | ۱ | - |

در نگاره ۲ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش نشان داده شد. در میان متغیرهای کنترلی اندازه شرکت بیشترین میانگین و انحراف معیار و بازده دارایی‌ها کمترین میانگین و انحراف معیار را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین اهرم مالی (۰/۶۴) نیز نشان می‌دهد که بدهی شرکت‌ها به‌طور متوسط بیش از نصف دارایی‌های آن بوده، که این مدار بیان‌گر میزان بالای نسبت اهرم مالی، در شرکت‌های نمونه است.

لازم به ذکر است که با توجه به اسمی بودن متغیرهای زیان و اخبار بد، میانگین و انحراف معیار آن قابل محاسبه نبوده و ارائه نشده است.

آزمون انتخاب الگو

نگاره ۳ یافته‌های حاصل از برآورد الگوی رگرسیون مناسب را نشان می‌دهد.

نگاره (۳): یافته‌های مربوط به انتخاب الگوی مربوط به آزمون فرضیه پژوهش

| الگو | آزمون | آماره آزمون | معنی داری | نتیجه |
|------|-------------|-------------|-----------|----------|
| اول | آزمون چاو | ۶/۹۵۲۷ | ۰/۰۰۰۰ | اثر ثابت |
| | آزمون هاسمن | ۱۸/۷۱۵۶ | ۰/۰۰۴۶ | |

آزمون فرضیه‌های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه پژوهش، به بررسی اثر افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دقت پیش‌بینی مدیران، پرداخته شد. نگاره ۴ یافته‌های این آزمون را نشان می‌دهد.

نگاره (۴): یافته‌های تخمین الگوی رگرسیون مربوط به آزمون فرضیه پژوهش

| متغیر وابسته: دقت پیش‌بینی مدیران | | | |
|-------------------------------------|---------|-------------------|-----------|
| متغیرها | ضریب | آماره t | معنی داری |
| افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی | ۰/۹۵۳۷ | ۹/۷۷۸۲ | ۰/۰۰۰۰ |
| اندازه شرکت | ۰/۰۱۸۳ | ۱/۵۷۷۴ | ۰/۰۸۴۵ |
| اهرم مالی | ۰/۰۲۱۸ | ۱/۸۸۱۰ | ۰/۰۶۵۷ |
| بازده دارایی‌ها | ۰/۷۸۱۱ | ۵/۷۱۲۲ | ۰/۰۰۲۸ |
| زیان | -۰/۹۱۵۹ | -۸/۰۰۳۷ | ۰/۰۰۰۷ |
| اخبار بد | -۰/۴۸۶۲ | -۳/۶۰۲۸ | ۰/۰۱۰۸ |
| مقدار ثابت | ۰/۰۰۸۸ | ۰/۱۲۶۸ | ۰/۳۸۲۹ |
| ضریب تعیین | ۰/۷۱۰۶ | آماره F | ۱۳/۴۸۲۶ |
| ضریب تعیین تعدیل شده | ۰/۶۷۶۹ | معنی داری آماره F | ۰/۰۰۳۳ |
| دوربین-واتسون | | | ۲/۰۱۴۸ |

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بین افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دقت پیش‌بینی مدیران، رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همان‌گونه که در یافته‌های بیان شده ملاحظه می‌شود، سطح معنی داری در متغیر مستقل پژوهش کمتر از ۰/۰۵ است. این امر بیانگر

وجود رابطه معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین متغیرهای مورد آزمون است. علاوه بر آن، یافته‌های حاصل از بررسی خودهمبستگی جمله‌های خطا با استفاده از آماره دوربین-واتسون نیز نشان‌دهنده نبود خطای خودهمبستگی است. همچنین، مقدار آماره F و سطح معنی‌داری مربوط به این آماره، بیانگر این است که فرضیه معنی‌دار نبودن کل الگو (صفر بودن تمام ضرایب) رد می‌شود و الگوی رگرسیون برآورده شده در کل معنی‌دار است. از سوی دیگر، بررسی ضریب تعیین تعدیل‌شده نشان می‌دهد که حداکثر ۶۷ درصد از تغییرهای دقت پیش‌بینی مدیران را می‌توان با استفاده از متغیر افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، تبیین کرد. افزون بر موارد ذکر شده، بررسی متغیرهای کنترلی نیز نشان از آن دارد که تأثیر بازده دارایی‌ها بر دقت پیش‌بینی مدیران مثبت و معنی‌دار و تأثیر زیان و اخبار بد بر دقت پیش‌بینی مدیران منفی و معنی‌دار است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که با افزایش افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی، دقت پیش‌بینی مدیران افزایش می‌یابد. این یافته‌ها مؤید فرضیه افشای شفاف مبتنی بر نظریه ذی‌نفعان است. براساس این فرضیه، زمانی که مدیران بیشتر درگیر فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی هستند، اطلاعات دقیق‌تری را در پیش‌بینی‌های داوطلبانه خود در راستای حفظ و تداوم اعتبار و حیثیت کلی شرکت ارائه می‌کنند. در نتیجه، چنانچه مدیران تمایل داشته باشند اعتبار شرکت را از لحاظ صداقت و رفتار اخلاقی تقویت نمایند، پیش‌بینی‌های شفاف‌تر و دقیق‌تری، در خصوص سود خواهند داشت تا جایی که افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی، منعکس‌کننده اقدامات آنها برای ایجاد اعتبار و در راستای تقویت و ارتقای ارزش شرکت باشد. فرضیه افشای فرصت‌طلبانه مبتنی بر نظریه نمایندگی نیز بیان می‌دارد که یک رابطه منفی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و دقت پیش‌بینی مدیران وجود دارد و در نتیجه، پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه‌تری را برای ترسیم تصویری بهتر از عملکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها انتشار می‌دهند. بر این اساس، مدیران فرصت‌طلب هستند و در صورت نبود نظارت صحیح، به دنبال منافع خود خواهند بود. بر مبنای این فرضیه، مدیران در پروژه‌های دارای ارزش‌های رو به

کاهش به عنوان مسئولیت پذیری اجتماعی سرمایه گذاری می نمایند تا از این طریق منافع شخصی خود را به پیش ببرند.

یافته های این پژوهش همسو با یافته های کینگ و همکاران (۱۹۹۰) و لی (۲۰۱۷) و همچنین، ناهمسو با پژوهش های فریدمن (۱۹۷۰) و جنسن (۲۰۰۱) است که این ناهم سویی ناشی از این است که مدیران در فعالیت های مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت مشارکت داشته و از این طریق تمایل دارند تا شهرت و اعتبار شرکت از حیث صداقت و رفتار اخلاقی در ارتباط با منافع ذی نفعان را ارتقا بخشیده و تقویت نمایند. همچنین در این زمینه، مدیران در پروژه های دارای ارزش های رو به کاهش به عنوان مسئولیت پذیری اجتماعی سرمایه گذاری نمی کنند، تا از این طریق منافع شخصی خود را به پیش ببرند.

این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش ها دارای محدودیت هایی است که محدود بودن تعداد نمونه بررسی و حذف شرکت های واسطه گری و هلدینگ از این دست عوامل است.

با توجه به یافته های پژوهش، پیشنهاد می شود که شرکت ها به پیش بینی های خود که نقش مؤثری در بازار سرمایه و تصمیم گیری سرمایه گذاران دارد توجه بیشتری نمایند. همچنین، به نقش برجسته کمیته حسابرسی توجه بیشتری نموده و افزایش کارایی آن را با جدیت در برنامه های خود قرار دهند. برای پژوهش های آتی نیز پیشنهاد می شود تا به منظور درک بهتر عوامل مؤثر بر دقت پیش بینی مدیران، مواردی مانند بیش اعتمادی مدیران، عوامل شخصیتی، اخلاق حرفه ای و خودشیفتگی مدیران به عنوان متغیرهای میانجی مورد بررسی قرار گیرند.

منابع

- Baghomanian, R. , Rajabdari, H. , and A. , Khalifa Sharifi. (2017). Investigating the relationship between corporate social responsibility and stock prices crash risk. Proceedings of the 21st National Accounting Conference, Tarbiat Modares University. (In Persian)
- Baginski, S. P. , Hassell, J. M. , and M. , Kimbrough. (2002). The effect of legal environment on voluntary disclosure: Evidence from management earnings forecasts issued in US and Canadian markets. *The Accounting Review*, 77 (1) , 25-50.
- Bhojraj, S. , Libby, R. , and H. , Yang. (2011). *Analyzing guidance at the firm level: The effect of reputation-building and learning-by-doing on guidance frequency and guidance properties*. Working paper, Cornell University.

- Cheng, T. Y. , & Firth, M. (2000). An empirical analysis of the bias and rationality of profit forecasts published in new issue prospectuses. *Journal of Business Finance & Accounting*, 27 (3-4) , 423-446.
- Cho, S. Y. , Lee, C. , and J. , Pfeiffer. (2013). Corporate social responsibility performance and information asymmetry. *Journal of Accounting and Public Policy*, 32 (1) , 71-83.
- Crane, A. , Matten, D. , and L. , Spence. (2008). *Corporate Social Responsibility: In Global Context*. In: Corporate Social Responsibility: Readings and Cases in Global Context. Routledge, London, 3-20.
- Dhaliwal, D. S. , Li, O. Z. , Tsang, A. , & Yang, Y. G. (2011). Voluntary nonfinancial disclosure and the cost of equity capital: The initiation of corporate social responsibility reporting. *The accounting review*, 86 (1) , 59-100.
- Dhaliwal, D. S. , Radhakrishnan, S. , Tsang, A. , and Y. , Yang. (2012). Nonfinancial disclosure and analyst forecast accuracy: International evidence on corporate social responsibility disclosure. *The accounting review*, 87 (3) , 723-759.
- Do, N. , Ngo, M. , Pham, H. , and P. , Drahomíra. (2018). The prestige of stock exchanges and corporate cash holding in transition economies: a study on Vietnamese listed firms. *Investment Management and Financial Innovations*, 14 (3): 199-209.
- Donaldson, T. , & Preston, L. E. (1995). The stakeholder theory of the corporation: Concepts, evidence, and implications. *Academy of management Review*, 20 (1) , 65-91.
- El Ghoul, S. , Guedhami, O. , Kwok, C. C. , and D. , Mishra. (2011). Does corporate social responsibility affect the cost of capital?. *Journal of Banking & Finance*, 35 (9) , 2388-2406.
- Forooghi, D. , and S. , Mehrdad. (2015). Market reaction to the timing of EPS forecast. *Empirical Research in Accounting*, 5 (3): 139-162. (In Persian)
- Foroughi, D. , Amiri, H. , and M. , Javanmard. (2018). Impace of corporate social responsibility to cash holdings through synchronous effect of chosen variables. *Financial Accounting Research*, 2 (10): 19- 36. (In Persian)
- Freeman, R. E. (1984). *Strategic Management: A stakeholder Approach*. Boston: Pitman.
- Friedman, M. (1970). The social responsibility of business is to increase its profits. *New York Times*, 13 September, 122-126.
- Garriga, E. , and D. , Mele´. (2004). Corporate social responsibility theories: Mapping the territory. *Journal of Business Ethics*, 53: 51-71.
- Gelb, D. S. , & Strawser, J. A. (2001). Corporate social responsibility and financial disclosures: An alternative explanation for increased disclosure. *Journal of Business Ethics*, 33 (1) , 1-13.
- Graham, J. R. , Harvey, C. R. , & Rajgopal, S. (2005). The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of accounting and economics*, 40 (1-3) , 3-73.
- Hajiha, Z. , and B. , Sarfaraz. (2015). The relation between corporate social responsibility and cost of equity capital of firms listed in Tehran stock exchange. *Empirical Research in Accounting*, 4 (4): 105-123. (In Persian)

- Hajiha, Z. , and H. , Rajabdari. (2019). The effect on the quality of the audit committee on disclosure level of corporate social responsibility. *Journal of Accounting, Accountability and Society Interests*, 8 (4): 105-122. (In Persian)
- Hemingway, C. A. , and P. , Maclagan. (2004). Managers' personal values as drivers of corporate social responsibility. *Journal of business ethics*, 50 (1) , 33-44.
- Hillman, A. J. , & Keim, G. D. (2001). Shareholder value, stakeholder management, and social issues: What's the bottom line?. *Strategic management journal*, 22 (2) , 125-139.
- Hirst, D. E. , Koonce, L. , and S. , Venkataraman. (2008). Management earnings forecasts: A review and framework. *Accounting horizons*, 22 (3) , 315-338.
- Jensen, M. C. (2001). Value maximization, stakeholder theory, and the corporate objective function. *Journal of applied corporate finance*, 14 (3) , 8-21.
- Jesen, M. (1976). The theory of the firm: managerial behavior, agency cost, and capital structure (Periodical style). *Journal of Financial Economics*, 3, 64-78.
- Jo, H. , and Y. , Kim. (2008). Ethics and disclosure: A study of the financial performance of firms in the seasoned equity offerings market. *Journal of Business Ethics*, 80 (4) , 855-878.
- Jones, T. M. (1995). Instrumental stakeholder theory: A synthesis of ethics and economics. *Academy of management review*, 20 (2) , 404-437.
- Kim, Y. , Li, H. , & Li, S. (2014). Corporate social responsibility and stock price crash risk. *Journal of Banking & Finance*, 43, 1-13.
- Kim, Y. , Park, M. S. , and B. , Wier. (2012). Is earnings quality associated with corporate social responsibility?. *The accounting review*, 87 (3) , 761-796.
- King, R. , Pownall, G. , and G. , Waymire. (1990). Expectations adjustment via timely management forecasts: Review, synthesis, and suggestions for future research. *Journal of accounting Literature*, 9 (1) , 113-144.
- Lee, D. (2017). Corporate social responsibility and management forecast accuracy. *Journal of Business Ethics*, 140 (2) , 353-367.
- Lu, L. Y. , Shailer, G. , and Y. , Yu. (2017). Corporate social responsibility disclosure and the value of cash holdings. *European Accounting Review*, 26 (4): 729-753.
- Mattingly, J. E. , and S. , Berman. (2006). Measurement of corporate social action: Discovering taxonomy in the Kinder Lydenburg Domini ratings data. *Business & Society*, 45 (1) , 20-46.
- Miller, P. B. (2002). Quality financial reporting. *Journal of Accountancy*, 193 (4) , 70.
- Ming, T. (2016). Corporate social responsibility and stock price crash risk: Evidence from an Asian emerging market, *Managerial Finance*, 42 (10): 32-41.
- Minor, D. , and J. , Morgan. (2011). CSR as reputation insurance: Primum non nocere. *California Management Review*, 53 (3) , 40-59.
- Noe, C. F. (1999). Voluntary disclosures and insider transactions. *Journal of Accounting and Economics*, 27 (3) , 305-326.
- Orlitzky, M. , Schmidt, F. L. , and S. , Rynes. (2003). Corporate social and financial performance: A meta-analysis. *Organization studies*, 24 (3) , 403-441.

- Petrovits, C. M. (2006). Corporate-sponsored foundations and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*, 41 (3) , 335-362.
- Rezazadeh, J. , and A. , Ashtab. (2010). Relationship between accuracy of profit forecasting and stock returns of new companies entering the Tehran Stock Exchange. *Journal of Macroeconomics Research*, 10 (37): 55-76. (In Persian)
- Rogers, J. L. , and P. , Stocken. (2005). Credibility of management forecasts. *The Accounting Review*, 80 (4) , 1233-1260.
- Sabzalipour, F. , Gheitasi, R. , and S. , Rahmati. (2012). The investigating of relationship between corporate governance mechanisms and earnings forecast accuracy. *Journal of Financial Accounting Research*, 4 (2): 123-140. (In Persian)
- Shropshire, C. , and A. , Hillman. (2007). A longitudinal study of significant change in stakeholder management. *Business & society*, 46 (1) , 63-87.
- Siegel, D. S. , and D. , Vitaliano. (2007). An empirical analysis of the strategic use of corporate social responsibility. *Journal of Economics & Management Strategy*, 16 (3) , 773-792.
- Williams, P. A. (1996). The relation between a prior earnings forecast by management and analyst response to a current management forecast. *Accounting Review*, 103-115.

بررسی تأثیرات انتشار گازهای گلخانه‌ای، عملکرد زیست‌محیطی و عملکرد اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمد قاسمی^۱، موسی محمدی^۲، چیاہ امین پناه^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۲۳

مقاله پژوهشی

چکیده

طی سالیان اخیر، به دلیل وسعت و اهمیت موضوع مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، پژوهشگران مختلفی به بررسی ابعادی جدیدی از این موضوع پرداخته و رابطه آن با موضوعات مختلفی نظیر نظام راهبری شرکت‌ها، عملکرد مالی شرکت‌ها و شرایط اقتصادی را بررسی نموده‌اند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر انتشار گازهای گلخانه‌ای، عملکرد زیست‌محیطی و اجتماعی شرکت‌ها بر عملکرد مالی آنها است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که با استفاده از روش نمونه‌گیری غربالگری تعداد ۱۱۰ شرکت مورد مطالعه قرار گرفت. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه و همچنین، جهت گردآوری اطلاعات مالی شرکت‌ها از صورت‌های مالی و بانک‌های اطلاعاتی آنها استفاده شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که انتشار گازهای گلخانه‌ای شرکت‌ها همراه با عملکرد زیست‌محیطی و اجتماعی آنها بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تأثیر معنی‌داری دارد.

واژه‌های کلیدی: انتشار گازهای گلخانه‌ای، عملکرد زیست‌محیطی، عملکرد اجتماعی، عملکرد مالی

طبقه‌بندی موضوعی: M41 , M14

DOI: 10.22051/jaasci.2021.27062.1543

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تفرش، مرکزی، ایران، نویسنده مسئول، (mhd.ghasemi65@gmail.com)

^۲ استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تفرش، مرکزی، ایران، (mohamadi_moosa@yahoo.com)

^۳ استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تفرش، مرکزی، ایران، (chia_aminpanah84@yahoo.com)

مقدمه

در عصر حاضر با توجه به رشد و پیشرفت روزافزون جامعه بشری و صنعتی، همچنین محدودیت‌های منابع طبیعی و زیست‌محیطی در دسترس، مسأله حفاظت و صیانت از محیط‌زیست به‌عنوان یکی از مهمترین مسائل جامعه جهانی، مطرح گردیده است. شرکت‌ها و موسسات در جامعه‌ای کار می‌کنند که آن جامعه برای آنها فرصت‌های مختلفی را جهت کسب سود و تحقق اهدافشان ایجاد کرده است. در مقابل این رفتار جامعه، سازمان‌های مذکور نیز باید متعهد باشند که نیازها و خواسته‌های جامعه را آنگونه که مورد توجه ذینفعان است، برآورده نمایند. همواره در طول سال‌های اخیر این سوال در بین صاحب‌نظران، نظریه‌پردازان و محققین حسابداری و جوامع اقتصادی و تجاری وجود داشته است که آیا بین عملکرد مالی و مسئولیت اجتماعی، زیست‌محیطی و انتشار گازهای گلخانه‌ای شرکت‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد یا خیر؟ آیا می‌توان تولید و ارائه کالا و خدمات سازگار با محیط‌زیست را، راهکاری برای کسب سود بیشتر و ارتقای بازده دارایی در نظر گرفت؟

عملکرد زیست‌محیطی عبارت است از مجموعه عملیات شرکت که همگام و سازگار با محیط‌زیست بوده و این عملکرد عمدتاً از طریق معیارها و مقیاس‌های تعیین شده توسط نهادها و آژانس‌های مربوطه، اعم از کشوری و بین‌المللی اندازه‌گیری می‌شود (سارومپت، ۲۰۰۵). ارائه اطلاعاتی در زمینه بازیافت ضایعات با استفاده از مجدد از مواد دور ریختنی، استفاده بهینه از منابع طبیعی در جهت کاهش ضایعات احتمالی، اعطای کمک مالی برای حفاظت از طبیعت و محیط‌زیست، خرید و استفاده از مواد اولیه، محصولات و ملزومات سازگار با محیط‌زیست، کنترل آلودگی (هوا، آب، زمین)، جلوگیری از زیان‌های زیست‌محیطی، حفاظت از منابع طبیعی، پژوهش و توسعه، حسابرسی زیست‌محیطی، حمایت از فعالیت گروه‌های طرفدار محیط‌زیست، اهداف، استراتژی‌ها و سیاست‌های زیست‌محیطی به‌منظور کاهش اثرات مخرب زیست‌محیطی، عضویت در نهادها یا سازمان‌های طرفدار محیط‌زیست، برنامه‌های آموزشی در راستای آگاه‌سازی کارکنان از اهمیت حفظ محیط‌زیست، همه مصادیقی از افشاهای زیست‌محیطی است. با توجه به رابطه بین عملکرد زیست‌محیطی با عملکرد اقتصادی شرکت‌ها، در این پژوهش، تأثیر انتشار گازهای گلخانه‌ای، عملکرد زیست‌محیطی و عملکرد اجتماعی بر

عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، روش‌هایی است که مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و احترام به کارکنان، جامعه و محیط زیست انجام می‌شوند. بر این اساس، مسئولیت‌های اجتماعی به گونه‌ای در شرکت‌ها برنامه‌ریزی می‌شوند که برای جامعه به طور کلی و برای سهامداران ارزش پایدار ایجاد نمایند. سازمان‌ها مسئولیت‌های بزرگی در زمینه اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در برابر کارکنان، سهامداران، مشتریان، دولت، تأمین‌کنندگان و تمامی ذی‌نفعان خود بر عهده دارند. بی‌تردید، چنانچه افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات مختلف جامعه، خود را نسبت به رویدادها، اتفاقات و بحران‌های مختلف مسئول دانسته و هریک در حدود مسئولیت و حیطه کاری خویش در حل بحران‌های فوق تلاش نمایند، بسیاری از مشکلات کاسته می‌شود و جامعه‌ای سالم و آرام بوجود خواهد آمد. به عبارت دیگر، شرکت به هر نحوی که عمل کند، عملکردش بر روی جامعه تأثیر می‌گذارد. شرکت‌هایی که نتوانند خود را با این مهم تطبیق دهند، در عرصه عمل موفق نخواهند بود (کاوسی و چاوش‌باشی، ۱۳۸۹).

در حال حاضر، یکی از نگرانی‌های عمده در زمینه فعالیت شرکت‌ها، انتشار دی‌اکسید کربن و سایر گازهای گلخانه‌ای می‌باشد. انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان ساخت در بیوسفر، عامل اصلی تغییر اقلیم محسوب می‌شوند. هیأت بین‌الدول تغییر اقلیم (IPCC)^۱ بیان کرده است که دمای بیشتر منجر به چرخه هیدرولوژیکی شدیدی می‌شود که در واقع موجب خشکسالی‌های شدید و یا سیلاب در مناطق مختلف می‌شود. همچنین، تغییر اقلیم سریع می‌تواند توازن بین گونه‌ها را تغییر دهد و حتی موجب نابودی جنگل‌ها شود.

تغییر اقلیم یک مشکل جهانی در ناحیه پیچیده‌ای از اثر متقابل بین فرآیندهای اقلیمی، زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فناوری است. اثرات تغییر اقلیم در یک افق بلندمدت آشکار می‌شود و فعالیت‌های کنونی بشر، توسعه پایدار را تحت تأثیر قرار خواهند داد. بنابراین، بسیاری از مطالعات بر ارزیابی انتشار گازهای گلخانه‌ای سامانه‌های انرژی، تأکید کرده‌اند. در

دسامبر ۱۹۹۷، پروتکل کیوتو که تعیین مقدار مشخص انتشار گازهای گلخانه‌ای را برای کشورهای توسعه یافته الزام آور کرده است، به تصویب رسید و کشورهای صنعتی بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ متعهد به کاهش میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای خود به میزان ۵/۲ درصد، زیر سطح انتشار سال ۱۹۹۰، شدند (محمدنژاد و همکاران، ۱۳۸۸).

موضوع همراستا بودن عملکرد زیست محیطی و عملکرد اجتماعی با عملکرد مالی یکی از موضوعاتی است که همواره بین نظریه پردازان محل اختلاف بوده است. علی‌رغم مقبولیت بالای اصول مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، یک منازعه طولانی درباره اینکه آیا مدیران باید سیاست‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها را در تصمیمات تاکتیکی و استراتژیکی خود دخالت دهند یا نه وجود دارد. منتقدان بر این باور هستند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها یک ساختار مبهم دارد و مدیران جهت تعیین اینکه مسئولیت اجتماعی آنها چیست، ناتوان هستند. از طرفی مسئولیت‌پذیری اجتماعی باعث افزایش هزینه‌های عملیاتی می‌شود و ثروت سهامدار را از بین می‌برد. پس نگرانی اصلی منتقدان مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها این است که هزینه‌های مربوط به بهبود عملکرد اجتماعی شرکت، ممکن است از منافع آن بیشتر شود (یزدانی، ۱۳۸۸).

با توجه به نقش و اهمیت محیط‌زیست و مسائل اجتماعی، این پژوهش سعی دارد که به بررسی تأثیرات انتشار گازهای گلخانه‌ای، عملکرد زیست محیطی و عملکرد اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بپردازد.

پیشینه پژوهش

کوهن (۱۹۹۷) بازده بازار و بازده حسابداری شرکت‌های آمریکایی موجود در دو گروه آلاینده و با آلاینده‌گی کمتر را با هم مقایسه نمود. نتیجه پژوهش نشان داد که سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در امور زیست محیطی تأثیری بر بازده بازار و حسابداری شرکت‌ها ندارد. التویری و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهشی نشان دادند که عملکرد زیست محیطی مناسب، منجر به عملکرد اقتصادی مناسبی خواهد شد. هرچند هدف اصلی سازمان‌ها، افزایش کارایی و کسب سود است، اما در عصر اطلاعات و جهانی سازی برای دستیابی به موفقیت، باید به انتظارات اجتماعی و احکام

اخلاقی، واکنش مناسب نشان دهند و به بهترین شکل اینگونه انتظارات را با اهداف اقتصادی سازمان تلفیق نمود، تا دستیابی به اهداف بالاتر امکانپذیر باشد.

سارومیت (۲۰۰۵) در بررسی شرکت‌های اندونزیایی با مدنظر قراردادن رتبه‌بندی زیست‌محیطی شرکت‌ها به‌عنوان شاخص عملکرد زیست‌محیطی به این نتیجه رسید که عملکرد زیست‌محیطی ارتباط معنی‌داری با عملکرد مالی ندارد، اما با اندازه شرکت ارتباط معنی‌داری داشت. این یافته نشان می‌دهد که رتبه‌بندی زیست‌محیطی دولت بسیار با گواهینامه محیط زیست بین‌المللی سازگار است.

ژانگ و استم (۲۰۰۷)، نیز نشان داد شرکت‌هایی که از نظر مالی عملکرد مطلوبی دارند، تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های زیست‌محیطی دارند و این درحالی است که فعالیت‌های زیست‌محیطی مستقیماً به افزایش سودآوری مرتبط نبوده و به افزایش سود و بازده نمی‌انجامد.

مالین و همکاران (۲۰۱۴)، رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و عملکرد مالی را در بانک‌های اسلامی بررسی نمودند. آنها با استفاده از شاخص جامع مسئولیت‌پذیری اجتماعی و با پوشش دهی ده‌بُعدی، افشا مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را در یک نمونه شامل ۹۰ بانک اسلامی در بین ۱۳ کشور، تجزیه و تحلیل کردند. نتایج تجزیه و تحلیل آنها علاوه بر نشان دادن رابطه مثبت بین افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی، حاکی از وجود رابطه مثبت و معنی‌داری بین اندازه هیئت نظارت شرعی و شاخص مسئولیت اجتماعی بود.

رخماواتی و همکاران (۲۰۱۵)، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر انتشار گازهای گلخانه‌ای، عملکرد زیست‌محیطی و عملکرد اجتماعی بر عملکرد شرکت‌های تولیدی در اندونزی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که انتشار گازهای گلخانه‌ای و عملکرد اجتماعی شرکت‌ها، تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی آنها دارد، اما عملکرد زیست‌محیطی تأثیر معناداری بر عملکرد مالی شرکت‌ها نداشت.

رودریگز فرناندرز (۲۰۱۵)، رابطه بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی را با در نظر گرفتن ایجاد یک نظام راهبری شرکتی مناسب در شرکت‌های اسپانیایی مورد بررسی قرار داد. نتایج

ثابت نمود که طبقه‌بندی و به‌کارگیری کلیه سیاست‌های اجتماعی موجب ارتقای منابع مالی می‌شود و به‌طور بالعکس، افزایش عملکردهای مالی منجر به منافع اجتماعی بالاتر می‌گردد.

وانگ و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر مالکیت علائم تجاری و عملکرد شرکت بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ در شرکت‌های تایوانی پرداختند. نتایج آنها نشان داد که بُعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اعتبار علائم تجاری برای کلیه چارک‌های در نظر گرفته شده، مثبت و معنی‌دار است. همچنین، یافته‌های نهایی آنها که بر مبنای مدل معادلات ساختاری بود نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و مالکیت علائم تجاری، تأثیری مثبت بر عملکرد شرکت دارند.

در پژوهش‌های صورت گرفته در ایران، تیمورلویی و پور تیمورلویی (۱۳۹۰)، با بررسی ۲۴۸ شرکت از شرکت‌های تولیدی واقع در استان‌های شمال غرب ایران به این نتیجه دست یافتند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌های مورد بررسی در هر چهار منظر ارزیابی متوازن عملکرد (مشتری، فرآیندهای داخلی، رشد و یادگیری و منظر مالی) تأثیر مثبت داشتند، اما تعدادی از جنبه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر منظرهای ارزیابی عملکرد، تأثیر مستقیم نداشتند.

عرب صالحی و همکاران (۱۳۹۲)، با استفاده از ابزار پرسشنامه، رابطه بین مسئولیت اجتماعی در زمینه‌هایی از قبیل مشتریان، کارکنان، اداره محیط‌زیست و نهادهای موجود در جامعه را با عملکرد مالی ۵۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ بررسی نمودند. نتایج این پژوهش نشان داد که عملکرد مالی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها نسبت به مشتریان و نهادهای موجود در جامعه ارتباط دارد، اما عملکرد مالی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها نسبت به کارکنان و محیط‌زیست، رابطه معنی‌داری ندارد.

حاجیه و سرافراز (۱۳۹۳)، به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ پرداختند. آنها در پژوهش خود مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته و برای اندازه‌گیری آن از معیارهای مؤسسه آمریکایی معروف به نام کا. ال. دی که هر ساله سازمان‌ها را بر اساس معیارهای اجتماعی و زیست‌محیطی رتبه‌بندی می‌کند، استفاده نمودند. یافته‌های آنها نشان داد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه معکوس و معنی‌داری با هزینه حقوق صاحبان سهام دارد.

فرضیه‌های پژوهش

- مبتنی بر آنچه که در بخش مبانی نظری ارائه شد و تحقیقات بررسی شده، در این پژوهش سه فرضیه مطرح است که مورد آزمون و بررسی قرار گرفته است.
- (۱) انتشار گازهای گلخانه‌ای شرکت‌ها تأثیر معنی‌داری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.
 - (۲) عملکرد زیست‌محیطی شرکت‌ها تأثیر معنی‌داری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.
 - (۳) عملکرد اجتماعی شرکت‌ها تأثیر معنی‌داری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران است که با استفاده از روش حذف نظام‌مند نمونه مورد بررسی در این پژوهش، انتخاب شد. بر این اساس، برای انتخاب نمونه شرایط زیر مقرر گردید:

- (۱) سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.
- (۲) شرکت‌ها تا پایان سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- (۳) شرکت‌ها نایستی سال مالی خود را در طی دوره‌های مورد نظر تغییر داده باشند.
- (۴) شرکت‌ها طی دوره پژوهش، فعالیت مستمر داشته و سهام آن‌ها مورد معامله قرار گرفته باشد.
- (۵) شرکت‌ها جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گرهای مالی و شرکت‌های لیزینگ) نباشند.

با توجه به محدودیت‌های اعمال شده ۸۹ شرکت به‌عنوان نمونه آماری این پژوهش انتخاب شد. از آن‌جا که دوره مورد بررسی این پژوهش سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ است، بنابراین ۱۷۸ شرکت/سال داده جهت آزمون‌های آماری و تحلیل مدل در اختیار محققین بود.

مدل رگرسیونی پژوهش

در این پژوهش برای بررسی و آزمون فرضیات پژوهش از مدل رگرسیونی شماره ۱ استفاده شد.

$$ROA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CO_2 Intensity_{i,t} + \beta_2 EP_{i,t} + \beta_3 SP_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Leverage_{i,t} + \beta_6 Capital - Intensity_{i,t} + \varepsilon_i \quad (1)$$

که در آن:

$ROA_{i,t}$: شاخص عملکرد مالی شرکت i در زمان t

$CO_2 Intensity_{i,t}$: شاخص انتشار گازهای گلخانه‌ای شرکت i در زمان t

$EP_{i,t}$: شاخص عملکرد زیست‌محیطی شرکت i در زمان t

$SP_{i,t}$: شاخص عملکرد اجتماعی شرکت i در زمان t

$Size_{i,t}$: اندازه شرکت i در زمان t

$Leverage_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در زمان t

و در نهایت، $Capital_Intensity_{i,t}$ میزان سرمایه شرکت i در زمان t است.

متغیرها و نحوه محاسبه آنها

متغیر وابسته

• عملکرد مالی

این متغیر با استفاده از نرخ بازده دارایی‌ها (ROA) و با استفاده از رابطه ۲ که توسط کارتون و هافر (۲۰۰۶) پیشنهاد شده است، محاسبه شد. این رابطه به صورت زیر بیان می‌گردد.

$$ROA_{i,1394} = \frac{NI_{i,1394}}{\frac{TA_{i,1394} + TA_{i,1393}}{2}} \quad (2)$$

که در آن:

$ROA_{i,1394}$: شاخص عملکرد مالی شرکت i در سال ۱۳۹۴،

$NI_{i,1394}$: درآمد خالص شرکت i در سال ۱۳۹۴،

$TA_{i,1394}$: کل دارایی‌های شرکت i در سال ۱۳۹۴،

و $TA_{i,1393}$: کل دارایی‌های شرکت i در سال ۱۳۹۳، است.

متغیرهای مستقل

• انتشار گازهای گلخانه‌ای

برای اندازه‌گیری شاخص گازهای گلخانه‌ای از رابطه ۳ که توسط رخماواتی و همکاران (۲۰۱۶) پیشنهاد شده است، استفاده شد.

$$CO_2eIntensty_{i,1394} = \frac{Ki \log ram_{-Of} - CO_2e_{i,1394}}{\frac{CGS_{i,1394} + CGS_{i,1393}}{2}} \quad (3)$$

که در آن:

$CO_2eIntensty_{i,t}$: شاخص انتشار گازهای گلخانه‌ای،

$Ki \log ram _ Of _ CO_2 e_{i,1394}$ مقدار دی اکسید کربن تولید شده به وسیله کارخانه i در سال ۱۳۹۴،

$CGS_{i,1394}$: هزینه محصولات فروخته شده شرکت i در سال ۱۳۹۴،

$CGS_{i,1393}$: هزینه محصولات فروخته شده شرکت i در سال ۱۳۹۳، است.

• عملکرد زیست محیطی

عملکرد زیست محیطی شرکت‌ها از طریق رتبه‌بندی سازمان حفاظت محیط زیست (دارا بودن گواهینامه ISO14000) مورد ارزیابی قرار گرفت. شرکت‌هایی که گواهینامه ISO14000 داشتند، مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را به خود اختصاص دادند. لازم به توضیح است که از آنجا که در ایران شاخص مشخصی برای رتبه‌بندی عملکرد زیست محیطی شرکت‌ها وجود ندارد، در این پژوهش با توجه به مورد مطالعه قرار دادن شرکت‌های تولیدی و صنعتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از دارا بودن گواهینامه به عنوان شاخص عملکرد زیست محیطی استفاده شد، زیرا گواهینامه ISO14000 عمدتاً برای شرکت‌های تولیدی و صنعتی ارائه می‌گردد.

• عملکرد اجتماعی

به منظور سنجش عملکرد اجتماعی شرکت‌ها از پرسشنامه در قالب ۱۶ سوال استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۳ معیار شامل نگرش شرکت نسبت به مسئولیت اجتماعی، سنجش عوامل مسئولیت اجتماعی شرکت و اجزای ائتلاف‌ها در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکت است که در طیف سوالات ۳ گزینه‌ای (بله=۳، تا حدودی=۲، خیر=۱)، ارائه شده است. حداکثر امتیاز بدست آمده از این پرسشنامه ۵۴ و حداقل آن ۱۶ بود. برای تعیین روایی و پایایی این پرسشنامه از ضریب الفای کرونباخ استفاده شده است.

متغیرهای کنترلی

• اندازه شرکت (size):

اولین متغیر کنترلی این پژوهش اندازه شرکت بود که بر اساس رابطه پیشنهادی فریدمن و جاگی (۲۰۰۵)، محاسبه شده است.

$$Firm_Size_{i,1394} = \frac{Ln(NS_{i,1394}) + Ln(NS_{i,1393})}{2} \quad (۴)$$

که در آن:

$Firm_Size_{i,1394}$: اندازه شرکت i در سال ۱۳۹۴،

$Ln(NS_{i,1394})$: لگاریتم خالص فروش شرکت i در سال ۱۳۹۴،

$Ln(NS_{i,1393})$: لگاریتم خالص فروش شرکت i در سال ۱۳۹۳، است.

• اهرم مالی شرکت (Leverage)

این متغیر در این پژوهش با استفاده از رابطه پیشنهادی سیتیپانک (۱۹۹۴) و به صورت زیر محاسبه شده است.

$$Leverage_{i,1394} = \frac{D_{i,1394}}{\left(\frac{TA_{i,1394} + TA_{i,1393}}{2}\right)} \quad (۵)$$

که در آن:

$Leverage_{i,1394}$: اهرم مالی شرکت i در سال ۱۳۹۴،

$D_{i,1394}$: کل بدهی‌های شرکت i در سال ۱۳۹۴،

$TA_{i,1394}$: کل دارایی‌های شرکت i در سال ۱۳۹۴،

$TA_{i,1393}$: کل دارایی‌های شرکت i در سال ۱۳۹۳، است.

• میزان سرمایه شرکت (Capital-Intensity)

سومین متغیر کنترلی در این پژوهش میزان سرمایه شرکت است که با استفاده از رابطه پیشنهادی روس و فوت (۱۹۹۷) بصورت زیر محاسبه شده است.

$$Capital_Intensity_{i,1394} = \frac{TA_{i,t}}{\left(\frac{NS_{i,1394} + NS_{i,1393}}{2}\right)} \quad (۶)$$

که در آن:

Capital – Intensity_{i,1394}: میزان سرمایه،

TA_{i,1394}: کل دارایی‌های شرکت i در سال ۱۳۹۴،

NS_{i,1394}: خالص فروش شرکت i در سال ۱۳۹۴،

NS_{i,1393}: خالص فروش شرکت i در سال ۱۳۹۳، است.

ابزار و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای برآورد مدل پژوهش، از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است و برای جمع‌آوری تلخیص داده‌های پژوهش از Excel استفاده شده است.

آمار توصیفی

هنگامی که اطلاعات کمی برای پژوهش گردآوری می‌شود، ابتدا طبقه‌بندی و خلاصه کردن داده‌ها به روشی که به‌طور معنی‌داری قابل درک و ارتباط باشد، ضروری است. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش به همین منظور بکار برده می‌شود. خلاصه ویژگی‌های متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش برای شرکت‌های مورد مطالعه، در نگاره ۱، ارائه شده است. آماره‌های گزارش شده در برگزیده شاخص‌ها و معیارهای مرکزی شامل میانگین، میانه و شاخص‌های پراکندگی شامل، انحراف معیار، کمینه و بیشینه متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش می‌باشد.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

| متغیرها | میانگین | میانه | انحراف معیار | کمینه | بیشینه |
|-------------------------|---------|--------|--------------|--------|----------|
| عملکرد مالی | ۰/۲۰۹ | ۰/۱۶۵ | ۰/۱۵۴ | ۰/۰۲ | ۰/۷۵ |
| انتشار گازهای گلخانه‌ای | -۱/۴۳۳ | -۲/۶۲۶ | ۷/۹۳۲ | -۱۸/۶۹ | ۲۳/۹۶ |
| عملکرد زیست‌محیطی | ۰/۴۶ | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۰۱ | ۰/۰۰۰ | ۱ |
| عملکرد اجتماعی | ۳۳/۰۵ | ۳۰ | ۸/۶۳۰ | ۲۰ | ۵۰ |
| اندازه شرکت | ۶/۳۴۱ | ۶/۲۱۰ | ۰/۷۰۲ | ۵/۰۳ | ۸/۳۰ |
| اهرم مالی | ۱/۷۵۷ | ۱/۴۷۸ | ۱/۱۱۸ | ۰/۰۶۱ | ۷/۵۶ |
| میزان سرمایه | ۲۴۰۴۰۷۶ | ۲۱۰۰۰۰ | ۸۱۹۴۵ | ۲۵۰۰۰ | ۵۰۰۰۰۰۰۰ |

آمار استنباطی

تحلیل رگرسیون چندمتغیره

نتایج تحلیل رگرسیون تأثیر انتشار گازهای گلخانه‌ای، عملکرد زیست‌محیطی و عملکرد اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت‌ها در نگاره ۲ آورده شده است. ضریب معنی‌داری بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها برای متغیر مستقل انتشار گازهای گلخانه‌ای برابر با ۰/۰۱۶ است. از آنجایی که این مقدار کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه در سطح خطای ۵ درصد، متغیر مستقل بر متغیر وابسته تأثیر معنی‌داری دارد. به عبارتی، انتشار گازهای گلخانه‌ای تأثیر معنی‌داری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. همچنین، مقدار بتا بدست آمده برای متغیر مستقل انتشار گازهای گلخانه‌ای برابر با ۰/۲۰۶- است که نشان می‌دهد انتشار گازهای گلخانه‌ای تأثیر منفی و معنی‌داری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. این بدان معناست که هر چه انتشار گازهای گلخانه‌ای شرکت‌ها زیاد باشد در نتیجه آن، میزان عملکرد مالی شرکت‌ها کاهش می‌یابد.

همچنین، ضریب معنی‌داری بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها برای متغیر مستقل عملکرد زیست‌محیطی برابر با صفر بود که در سطح خطای ۵ درصد، می‌توان بیان داشت که عملکرد زیست‌محیطی تأثیر معنی‌داری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. همچنین، مقدار بتا بدست آمده برای این متغیر مستقل برابر با ۰/۴۲۲ بود که نشان می‌دهد عملکرد زیست‌محیطی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. به عبارتی، هر چه عملکرد زیست‌محیطی شرکت‌ها زیاد باشد، در نتیجه میزان عملکرد مالی آنها افزایش می‌یابد.

عملکرد اجتماعی نیز تأثیر معنی‌داری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران داشت. به طوری که ضریب معنی‌داری بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها برای متغیر مستقل عملکرد اجتماعی برابر با ۰/۰۰۱ بود. همچنین، مقدار بتا بدست آمده برای این متغیر مستقل برابر با ۰/۲۶ بود که نشان می‌دهد عملکرد زیست‌محیطی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. به عبارتی، شرکت‌هایی که عملکرد اجتماعی بالایی دارند، عملکرد مالی آنها نیز بالا است.

نگاره (۲): نتایج تحلیل رگرسیون تأثیر انتشار گازهای گلخانه‌ای، عملکرد زیست محیطی و عملکرد

اجتماعی بر متغیر وابسته (عملکرد مالی شرکت‌ها)

| سطح معناداری | آماره تی | ضرایب استاندارد شده | | ضرایب خام | | متغیرهای مستقل وارد شده |
|------------------------------|----------|----------------------|----------------|---------------------|-------------------------|-------------------------|
| | | بتا | خطای استاندارد | بتا | خطای استاندارد | |
| ۰/۰۰۰ | ۵/۰۰۶ | - | ۰/۱۳۷ | ۰/۶۸۸ | مقدار ثابت | مدل |
| ۰/۰۱۶ | ۲/۴۶۵ | -۰/۲۰۶ | ۰/۰۰۲ | -۰/۰۰۴ | انتشار گازهای گلخانه‌ای | |
| ۰/۰۰۰ | ۵/۲۴۷ | ۰/۴۲۲ | ۰/۰۲۵ | ۰/۱۳۰ | عملکرد زیست محیطی | |
| ۰/۰۰۱ | ۳/۳۷۶ | ۰/۲۶ | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۵ | عملکرد اجتماعی | |
| ۰/۰۰۱ | -۳/۴۴۳ | -۰/۳۳۳ | ۰/۰۲۱ | -۰/۰۷۳ | اندازه شرکت | |
| ۰/۰۰۲ | ۳/۱۷۰ | ۰/۲۵۳ | ۰/۰۱۱ | ۰/۰۳۵ | اهرم مالی | |
| ۰/۰۰۶ | ۲/۷۹۰ | ۰/۲۶۳ | ۰/۰۰۰ | ۴/۹۷۷ | میزان سرمایه | |
| خطای انحراف معیار برآورد شده | | ضریب تعیین تعدیل شده | ضریب تعیین | آماره دوربین واتسون | نتایج همبستگی | |
| ۰/۱۰۸ | | ۰/۵۳ | ۰/۷۳۲ | ۱/۸۲۹ | | |

همانطور که در نگاره ۲ مشاهده می‌شود، تحلیل رگرسیون متغیر وابسته (عملکرد مالی) از طریق متغیرهای مستقل (انتشار گازهای گلخانه‌ای، عملکرد زیست محیطی و عملکرد اجتماعی)، حاکی از آن است که ضریب تعیین تعدیل شده (R^2) بدست آمده برای مدل رگرسیونی پژوهش ۰/۵۳ است. این عدد بیانگر این موضوع می‌باشد که حدود ۵۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل پژوهش قابل تبیین است که نشان‌دهنده قدرت توضیح‌دهندگی این رگرسیون است. به منظور آزمون عدم وجود خودهمبستگی در مدل، از آماره دوربین-واتسون استفاده شد. به عنوان یک قاعده تجربی، چنانچه آماره دوربین-واتسون در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گیرد، فرضیه صفر یعنی عدم وجود خود همبستگی بین باقیمانده‌ها، پذیرفته می‌شود. این آماره

برابر با ۱/۸۲۹ است. با توجه به آماره به دست آمده، فرض صفر پذیرفته شده و می‌توان بیان کرد که در مدل خودهمبستگی بین متغیرهای پژوهش، وجود ندارد. همچنین از دیگر یافته‌های این بررسی آن است که متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، اهرم مالی و میزان سرمایه، بر عملکرد مالی شرکت‌های مورد مطالعه در این پژوهش تأثیر معنی‌داری داشتند.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چند مورد از جدیدترین پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه از جمله پژوهش رخماویت و همکاران (۲۰۱۵)، به تشریح تأثیرات شاخص‌های مهم مسئولیت‌پذیری شامل انتشار گازهای گلخانه‌ای، عملکرد زیست‌محیطی و عملکرد اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پرداخته شد. یافته‌های حاصل از نتایج پژوهش نشان داد انتشار گازهای گلخانه‌ای، عملکرد زیست‌محیطی و عملکرد اجتماعی شرکت‌ها تأثیر معناداری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران داشت. با توجه به اینکه انتشار گازهای گلخانه‌ای تأثیر منفی و معنی‌داری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران داشت، پیشنهاد می‌گردد که شرکت‌ها با استفاده از فناوری‌های جدید و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، گامی موثر در جهت افزایش عملکرد مالی شرکت‌های خود بردارند. همچنین، با توجه به اینکه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد، همه بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در جهت بهبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حرکت به سمت توسعه پایدار هماهنگ سازند.

پیشنهادات

با توجه به مبانی نظری و یافته‌های آزمون فرضیه پژوهش پیشنهاد می‌شود:

- مدیران شرکت‌ها مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به‌عنوان یک روش مدیریتی در مجموعه خود اجرا کنند تا کسب منافع اقتصادی بلندمدت و تسریع در نوآوری را بهبود دهند.

- ۲) مدیران شرکت‌ها در جهت ارتقای عملکرد مالی، به طبقه‌بندی صحیح و در نظر گرفتن آثار عملکردهای زیست‌محیطی و اجتماعی جدید که به‌طور مستقیم بر عملکرد مالی تأثیرگذار است، روی آورند.
- ۳) در پژوهش‌های آتی از معیارهای دیگر عملکرد مالی برای سنجش رابطه این متغیر با متغیرهای دیگر مورد مطالعه در این پژوهش استفاده شود.
- ۴) تأثیر ساختار مالکیت بر انتشار گازهای گلخانه‌ای و عملکرد زیست‌محیطی و عملکرد اجتماعی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

پی‌نوشت

- ۱ Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC)

منابع

- Al-Tuwaijri, S. A. , Christensen, T. E. , & Hughes Ii, K. E. (2004). The relations among environmental disclosure, environmental performance, and economic performance: a simultaneous equations approach. *Accounting, organizations and society*, 29 (5-6) , 447-471.
- Arab Salehi, M. , Sadeghi, Gh. , & Moineddin, M. (2013). The relationship between social responsibility and financial performance of companies listed on the Tehran Stock Exchange, *Empirical Accounting Research*, 3 (9) ,10-20 (in Persian).
- Carton, R. B. , & Hofer, C. W. (2006). *Measuring organizational performance: Metrics for entrepreneurship and strategic management research*. Edward Elgar Publishing.
- Cohen, M. A. , Fenn, S. , & Naimon, J. S. (1995). *Environmental and financial performance: are they related?*. Washington, DC: Investor Responsibility Research Center, Environmental Information Service.
- Divkhar Teymourloui, S. , & Abedinpour Teymourloui, A. (2011). The Impact of companies Social Responsibility on Their Performance Using a Balanced Scorecard. *The First National Conference on New Approaches to Public Accounting, Amol, North University* (in Persian).
- Freedman, M. , & Jaggi, B. (2005). Global warming, commitment to the Kyoto protocol, and accounting disclosures by the largest global public firms from polluting industries. *The International Journal of Accounting*, 40 (3) , 215-232.
- Hajiha, Z. & Sarafraz, B. (2014). A Study of the Relationship between companies Social Responsibility and Cost of Equity in Companies Listed on the Tehran

- Stock Exchange, *Experimental Accounting Research*, 4 (14) ,105-123 (in Persian).
- Kavousi, I. , & Chavosh Bashi, F. (2011). Designing sustainable strategies to create Social Responsibility, *Journal of Social Responsibility Organizations. Cultural Research Group and Social, Expediency Council* (in Persian).
- Mallin, C. , Farag, H. , & Ow-Yong, K. (2014). Corporate social responsibility and financial performance in Islamic banks. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 103, S21-S38.
- Mohammadnejad, S. , Nabi Bid Hindi, G. , & Ebadati, F. (2009). "Concepts and Consequences of Climate Change with a Review of the Kyoto Protocol" University of Tehran Press. 190 pages (in Persian).
- Rodriguez-Fernandez, M. (2016). Social responsibility and financial performance: The role of good corporate governance. *BRQ Business Research Quarterly*, 19 (2) , 137-151.
- Rokhmawati, A. , Sathye, M. , & Sathye, S. (2015). The effect of GHG emission, environmental performance, and social performance on financial performance of listed manufacturing firms in Indonesia. *Procedia-social and Behavioral sciences*, 211, 461-470.
- Russo, M. V. , & Fouts, P. A. (1997). A resource-based perspective on corporate environmental performance and profitability. *Academy of management Journal*, 40 (3) , 534-559.
- Sarumpaet, S. (2005). The relationship between environmental performance and financial performance of Indonesian companies. *Jurnal Akuntansi dan Keuangan*, 7 (2) , 89-98.
- Wang, D. H. M. , Chen, P. H. , Yu, T. H. K. , & Hsiao, C. Y. (2015). The effects of corporate social responsibility on brand equity and firm performance. *Journal of business research*, 68 (11) , 2232-2236.
- Yazdani, A. (2009). The study of the relationship between environmental efficiency and value and return on assets of companies listed on the Tehran Stock Exchange, M. Sc. Thesis, Islamic Azad University of Tabriz (in Persian).
- Zhang, R. , & Stern, D. I. (2007). Firms' environmental and financial performance: An empirical study. *FEEM CSR PAPER*, 19.

شناسایی و رتبه‌بندی شاخص‌های کارایی حسابداری در صنعت بانکداری با تأکید بر بانکداری بدون ربای ایران

حامد تاجمیر ریاحی^۱، رضا یارمحمدی^۲، محمد رحمتی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۰۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۳

مقاله پژوهشی

چکیده

تبیین معیارهای کارایی در هر صنعتی، از جمله مقدمات سرمایه‌گذاری و انتخاب شرکت در آن صنعت است. سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران برای انتخاب سهام از صنعت بانکداری، با توجه به پیچیدگی صورت‌های مالی و رویه‌های حسابداری آن، از معیارهای مشخصی جهت انتخاب سهام استفاده می‌کنند. هدف این پژوهش، ارزیابی نظام بانکی کشور از حیث کارایی مبتنی بر شاخص‌های حسابداری، می‌باشد. پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این است که معیارهای کارایی حسابداری در صنعت بانکداری بدون ربای ایران چیست و از بین معیارهای موجود در ادبیات موضوع، کدام معیارها مدنظر سرمایه‌گذاران است و رتبه‌بندی این معیارها چگونه است. جهت پاسخگویی به این سؤالات در پژوهش حاضر از روش‌های تحقیق گوناگونی از جمله تاپسیس استفاده شده است. از بین ۱۵ معیار کارایی حسابداری، تعداد ۱۰ معیار مورد تأیید قرار گرفتند که می‌توان به نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به تسهیلات و بازده حقوق صاحبان سهام اشاره کرد. از منظر سرمایه‌گذاران، بازده حقوق صاحبان سهام مهمترین عامل در بررسی سهام بانکی‌ها می‌باشد. نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به تسهیلات نیز دومین شاخص کارایی موثر از منظر سرمایه‌گذاران است. همچنین، درصد تسهیلات به سپرده سومین شاخص انتخابی سرمایه‌گذاران است.

واژه‌های کلیدی: بانکداری اسلامی، کارایی، معیارهای حسابداری، بورس اوراق بهادار، بانکداری بدون

ربا، تاپسیس.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, G21

DOI: 10.22051/jaasci.2021.28896.1558

^۱ دکتری مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران، (Hamedtajmir@gmail.com)

^۲ دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران، (Yarmohammadi15@gmail.com)

^۳ دانشجوی دکتری مدیریت تکنولوژی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران، نویسنده مسئول، (M69Rahmati@gmail.com)

jaasci.alzahra.ac.ir

مقدمه

روند رشد و توسعه هر کشوری متأثر از شرایط اقتصادی آن می‌باشد. جایگاه نظام بانکی در چرخه اقتصادی کشور و وابستگی بقیه بخش‌های اقتصادی به آن، طوری است که هرگونه اختلال و نارسایی در عملکرد بانک‌ها، موجب عملکرد نامطلوب بقیه بخش‌های اقتصادی و در نتیجه فاصله گرفتن وضعیت اقتصادی کشور از وضع مطلوب خواهد شد. با وجود آنکه از مدت‌ها قبل نظام بانکداری کشور گام‌های موثری را در جهت بهبود کارایی و بهره‌وری برداشته است، اما هنوز هم تا رسیدن به سطح کارایی و بهره‌وری مطلوب راه زیادی در پیش است. مسئله کارایی نظام بانکی و ارتقای سطح بهره‌وری، همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دست‌اندرکاران صنعت بانکداری کشور بوده است. امروزه بانک‌ها با بهره‌گیری از شیوه‌های کارآمد، استفاده از ابزارهای نوین بانکی و تکنولوژی‌های مدرن به بهبود ارائه خدمات همت گماشته‌اند، اما با وجود این سیستم بانکی، کشور همچنان دارای محدودیت‌های فراوانی علی‌الخصوص در اختصاص منابع در قالب تسهیلات اعطایی، می‌باشد. از جمله این محدودیت‌ها، وجود حجم بالای مطالبات معوق در نظام بانکی است که روز به روز نیز در حال افزایش بوده و به تناسب این افزایش، کارایی و بهره‌وری منابع بانکی را کاهش می‌دهد.

بانکداری اسلامی به‌طور کلی شبیه بانکداری متعارف می‌باشد، اما بهره در آن جایگاهی ندارد. به بیان دیگر بانکداری اسلامی همان اهداف بانکداری متداول دنیا را دنبال می‌کند، با این تفاوت که ادعا می‌شود عملیات بانکداری در این بانک‌ها بر اساس فقه معاملات اسلامی صورت می‌گیرد. نظام بانکداری کشور هنوز در میانه راه قرار دارد؛ به این معنا که قوانین بانکداری کشور به لحاظ فقهی و شرعی با اشکالات جدی مواجه نیستند، زیرا در زمان تصویب قوانین بانکداری اسلامی هم شورای نگهبان انطباق این قوانین با شرع مقدس اسلام را تأیید می‌نماید و هم مراجع آن زمان این قوانین را تأیید کرده‌اند. البته، این به معنای آن نیست که بهتر از این نمی‌شد قوانین را وضع کرد، بلکه باید توجه داشت که همواره امکان ایجاد وضعیت مطلوب‌تر وجود دارد و می‌توان با مطالعه مجدد و بازنگری، خلأهای موجود را برطرف کرد (سایت بانک ملی ایران^۱). بانک‌های اسلامی در کشورهای غربی با چالش‌های عدیده‌ای روبرو هستند، زیرا افزون بر مشکلاتی که بانک‌های اسلامی در کشورهای اسلامی با آن روبرو هستند، یکسری مشکلات زیربنایی دیگر، از جمله حمایت نکردن دولت و قانون از بانک‌های اسلامی و کمبود نیروی

متخصص، گریبان‌گیر این بانک‌ها است. به‌طور کلی، طرز تفکر و نگرش، مشکل اساسی مواجه با بانکداری در غرب است (عبدل کریم، ۲۰۱۳).

هدف این پژوهش ارزیابی نظام بانکداری از حیث کارایی مبتنی بر شاخص‌های حسابداری می‌باشد. به‌عبارتی، شناسایی شاخص‌های حسابداری کارایی در بانکداری اسلامی موضوعی است که این پژوهش به آن توجه ویژه دارد. در این پژوهش، معیارهای کارایی حسابداری استخراج و بومی‌سازی می‌شود و سپس مهمترین معیارهای مدنظر سرمایه‌گذاران استخراج می‌گردد.

مبانی نظری

خصوصیت اصلی بانکداری اسلامی، انجام عملیات بدون ربا عنوان می‌شود. اگرچه اغلب، خصوصیات برجسته دیگری از جمله کمک به توزیع عادلانه درآمد و ثروت و افزایش تشریک مساعی در اقتصاد نیز بیان شده است. با این حال، اساس و بنیان بانکداری اسلامی، جایگزینی دریافت و پرداخت یک نرخ بهره ثابت و از پیش تعیین شده، با روش‌های مشارکتی و استفاده از عقود غیرمشارکتی است. روش‌های مشارکتی، براساس تقسیم سود و زیان است که به موجب آن، نرخ سود واقعی تنها پس از اتمام پروژه مشخص می‌شود و علی‌الاصول، باید رکن عمده و اساسی معاملات اسلامی تلقی گردد. در عقود غیرمشارکتی، تقسیم سود و زیان انجام نشده، به‌عنوان رکن فرعی معاملات اسلامی به حساب می‌آید. در بانکداری اسلامی توجه اصلی به دارایی‌های واقعی است و پول فقط یک وسیله مبادله به شمار می‌رود. به‌عبارت دیگر، فعالیت‌ها مبتنی بر دارایی واقعی هستند. بین بانک و مشتریان ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و بانک به‌طور مداوم در مورد نحوه و محل سرمایه‌گذاری سپرده‌ها به سپرده‌گذاران، اطلاع‌رسانی می‌کند. در حقیقت می‌توان گفت به خاطر مبنای بودن کالا و خدمات، افزایش ناگهانی در مقدار پول سپرده‌گذاران حاصل نمی‌شود و تورم ایجاد نمی‌گردد و این مدل به رشد و توسعه اقتصاد کشور می‌انجامد (موسویان، ۱۳۷۹). با توجه به مطالب فوق، تفاوت‌های بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی به صورت خلاصه در نگاره زیر آورده شده است (شعبان نژاد، ۱۳۸۷).

نگاره (۱): تفاوت بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی

| ردیف | معیار | بانکداری متعارف | بانکداری اسلامی |
|------|------------------------|--|--|
| ۱ | تخصیص منابع | عقد قرض بیشترین کاربرد را دارد. | عقود مشارکتی بیشترین کاربرد را دارد. |
| ۲ | تجهیز منابع | بهره از پیش تعیین شده حرف اول را می‌زند. | مشارکت طرفین در سود و زیان حرف اول را می‌زند. |
| ۳ | ارتباط با اقتصاد حقیقی | جدایی از اقتصاد حقیقی (فعالیت‌ها و تراکنش‌ها مبتنی بر دارایی‌های مالی است) | توجه اصلی به دارایی‌های واقعی است. |
| ۴ | درجه ریسک‌پذیری | اختصاص به مشتریان متعارف و ریسک‌گریز | اختصاص به کلیه مشتریان اعم از ریسک‌پذیر و ریسک‌گریز |
| ۵ | نحوه استفاده از پول | استفاده از پول جهت کسب سود و خرید و فروش | استفاده از پول جهت تسهیل مبادلات و اجرایی کردن اهداف تجاری |
| ۶ | توزیع ثروت | توزیع ناعادلانه ثروت | توزیع ثروت به گونه‌ای که حق سپرده‌گذاران از منافع حاصل پایمال نگردد. |
| ۷ | تورم‌زا بودن | پرداخت پول بدون پشتوانه کالا و خدمات به مشتریان منجر به افزایش حجم پول شده که می‌تواند تورم‌زا باشد. | به خاطر مبنای بودن کالا و خدمات افزایش ناگهانی در مقدار پول سپرده‌گذاران حاصل نمی‌شود و تورم ایجاد نمی‌گردد. |
| ۸ | شراکت در سود و زیان | عدم شراکت در زیان مشتری | شراکت بانک در زیان در صورت متضرر شدن مشتری |
| ۹ | نحوه نظارت | عموماً نظارتی بر نحوه مصرف تسهیلات اعطایی اعمال نمی‌شود. | نظارت بر نحوه مصرف تسهیلات اعطایی اعمال می‌شود. |
| ۱۰ | کارایی و ثبات | فرصت رشد و ثبات زیادی برای سرمایه‌گذاران فراهم نمی‌کند. | نظام بانکداری و تأمین مالی اسلامی امکان رشد و ثبات بیشتری را فراهم می‌کند. |

در بانکداری اسلامی یکی از مواردی که می‌تواند کارایی این نظام را به همراه داشته باشد، حذف ربا و مشارکت در سود و زیان می‌باشد، بنابراین، این مفهوم مشارکت نباید فراموش شود. مبنای بانکداری اسلامی، مشخص بودن مسیر مصرف منابع و نظارت بر این روند و در مواردی تسهیم سود و زیان و به‌طور کلی تقبل ریسک به دلیل ورود به منابع پولی آن به بخش واقعی اقتصاد بوده و بر این اساس، در بانکداری اسلامی، وجوه سپرده‌گذاران طبق موازین شرعی و

حقوقی و در قالب عقود معین سرمایه‌گذاری می‌شود (قربانی، علیرضا، ۱۳۱: ۱۳۸۹). جهت تحقق بانکداری اسلامی در کشور و افزایش کارایی نظام بانکی، نقش نهادهای نظارتی مخصوصاً بانک مرکزی بسیار حساس می‌باشد (قربانی، علیرضا، ۱۳۱: ۱۳۸۹).

کارایی، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی عملکرد بهینه واحدهای اقتصادی است. هر چند تعاریف متعددی از کارایی ارائه می‌شود، اما وجه اشتراک آنها این است که بنگاهی کارا است که از ترکیب داده‌های معین، بیشترین ستانده را بدست آورد (امیری و صفری، ۱۳۸۴: ۹۹). سنجش کارایی یک بنگاه در واقع اندازه‌گیری یک جنبه از عملکرد آن بنگاه می‌باشد. کارایی را می‌توان بر اساس حداکثرسازی خروجی، حداقل‌سازی هزینه‌ها یا حداکثرسازی سود سنجید. تحلیل کارایی یک واحد تولیدی یا خدماتی در واقع مقایسه بین خروجی‌های این واحد و ورودی‌هایی است که در فرآیند تولید محصول یا ارائه خدمت مورد استفاده قرار گرفته‌اند (احمد مختار و همکاران، ۲: ۲۰۰۶).

برگر و همکاران (۱۹۸۷، ۱۹۹۱، ۱۹۹۷)، اصطلاح «عدم کارایی X» را نوعی معیار برای سنجش کارایی بانک‌ها معرفی نمودند که بر اساس فرق بین میزان هزینه واقعی تحقق یافته و حداقل هزینه ممکن محاسبه می‌شود. این عدم کارایی در اصل میزان انحراف از شاخص قیاس را تعیین می‌نماید. تاکنون مدل‌ها و روش‌های مختلفی برای سنجش کارایی ارائه شده است. به‌طور کلی دو روش متمایز تحت عناوین روش‌های پارامتریک و غیرپارامتریک استفاده می‌شود. همچنین، درباره نحوه منظور نمودن ستانده‌ها و داده‌ها در مدل‌ها، نگرش واسطه‌ای و نگرش تولیدی، به چشم می‌خورد (امیری و رئیس صفری، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲). چنین مواردی در مدل‌های متعارف مالی و اقتصادی نیز مشاهده شده است. برای نمونه، می‌توان به پژوهش‌های جانس (۲۰۲۰) و لکان (۲۰۱۹) اشاره نمود.

در ادبیات اقتصادی روش‌ها و رویکردهای بسیاری برای ارزیابی عملکرد، از جمله شاخص‌های ارزیابی بانکی، مطرح است. بیشتر این رویکردها به تخمین توابع هزینه، سود یا تولید با هدف اندازه‌گیری کارایی و بهره‌وری اقدام نموده‌اند. نکته قابل توجه این است که اتفاق نظر عمومی نسبت به ماهیت بانک وجود ندارد. اینکه بانک همانند یک بنگاه تولیدی عمل می‌کند یا همچون یک واسطه‌گر مالی بین سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان نقش ایفا می‌کند، یکی

از مسائلی است که همچنان در محافل اقتصادی و در بین اقتصاددانان مورد بحث است. اساساً در بین مطالعات، می‌توان سه رویکرد عمده را نسبت به ماهیت بانک مشاهده کرد: رویکرد تولیدی، رویکرد واسطه‌گری و رویکرد مدرن.

نگرش تولیدی تا دهه ۱۹۸۰ در ادبیات بانکداری حاکم بوده است. در این دیدگاه، بانک‌ها به‌عنوان تولیدکننده دو نوع خدمت مشخص می‌شوند؛ این دو خدمت گردآوری و مصرف وجوه است (ابریشمی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵). در رویکرد تولیدی، بانک‌ها همچون موسسه‌های تولیدی قلمداد می‌شوند که با استفاده از نیروی کار و سرمایه فیزیکی، انواع سپرده‌ها و تسهیلات را عرضه می‌کنند. به عبارت دیگر، بانک‌ها به‌عنوان تولیدکننده خدمات حساب‌های مختلف مربوط به سپرده‌ها و تسهیلات، محسوب می‌شوند.

در نگرش واسطه‌گری بانک‌ها به‌عنوان یک مؤسسه واسطه خدمات مالی در نظر گرفته می‌شوند. از نظر کالول و دیویس (۱۹۹۲)، بانک‌ها به صورت ارائه‌دهنده خدمات واسطه‌ای از طریق جمع‌آوری سپرده‌ها و سایر بدهی‌ها و تبدیل آنها به دارائی‌های بهره‌دار مانند انواع وام‌ها، اوراق بهادار و سایر سرمایه‌گذاری‌ها فعالیت می‌کنند. به عبارتی، بانک‌ها به‌عنوان یک واسطه‌گر مالی در نظر گرفته می‌شوند که وظیفه جمع‌آوری سپرده‌ها از سپرده‌گذاران و پرداخت تسهیلات را به عهده دارند. بر مبنای چنین نگرشی واضح است که نه فقط نیروی کار و سرمایه، بلکه سپرده‌ها نیز در زمره نهاده‌های بانک محسوب می‌شود و تنها ستانده بانک‌ها، تسهیلات خواهد بود.

در رویکرد نوین، با مطرح کردن عواملی همچون مدیریت ریسک و پردازش اطلاعات در سیستم بانکی و مدیریت آنها نسبت به مباحث نظری اقتصاد خرد کلاسیک، توجه ویژه‌ای می‌شود. از آنجا که مهمترین رویکردهایی که در مطالعات مرتبط با ارزیابی بانک‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند دو رویکرد اول می‌باشد، در نگاره زیر برخی ویژگی‌های این دو رویکرد اشاره شده است (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۴-۱۵).

نگاره (۲): برخی از ویژگی‌های دو رویکرد تولیدی و واسطه‌گری

| رویکرد واسطه‌گری | رویکرد تولیدی |
|--|--|
| بانک‌ها واسطه‌ای برای ارائه خدمات هستند. | بانک‌ها تولید کننده خدمات هستند. |
| نهادها: نیروی انسانی، سرمایه فیزیکی و سپرده‌ها ستانده‌ها: تسهیلات اعطایی | نهادها: نیروی انسانی، سرمایه فیزیکی ستانده‌ها: سپرده‌ها و تسهیلات اعطایی |
| هزینه پرداختی به سپرده‌ها که یکی از مهمترین اقلام صورت‌های مالی بانک‌ها است، در ردیف هزینه نهادها حساب می‌شود. | سپرده‌های بانک هر چند خود جهت اعطای تسهیلات و ایجاد سرمایه‌گذاری‌های درآمدزا بکار می‌روند، اما در کنار تسهیلات به‌عنوان ستانده قرار می‌گیرند. |
| در محاسبات، ارزش ستانده‌ها بر حسب واحد پولی در نظر گرفته می‌شود. | در محاسبات معمولاً تعداد ستانده‌ها در نظر گرفته می‌شود. |
| کلیه هزینه‌های بانکی در نظر گرفته می‌شوند، حتی هزینه‌های سپرده‌ها که بخش بزرگی از هزینه‌های بانکی است. | هزینه‌های بانکی صرفاً هزینه‌های عملیاتی است (از آنجا که سپرده‌ها، نهاده تلقی نمی‌شوند، بنابراین هزینه صرف شده برای آنها نیز جزء هزینه‌های بانک در نظر گرفته نمی‌شود). |
| از آنجا که ارزش پولی و حجم ستانده‌ها در نظر گرفته می‌شود، بنابراین میزان منابع بانک با شفافیت منعکس می‌شود و به راحتی، امکان زیاده‌تر جلوه‌دادن کارایی و بهره‌وری وجود ندارد. البته، در عوض سطح پوشش تعداد افراد برخوردار از خدمات بانک معلوم نمی‌شود. | با توجه به اینکه تعداد سپرده‌ها و تسهیلات در نظر گرفته می‌شود، بنابراین با کوچک کردن حجم هر واحد از سپرده‌ها و تسهیلات در این رویکرد، می‌توان ستانده‌ها را بزرگ جلوه داد و در نتیجه کارایی و بهره‌وری بانک را بیش از حد واقعی به تصویر کشید. |

در پژوهش حاضر، همچون پژوهش ابریشمی و همکاران (۱۳۸۷)، به دلایل زیر از روش واسطه‌ای استفاده شده است:

- ۱- روش واسطه‌ای با اصول و فلسفه بانکداری اسلامی تطابق بیشتری دارد.
- ۲- ارزش ستانده‌ها دارای اهمیت بیشتری نسبت به تعداد آنها است، زیرا با کوچک کردن اندازه هر واحد ستانده، تعداد آنها به راحتی قابل بزرگ شدن است و در حالی که ارزش آنها با میزان منابع بانک محدود می‌شود، به آسانی قابل افزایش نمی‌باشد.

۳- هزینه سود پرداختی برای تامین سپرده‌ها، یکی از مهمترین اقلام صورت‌های مالی بانک‌ها است و نگرش حسابداری و مالی ایجاب می‌کند که این هزینه مهم را در ردیف داده‌ها بشمار آوریم.

۴- در نظر نگرفتن هزینه سود پرداختی به داده‌ها، بی‌توجهی به فرایند تکنولوژی مالی در تبدیل سپرده‌ها به وام‌ها و سایر مطالبات است.

بر اساس روش واسطه‌گری، از آنجا که پژوهش حاضر به دنبال تعیین معیارهای حسابداری است، ناگزیر است که معیارهای متداول در ادبیات حسابداری را بررسی نماید و بر اساس آن، معیارهایی را انتخاب نماید که بتوان به بهترین شکل ممکن براساس این نگرش، کارایی بانک‌ها را برآورد کرد. نسبت‌های مالی از قدیمی‌ترین و رایج‌ترین معیارهای حسابداری است که متخصصین و سرمایه‌گذاران براساس تحلیل افقی و عمودی صورت‌های مالی، از آنها استفاده می‌کنند. محاسبه این نسبت‌ها در صنعت بانکداری با توجه به ظرافت صورت‌های مالی آنها، از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. بیشتر محققین نسبت‌های مالی را به چهار گروه به شرح زیر طبقه‌بندی کرده‌اند:

۱) نسبت‌های نقدینگی: توانایی سازمان را در واریز بدهی‌های کوتاه‌مدت نشان می‌دهد؛ اهم این نسبت‌ها عبارتند از: نسبت جاری و نسبت آنی.

۲) نسبت‌های فعالیت: نسبت‌های فعالیت کارایی مدیران را در کاربرد دارایی‌ها (منابع مالی در اختیار مدیران) نشان می‌دهند. مهمترین نسبت‌های فعالیت عبارتند از: دوره وصول مطالبات، نسبت گردش سرمایه جاری، نسبت گردش کالا.

۳) نسبت‌های سرمایه‌گذاری: نسبت‌های سرمایه‌گذاری طرز ترکیب سرمایه شرکت را به معنی اعم آن که تمامی منابع مالی را در بر می‌گیرد نشان می‌دهد. نسبت‌های مذکور معمولاً از تقسیم بدهی‌های جاری، بدهی‌های بلندمدت و یا کل بدهی‌ها به ارزش ویژه بدست می‌آیند.

۴) نسبت‌های سودآوری: هدف از کاربرد نسبت‌های سودآوری تعیین میزان موفقیت سازمان در کسب سود است. موفقیت در کسب سود را از تعیین نسبت سود به فروش یا دارایی‌ها و یا از راه سنجش سود با سرمایه‌گذاری صاحبان سهام در شرکت، بدست می‌آورند (بورس، ۱۳۹۰).

تحلیل نسبت‌های مالی یک تکنیک بسیار مهم و مناسب جهت تحلیل‌های مالی بشمار می‌رود که مزایای آن عبارتند از: (۱) نسبت‌های مالی می‌توانند برای اندازه‌گیری عملکرد و تعیین استانداردهای عملکرد استفاده شوند؛ (۲) نسبت‌های مالی می‌توانند برای تمرکز بر روی نواحی که نیازمند بهبود است، استفاده شوند و یا بر روی زمینه‌هایی که بیشترین پتانسیل را برای پیشرفت در آینده دارند، متمرکز شوند؛ (۳) آنها بخش‌های بیرونی سازمان (بستانکاران) را قادر می‌سازند تا سودآوری و ارزش اعتباری سازمان را ارزیابی کنند؛ (۴) با این نسبت‌ها معیاری برای مقایسه بین فعالیت شرکت در یک دوره زمانی به دست می‌آید و نیز می‌توان نسبت‌های محاسبه شده را با متوسط صنعت مقایسه کرد و در نهایت، (۵) اگر روش مبتنی بر تحلیل این نسبت‌ها با روش‌های دیگر مثل اقتصادسنجی ادغام شود، این نسبت‌ها می‌تواند در فرآیند ارزیابی و قضاوت، نقش مهمی بازی نمایند (غریب و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۰۱).

با وجود استفاده روز افزون از تحلیل نسبت‌های مالی، اما آنها محدودیت‌هایی را به همراه دارند. این محدودیت‌ها عبارتند از: (۱) هیچ تئوری وجود ندارد که بیان دارد، عدد صحیح و مناسب برای نسبت‌های مالی مختلف، چه عددی است؛ (۲) بدلیل عواملی چون عملیات مالی، دوره‌های مالی مختلف و... ممکن است نسبت‌های مالی در میان سازمان‌های مختلف، به‌طور دقیق قابل مقایسه نباشند؛ (۳) نسبت‌های مالی بر اساس صورت‌های مالی محاسبه می‌شوند که فقط منعکس‌کننده اطلاعات گذشته هستند و نشان‌دهنده اطلاعات آینده نیستند؛ (۴) صورت‌های مالی، پیش‌بینی هزینه‌ها و نه پیش‌بینی ارزش‌ها را، میسر می‌سازند؛ (۵) صورت‌های مالی تمام اقلام را پوشش نمی‌دهند؛ (۶) عملیات و استانداردهای حسابداری در میان کشورهای مختلف، متفاوت است و این موضوع انجام مقایسه‌های جهانی معنی‌دار را مشکل می‌سازد؛ (۷) نسبت‌های مالی ایستا است و بر اساس داده‌های تاریخی صورت می‌گیرد (جهانخانی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۵). چنین استانداردهایی حتی در صورت مشخص بودن، به شدت ناپایدار بوده و بسته به شرایط هر اقتصادی و در هر دوره‌ای از زمان، می‌تواند تغییر کند.

علاوه بر نسبت‌های متداول که در مورد همه صنایع و شرکت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، نسبت‌های حسابداری خاصی جهت صنعت بانکداری تدوین شده است که می‌توان اهمیت آنها را با توجه به تخصصی بودنشان در صنعت بانکداری از نسبت‌های متداول، بیشتر دانست.

پژوهش‌های مختلفی که در این زمینه و در کشورهای مختلف در بررسی ابعاد شاخص‌های حسابداری در صنعت بانکداری انجام شده است، اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد. برای مثال، می‌توان به پژوهش‌های صورت گرفته در اندونزی (پوتری، ۲۰۱۷)، مالزی (جنگ، ۲۰۱۸) و ترکیه (یوکسل، ۲۰۱۷)، اشاره کرد. در اهمیت شاخص‌های حسابداری مورد اشاره در ادبیات داخلی نیز تحقیقات خوبی صورت گرفته که بسته به نگاه محقق یا محققین، از یک زاویه خاص به اهمیت این شاخص‌ها، پرداخته است. برای نمونه، می‌توان به پژوهش‌های صورت گرفته در مورد اهمیت شاخص‌های حسابداری و گزارشگری مالی در پژوهش «مروری بر ادبیات افشای اطلاعات در ایران» که توسط رحمانی در سال ۱۳۹۳ انجام شده است، اشاره نمود. مهمترین ملاک سنجش عملکرد حرفه‌ای بانک‌ها، میزان رشد سپرده‌های آنان است. وقتی که سؤال می‌شود کدام بانک راندمان و سرعت عمل بیشتری دارد و رضایت مشتری را بیشتر جلب کرده است، به میزان رشد سپرده‌های آن بانک توجه می‌شود (ستوده، ۱۳۸۷). سودآوری بانک نیز به میزان زیادی به جذب سپرده و به تبع آن قدرت وام‌دهی و انتفاع از شکاف بین این دو بستگی دارد. هر چند عملکرد کلی بانک را نمی‌توان صرفاً با یک شاخص سنجید، اما شاخص‌های حسابداری اصلی که برآیند تمامی شاخص‌های دیگر است، می‌تواند میزان جذب سپرده‌های بانک و یا نرخ رشد آن را بیان کنند.

ای‌بدر و همکاران (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای با عنوان «کارایی هزینه، درآمد و سود بانک‌های متعارف در مقابل بانک‌های اسلامی: رویکرد نسبت‌های مالی»، به مقایسه کارایی بین ۴۳ بانک اسلامی و ۳۷ بانک متعارف در ۲۱ کشور در خاورمیانه، آسیا و آفریقا، پرداختند. آنها از رویکرد تحلیل نسبت‌های مالی و با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ این پژوهش را به سرانجام رساندند. نسبت‌های مورد استفاده آنها عبارت از نسبت‌های کارایی هزینه: نسبت هزینه به سود و نسبت هزینه‌های غیربهره‌ای، نسبت‌های کارایی درآمد: حاشیه بهره خالص و سایر سودهای عملیاتی، نسبت‌های کارایی سود: نسبت بازده به میانگین دارایی‌ها و نسبت بازده به میانگین حقوق صاحبان سهام بود. نتایج بررسی آنها نشان می‌دهد که تفاوت فاحشی بین نمرات کارایی دو نظام بانکی وجود ندارد، اما هرچه اندازه و مجموع دارایی‌های بانک بیشتر باشد، کارایی آن کمتر است. همچنین، کارایی سود و درآمدهای بانک‌های قدیمی از بانک‌های جدید، کمتر می‌باشد.

جهت احصا شاخص‌های حسابداری مرتبط با کارایی می‌توان از جهات مختلف به فعالیت بانک‌ها نگریست و تأثیر این شاخص‌ها را بر عملکرد بانک و قیمت سهام مورد مطالعه قرار داد. یکی از این نگرش‌ها بررسی کارایی بانک از جهت کارکرد اصلی آن یعنی تجهیز و تخصیص منابع است. کارایی بانک در تجهیز و تخصیص منابع در حقیقت به ماهیت واسطه‌گری مالی بانک بر می‌گردد. می‌توان کارایی بانک در تجهیز منابع را به صورت توانایی و قابلیت بانک، در تجهیز منابع با هزینه کمتر و سهولت بیشتر و با شیوه‌های متنوع‌تر و سازگارتر، تعریف کرد. منظور از کارایی در تخصیص منابع نیز اختصاص وجوه جمع‌آوری شده به شکل بهینه و آسان و با هزینه کمتر، به فعالیت‌های اقتصادی است (سهیلی، ۱۳۸۷).

از جمله شاخص‌های کارایی که برای بانک‌ها برشمرده شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: جمع دارایی‌ها، حجم سپرده‌ها، نسبت بازدهی به مقیاس تولید، تسهیلات اعطایی، سود خالص، هزینه‌ها، مجموع تعداد شعب، تعداد کارکنان، نوع مالکیت، نسبت سپرده‌های دیداری به کل سپرده‌ها، نسبت دارایی‌های نقدی به کل سپرده‌ها و نسبت سرمایه به کل دارایی‌ها. از میان این متغیرها، ضریب مالکیت و نسبت سپرده‌های دیداری، به‌عنوان دسترسی به منابع ارزان قیمت، نسبت دارایی‌های نقدی به سپرده‌ها، به‌عنوان شاخص توانایی عمل به تعهدات و نسبت سرمایه به کل دارایی، به‌عنوان معیار مناسب ایجاد اطمینان برای سپرده‌گذاران از اهمیت بالاتری در توضیح پراکندگی شاخص کارایی در سیستم بانکی برخوردار بوده‌اند (حسن زاده، ۱۳۸۴).

پیشینه پژوهش

در حوزه سنجش کارایی بانک‌های اسلامی مطالعات متفاوت و با روش‌های متنوعی صورت پذیرفته است. اکثر مطالعات به سنجش کارایی بانک‌های اسلامی در یک کشور و برخی از آنها نیز به سنجش کارایی در چند کشور پرداخته‌اند. در کشور ما نیز مطالعاتی در حوزه کارایی با روش تحلیل پوششی داده صورت پذیرفته است و تحقیقاتی نیز با روش مرز تصادفی انجام شده است، که غالباً محدود به سنجش کارایی فنی در نظام بانکی ایران شده‌اند. اخوت (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی نظری تأمین منابع ارزان قیمت و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف»، نشان می‌دهد که تأمین منابع ارزان قیمت اسلامی نسبت به تأمین

منابع ارزان قیمت متعارف، باثبات تر و کاراتر بوده، و به علل گوناگون رشد بیشتری را نیز نوید می‌دهد.

عیوضلو و میسمی (۱۳۸۷)، مقایسه‌ای نظری بین بانکداری اسلامی و متعارف از حیث ثبات و کارایی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که تأمین مالی اسلامی نسبت به تأمین مالی متعارف باثبات تر و کاراتر بوده و به علل گوناگون رشد بیشتری را نیز نوید می‌دهد. منظور و همکاران (۱۳۸۷) نیز مقایسه‌ای را بین بانکداری متعارف و اسلامی انجام دادند و پس از روشن شدن تفاوت‌های این دو نظام، به کالبد شکافی مشکلات و چالش‌های موجود در زمینه بانکداری اسلامی پرداخته‌اند.

امیری (۱۳۸۰)، معیار کارایی در بانک‌های تجاری را تعریف و محاسبه کرده است. هدف او، شناسایی کاستی‌های برنامه‌ریزی قبلی در نظام بانکی با استفاده از شاخص کارایی بوده است. در این مطالعه، رابطه مثبت بین کارایی شبکه بانکی و ساختار آن، نظارت نامناسب و ضعف‌های عمده در سیستم نظارتی نظام بانکی و رابطه مثبت بین توان اجرایی و کارایی شبکه بانکی مورد تأیید قرار گرفت.

برهانی (۱۳۷۶) با بهره‌گیری از برنامه‌ریزی خطی به محاسبه کارایی بانک‌های تجاری پرداخته است. نتایج بدست آمده حاکی از رابطه مثبت بین کارایی و اندازه، تعداد شعب، سطح تحصیلات کارکنان و سود است و همچنین رابطه منفی بین درصد دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها با کارایی، تأیید شد. ختایی و عابدی فر (۱۳۷۹) نیز به برآورد کارایی فنی صنعت بانکداری ایران و تشخیص عوامل مؤثر بر آن پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش، بیانگر فقدان استفاده بهینه از نیروی کار در صنعت بانکداری ایران، روند نزولی کارایی فنی در این صنعت، کارایی بیشتر بانک‌های تخصصی در مقایسه با بانک‌های تجاری، افزایش کارایی فنی در صنعت بانکداری و در نتیجه افزایش دارایی‌های بانک و رابطه مثبت شعب مستقر در تهران با کارایی فنی، بود.

مومنی و نجفی (۱۳۸۳)، شاخص‌های مالی را با استفاده از روش آنتروپی، وزن‌دهی کردند. سپس، آنها با استفاده از تاپسیس رتبه ۱۷۰ شرکت را در ۱۳ صنعت جداگانه بورس اوراق بهادار تهران مشخص نمودند. در همین ارتباط، احمدپور و همکاران (۱۳۸۸) نیز با استفاده از ترکیب

روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه برای کمک به سرمایه‌گذاران و به منظور انتخاب سهام در بازار سهام، بررسی را انجام دادند. آنها شرکت‌های صنعت دارو را در بورس اوراق بهادار ایران مطالعه کردند و با استفاده از روش‌های SAW TOPSIS، Electre و همینطور روش Copeland شرکت‌ها را رتبه‌بندی کردند. دانش شکیب و فضلی (۱۳۸۸) نیز با استفاده از رویکرد ترکیبی ای‌اچ‌پی و تاپسیس و بر اساس شاخص‌های مالی، شرکت‌های حاضر در صنعت سیمان بورس اوراق بهادار تهران را، رتبه‌بندی کردند. آنها از طریق پرسشنامه و جمع‌آوری نظر خبرگان وزن (اهمیت) شاخص‌های مالی را تعیین نمودند.

در سطح دنیا، مباحث مرتبط با کارایی به‌طور عام و کارایی نظام بانکی به‌طور خاص مورد توجه است. ارائه روشی برای اندازه‌گیری کارایی اولین بار توسط فارل در سال ۱۹۵۷ صورت گرفت. او پیشنهاد نمود که مناسب‌تر است عملکرد یک بنگاه با عملکرد بهترین بنگاه‌های موجود در صنعت، مورد مقایسه قرار گیرد. به عبارتی، باید شاخصی به‌عنوان ملاک مقایسه برای تعیین عدم کارایی یک بنگاه ساخته شود (رنجبر و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۷).

برگر، هانویک و هامفری (۱۹۸۳)، داده‌های ۴۱۳ بانک دارای شبکه شعب و ۲۱۴ بانک واحد را غیر از بانک‌های بزرگ در نظر گرفتند. در این پژوهش با نگرش تولیدی و واسطه‌ای در مورد داده‌ها و ستانده‌ها و استفاده از روش پارامتریک و به کارگیری روش‌های اقتصادسنجی، به بررسی کارایی پرداخته شده است. از جمله نتیجه‌های پژوهش حاضر، این است که بکارگیری روش‌های متفاوت، تقریباً نتیجه یکسانی را ارائه می‌دهد. هامفردی و لوپز (۱۹۸۷) نیز در مقاله خود رابطه بین کارایی هزینه و تغییرات تکنولوژی در سیستم بانکی اسپانیا را مورد بررسی قرار دادند.

لی (۲۰۰۰)، با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها به تجزیه و تحلیل کارایی در بانک‌های ژاپن پرداختند. به اعتقاد او مسئله وام‌ها، اثرات بسیار زیادی بر کارایی بانک‌ها در کشور ژاپن دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بدهی‌های بسیار بالا تأثیر زیادی بر روی موج ادغام بانک‌های بزرگ در ژاپن داشته است.

دارات (۲۰۰۰) نیز در پژوهشی با عنوان «ارزیابی کارایی فنی و هزینه در بانک‌های کویت»، تلاش کرد کارایی بانک‌های کویت را به روش تحلیل پوششی داده‌ها اندازه‌گیری کند.

یودستیرا (۲۰۰۴) با استفاده از داده‌های تابلویی مربوط به سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ از ۱۸ بانک اسلامی که در ۱۲ کشور فعالیت می‌کردند، اقدام به بررسی کارایی بانکداری اسلامی به روش تحلیل پوششی داده‌ها نموده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه بانک‌های اسلامی از بحران جهانی آسیب دیده‌اند، اما عملکرد کارایی را پس از بحران داشته‌اند. این پژوهش همچنین، بر افزایش ادغام بین بانک‌های اسلامی تأکید می‌کند.

اورتاگول و ارا اسوگلو (۲۰۰۷)، از تحلیل سلسله مراتبی فازی و تاپسیس، به منظور ارزیابی عملکرد مالی استفاده نمودند. روش اول در تعیین وزن نسبت‌های مالی مورد نظر به کار گرفته شد، سپس با استفاده از این اوزان و روش دوم به رتبه‌بندی ۱۵ شرکت در صنعت سیمان ترکیه اقدام شد. جهانشاهلو و همکاران (۲۰۰۶، ۲۰۰۹، ۲۰۱۱) نیز مدل تاپسیس را با داده‌های بازه‌ای برای مسائل تصمیم‌گیری چندشاخصه توسعه دادند. در پژوهش حاضر از الگوریتم پیشنهادی این محققین استفاده شده است (جهانشاهلو و همکاران، ۲۰۰۹).

این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های انجام شده در داخل در مورد کارایی، به جنبه‌هایی می‌پردازد که عمدتاً در تحقیقات گذشته توجهی به آنها نشده است؛ از جمله نوآوری‌های این پژوهش می‌توان به احصاء معیارهای کارایی با تأکید بر معیارهای حسابداری و کمی اشاره کرد. رتبه‌بندی معیارهای کارایی از منظر سرمایه‌گذاران جهت خرید سهام بانکی، دیگر نوآوری پژوهش حاضر است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سه سوال زیر است:

(۱) معیارهای کارایی حسابداری در صنعت بانکداری چیست؟

(۲) از بین معیارهای موجود در ادبیات موضوع کدام معیارها مد نظر سرمایه‌گذاران است؟

(۳) رتبه‌بندی این معیارها چگونه است؟

جهت پاسخگویی به این سوالات در پژوهش حاضر از روش‌های تحقیقی گوناگونی استفاده شده است. در ابتدا کلیه معیارهای موجود در ادبیات موضوع گردآوری شد. در ادامه، با چند تن از مدیران شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و اعضای هیئت‌مدیره آنان

مصاحبه باز، انجام گرفت که براساس آن معیارهای جدیدی که مدنظر آنها می‌باشد، استخراج شد. معیارهای جدید بانضمام معیارهای مستخرج از ادبیات موضوع که بالغ بر ۱۵ معیار می‌شود، مورد اعتبارسنجی بر اساس پرسشنامه طیف لیکرت قرار گرفت. معیارهای مستخرج، براساس روش تاپسیس و نظر خبرگان رتبه‌بندی شد که در ادامه چگونگی این مساله، ارائه شده است.

جهت پاسخگویی به سوال دو پژوهش مبنی بر اینکه آیا سرمایه‌گذاران به جز معیارهای موجود در ادبیات موضوع برای انتخاب سهام معیارهای دیگری نیز مد نظر دارند یا خیر؟ و با توجه به نبود ادبیات پشتوانه موضوع، ناگزیر از انجام مصاحبه باز با چند تن از مدیران شرکت‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های تامین سرمایه و صندوق‌های مالی بزرگ شدیم. بر اساس مصاحبه‌های انجام گرفته، پاسخگویان به معیارهایی که در واقع نسبت‌های تلفیقی از معیارهای موجود بود اشاره کردند و یا بعضی از معیارها مانند معیار هزینه بهره‌ای به کل هزینه‌ها را در مورد بانک‌های کشور بی‌مصدق دانستند و به معیارهایی مانند سهم بانک از درآمدهای مشاع به کل درآمد، اشاره کردند. معیارهای مذکور در نگاره ۲ نشان داده شده است.

از آنجا که معیارهای موجود با دو مشکل بالقوه مواجه هستند، اولاً، این معیارها از منظر خاص همه سرمایه‌گذاران بازار نیست و ثانیاً، بعضی از آنها در بورس اوراق بهادار تهران اعتبارسنجی نشده است، لازم شد کلیه معیارها، مورد اعتبارسنجی قرار گیرد. بعضی از معیارهای نگاره ۲ نیز هرچند از مصاحبه استخراج شده است، اما برای اعتبارسنجی، در این آزمون شرکت داده شدند. بر این اساس، پرسشنامه‌ای ساختاریافته حاوی ۱۵ معیار مذکور مبتنی بر طیف لیکرت طراحی گردید. معمول آزمون پرسشنامه‌ها براساس طیف لیکرت استفاده از آزمون تی نمونه، می‌باشد که یک آزمون پارامتریک است. این آزمون از آن جهت که پارامتریک است، از اعتبار بالایی برخوردار است و مبتنی بر فرض نرمال بودن توزیع احتمال و یا بزرگ بودن حجم نمونه است. در پژوهش حاضر هرچند پاسخ‌های جمع‌آوری شده در حدود ۳۰ پاسخنامه، بود و امکان استفاده از آزمون تی مهیا بود، اما برای دقت کار از آزمون ناپارامتریک ویلکاکسون هم استفاده شد.

تکنیک تاپسیس

تکنیک تاپسیس^۲، روش اصلی تحلیل داده‌های این پژوهش می‌باشد. یکی از انواع مدل‌های تصمیم‌گیری بر اساس چندین شاخص که می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل تصمیم‌گیری

برای مدیران و برنامه‌ریزان باشد، مدل تاپسیس است. این مدل برای اولین بار در سال ۱۹۸۱، توسط هوانگ و یون ارائه گردید و با اصلاحاتی که بر روی آن انجام شد، به‌عنوان یکی از بهترین و دقیق‌ترین روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه در بین برنامه‌ریزان می‌باشد. اساس این روش، انتخاب گزینه‌ای است که کمترین فاصله را از جواب ایده‌آل مثبت و بیشترین فاصله را از جواب ایده‌آل منفی دارد. تصمیم‌گیری در برخی از روش‌های چند معیاره بر مبنای میزان نزدیکی به راه‌حل ایده‌آل می‌باشد. در این روش‌ها گزینه‌ای ارجح خواهد بود، که نزدیک‌ترین فاصله را در فضای n بعدی به راه‌حل ایده‌آل داشته باشد. این قبیل روش‌ها یا از نوع راه‌حل ایده‌آل مثبت (A^+) و یا از نوع راه‌حل ایده‌آل منفی (A^-) و یا از نوع ترکیبی، هستند؛ تکنیک تاپسیس یک تکنیک ترکیبی است. در این تکنیک در فضای اقلیدسی راه‌حل ایده‌آل مثبت و راه‌حل ایده‌آل منفی تعریف شده و سپس فاصله گزینه i ام از راه‌حل ایده‌آل منفی (di^-) و از راه‌حل ایده‌آل مثبت (di^+) محاسبه می‌شود. سپس، مبنای رتبه‌بندی گزینه‌ها میزان دوری از A^- و میزان نزدیکی به A^+ خواهد بود (اصغرپور، ۱۳۸۱). مراحل روش تاپسیس به شرح زیر است:

گام اول: تبدیل ماتریس تصمیم به یک ماتریس بی‌مقیاس شده با استفاده از نرم اقلیدسی که رابطه آن به شرح زیر است:

$$n_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m r_{ij}^2}}$$

گام دوم: ایجاد ماتریس بی‌مقیاس وزین با مفروض بودن بردار W ، به‌عنوان ورودی به الگوریتم، یعنی:

$$W = \{w_1, w_2, \dots, w_n\} \approx \text{تصمیم گیرنده}$$

$$\text{ماتریس بی‌مقیاس موزون} = \begin{pmatrix} v_{11} & \dots & v_{1j} & \dots & v_{1n} \\ \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \\ v_{m1} & \dots & v_{mj} & \dots & v_{mn} \end{pmatrix} V = ND. W_{n \times n}$$

به طوری که، ND ماتریسی است که امتیازات شاخص‌ها در آن بی‌مقیاس و قابل مقایسه شده است و $W_{m \times n}$ ماتریس قطری است که فقط عناصر قطر اصلی آن، غیر صفر خواهد بود.

گام سوم: مشخص نمودن راه‌حل ایده‌آل مثبت و راه‌حل ایده‌آل منفی.

$$A^+ = (v^+_1, v^+_2, \dots, v^+_j, \dots, v^+_n) \mid v^+_j \\ = \{ \max_i v_{ij} \mid j \in j^+; \min_i v_{ij} \mid j \in j^- \}$$

$$A^- = (v^-_1, v^-_2, \dots, v^-_j, \dots, v^-_n) \mid v^-_j \\ = \{ \min_i v_{ij} \mid j \in j^+; \max_i v_{ij} \mid j \in j^- \}$$

گام چهارم: محاسبه فاصله نسبی از A+ و A- که در این مرحله فاصله اقلیدسی هر یک از گزینه‌ها از راه‌حل ایده‌آل مثبت (di+) و فاصله اقلیدسی هر یک از گزینه‌ها از راه‌حل ایده‌آل منفی (di-) محاسبه می‌شود. رابطه زیر فرمول محاسبه این فاصله را بیان می‌کند.

$$d^+_i = \left[\left(\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v^+_j)^2 \right) \right]^{\frac{1}{2}} ; \text{ به ازای همه } i \text{ ها}$$

$$d^-_i = \left[\left(\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v^-_j)^2 \right) \right]^{\frac{1}{2}} ; \text{ به ازای همه } i \text{ ها}$$

گام پنجم: محاسبه شاخص نزدیکی نسبی (ci+)

$$0 \leq C^+_i = \frac{d^-_i}{d^+_i + d^-_i} \leq 1$$

گام ششم: رتبه‌بندی گزینه‌ها بر اساس بزرگی شاخص نزدیکی نسبی.

یافته‌های پژوهش

براساس روش تحقیق بیان شده در ابتدا مصاحبه با بعضی از فعالین بازار من جمله مدیران سرمایه‌گذاری شرکت‌های بورسی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، انجام گردید. بر اساس مصاحبه انجام شده که از نوع مصاحبه باز بود، معیارهای نگاره ۳ به‌عنوان تجمیع معیارهای سرمایه‌گذاران جهت انتخاب سهام مستخرج از ادبیات موضوع و مصاحبه، بدست آمد.

براساس نتایج نگاره ۳ تعداد ۱۵ معیار لیست شده است. البته، بعضی از معیارهای نگاره ۳ معیارهایی است که در ادبیات موضوع بدان اشاره نشده است و معیارهای نسبتی که بصورت مختلف بیان شده بود، بصورت واحد در نگاره بیان شده است. به‌عنوان مثال، معیار نسبت درآمد مشاع به کل درآمد از جمله معیارهایی است که در ادبیات متداول، بدان اشاره نشده است و می‌توان آن را از جمله معیارهای بانکداری اسلامی دانست.

نگاره (۳): معیارهای اولیه کارایی حسابداری در صنعت بانکداری

| ردیف | معیار کارایی حسابداری در بانکداری | ردیف | ملاک کارایی حسابداری در بانکداری |
|------|--|------|----------------------------------|
| ۱ | نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به تسهیلات | ۹ | نسبت درآمد مشاع به کل درآمد |
| ۲ | نسبت هزینه‌های بهره‌ای به کل هزینه‌ها | ۱۰ | نسبت هزینه‌های اداری به سپرده‌ها |
| ۳ | درصد تسهیلات به سپرده | ۱۱ | حجم سپرده |
| ۴ | بازده دارایی‌ها | ۱۲ | حجم تسهیلات |
| ۵ | نسبت کفایت سرمایه | ۱۳ | ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول |
| ۶ | نسبت دارایی‌های نقدی به کل سپرده‌ها | ۱۴ | متوسط تسهیلات اعطایی هر شعبه |
| ۷ | نسبت سپرده به سرمایه | ۱۵ | بازده حقوق صاحبان سهام |
| ۸ | نسبت تسهیلات به سرمایه | --- | --- |

جهت تأیید صحت آزمون برای تمامی معیارها، آزمون ویلکاکسون نیز بعمل آمد که نتایج آن آزمون تی را مورد تأیید قرار داد. نگاره ۴ نتایج آزمون تی را نشان می‌دهد. نتایج آزمون ویلکاکسون جهت اختصار آورده نشده است. این نتایج با استفاده از نرم افزار اس پی اس اس، محاسبه شده است.

همانگونه که در نگاره ۴ مشهود است، از بین ۱۵ معیار کارایی حسابداری، تعداد ۱۰ معیار مورد تأیید قرار گرفتند و معیارهای نسبت هزینه‌های بهره‌ای به کل هزینه‌ها، حجم سپرده، حجم تسهیلات، ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول و متوسط تسهیلات اعطایی هر شعبه مورد تأیید واقع نگردید.

همانگونه که بیان شد، پژوهش حاضر به دنبال کشف معیارهای مدنظر سرمایه‌گذاران بورس تهران است که بدانها در سرمایه‌گذاری و خرید سهام شرکت‌های بانکی، کمک می‌کند. در تحلیل معیارهای رد شده، باید گفت که معیار نسبت هزینه‌های بهره‌ای به کل هزینه‌ها که از ادبیات موضوع استخراج شده است و جزو معیارهای اصلی در بانکداری متداول است، به دلیل اینکه در بانکداری ایران کاربرد ندارد و اصولاً هزینه‌ای تحت عنوان هزینه بهره‌ای شناسایی نمی‌شود، مورد تأیید خبرگان واقع نشده است، هرچند می‌توان معیار مذکور را براساس شکل

صورت‌های مالی بانک‌های کشور تعدیل کرد، اما سرمایه‌گذاران در تحلیل بانک‌ها به معیارهای سهل‌الوصول‌تر، تکیه می‌کنند.

نگاره (۴): نتایج آزمون تی برای معیارهای بررسی شده پژوهش

| آزمون تست = ۳ | تی | درجه آزادی | معناداری (دو دنباله) | تفاوت میانگین | حد پایین با ضریب اطمینان ۹۵ درصد | حد پایین با ضریب اطمینان ۹۵ درصد |
|------------------|--------|---------------|-------------------------|------------------|-------------------------------------|-------------------------------------|
| معیار ۱ | ۴/۶۷۴ | ۲۷ | ۰ | ۰/۸۵۷ | ۰/۴۸۰ | ۱/۲۳۴ |
| معیار ۲ | -۸/۱۶۷ | ۲۷ | ۰ | -۱/۲۱۴ | -۱/۵۱۹ | -۰/۹۰۹ |
| معیار ۳ | -۴/۱۱۷ | ۲۷ | ۰ | ۰/۶۴۲ | ۰/۳۲۲ | ۰/۹۶۳ |
| معیار ۴ | ۲/۹۴۸ | ۲۷ | ۰/۰۰۷ | ۰/۵۳۵ | ۰/۱۶۲ | ۰/۹۰۸ |
| معیار ۵ | ۹/۷۸۶ | ۲۶ | ۰ | ۱/۴۰۷ | ۱/۱۱۱ | ۱/۷۰۳ |
| معیار ۶ | ۴/۶۸۴ | ۲۷ | ۰ | ۱/۰۳۵ | ۰/۵۸۲ | ۱/۴۸۹ |
| معیار ۷ | ۳/۳۰۹ | ۲۶ | ۰/۰۰۳ | ۰/۵۹۲ | ۰/۲۲۴ | ۰/۹۶۰ |
| معیار ۸ | ۲/۹۴۸ | ۲۷ | ۰/۰۰۷ | ۰/۵۳۵ | ۰/۱۶۲ | ۰/۹۰۸ |
| معیار ۹ | ۳/۳۳۴ | ۲۷ | ۰/۰۰۲ | ۰/۵ | ۰/۱۹۲ | ۰/۸۰۷ |
| معیار ۱۰ | ۲/۴ | ۲۶ | ۰/۰۲۴ | ۰/۶۲۹ | ۰/۰۹۰ | ۰/۱۶۸ |
| معیار ۱۱ | -۲/۳ | ۲۷ | ۰/۰۲۹ | -۰/۶۰۷ | -۱/۱۴۸ | -۰/۰۶۵ |
| معیار ۱۲ | -۲/۰۷۶ | ۲۷ | ۰/۰۴۸ | -۰/۶۰۷ | -۱/۲۰۷ | -۰/۰۰۷ |
| معیار ۱۳ | -۲/۹۷۶ | ۲۷ | ۰/۰۰۶ | -۰/۷۸۵ | -۱/۳۲۷ | -۰/۲۴۳ |
| معیار ۱۴ | -۲/۶۷۹ | ۲۷ | ۰/۰۱۲ | -۰/۷۵ | ۱/۳۲۴ | -۰/۱۷۵ |
| معیار ۱۵ | ۲/۷۴۸ | ۲۷ | ۰/۰۱۱ | ۰/۶۷۸ | ۰/۱۷۱ | ۱/۱۸۵ |

معیارهای حجم سپرده، حجم تسهیلات و ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول نیز مورد تأیید سرمایه‌گذاران قرار نگرفته است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چگونه این چنین معیارهایی که در واقع جزو اصلی‌ترین معیارهای کارایی حسابداری شناخته می‌شوند و از ارکان اصلی صورت‌های مالی بانک‌ها هستند مورد تأیید واقع نشده است؟ در جواب باید بیان کرد که اگر نگاهی به معیارهای مورد تأیید انداخته شود، معلوم می‌گردد این معیارها بصورت نسبی مورد تأیید واقع شده است. به عبارت دیگر، معیار درصد تسهیلات به سپرده تلفیقی از دو معیار حجم تسهیلات و سپرده است و نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به تسهیلات شامل معیار ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول است. سرمایه‌گذاران، با توجه به اینکه بررسی حجم سپرده و

حجم تسهیلات بصورت انتزاعی نیازمند تحلیل عمیق تری خواهد بود و تحلیل این اعداد نیازمند دانش اقتصاد کلان و آگاهی از حجم کل سپرده‌ها و میزان نقدینگی کشور و امثال آن می‌باشد، به معیارهای نسبی توجه بیشتری دارند. از سوی دیگر، با توجه به تعریف سنتی کارایی که عمدتاً سرمایه‌گذاران چنین تعریفی از آن دارند که عبارت است از نسبت خروجی به ورودی، معیارهای مورد تأیید، مشابهت بیشتری با تعریف سنتی کارایی دارند و صورت نسبت‌ها به‌عنوان خروجی تلقی گردیده است. البته، شایان ذکر است در نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به تسهیلات، شاخص، کارایی منفی را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، هرچه شاخص بیشتر باشد، نشان‌دهنده کارایی کمتر خواهد بود.

با توجه به رد شاخص متوسط تسهیلات اعطایی هر شعبه، به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران، به شاخص‌هایی در سطح کل شرکت توجه دارند و شاخص‌های سرانه یا مرتبط با شعبه را در تحلیل‌های خود جهت خرید سهام دخیل نمی‌کنند.

در ادامه، معیارهای مورد تأیید، براساس روش تاپسیس رتبه‌بندی شده‌اند. در این پژوهش، ماتریس تصمیم شامل ۱۰ ملاک کارایی در بانکداری، به‌عنوان گزینه‌های مربوط به تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران است. از آنجا که سرمایه‌گذاران می‌بایست به‌عنوان شاخص تصمیم‌گیری در مورد گزینه‌ها که همان ملاک‌های کارایی در بانکداری می‌باشد، تصمیم‌گیری کنند، بنابراین این افراد علاوه بر حضور فعال در بازار سرمایه کشور، باید دانش کافی در زمینه آشنایی با مباحث حسابداری و صورت‌های مالی بانک را داشته باشند و بتوانند تفاوت ملاک‌ها را تشخیص دهند. بر این اساس، سرمایه‌گذاران از بین فعالین بازار با مدرک حداقل کارشناسی ارشد انتخاب شدند. عمده سرمایه‌گذاران منتخب دارای تحصیلات مالی و حسابداری بودند و به دلیل عدم وجود جامعه در دسترس جهت انتخاب سرمایه‌گذاران، از نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. سرمایه‌گذاران از بین معامله‌گران شرکت‌های کارگزاری، مدیران سبد، مدیران صندوق و مدیران سرمایه‌گذاری در شرکت‌های کارگزاری، سرمایه‌گذاری و تأمین سرمایه انتخاب شدند. تعداد سرمایه‌گذارانی که پرسشنامه مذکور را پرکردند ۲۱ نفر بودند. در نتیجه ماتریس تصمیم این پژوهش ماتریسی ۱۰*۲۱ است.

ماتریس اوزان یا همان ماتریس W در این پژوهش، در واقع بیانگر وزن شاخص‌های تصمیم‌گیری یا به عبارت دیگر سرمایه‌گذاران است.

نگاره (۵): نتایج رتبه‌بندی با استفاده از روش تاپسیس

| رتبه | CL | d- | d+ | نام تورش |
|------|----------|---------|---------|--|
| | معیار | دی منفی | دی مثبت | |
| ۱ | ۰/۹۱۹۴۵ | ۱/۹۲۹۲۱ | ۰/۱۶۹۰۱ | بازده حقوق صاحبان سهام |
| ۲ | ۰/۸۰۲۵۴ | ۱/۶۷۰۹۶ | ۰/۴۱۱۱۳ | نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به تسهیلات |
| ۳ | ۰/۷۷۳۴۴ | ۱/۶۴۲۶۷ | ۰/۴۸۱۱۷ | درصد تسهیلات به سپرده |
| ۴ | ۰/۶۳۸۶۵ | ۱/۳۳۸۶۲ | ۰/۷۵۷۴۱ | نسبت کفایت سرمایه |
| ۵ | ۰/۶۳۴۷ | ۱/۰۸۳۷ | ۰/۶۲۳۷۳ | بازده دارایی‌ها |
| ۶ | ۰/۶۰۴۶۲ | ۲۵۱۷۸.۱ | ۸۱۸۵۷.۰ | نسبت سپرده به سرمایه |
| ۷ | ۰/۲/۵۹۹۲ | ۱/۲۳۲۳۳ | ۰/۸۲۴۳۲ | نسبت دارایی‌های نقدی به کل سپرده‌ها |
| ۸ | ۰/۵۹۵۰۱ | ۱/۲۴۳۸۸ | ۰/۸۴۶۶۳ | نسبت تسهیلات به سرمایه |
| ۹ | ۰/۵۷۷۲۹ | ۱/۲۰۵۶۱ | ۰/۸۸۲۷۷ | نسبت درآمد مشاع به کل درآمد |
| ۱۰ | ۰/۴۸۱۰۲ | ۱/۰۱۶۳۲ | ۱/۰۹۶۵۲ | نسبت هزینه‌های اداری به سپرده‌ها |

به دلیل حساسیت در انتخاب و اینکه از منظر نتایج پژوهش تفاوتی بین سرمایه‌گذاران وجود ندارد، اوزان تمامی آنها برابر در نظر گرفته شد. جمع‌آوری اطلاعات به وسیله پرسشنامه انجام گردید. از افراد مورد نظر خواسته شد، اهمیت هر کدام از شاخص‌های کارایی حسابداری را در تحلیل و خرید سهم بانکی و براساس طیف لیکرت انتخاب کنند. به عبارت دیگر، در زمان خرید سهام بانکی کدام معیارها برای ایشان از اهمیت بیشتری برخوردار است و بوسیله آن تصمیم‌گیری می‌کنند. هرچه اهمیت ملاک کارایی در تصمیم‌گیری آنان بیشتر باشد، عدد بیشتری بدان ملاک اختصاص می‌یابد.

ایده آل مثبت در این پژوهش، منظور شاخص کارایی است که بیشترین تأثیر را در انتخاب سهام بانک داشته باشد و ایده آل منفی، شاخص کارایی است که هیچ تأثیری در انتخاب سهام بانک نداشته باشد. نتایج به دست آمده از روش تاپسیس، در نگاره ۵ ارائه شده است.

نتیجه گیری

از منظر سرمایه گذاران بازده حقوق صاحبان سهام مهمترین عامل در بررسی سهام بانکها، می باشد. بازده حقوق صاحبان سهام که از تقسیم سود خالص بر جمع حقوق صاحبان سهام بدست می آید، بیانگر مدیریت بهینه منابع جهت افزایش ثروت سهامداران است. هدف اصلی هر شرکت به حداکثر رساندن بازده دارایی سهامداران و یا بازده حقوق صاحبان سهام، می باشد (راس، ۱۳۸۹). بازده حقوق صاحبان سهام، سوددهی را از دیدگاه سهامداران اندازه گیری می کند. طبق معادله دوپانت^۳ بازده حقوق صاحبان سهام بانک با کارایی عملیاتی (حاشیه سود)، بهره وری داراییها (گردش دارایی) و اهرم مالی (ضریب حقوق صاحبان سهام) مرتبط است. حاصل ضرب کارایی عملیاتی در گردش داراییها را می توان، به عنوان بازده داراییها بیان کرد (راس، ۱۳۸۹). بنابراین:

$$\text{بازده حقوق صاحبان سهام} = \frac{\text{سود بعد از مالیات}}{\text{کل داراییها}} \times \frac{\text{کل داراییها}}{\text{حقوق صاحبان سهام}}$$

که نسبت سود بعد از مالیات به کل داراییها همان بازده داراییها است و نسبت کل داراییها به حقوق صاحبان سهام، ضریب حقوق صاحبان سهام است (به عبارت دیگر معکوس نسبت سرمایه به داراییها) (تاجمیریاحی، ۱۳۹۱). به عبارتی، می توان بیان داشت که نسبت حقوق صاحبان سهام ماحصل بازدهی مناسب داراییها و کارایی عملیاتی و اهرم مالی است که این ویژگیها بانضمام محاسبه راحت آن باعث شده است، سهامداران این نسبت را در جایگاه اول انتخاب خود قرار دهند.

نسبت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول به تسهیلات، دومین شاخص کارایی موثر از منظر سرمایه گذاران است. طبق آیین نامه وصول مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول مؤسسات اعتباری (۱۳۸۷)، مطالبات مشکوک الوصول به مطالباتی گفته می شود که بیش از ۱۸

ماه از تاریخ سررسید آن سپری شده است. میزان مطالبات مشکوک‌الوصول به کل مطالبات بانک‌ها، در چند سال گذشته به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته است؛ از جمله دلایل مهم آن را می‌توان رکود حاکم بر اقتصاد و همچنین عدم مدیریت ریسک اعتباری مناسب از سمت بانک‌ها دانست. ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول باعث کاهش سود خالص بانک‌ها و بالتبع آن سود هر سهم، خواهد شد.

عوامل موثر بر مقدار مطالبات معوق و مشکوک‌الوصول تنها شامل عوامل برون‌زا و یا شرایط اقتصاد کلان نیست. خصوصیات و رفتار یک بانک در پرداخت وام و شرایط رقابت در صنعت بانکی، به‌عنوان عوامل درونی نیز می‌توانند بر مقدار این مطالبات، نقش داشته باشند. مبانی نظری مختلفی برای استخراج عواملی که به خصوصیات بانک‌ها باز می‌گردد، قابل استناد هستند. بر این اساس، بانک‌هایی که سرمایه محدود دارند، از مطالبات معوق بیشتری برخوردارند. در چارچوب این فرضیه، سرمایه محدودتر بانک‌ها باعث نگرانی کمتر آنها از ورشکستگی شده و بنابراین به مخاطره اخلاقی منجر می‌شود (کرد بیجه و نوش آبادی، ۱۳۹۰). در این صورت، سهم وام‌های ریسکی در ترکیب وام‌های بانک افزایش یافته که نتیجه آن افزایش مقدار مطالبات معوق است.

درصد تسهیلات به سپرده، سومین شاخص انتخابی سرمایه‌گذاران است. این نسبت بیانگر کارایی بانک در جذب سپرده از یک طرف و ارائه تسهیلات از طرف دیگر است. مابه‌التفاوت شکاف بین این دو، باعث افزایش سود بانک خواهد شد.

هدف این پژوهش ارزیابی نظام بانکی کشور از حیث کارایی مبتنی بر شاخص‌های حسابداری می‌باشد. به عبارتی، شناسایی شاخص‌های حسابداری کارایی در بانکداری موضوعی است که این پژوهش به آن توجه ویژه دارد و در مقایسه با پژوهش‌های انجام شده در داخل، به جنبه‌هایی می‌پردازد که عمدتاً در تحقیقات گذشته توجهی بدان‌ها نشده است. پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سه سوال زیر انجام شد: (۱) معیارهای کارایی حسابداری در صنعت بانکداری چیست؟ (۲) از بین معیارهای موجود در ادبیات موضوع، کدام معیارها مد نظر سرمایه‌گذاران است؟ (۳) رتبه‌بندی این معیارها چگونه است؟ جهت پاسخگویی به این سوالات، از روش‌های تحقیقی گوناگونی استفاده شد. در ابتدا کلیه معیارهای موجود در ادبیات موضوع گردآوری

شد. در ادامه با چند تن از مدیران شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و اعضای هیئت‌مدیره آنان مصاحبه انجام شد که براساس آن، معیارهای جدیدی که مدنظر آنها است، استخراج شد. معیارهای جدید همراه با معیارهای مستخرج از ادبیات موضوع، بالغ بر ۱۵ معیار شد که مورد اعتبارسنجی قرار گرفت.

از بین ۱۵ معیار کارایی حسابداری، تعداد ۱۰ معیار مورد تأیید قرار گرفتند و معیارهای نسبت هزینه‌های بهره‌ای به کل هزینه‌ها، حجم سپرده، حجم تسهیلات، ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول و متوسط تسهیلات اعطایی هر شعبه، مورد تأیید واقع نگردید. از منظر سرمایه‌گذاران بازده حقوق صاحبان سهام مهمترین عامل در بررسی سهام بانک‌ها است. بازده حقوق صاحبان سهام که از تقسیم سود خالص بر جمع حقوق صاحبان سهام بدست می‌آید بیانگر مدیریت بهینه منابع جهت افزایش ثروت سهامداران است. نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به تسهیلات، دومین شاخص کارایی موثر از منظر سرمایه‌گذاران است. درصد تسهیلات به سپرده نیز سومین شاخص انتخابی سرمایه‌گذاران است. این نسبت بیانگر کارایی بانک در جذب سپرده از یک طرف و ارائه تسهیلات از طرف دیگر است که مابه‌التفاوت شکاف بین این دو، باعث افزایش سود بانک خواهد شد.

از منظر مقایسه نتایج این پژوهش و خروجی‌های به‌دست آمده و با وجود برخی تفاوت‌ها در اجرای روش‌ها، می‌توان مشابهت‌هایی در نتایج این پژوهش با مدل‌های اجرا شده در سایر پژوهش‌های انجام شده بین‌المللی، یافت. برای مثال، لکان (۲۰۱۹) در پژوهش خود به ۱۷ عامل در زمینه شاخص‌های کارایی در صنعت بانکداری اشاره می‌کند که برخی از مهمترین آنها شامل بازده حقوق صاحبان سهام، دارایی‌های تحت مدیریت و بازدهی دارایی‌ها است.

در مجموع، مبتنی بر بررسی نتایج به‌دست آمده از این پژوهش و مقایسه آن با برخی نمونه‌های بین‌المللی و مرتبط با کشورهای دیگر به این نکته پی می‌بریم که نتایج پژوهش با خروجی‌های دیگر تا حد بسیاری سازگار بوده و در شاخص‌های سودآوری و وام‌دهی تقریباً تفاوتی مشاهده نمی‌شود. اگرچه، به دلیل وضعیت خاص بانکداری و اقتصادی کشور، در شاخص‌هایی چون نقدشوندگی و هزینه‌ها، با برخی مطالعات بین‌المللی از حیث میزان اهمیت و تفاوت در اولویت کمی متفاوت هستیم.

بر اساس نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که با توجه به اهمیت شاخص‌های کارایی حسابداری در صنعت بانکداری کشور و انتشار داده‌های بانک‌ها به صورت ماهانه در بازار سرمایه، از این ظرفیت، برای رصد دقیق بانک‌های کشور استفاده نمود. بانک مرکزی می‌تواند از طریق ایجاد داشبوردهایی در پایگاه داده خود هم، به‌نوعی به سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه و هم به مردمی که سپرده‌های خود را در این بانک‌ها به امانت گذاشته‌اند، علامت دهد.

از این شاخص‌ها می‌توان برای رتبه‌بندی‌های متداول شرکت‌ها که در دنیا صورت می‌گیرد، استفاده کرد؛ به این طریق که نهادهای نظارتی و یا شرکت‌های رتبه‌بندی، وضعیت بانک‌های کشور را از نظر این شاخص‌ها به صورت ماهیانه از A+ تا D- اعلام نمایند.

از نظر نگارندگان این مقاله، چالش‌های به وجود آمده در موسسات مالی و اعتباری در سال‌های گذشته به دلیل فقدان بررسی دقیق وضعیت نهادهای مالی در کشور است که بدون در نظر گرفتن شاخص‌هایی چون سوددهی، ریسک، نسبت وام دهی و...، با رشد قارچ‌گونه در کشور، فضای اقتصادی کشور را دچار تنش کردند. در برخی آمارها از جمله مصاحبه‌های مسئولین بانک مرکزی و گزارش رئیس سازمان برنامه و بودجه گفته می‌شود که مبلغ ۳۰ هزار میلیارد تومان از حساب‌های عمومی کشور برای رفع این چالش هزینه شده است. هزینه کردن یک صدم این مبلغ به جهت بررسی و رصد دقیق موسسات مالی می‌تواند از این چالش‌ها جلوگیری کند. ارایه شاخص‌های عملکردی و نظارتی موسسات مالی، همچون موارد بیان شده در این پژوهش، توسط نهادهای نظارتی می‌تواند قبل از وقوع چنین فاجعه‌ای، زنگ هشدار را به صدا درآورد.

تأکید بر مقایسه بین خود بانک‌ها با یکدیگر نیز از جهاتی برای خود بانک‌ها و اصلاح رویه‌های آنها، می‌تواند مفید باشد. این جنبه از قضیه شاید از حیث سهامداران بانک‌ها که به دنبال بررسی و مقایسه عملکرد بانک خود با سایر بانک‌ها هستند، پراهمیت‌تر برسد. چنین امری، به بهینه شدن عملکرد بانک‌ها و تعیین استانداردهای دقیق برای نهادهای نظارتی هم، کمک می‌کند.

با وجود شکل‌گیری شرکت‌های رتبه‌بندی و برخی موسسات در حوزه حسابرسی عملکردی، تا به حال خروجی خاصی در زمینه نهادهای مالی برای مقایسه بانک‌ها به جز برخی جوایز

بین‌المللی، وجود نداشته است. فراهم آوردن بستر جدیدی مبتنی بر شاخص‌های کارایی حسابداری، می‌تواند زمینه را برای اعلام بانک‌های موفق و بانک‌های در معرض خطر فراهم آورد تا به صورت خود به خود، بانک‌های ضعیف‌تر به سمت بانک‌های قوی‌تر، حرکت نمایند.

یکی از نکات بسیار مهم در فرآیند ورود بانک‌ها به عرصه بین‌المللی، رعایت برخی از شاخص‌های جدید حسابداری بوده که از این حیث اهمیت یافتن این شاخص‌ها می‌تواند علاوه بر جنبه داخلی، زمینه را برای تعاملات بانکی بیشتر با بانک‌های خارجی فراهم سازد. اگر چه از این حیث با تحریم‌های بانکی شدیدی مواجه هستیم، اما آماده بودن چنین ظرفیتی، می‌تواند زمینه را برای تسریع و بهبود فضای بانکی در آینده فراهم سازد.

در کنار همه موارد ذکر شده و به صورت کلی تا وقتی که بانک‌های کشور، بر اساس یک سری شاخص‌های نامشخص و کیفی مورد ارزیابی نادقیق قرار گیرند، امکان مقایسه و بررسی عملکرد، حتی برای خود بانک‌ها و هیات‌مدیره‌های بانک‌ها جهت بررسی عملکرد مدیران بانکی وجود ندارد. حرکت در فضای نادقیق و نامشخص در حوزه شاخص‌های بانکی، علاوه بر امکان دریافت شاخص‌های ارزیابی، زمینه را برای برطرف کردن برخی از ریسک‌های مالی و حسابداری که بحران‌زا هستند، فراهم می‌کند و به نوعی با هشدار نسبت به این امر، می‌تواند اقدامات و اصلاحات بانکی را در جهت حرکت صحیح بانک‌ها ایجاد نماید.

- BazMohammadi, H. (2006). Islamic banking, challenges in theory and implementation, *Journal of Economic Process*, (25) , 34-36. (In Persian)
- Berger, A. N. , & Humphrey, D. B. (1991). The dominance of inefficiencies over scale and product mix economies in banking. *Journal of Monetary Economics*, 28 (1) , 117-148.
- Berger, A. N. , & Humphrey, D. B. (1997). Efficiency of financial institutions: International survey and directions for future research. *European journal of operational research*, 98 (2) , 175-212.
- Berger, A. N. , Hanweck, G. A. , & Humphrey, D. B. (1987). Competitive viability in banking: Scale, scope, and product mix economies. *Journal of monetary economics*, 20 (3) , 501-520.
- Borhani, H. (1998). Performance assessment in commercial banks in Iran and its relationship with organizational dimensions. *Ninth Islamic Banking Seminar*. (In Persian)
- DaneshShakib, M. & Fazli, S. (2009). Ranking of Tehran stock exchange cement companies using combined approach (AHP, TOPSIS). *Management Perspective Journal*, (32) , 109-129. (In Persian)
- Darrat, A. F. (2002). On the efficiency of interest-free monetary system: A case study. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 42, 747-764.
- Rahimi, D. & Mohammad, A. & Mohammadi, M. (2008). The purpose of Islamic banking in competition with conventional banking, obstacles and challenges ahead. *Proceedings of the Nineteenth Islamic Banking Conference*, 387-403. (In Persian)
- De Silva, D. N. , Chinna, K. , & Azam, S. F. (2020). The Influence of Net Interest Margin (NIM) on Profitability of Sri Lankan Banking Industry. *Global Journal of Management And Business Research*.
- Ertuğrul, İ. , & Karakaşoğlu, N. (2009). Performance evaluation of Turkish cement firms with fuzzy analytic hierarchy process and TOPSIS methods. *Expert Systems with Applications*, 36 (1) , 702-715.
- Fallah, M. (2007). Performance evaluation of insurance company branches by data envelopment analysis method. *New World Insurance*, (115 & 116) , 17-24. (In Persian)
- Firoozabadi, S. & Salami, H. & Sadr, S. (2008). Comparison of the performance of different methods of measuring productivity in Islamic banks. *Scientific-research journals of economic research*, (9) , 11-40. (In Persian)
- Ganesh, L. S. (2020). An Overview of Banking Sector. *Lean Six Sigma in Banking Services*, 23-28.
- Gharib, I. & Dadra, I. & Padeban, A. (2014). Ranking of companies based on financial indicators (Application of TOPSIS technique with interval data). *Quarterly Journal of Monetary and Banking Management Development*, (5) , 99-118. (In Persian)
- Hassanzadeh, A. (2005). A comparative study of efficiency and factors affecting it in the Islamic banking system. *Payam Bank Accounting Journal*, (4) , 47-59. (In Persian)
- Hedayati, S. (1989). Islamic banking in compared to the traditional banking system, *Economics News*, (2) , 32-55. (In Persian)

- Heidari, H. & Zavarian, Z. & Nourbakhsh, I. (2011). Investigating the effect of macroeconomic indicators on banks' delinquent receivables. *Economic Journal of Sustainable Growth and Development Research*, (1) , 43-66. (In Persian)
- Valverde, S. C. , Humphrey, D. B. , & Del Paso, R. L. (2004). Electronic payments and ATMs: changing technology and cost efficiency in banking. In 25th SUERF Colloquium Volume.
- Jahankhani, A. & Parsaiyan, A. (2011). *Financial management*. Samt Publications, Volume One. (In Persian)
- Jahanshahloo, G. Khodabakhshi, M. Hosseinzadeh Lotfi, F. Moazami Goudarzi, M, R. (2011). A cross-efficiency model based on super-efficiency for ranking units through the TOPSIS approach and its extension to the interval case, *Mathematical and Computer Modeling*, (53) , 1946-1955. (In Persian)
- Jahanshahloo, G. R. Hosseinzadeh Lotfi, F. Davood, A. R. (2009). Extension of TOPSIS for decision-making problems with interval data: Interval efficiency. *Mathematical and Computer Modeling*, (49) , 1137-1142. (In Persian)
- Jheng, T. J. , Latiff, A. R. A. , Keong, O. C. , & Chue, T. (2018). The Relationship between Capital Adequacy Ratio and Stock Price of Banking Institutions: Evidence from Malaysia. *Management*, 5 (3) , 67-87.
- Khatai, M. & Abedifar, P. (2000) Estimation of technical efficiency of banking industry in Iran. *Iranian Journal of Economic Research*, (6) , 63-84. (In Persian)
- KurdBacheh, H. & PordelNooshabadi, L. (2011). The effect of ownership structure on the prudent behavior of banks in the Iranian banking industry. *Iranian Economic Research*, (49) , 117-150. (In Persian)
- OMUHINDA ALUBOYA, E. L. I. S. H. A. (2019). DETERMINANTS OF FINANCIAL PERFORMANCE OF COMMERCIAL BANKS IN KENYA: A SURVEY OF COMMERCIAL BANKS IN NAIROBI COUNTY (Doctoral dissertation, MUA).
- Maverick, J. (2019). Key Financial Ratios to Analyze Retail Banks. *Corporate Finance and Accounting Journal*, 5 (16) , 16-27.
- Momeni, M. & Najafi Moghadam, Ali (2003). Evaluation of economic Performance, companies accepted in tehran Stock Exchange, Using Topsis Model. *Quarterly Journal of Economic Research*, (3) , 68-55. (In Persian)
- Mousaviyan, S. (1999). The optimal structure of interest-free banking and its effect on the efficiency of the banking system. *Islamic banking conference*, 215-235. (In Persian)
- Okhovat, S. (2013). Theoretical study of providing cheap resources and efficiency of Islamic banking in comparison with conventional banking. *Humanities Research*, University of Isfahan, (20) , 3-14. (In Persian)
- Pourfaraj, A. & Alizadeh, P. (2012). Assessing the degree of credit focus in Islamic contracts and its effect on economic growth in Iran. *Journal of Islamic Research*, (1) , 1-21. (In Persian)
- Putri, R. N. , & Djuminah, D. (2017). ANALISIS FINANCIAL DISTRESS DENGAN ACCOUNTING RATIO DAN FORECASTING BANKRUPCY TERHADAP PERUSAHAAN PERBANKAN GO PUBLIC DI INDONESIA.

- Jurnal Bisnis dan Manajemen (Journal of Business and Management) , 17 (1) , 25-40.
- Rahimi S. D. (2008). Islamic banking (interest-free banking) , Bagher-ol-ulom Research Institute Press.
- Rahmani. A, Bashirimanesh, N. (2014). A review on the literature of financial data disclosure in Iran. Journal of Research in Accounting and Auditing, AL Zahra University of Tehran, (15) , 35-67. (In Persian)
- Ranjbar, h. & Sameti, M. & Bajgholi, Sh. (2007). Estimation of Border Cost Function and Measurement of Central Bank Efficiency (Case Study of Iran and Selected Countries) , Ravand Quarterly, Quarterly Scientific and Specialized Journal of Central Bank of the Islamic Republic of Iran, (53) , 85-112. (In Persian)
- Ranjbar, H. , Foroutan, F. & Rajabi, M. (2009). Estimation of cost-effectiveness of Isfahan Tejarat Bank branches and the factors affecting it. Quarterly Journal of Economic Modeling, (3) , 105-143. (In Persian)
- Sackitey, D. T. , & Ndwiga, T. (2016). A Critical Analysis of Key Financial Performance Indicators in the Banking Industry in Ghana. Texila International Journal of Management, 2 (2).
- Safdari, Nafiseh, (2008). Improving the banking system by covering the risk caused by overdue receivables. Economic News, (122) , 66-70. (In Persian)
- Salami, H. (2000). Determining the optimal size of rangeland units using the productivity index of total production factors. Journal of Agricultural Economics and Development, (32) , 33-15. (In Persian)
- Shabannejad, M. (2008). Islamic banking and the challenges ahead. Economics News, (122) , 33-42. (In Persian)
- Soheili, K. (2008). Economic Journal of Islamic Economic Studies, (1) , 113-138. (In Persian)
- Tajmir Riahi, Hamed (2012). Investigating the relationship between accounting risk management and share performance indicators in banks. Management Accounting and Auditing Knowledge, (1) , 73-83. (In Persian)
- Tehran Stock Exchange (2011). Stock exchange investment report. Tehran Nawa Madreseh Publications. (In Persian)
- Vesali, S. & Torabi, M. (2010). The effects of banks' sanctions on the economy and the banking system, Bank and Economy Journal, (111) , 37-44. (In Persian)
- Yüksel, S. , & Özsarı, M. (2017). Influencing factors of Capital Adequacy Ratio of the Deposit Banks: A Panel Regression Analysis for Turkish Banking Sector. In INTERNACIONAL CONFERENCE IN ECONOMICS DA ECONWORLD (Vol. 6).

بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی: شناسایی چالش‌های موجود و عوامل پیش‌نیاز تحول از دیدگاه خبرگان

غریبه اسماعیلی کیا^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۰۹

مقاله پژوهشی

چکیده

در سه دهه گذشته تحولات عمده مدیریت عمومی و به ویژه استقرار حسابداری تعهدی، مشخصه بخش عمومی بسیاری از کشورها بوده است. نظام مالی بخش عمومی ایران نیز در فرآیند اجرایی شدن این تحولات قرار دارد، با توجه به شواهد موجود، مبنی بر عدم بکارگیری کامل و مناسب استانداردهای حسابداری بخش عمومی، هدف مطالعه حاضر، بررسی تحولات حسابداری بخش عمومی و بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی با تمرکز بر شناسایی چالش‌ها و عوامل پشتیبان تحول است. جامعه آماری پژوهش، کلیه افراد خبره و صاحب‌نظر در زمینه حسابداری بخش عمومی و تحولات آن می‌باشد و اطلاعات موردنیاز برای پاسخ به سوالات اصلی پژوهش، از طریق توزیع پرسشنامه محقق-ساخته، در سال ۱۳۹۷، گردآوری شده است. نظرخواهی از خبرگان در طی دو دور دلفی، نشان داد که نبود شناخت مناسب از استانداردها، اصلی‌ترین چالش بکارگیری استانداردها است، علاوه بر این، آموزش به حسابداران بخش عمومی رتبه نخست پیش‌نیازها و عوامل پشتیبان را به خود اختصاص داد. پژوهش حاضر، علاوه بر ارزیابی چالش‌های بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی، برای نخستین بار به بررسی پیش‌نیازهای بکارگیری استانداردها پرداخته و از این رو به توسعه و بهبود حسابداری بخش عمومی ایران، کمک می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: استانداردهای حسابداری بخش عمومی، چالش‌های بکارگیری استانداردها، خبرگان

طبقه‌بندی موضوعی: M41، M48.

DOI: 10.22051/jaasci.2021.30131.1579

^۱ استادیار حسابداری، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. (Gh.esmailikia@ilam.ac.ir)

مقدمه

در سال‌های اخیر نیاز به وقوع تحولات متنوعی در سیستم‌های مالی جهانی احساس شده است (ارنست و یانگ، ۲۰۱۱). مشکلات جدی نظام حسابداری بخش عمومی، وجود ضعف‌های بسیار در ارائه خدمات عمومی، فقدان هرگونه فرآیند ارزیابی عملکرد و نهایتاً عزم دولت‌ها برای ارتقای شفافیت در بخش عمومی، از دلایل اصلی نیاز به بهبود مدیریت مالی بخش عمومی و تصمیم‌گیری دولت‌ها است (چان، ۲۰۰۶). یکی از مهمترین جنبه‌ها، تمایل به تحول در سیستم‌های اطلاعات مالی است (کریستیانز و هم‌پژوهان، ۲۰۱۳). بر اساس نوشتارهای تخصصی، حسابداری تعهدی جزء با اهمیتی از تحولات بخش عمومی است که به بهبود کارایی و اثربخشی ارائه خدمات دولت و ارتقای پاسخگویی برای استفاده از منابع عمومی کمک می‌نماید (آئودا، ۲۰۰۷). حرکت به سمت حسابداری تعهدی به‌عنوان بخشی از تحولات بخش عمومی، با پیشگامی کشورهای توسعه‌یافته در حال وقوع است (حسان، ۲۰۱۳).

وجود استانداردهای حسابداری برای یکنواختی، وحدت‌رویه و قابلیت‌مقایسه در اطلاعات و اجزای حسابداری، امری الزامی است (مهدوی و نمازی، ۱۳۹۱). بر این اساس و با توجه به تنوع در سیستم‌های اطلاعات مالی بخش عمومی، نیاز به هماهنگ‌سازی احساس شد که منتج به استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی، گردید. معرفی و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی، اطلاعات گسترده‌تر و صحیح‌تری در مورد عملکرد دولت ارائه می‌کند (پینا و توریس، ۲۰۰۳). بنابراین، بسیاری از کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه، در سطوح متفاوتی شروع به پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی بر مبنای تعهدی کامل، نموده‌اند. در کشورهای در حال توسعه، پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی موضوع بسیار با اهمیتی تلقی می‌گردد، زیرا توانایی دولت‌ها برای تجهیز نهادهای قانونگذار، شهروندان، رسانه و سایر ذینفعان را با صورت‌های مالی قابل درک، مربوط، قابل اتکا و قابل مقایسه بهبود می‌بخشد و منجر به ارتقای کیفیت پاسخگویی و راهبری می‌شود (هاگس، ۲۰۱۳). بر این اساس، کشورهای مذکور شروع به پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی نمودند تا قابلیت‌اتکای اطلاعات مالی، صداقت عمومی و امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی را ارتقا بخشند (SAFA، ۲۰۰۶). در این زمینه پژوهشگران متعددی (چان، ۲۰۰۶، ترانگ، ۲۰۱۲، کریستیانز و هم‌پژوهان، ۲۰۱۳)، تحولات حسابداری

بخش عمومی، استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی و موضوعات مرتبط با بکارگیری استانداردهای مذکور در بخش عمومی، را بررسی کرده‌اند. پژوهش‌های مذکور، مزایا و مشکلات حسابداری تعهدی کامل بر مبنای استانداردهای بین‌المللی بخش عمومی برای حسابداری بخش عمومی و میزان پذیرش این استانداردها را مورد توجه قرار داده و توصیه‌هایی در رابطه با بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی، بویژه در کشورهای در حال توسعه، ارائه نموده‌اند.

در کشور ما اوایل دهه ۱۳۵۰ پیرو تحولاتی که در نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور بوجود آمد، اقداماتی نیز در زمینه بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد آغاز شد، اما این اقدامات تداوم نیافت. ماده ۲۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران نیز، بر اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و لزوم بکارگیری آن، تأکید داشت. با وجود تأکید بر اجرای آن در قوانین متعدد در سال‌های اخیر، هنوز نظام بودجه‌ریزی در ایران به شکل برنامه‌ای بوده و نظام بودجه‌ریزی عملیاتی اجرا نمی‌شود. ماده ۲۱۹، یکی از مصادیق عدم حصول اهداف مرتبط با تحولات محسوب می‌شود (اسماعیلی کیا و ملانظری، ۱۳۹۵). بودجه و حسابداری، هر دو به‌عنوان خرده نظام‌های درون یک نظام پاسخگویی، در ارتباط و تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند (باباجانی و هم‌پژوهان، ۱۳۹۲). پیش شرط مهم برای توسعه سیستم بودجه، تبدیل سیستم حسابداری نقدی به سیستم حسابداری تعهدی است (کردستانی و آشتاب، ۱۳۹۴). در طی سالیان متمادی مبنای مورد استفاده در سیستم حسابداری دستگاه‌های اجرایی کشور، مبنای نقدی و نقدی تعدیل شده و در برخی دیگر نیز مبنای نیمه‌تعهدی، بوده است. مشکلات و نارسایی‌های مبنای نقدی، نهادهای مختلف بخش عمومی (شهرداری تهران و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی)، را بر آن داشت که به صورت غیرمتمرکز اقداماتی را در جهت تغییر تحول نظام مالی خود انجام دهند تا نهایتاً تحولات گسترده در نظام پاسخ‌گویی مالی و عملیاتی بخش عمومی ایران رخ داد. در اجرای ماده ۱۲۸ قانون محاسبات عمومی، نظام حسابداری بخش عمومی بر مبنای تعهدی در معاونت نظارت مالی و خزانه‌داری کل کشور تهیه گردید و از ابتدای سال ۱۳۹۴ به‌طور آزمایشی برای مدت یکسال ابلاغ گردید. در این راستا نیز سازمان حسابرسی تاکنون علاوه بر مفاهیم نظری گزارشگری مالی، ۱۴ استاندارد مصوب تهیه نموده^۲ است. بر این اساس، تعاریف عناصر

صورت‌های مالی نیز مبتنی بر این استانداردها و ماده (۷۷) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، خواهد بود (اسماعیلی کیا و پرندین، ۱۳۹۵).

کریستیانز و هم‌پژوهان (۲۰۱۳)، تأکید نمودند که توانایی کشورها در پیاده‌سازی این استانداردها به تفاوت فرهنگی، پیش‌زمینه فرهنگی و یا در اجزای ساختاری هر کشور بستگی دارد که این توانایی‌ها ممکن است تحولات سیستم‌های حسابداری بخش عمومی را تحت تأثیر قرار دهد. علیرغم بدنه در حال رشد تحقیقات در زمینه استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی، شکاف تحقیقاتی عمده‌ای در رابطه با مطالعه موردی کشورهای خاص وجود دارد (آرجنتو و هم‌پژوهان، ۲۰۱۸). کشورهای در حال توسعه، در قیاس با کشورهای توسعه‌یافته، شرایط متفاوتی دارند؛ این کشورها برای ارتقای استانداردهای زندگی شهروندان خود، با چالش‌های عمده‌ای مواجه هستند. تحقق اهداف برنامه‌های توسعه و استراتژی‌های کاهش فقر، تنها زمانی قابل تحقق است که دولت‌ها و نهادهای دولتی ظرفیت لازم برای مدیریت منابع کمیاب و به ویژه منابع مالی را داشته باشد (چان، ۲۰۰۶). بنابراین، ضرورت تحولات در نظام مالی در این کشورها و از جمله در ایران، به‌عنوان کشوری در حال توسعه، دوچندان می‌باشد و از آنجایی که شواهد موجود حاکی از عدم بکارگیری درست و مناسب استانداردهای مصوب بخش عمومی در کشور است، بنابراین مطالعه حاضر می‌تواند به‌عنوان نخستین تلاش برای بررسی چالش‌ها و پیش‌نیازهای بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی تلقی شود. جهت دستیابی به اهداف اصلی پژوهش، پرسش کلی پژوهش به این شرح مطرح می‌شود: "چالش‌ها، پیش‌نیازهای تحول و عوامل پشتیبان بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی در ایران کدامند؟". بر این اساس، این پژوهش به دنبال توجه بیشتر به اهمیت بکارگیری مناسب استانداردهای حسابداری بخش عمومی و اثرات منفی عدم تقویت آن بر اقتصاد ایران، می‌باشد. بنابراین، یافته‌های آن می‌تواند برای متولیان امر قانونگذاری در اقتصاد کشور، استانداردارگذاران، سرمایه‌گذاران خصوصی و سرمایه‌گذاران نهادی و دانشگاهیان حائز اهمیت باشد. ساختار مقاله بدین شرح است که در ادامه مبانی نظری و پیشینه پژوهش مرور می‌شود. در بخش سوم روش‌شناسی پژوهش تشریح می‌گردد. یافته‌های پژوهش در بخش چهارم ارائه و در بخش پنجم نتایج و پیشنهادهای مربوط بیان شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تحولات حسابداری بخش عمومی و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی

ارتقای پاسخگویی، شفافیت، کارایی، اثربخشی، مسئولیت‌پذیری و احکام قانونی، اهداف اساسی دولت در راستای ارائه موفقیت‌آمیز خدمات عمومی است (کارتیکو و هم‌پژوهان، ۲۰۱۸). اطلاعات مهمترین منبع موردنیاز در فرایند مدیریتی است، سیستم اطلاعاتی حسابداری جامع برای موفقیت مدیریت عملکرد بخش عمومی ضروری و حیاتی است (روجی و هم-پژوهان، ۲۰۱۲). بنابراین، تحولات حسابداری بخش عمومی به‌عنوان بخشی از فرآیند بهبود در مدیریت مالی بخش عمومی، تلقی می‌شود (جان، ۲۰۰۶). در دیدگاه کریستیانز و هم‌پژوهان (۲۰۱۳)، معرفی حسابداری تعهدی در بخش عمومی به جای سیستم‌های حسابداری نقدی سنتی، سنگ‌بنای تحول سیستم‌های اطلاعات مالی است.

حسابداری و گزارشگری دولتی در هر کشور با کشوری دیگر متفاوت است که منعکس‌کننده سیستم‌ها و فعالیت‌های مالیه عمومی ملی آنها است. تشخیص این تفاوت‌ها با اهمیت است (IFAC، ۲۰۱۹). روندهای همگرایی حسابداری بین‌المللی، فشارهای سازمانی در جهت پذیرش قوانین و قواعد حسابداری بین‌المللی را ایجاد کرده است، که می‌تواند با فعالیت‌های حسابداری محلی موجود (خاص هر کشور) کم و بیش سازگار باشد. به عبارتی، اینکه پذیرش استانداردهای حسابداری بخش عمومی تنها مسال‌های فنی نیست، در حقیقت در درجه نخست موضوعی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (آرجنتو و هم‌پژوهان، ۲۰۱۸). بنابراین، زمانی که شروع به پذیرش و پیاده‌سازی استانداردهایی نظیر استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی می‌شود، باید بر این نکته تأکید شود که به ندرت پیش می‌آید یک روش و رویکرد اجرا برای همه کشورها مناسب باشد. علاوه بر این، پژوهش انجام شده توسط کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل، فدراسیون بین‌المللی حسابداران اروپا و سایرین نشان داده است که بسیاری از کشورهایی که در حال حاضر حرکت به سمت پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی را آغاز نموده‌اند، در جایگاهی بین حسابداری نقدی و پیاده‌سازی کامل قرار دارند. این عوامل بیانگر آن است که انطباق با رویکرد اتخاذ شده توسط یک کشور و بکارگیری مستقیم آن امکان‌پذیر نیست (IFAC، ۲۰۱۹). همگرایی و پذیرش استانداردهای بین‌المللی

حسابداری بخش عمومی، می‌تواند منجر به مزایای متعددی شود؛ از جمله افزایش پاسخگویی و شفافیت، تصمیم‌گیری بهتر، ارتقای کارایی و اثربخشی در گزارشگری مالی، مدیریت مالی صحیح، ثبات و سازگاری داده و قابلیت مقایسه بین‌المللی داده‌های مالی بخش عمومی و در عین حال، بهر حال پذیرش استانداردهای همگرا ممکن است با توجه به واگرایی سنت‌های ملی، هزینه‌های اجرایی، یا جاه‌طلبی‌های حاکمیت، باعث بروز چالش‌های متعددی شود (آرجنتو و هم-پژوهان، ۲۰۱۸). بهر حال، رهنمودهای سیاستی و گام‌های انتقالی مورد نیاز، همراه با نیاز به ظرفیت‌ها بالقوه مورد نیاز در کل فرآیند تغییر مدیریت، می‌تواند اجزای معمول کمک‌کننده در راستای پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی باشد (IFAC، ۲۰۱۹). در ادامه مطابق با نوشتارهای تخصصی، مزایا، چالش‌ها و نهایتاً پیش‌نیازهای تحول و عوامل پشتیبان برای بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی بررسی می‌شود.

مزایای تحول در نظام پاسخگویی بخش عمومی و بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی

نوشتارهای تخصصی، مزایای متعددی برای تحولات حسابداری بخش عمومی را بر می‌شمارد. ارزش اجتماعی تحولات حسابداری بخش عمومی، کمک به دستیابی به اهداف متعدد از جمله کاهش فقر می‌باشد که منجر به اعلام تأیید و ام‌دهندگان بین‌المللی برای تشویق پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی در کشورهای در حال توسعه، شده است (چان، ۲۰۰۶). گزارش SAFA (۲۰۰۶)، بیانگر آن است که اهمیت وجود سیستم گزارشگری مالی کارا و شفاف برای دولت‌ها افزایش یافته است؛ بویژه به ارتقای آگاهی در رابطه با نحوه استفاده از وجوه عمومی توسط دولت‌ها و افزایش قابلیت اتکای اطلاعات مالی، اعتماد عمومی و جذب سرمایه‌گذاران خارجی در کشورها کمک می‌کند. از سوی دیگر، آثودا (۲۰۱۳) تأکید می‌کند که نبود سیستم حسابداری مناسب، ممکن است مانع اصلی پیاده‌سازی بودجه‌های عملکردی شود. از آنجایی که مبنای تهیه بودجه باید با مبنای حسابداری مورد استفاده هماهنگ باشد، بنابراین تحولات بودجه، تحولات حسابداری را غیرقابل اجتناب می‌نماید. علاوه بر این، باباتوندی (۲۰۱۳) بر ارتباط بین سیستم‌های بودجه‌بندی بخش عمومی و شفافیت و پاسخگویی فعالیت حسابداری تأکید نموده است. بنابراین، دولت‌ها نیازمند پذیرش استراتژی برای فعالیت‌های مالی خود هستند و نیاز به بازبینی در مبنای حسابداری و بودجه‌بندی،

از دغدغه‌های بخش عمومی است. آتویلیکی (۲۰۱۳)، نیز بیان نموده که ارتباط بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی توسط دولت‌ها و میزان فساد، بین کشورهای در حال توسعه که استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی را پذیرفته‌اند و کشورهای در حال توسعه‌ای که هنوز این استانداردها را نپذیرفته‌اند، به‌طور معنی‌داری متفاوت است.

چالش‌های بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی

کشورهای در حال توسعه برای ارتقای استانداردهای سطح زندگی مردم خود با چالش‌های متعددی، مواجه هستند. مدیریت بهینه منابع مالی در این کشورها یکی از ضرورت‌های کلیدی در راستای موفقیت در جهت ارتقای سطح زندگی افراد این جوامع است؛ لازمه این امر نیز کارآمدی سیستم‌های مالی و ایجاد تحول در آنها است. موفقیت تحول در حسابداری بخش عمومی، علاوه بر در دسترس بودن منابع بودجه‌ای و منابع انسانی و تکنولوژی اطلاعات، بستگی به پشتیبانی سیاسی و مدیریت دارد (چان، ۲۰۰۶). یکی از عوامل اصلی در رابطه با عدم بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی، ترس از دادن قدرت استانداردگذاری، عدم آشنایی با استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی و عدم توجه به حسابداری بودجه‌ای است (کریستیانز و هم‌پژوهان، ۲۰۱۳). پشتیبانی از طریق تخصیص منابع برای تحولات حسابداری بخش عمومی موفقیت‌آمیز امری حیاتی است. پشتیبانی بودجه‌ای کافی برای تحصیل نرم‌افزار و سخت‌افزار و برای استخدام کارکنان با صلاحیت ضروری می‌باشد (چان، ۲۰۰۶). در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، کمبود کارکنان ماهر و باصلاحیت، محدودیت‌های شدیدی در رابطه با بکارگیری استانداردها ایجاد می‌کند. تحول، تغییر سیاست‌ها و رویه‌های حسابداری بخش عمومی را نیز در بر می‌گیرد؛ اغلب کشورها برخی از انواع قوانین و مقررات را در سیستم‌های حسابداری بخش عمومی خود دارند، حتی اگر نظم سازمانی آنها برای اجرای این قوانین و مقررات، متفاوت باشد. پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی نباید این احساس و نگرش را بجای گذارد که پذیرش و پیاده‌سازی و بکارگیری آن، آسان است. پذیرش و پیاده‌سازی استانداردها با چالش‌های مختلفی مواجه است (هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی بخش عمومی^۴، ۲۰۰۹). موسسه پرایس واتر هاوس (PWC)^۵ (۲۰۱۲)، در گزارش خود پنج چالش کلیدی را مطرح نموده است که عبارتند از: ۱. هزینه‌های بالای پیاده‌سازی، ۲. عدم دسترسی به حسابداران با صلاحیت، ۳. پیچیدگی‌های آشکار مربوط به

استفاده از استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی، ۴. عدم آمادگی نهادها و بخش‌های دولتی و ۵. مقاومت در برابر تحولات (PWC، ۲۰۱۲). با توجه توضیحات ارائه شده، سوال نخست این مطالعه با این مضمون مطرح می‌شود که "با توجه به گذشت ۴ سال از تصویب و الزام به استفاده از استانداردهای حسابداری بخش عمومی ایران، بکارگیری این استانداردها، همچنان با چه چالش‌هایی مواجه است؟"

پیش‌نیازهای تحول و عوامل پشتیبان برای بکارگیری موفقیت‌آمیز استانداردهای حسابداری بخش عمومی

بسیاری از کشورها صرف‌نظر از سیستم‌های سیاسی و اقتصادی که دارند، به هماهنگ‌سازی استانداردهای ملی با استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی، تشویق می‌شوند. تلاش‌های این کشورها بجای پذیرش کامل استانداردهای حسابداری بخش عمومی، بیشتر در راستای همگرایی با این استانداردها در جنبه‌های با اهمیت بوده است. با این حال، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، توانایی و ظرفیت کارکنان حسابداری برای پیاده‌سازی کامل استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی کافی نیست، رویه‌های گردآوری داده به‌طور مناسبی شناسایی نشده و برای مدیریت انواع رویدادهای مالی، نرم‌افزارهایی که به اندازه کافی پیشرفته باشد، ایجاد نشده است (هاگس، ۲۰۱۳). چان (۲۰۰۶)، دو استراتژی متفاوت برای تسریع تحولات حسابداری دولتی در کشورهای در حال توسعه پیشنهاد نموده است؛ در کشورهایی که سیاستمداران پشتیبان تحولات می‌باشند، تنها تامین مالی پشتیبانی فنی ضرورت دارد. در کشورهایی که دولت‌ها فاقد توانایی سیاسی و مالی هستند، کمک مالی خارجی و فنی نیز ضرورت دارد، اما این کمک‌ها کافی نیست. تحولات سیاسی یاری‌رسان تحولات در حسابداری بخش عمومی تلقی می‌شود و شرایط مرتبط با کمک مالی خارجی نیز ممکن است، انگیزه‌های بیشتر فراهم کند. تحولات حسابداری بخش عمومی در کشورهای در حال توسعه نیازمند پشتیبانی سیاسی و مدیریتی است. موفقیت تحولات به میزان پشتیبانی راهبران سیاسی، کسانی که صدای تقاضا برای پاسخگویی و شفافیت را می‌شنوند، بستگی دارد. در این زمینه، عوامل سیاسی، به‌عنوان یک فرصت و شانس تلقی می‌شود، زیرا که پشتیبانی وزیران و مدیران ارشد راه برای تغییر سیستم را هموار می‌نماید (چان، ۲۰۰۶). بر این اساس، سوال دوم این پژوهش بدین شرح است: "با توجه به گذشت ۴ سال از تصویب و الزام به استفاده از استانداردهای حسابداری بخش

عمومی ایران، پیش‌نیازهای تحول و عوامل پشتیبان برای بکارگیری موفقیت‌آمیز این استانداردها در ایران کدامند؟"

مروری بر پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی تحولات حسابداری بخش عمومی و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی در کشورهای مختلف را از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند، در ادامه تعدادی از این پژوهش‌ها مرور می‌شود.

کارتیکو و هم‌پژوهان (۲۰۱۸)، در پژوهش خود، سطح و میزان پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بین‌المللی بخش عمومی بر مبنای تعهدی و میزان ارتباط آن با شفافیت دولت مرکزی، را بررسی نمودند. با نمونه‌ای متشکل از ۷۷ کشور طی سال‌های ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۵، معیارها بیانگر اهمیت و معنی‌داری صورت‌های عملکرد مالی و رویه‌های حسابداری تعهدی نظیر رویدادهای مبادله‌ای و غیرمبادله‌ای به‌عنوان سطوح تعهدی بوده است. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که رتبه سطح تعهدی با شاخص شفافیت سالیانه بودجه بین‌المللی، رابطه مثبت دارد.

اولینکا و هم‌پژوهان (۲۰۱۶)، تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی بر کیفیت گزارشگری مالی در بخش عمومی نیجریه، را مورد بررسی قرار دادند. با استفاده از دیدگاه‌های ۱۶۴ پاسخ‌دهنده از بخش‌های حسابداری تمام وزارتخانه‌های دولتی، نتایج نشان داد که پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت گزارشگری مالی در بخش عمومی نیجریه، دارد.

یوده و سوپیکان (۲۰۱۵)، پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی و کیفیت گزارشگری مالی بخش عمومی را مورد توجه قرار دادند. یافته‌های آنها بیانگر آن بود که انتظار می‌رود پذیرش استانداردهای حسابداری بین‌المللی بخش عمومی، سطح یا کیفیت گزارشگری مالی در نیجریه را ارتقا داده و بهبود بخشد.

بیلاسا و واندرنوت (۲۰۱۴)، سطح پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی بخش عمومی را در کشورهای عضو اتحادیه اروپا بررسی نمودند. نتایج نشان داد که تنوع قابل ملاحظه‌ای در رابطه با بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی و همچنین در مورد نوع حسابداری مورد استفاده در میان این کشورها وجود دارد. علاوه بر این، مشخص شد که حتی

اگر استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی بطور قانونی در اغلب اعضای اتحادیه اروپا به‌طور قانونی پذیرش نشده، اما تمایل به سوی استفاده از سیستم‌های حسابداری پیشرفته بر مبنای حسابداری تعهدی نزدیک به استانداردهای حسابداری بین‌المللی بخش عمومی، وجود دارد.

الشوجیری (۲۰۱۴) در پژوهشی، نیاز به تحول در سیستم حسابداری دولتی عراق را به‌عنوان کشوری در حال توسعه از طریق پذیرش حسابداری تعهدی بر مبنای استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی، بررسی کرد. یافته‌های او قویا نیاز به تحول در سیستم حسابداری دولتی این کشور را از طریق پذیرش حسابداری تعهدی بر مبنای استانداردهای حسابداری بین‌المللی بخش عمومی، آشکار نمود.

دیلتوتی (۲۰۱۳)، نشان داد که اطلاعات موجود در صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی بخش عمومی حسابداری تعهدی سودمند تلقی می‌شوند و به استفاده‌کنندگان امکان پاسخ‌خواهی برای کنترل و گسترش همه منابع، ارزیابی وضعیت مالی، عملکرد مالی و جریان‌ات نقدی واحد تجاری و اتخاذ تصمیمات در مورد تهیه منابع یا انجام فعالیت‌های تجاری با واحد تجاری را می‌دهد.

روچی و هم‌پژوهان (۲۰۱۲)، مناسب بودن مدل حسابداری و گزارشگری مالی بخش عمومی در اسلونی، کرواسی، بوسنی و هرزگوین را در سایه گسترش و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی بررسی نمودند. یافته‌های آنان نشان داد که سیستم حسابداری و گزارشگری مالی بخش عمومی در این کشورها همانند بسیاری از کشورهایی که با استفاده از استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی، حسابداری تعهدی کامل را به کار گرفته‌اند، روز به روز مربوط‌تر و مناسب‌تر شده است.

بررسی‌های انجام شده در پژوهش‌های داخلی نیز بیانگر وجود پژوهش‌های بسیار محدود در رابطه با بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی می‌باشد. از این رو، ضمن اشاره به آنها برخی از تحقیقات مرتبط با تحولات حسابداری بخش عمومی نیز که تا حدودی با موضوع این پژوهش همخوانی دارد، در ادامه بطور مختصر مرور می‌شود.

باباجانی و هم‌پژوهان (۱۳۹۷)، با هدف ارائه الگویی برای پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری مصوب سازمان حسابرسی متناسب با شرایط و ویژگی‌های محیطی نهادهای بخش عمومی جمهوری اسلامی ایران، عامل‌های تأثیرگذار در پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بخش عمومی را شناسایی و از طریق پرسشنامه مورد نظرخواهی خبرگان شاغل در نهادهای بخش عمومی قرار دادند. یافته‌های آنان بیانگر آن بود که عامل‌های اثرگذار در شش بُعد، شامل سازگاری قوانین و مقررات مالی و محاسباتی، سازگاری فرآیندهای عملیاتی و اداری، عوامل سازمانی، منابع انسانی متخصص، آموزش و رویکرد استقرار قرار گرفته مورد اجماع خبرگان قرار گرفت.

معینان و پورزمانی (۱۳۹۶)، در پژوهش خود به دنبال مطابقت ویژگی‌های کیفی گزارش‌های مالی دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور از نظر نحوه ارائه اطلاعات، با استانداردهای حسابداری بخش عمومی بودند. یافته‌های آنان نشان داد که ویژگی‌های کیفی اطلاعات ارائه شده در گزارش‌های مالی دانشگاه‌های علوم پزشکی از نظر نحوه ارائه اطلاعات، با استانداردهای حسابداری بخش عمومی مطابقت دارد و دانشگاه‌های علوم پزشکی، با اندک تغییرات و بازنگری در نحوه ارائه صورت‌های مالی و گزارشگری خود می‌توانند با استانداردهای حسابداری بخش عمومی، همسو شوند.

اسماعیلی کیا و شیخی (۱۳۹۶)، در پژوهشی به دنبال شناسایی چالش‌های استقرار حسابداری تعهدی در بخش عمومی از دیدگاه کارکنان مالی بوده‌اند. یافته‌های آنها نشان داد که از دیدگاه کارکنان مالی، عوامل مربوط به نیروی انسانی، عوامل مربوط به سیستم‌های اطلاعاتی و نرم-افزارها، عوامل مربوط به استانداردها و قوانین، عوامل مربوط به تامین مالی تحولات و همچنین، چالش‌های مفهومی تحول از چالش‌های استقرار حسابداری تعهدی در بخش عمومی، به شمار می‌روند.

کردستانی و هم‌پژوهان (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان، شناسایی موانع گذار به حسابداری تعهدی در بخش عمومی (بر پایه مطالعات هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی)، به دنبال بررسی بررسی موانع موجودی بوده است که امکان به کارگیری مبنای تعهدی در حسابداری بخش عمومی کشور را تضعیف می‌کنند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که نبود خواست واقعی سیاست‌مداران و پایداری ایشان به تدوین و اجرای برنامه‌گذار،

عدم مطالبه عمومی و پاسخ‌خواهی مردم نسبت به عملکرد دولت، اقتصاد دولتی و گستره تصدی‌گری دولت در اقتصاد و کمبود استانداردها و قوانین مناسب در بخش عمومی از جمله مهمترین موانع پیاده‌سازی حسابداری تعهدی در بخش عمومی کشور هستند.

جباری و امیدفر (۱۳۹۵)، در پژوهش خود با هدف بررسی فرآیندی مراحل اجرای نظام حسابداری بخش عمومی در دستگاه‌های اجرایی، موانع اجرای استانداردها و نظام حسابداری بخش عمومی در دستگاه‌های اجرایی با رویکرد فرآیندی را بررسی نمودند. یافته‌های آنان نشان داد که مراحل عملیاتی اجرای نظام حسابداری بخش عمومی شامل، پیاده‌سازی، استقرار، بهره‌برداری عملیاتی و نظارت به نحو مطلوبی انجام نشده است.

مهدوی و کاظم‌نژاد (۱۳۹۲)، ضرورت و سودمندی تدوین استانداردهای حسابداری مبتنی بر چارچوب نظری برای شهرداری‌ها را بررسی و به این نتیجه دست یافتند که تدوین استانداردهای حسابداری برای شهرداری‌ها بر پنج عامل مورد بررسی یعنی افزایش کیفیت گزارشگری مالی، بهبود فرآیند حسابرسی و اعتباردهی به گزارشهای مالی، بهبود مدیریت مالی، استقرار یک نظام حسابداری و گزارشگری مطلوب مبتنی بر ایفای مسئولیت پاسخگویی و ایجاد بستر لازم جهت ارزیابی عملکرد و ارزیابی ایفای مسئولیت پاسخگویی، تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد.

روش پژوهش

هدف این پژوهش بررسی تحولات حسابداری بخش عمومی ایران و بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی با استفاده از رویکرد دلفی است. روش دلفی یک رویکرد تحقیقاتی برای به‌دست‌آوردن اجماع با استفاده از پرسشنامه و ارائه بازخورد به شرکت‌کنندگان است، که در زمینه‌های کلیدی متخصص هستند، می‌باشند (حیبی و هم‌پژوهان، ۲۰۱۴). پژوهش از نظر روش استنتاج، توصیفی - پیمایشی و از جهت هدف کاربردی و توصیفی می‌باشد. با توجه به نوع این پژوهش، تعریف قلمرو زمانی مورد نیاز نخواهد بود، اما ذکر این نکته ضروری است که این پژوهش در سال ۱۳۹۷ اجرا شده است. برای پاسخگویی به دو سوال اصلی بدین مضمون که "با توجه به گذشت ۴ سال از تصویب و الزام به استفاده از استانداردهای حسابداری بخش عمومی ایران، بکارگیری این استانداردها همچنان با چه چالش‌هایی مواجه است؟" و "با توجه به گذشت ۴ سال از تصویب و الزام به استفاده از استانداردهای حسابداری

بخش عمومی ایران، پیش‌نیازهای تحول و عوامل پشتیبان برای بکارگیری موفقیت‌آمیز این استانداردها در ایران کدامند؟"، ابتدا، با مطالعه نوشتارهای تخصصی موجود در این زمینه ماتریس نظریه مزایای تحولات و بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی، چالش‌های بکارگیری استانداردها و پیش‌نیازها و عوامل پشتیبان تحولات استخراج گردید. سپس، در ماتریس نظریه مذکور و بر اساس شرایط محیطی ایران، تغییراتی داده شد و بر مبنای شاخص‌های استخراج شده، پرسشنامه محقق‌ساخته متشکل از ۲۶ سوال (در دو بخش چالش‌های تحول و پیش‌نیازها و عوامل پشتیبان)، توسط تیم پژوهش طراحی گردید که در ابتدا نظر موافق یا مخالف خبرگان (بلی یا خیر)، راجع به هر یک از عوامل، مورد پرسش قرار گرفت و سپس شدت موافقت در دامنه ۱ الی ۵، نیز مورد ارزیابی قرار گرفت. در مرحله بعد، با استفاده از پرسشنامه تهیه شده و با بکارگیری رویکرد دلفی از خبرگان فعال و صاحب‌نظر در زمینه حسابداری بخش عمومی و تحولات آن، در طی دو دور، نظرخواهی انجام شد.

جامعه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه افراد خبره و صاحب‌نظر در زمینه حسابداری بخش عمومی و تحولات آن می‌باشد. در روش دلفی، اساساً اصل دقیقی برای شناسایی تعداد افراد و یا تعداد اعضا برای گنجانیدن در هر مطالعه وجود ندارد (اسماعیلی‌کیا و ملانظری، ب، ۱۳۹۵). تعداد اعضای ایده‌آل برای روش دلفی بین شش و دوازده است. همچنین در دیدگاهی دیگر، اگر ترکیبی از خبرگان با تخصص‌های مختلف به کار رود بین پنج تا ده نفر کافی است (سومرویل و جری، ۲۰۰۸). یکی از مهمترین مراحل روش دلفی، انتخاب اعضای واجد شرایط برای گروه دلفی است. در مطالعات قبلی، در دلفی روش خاص نمونه‌گیری توصیه نشده است. تکنیک گلوله برفی می‌تواند برای نمونه‌گیری استفاده شود. این روش زمانی مناسب است که اعضا گروه به راحتی شناسایی نشوند. در این روش، محققین ابتدا افرادی را شناسایی نموده و پس از دریافت اطلاعات، از آنها خواسته می‌شود که افراد دیگری را به محقق، معرفی نمایند (بابی، ۲۰۰۲). با توجه به محدود بودن خبرگان در این حوزه، برای شناسایی آنان از نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد. اعضای دلفی شناسایی شده با این روش در مجموع ۳۰ نفر و در چهار گروه مختلف، به شرح نگاره ۱ بودند.

نگاره (۱): گروه‌های خبرگان و متخصصین منتخب

| گروه | شرح گروه | تعداد (نفر) |
|-------|---|-------------|
| اول | معاونان اداری مالی | ۹ |
| دوم | ذیحسابان | ۱۰ |
| سوم | اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها خبره در حوزه حسابداری بخش عمومی | ۸ |
| چهارم | کارشناسان هیات تدوین کننده استانداردهای حسابداری سازمان حسابرسی | ۳ |
| | جمع | ۳۰ |

ویژگی‌های جمعیت‌شناسی خبرگان در نگاره ۲ ارائه شده است. همانگونه که مشاهده می‌شود ۸۰٪ از خبرگان پیش از ده سال سابقه امور اجرایی داشته‌اند و رشته تحصیلی ۷۷٪ از آنان، حسابداری بوده است.

نگاره (۲): ویژگی‌های جمعیت‌شناسی خبرگان

| رشته تحصیلی | | | میزان تحصیلات | | | تجربه اجرایی | | |
|-------------|-------|-------------|---------------|-------|---------------|--------------|-------|-----------------|
| درصد | تعداد | | درصد | تعداد | | درصد | تعداد | |
| ۷۷٪ | ۲۳ | حسابداری | ۱۷٪ | ۵ | کارشناسی | ۲۰٪ | ۶ | کمتر از ۱۰ سال |
| ۲۰٪ | ۶ | مدیریت مالی | ۴۷٪ | ۱۴ | کارشناسی ارشد | ۵۳٪ | ۱۶ | ۱۰ تا ۲۰ سال |
| ۳٪ | ۱ | سایر | ۳۶٪ | ۱۱ | دکترا | ۲۷٪ | ۸ | بیشتر از ۲۰ سال |
| ۱۰۰٪ | ۳۰ | جمع کل | ۱۰۰٪ | ۳۰ | جمع کل | ۱۰۰٪ | ۳۰ | جمع کل |

آزمون‌های آماری مورد استفاده

روایی محتوای پرسشنامه با استفاده از نظرات متخصصان فنی با تجربه ارزیابی شد. با توجه به اینکه در دیدگاه آنان پرسشنامه فاقد مشکلات مفهومی بود، بنابراین نتیجه‌گیری شد که

پرسشنامه از روایی سازه لازم برخوردار است. پایایی پرسشنامه با بکارگیری روش آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد. آماره این آزمون با استفاده از پیش‌آزمونی که در اختیار ۱۰ نفر از پاسخ‌دهندگان قرار گرفت، ۰/۸۳۵ محاسبه شد که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد آن است.

ضریب همابستگی کندال^۶ برای تعیین میزان اتفاق‌نظر میان اعضای تیم دلفی، مورد استفاده قرار گرفت. ضریب همابستگی کندال نشان می‌دهد که افرادی که چند مقوله را بر اساس اهمیت آنها مرتب کرده‌اند، اساساً معیارهای مشابهی را برای قضاوت درباره اهمیت هر یک از مقوله‌ها به کار برده‌اند و از این لحاظ با یکدیگر اتفاق‌نظر دارند. این ضریب در دامنه صفر تا یک قرار می‌گیرد که نشان‌دهنده درجه اجماعی است که از طریق گروه بدست آمده است (اجماع قوی برای $w > 0.7$ ، اجماع متوسط برای $w = 0.5$ و اجماع ضعیف در $w = 0.3$) (اسمیت و هم‌پژوهان، ۲۰۰۱).

عطف به تدوین سوالات بر اساس دو حالت بلی و خیر، در مرحله نخست، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات تک تک سوالات، آزمون ناپارامتری دو جمله‌ای، استفاده شد. بر مبنای قضیه حد مرکزی، اگر تعداد نمونه مساوی با ۳۰ یا بیش از آن باشد، توزیع نرمال تلقی می‌شود (آذر و مومنی، ۱۳۸۸). با توجه به دقیق‌تر بودن نتایج استفاده از آزمون پارامتریک، بنابراین ارزیابی شدت موافقت پاسخ‌دهندگان با استفاده از آزمون تی انجام می‌پذیرد و برای سنجش میزان موافقت، طیف ۱ الی ۵ در نظر گرفته شده است. در این آزمون، اگر مقدار تی محاسبه شده، بیشتر از مقدار تی نگاره (۱/۶۴) باشد، میزان موافقت شدید بوده و با امتیاز ۲/۵ به‌عنوان نقطه بی‌تفاوتی، تفاوت معنی‌داری دارد. چنانچه تی محاسبه شده از عدد مذکور کوچکتر باشد، میزان موافقت شدید نبوده و با امتیاز ۲/۵ تفاوت معنی‌داری نداشته است. بررسی وجود یا عدم وجود اجماع‌نظر بین خبرگان در رابطه با هر یک از سوالات، با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف تک نمونه‌ای انجام می‌شود. این آزمون، آزمونی از نوع نیکویی برازش است و روش ناپارامتری ساده‌ای برای تعیین همگونی اطلاعات تجربی با توزیع‌های آماری منتخب است. هدف از انجام این آزمون، کسب اطمینان از یکسان بودن نظر خبرگان در درون گروه مربوطه است. به عبارتی دیگر، اگر اختلاف معنی‌داری بین نظر خبرگان هر گروه وجود نداشته باشد، آن گروه در مورد سوال مورد پرسش، هم‌نظرند و در موضوع مورد سوال مربوط، اجماع‌نظر موافق یا مخالف دارند (اسماعیلی‌کیا و ملانظری، ب ۱۳۹۵). برای تشخیص همسانی یا عدم

همسانی پاسخ‌های گروه‌های مختلف خبرگان، آزمون کروسکال والیس، نیز انجام می‌شود (باباجانی و هم‌پژوهان، ۱۳۹۲). در آمار هیچ روشی برای تعیین رتبه‌بندی وجود ندارد و آزمون فریدمن فقط می‌تواند به بررسی یکسان بودن رتبه‌ها بپردازد (مومنی و فعال‌قیومی، ۱۳۹۷)؛ اگر فرضیه صفر آن رد شود، می‌توان نتیجه گرفت که میانگین رتبه‌ها یکسان نیست و نهایتاً اینکه رتبه‌بندی هر یک از چالش‌های بکارگیری استانداردها و عوامل پیش‌نیاز و پشتیبان بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی از دیدگاه خبرگان، گزارش می‌شود.

یافته‌های پژوهش

ضریب هماهنگی کندال (W کندال) معیار اجماع است و بیانگر سطح اجماع بین مشارکت‌کنندگان، در دلفی است. نتایج میزان اجماع حاصل از اجرای دور نخست دلفی در نگاره ۳ ارائه شده است. بیشتر از ۰/۷ بودن مقدار ضریب کندال برای هر دو عامل دلالت بر اجماع قوی خبرگان دارد. علاوه بر آن، سطح معنی‌داری در هر دو دسته، بیشتر از پنج درصد است که به معنای وجود توافق معنی‌دار بین خبرگان است. بنابراین، در گام اول می‌توان نتیجه گرفت که بین خبرگان اجماع کلی برقرار شده است.

نگاره ۳: میزان اجماع نظر خبرگان با استفاده از ضریب هماهنگی کندال

| چالش‌های بکارگیری استانداردها | پیش‌نیازهای تحول و عوامل پشتیبان | |
|-------------------------------|----------------------------------|----------------|
| ۷ | ۶ | تعداد عامل‌ها |
| ۰/۷۰۴ | ۰/۸۶۸ | ضریب کندال (W) |
| ۰/۰۸۴ | ۰/۰۷۵ | سطح معنی‌داری |

چالش‌های بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی

در این پژوهش، هدف سوال اصلی اول، شناسایی چالش‌های بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی است. با بررسی ادبیات پژوهش و در نظر گرفتن شرایط محیطی ایران، چالش اصلی تعیین و از طریق پرسشنامه در اختیار خبرگان قرار گرفت. مشابه با دو بخش پیشین ابتدا آزمون دو جمله‌ای بر روی اطلاعات حاصل، انجام شد. نگاره ۴، یافته‌های مربوط را نشان

می‌دهد. یافته‌های آزمون دوجمله‌ای از معنی‌داری کلیه ویژگی‌ها (به جزء مورد ۶) حکایت دارد.

نگاره (۴): نتایج آزمون دوجمله‌ای در رابطه چالش‌های بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش

عمومی

| شماره سوال | شرح سوال | نوع جواب | تعداد | نسبت | میانگین | انحراف استاندارد | سطح معنی‌داری |
|------------|---|----------|-------|------|---------|------------------|---------------|
| ۱ | هزینه‌های زیاد پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بخش عمومی | بلی | ۲۳ | ۰/۷۷ | ۰/۷۶۷ | ۰/۴۳۰ | ۰/۰۵ |
| | | خیر | ۷ | ۰/۲۳ | | | |
| ۲ | فقدان منابع انسانی کافی برای درک و پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بخش عمومی | بلی | ۲۵ | ۰/۸۳ | ۰/۸۳۳ | ۰/۳۷۹ | ۰/۰۰۰ |
| | | خیر | ۵ | ۰/۱۷ | | | |
| ۳ | مناسب نبودن توسعه و گسترش تکنولوژی اطلاعات دولت (سیستم‌های حسابداری) | بلی | ۲۴ | ۰/۸۰ | ۰/۸۰۰ | ۰/۴۰۷ | ۰/۰۰۱ |
| | | خیر | ۶ | ۰/۲۰ | | | |
| ۴ | نبودن شناخت مناسب از استانداردهای حسابداری بخش عمومی | بلی | ۲۶ | ۰/۸۷ | ۰/۸۶۷ | ۰/۳۴۶ | ۰/۰۰۰ |
| | | خیر | ۴ | ۰/۱۳ | | | |
| ۵ | نبودن تجربه در رابطه با پیاده‌سازی استانداردهای بخش عمومی | بلی | ۲۴ | ۰/۸۰ | ۰/۸۰۰ | ۰/۴۰۷ | ۰/۰۰۱ |
| | | خیر | ۶ | ۰/۲۰ | | | |
| ۶ | عدم توجه کافی استانداردهای حسابداری بخش عمومی به حسابداری بودجه‌ای | بلی | ۱۲ | ۰/۴۰ | ۰/۴۰۰ | ۰/۴۹۸ | ۰/۳۶۲ |
| | | خیر | ۱۸ | ۰/۶۰ | | | |
| ۷ | عدم توجه کافی استانداردهای بخش عمومی به ویژگی‌های خاص و با اهمیت بخش عمومی | بلی | ۲۰ | ۰/۶۷ | ۰/۶۶۷ | ۰/۴۷۹ | ۰/۰۹۹ |
| | | خیر | ۱۰ | ۰/۳۳ | | | |

مقادیر آماره تی، طبق نگاره ۴، همگی بیشتر از ۱/۶۴ است. مقادیر مذکور به معنای موافقت خبرگان در رابطه با چالش‌های شناسایی شده است. مقادیر Z کلموگروف اسمیرنوف گزارش شده در نگاره ۵، نیز بیانگر اجماع خبره‌گان در رابطه با کلیه ویژگی‌ها به استثنای مورد ۶، است.

در سطح معنی داری پنج درصد، نتایج آزمون کروسکال والیس، نشان دهنده همسانی پاسخ‌های خبرگان برای همه چالش‌ها است.

نگاره (۵): نتایج آزمون‌های تی، آزمون کلموگروف اسمیرنوف و آزمون کروسکال والیس در رابطه با چالش‌های بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی

| آزمون کروسکال والیس | | آزمون کلموگروف-اسمیرنوف | | آزمون تی | | | | تعداد پاسخ‌ها | سوال |
|---------------------|--------|-------------------------|---------------------------|---------------|------------|----------|-----------------|---------------|------|
| معنی داری | کای دو | مقدار احتمال | مقدار Z کلموگروف-اسمیرنوف | سطح معنی داری | درجه آزادی | مقدار تی | میانگین پاسخ‌ها | | |
| ۰/۰۸۱ | ۶/۷۲۷ | ۰/۰۰۲ | ۲/۰۱۷ | ۰/۰۰۰ | ۲۹ | ۳۲/۴۱۵ | ۳/۸۳۳ | ۳۰ | ۱ |
| ۰/۷۱۳ | ۱/۳۶۷ | ۰/۰۰۱ | ۲/۸۵۷ | ۰/۰۰۰ | ۲۹ | ۱۹/۰۰۰ | ۳/۸۰۰ | ۳۰ | ۲ |
| ۰/۴۲۵ | ۲/۷۹۱ | ۰/۰۰۱ | ۱/۹۶۵ | ۰/۰۰۰ | ۲۹ | ۲۰/۵۵۲ | ۳/۹۳۳ | ۳۰ | ۳ |
| ۰/۵۹۲ | ۱/۹۰۶ | ۰/۰۰۱ | ۱/۹۶۱ | ۰/۰۰۰ | ۲۹ | ۲۳/۷۴۸ | ۳/۹۳۳ | ۳۰ | ۴ |
| ۰/۱۱۳ | ۵/۹۶۲ | ۰/۰۰۳ | ۲/۰۰۳ | ۰/۰۰۰ | ۲۹ | ۱۵/۳۳۳ | ۳/۳۰۰ | ۳۰ | ۵ |
| ۰/۴۰۸ | ۲/۸۹۸ | ۰/۲۳۹ | ۱/۰۳۱ | ۰/۰۰۰ | ۲۹ | ۱۵/۰۹۳ | ۳/۱۰۰ | ۳۰ | ۶ |
| ۰/۶۶۸ | ۱/۵۶۳ | ۰/۲۱۹ | ۱/۰۵۲ | ۰/۰۰۰ | ۲۹ | ۱۳/۹۷۹ | ۳/۰۳۳ | ۳۰ | ۷ |

پیش‌نیازها و عوامل پشتیبان برای بکارگیری موفقیت‌آمیز استانداردهای حسابداری بخش عمومی

شش عامل تعیین شده بر اساس نوشتارهای تخصصی، به‌عنوان پیش‌نیاز تحول و عوامل پشتیبان، در معرض نظرخواهی خبرگان قرار گرفت. نگاره ۶، نتایج مربوط به آزمون دوجمله‌ای را نشان می‌دهد. همانگونه که مشاهده می‌شود به غیر از مورد ۱۲، همه عوامل معنی‌دار هستند.

نگاره (۶): نتایج آزمون دوجمله‌ای برای شناسایی پیش‌نیازهای تحول و عوامل پشتیبان برای
پایه‌سازی موفقیت‌آمیز استانداردهای حسابداری بخش عمومی

| شماره سوال | شرح سوال | نوع جواب | تعداد | نسبت | میانگین | انحراف استاندارد | سطح معنی‌داری |
|------------|---|----------|-------|-------|---------|------------------|---------------|
| ۸ | پایه‌سازی تحولات در مدیریت بخش عمومی (نظیر طبقه‌بندی و مدل‌سازی مجدد فعالیت‌های بخش عمومی و نهادها، تمرکززدایی مدیریتی) | بلی | ۲۷ | ۰/۹۰ | ۰/۹۰۰ | ۰/۳۰۵ | ۰/۰۰۰ |
| | | خیر | ۳ | ۰/۱۰ | | | |
| ۹ | تغییرات در قوانین و مقررات (نظیر تعدیل قانون بودجه و اصول مالی در نهادهای بخش عمومی، بودجه‌بندی مبتنی بر عملکرد و...) | بلی | ۳۰ | ۰/۱۰۰ | ۱/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| | | خیر | ۰ | ۰ | | | |
| ۱۰ | آموزش حسابداران با مهارت بالا و حرفه‌ای در بخش عمومی | بلی | ۳۰ | ۰/۱۰۰ | ۱/۰۰۰ | ۰/۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| | | خیر | ۰ | ۰ | | | |
| ۱۱ | ایجاد و توسعه سیستم پردازش اطلاعات حسابداری همراه با تکنولوژی اطلاعات | بلی | ۲۴ | ۰/۸۰ | ۰/۸۰۰ | ۰/۴۰۷ | ۰/۰۰۱ |
| | | خیر | ۶ | ۰/۲۰ | | | |
| ۱۲ | پشتیبانی گسترده از سوی حامیان مالی نظیر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و... | بلی | ۱۸ | ۰/۶۰ | ۰/۶۰۰ | ۰/۴۹۸ | ۰/۳۶۲ |
| | | خیر | ۱۲ | ۰/۴۰ | | | |
| ۱۳ | تجربه ایران در خصوص انتشار استانداردهای حسابداری در بخش خصوصی | بلی | ۲۴ | ۰/۸۰ | ۰/۸۰۰ | ۰/۴۰۷ | ۰/۰۰۱ |
| | | خیر | ۶ | ۰/۲۰ | | | |

همانگونه که در نگاره ۷ مشاهده می‌شود مقادیر آماره تی در کلیه سوالات بیش از ۱/۶۴، است، این یافته نشان‌دهنده موافقت شدید خبرگان در رابطه با چالش‌ها می‌باشد. مقادیر Z کلموگروف اسمیرنوف گزارش شده، نیز نشان‌دهنده اجماع خبره‌ها در رابطه با همه عوامل مذکور به غیر از سوال ۱۲، است. در سطح معنی‌داری پنج درصد، نتایج آزمون کروسکال والیس نیز نشان‌دهنده همسانی پاسخ‌های خبرگان در کلیه موارد بوده است.

نگاره (۷): نتایج آزمون‌های تی، آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و آزمون کروسکال-والیس برای شناسایی پیش‌نیازهای تحول و عوامل پشتیبان برای پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز استانداردهای حسابداری بخش عمومی

| آزمون کروسکال والیس | | آزمون کلموگروف-اسمیرنوف | | آزمون تی | | | | تعداد پاسخ‌ها | سوال |
|---------------------|--------|-------------------------|---------------------------|---------------|------------|----------|-----------------|---------------|------|
| معنی‌داری | کای دو | مقدار احتمال | مقدار Z کلموگروف-اسمیرنوف | سطح معنی‌داری | درجه آزادی | مقدار تی | میانگین پاسخ‌ها | | |
| ۰/۴۸۲ | ۲/۴۶۵ | ۰/۰۱۵ | ۱/۹۶۱ | ۰/۰۰۰ | ۲۹ | ۳۴/۶۲۶ | ۴/۲۰ | ۳۰ | ۸ |
| ۰/۲۸۲ | ۳/۸۱۲ | ۰/۰۱۱ | ۱/۹۶۵ | ۰/۰۰۰ | ۲۹ | ۳۵/۷۶۸ | ۴/۳۶۷ | ۳۰ | ۹ |
| ۰/۱۴۶ | ۵/۳۸۰ | ۰/۰۰۱ | ۲/۰۳۶ | ۰/۰۰۰ | ۲۹ | ۴۸/۱۷۹ | ۴/۴۳۳ | ۳۰ | ۱۰ |
| ۰/۷۹۷ | ۱/۰۱۷ | ۰/۰۰۵ | ۱/۹۶۸ | ۰/۰۰۰ | ۲۹ | ۳۸/۷۸۶ | ۴/۴۳۳ | ۳۰ | ۱۱ |
| ۰/۴۵۵ | ۲/۶۱۵ | ۰/۰۸۴ | ۱/۲۵۹ | ۰/۰۰۰ | ۲۹ | ۱۹/۹۱۲ | ۳/۶۳۳ | ۳۰ | ۱۲ |
| ۰/۲۷۹ | ۳/۸۱۸ | ۰/۰۳۸ | ۲/۰۵۶ | ۰/۰۰۰ | ۲۹ | ۲۲/۱۳۹ | ۳/۷۰۰ | ۳۰ | ۱۳ |

نتایج دور دوم دلفی

همانطور که در بخش یافته‌ها بیان گردید، در سوالات ۶ و ۱۲، نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف حاکی از یکنواختی نظر پاسخ‌دهندگان بود و به عبارتی خبرگان از شدت موافقت یکسانی برای پاسخ به این سوال برخوردار نبوده‌اند. بنابراین، برای این سوالات (تعداد ۲ سوال)، مجدداً پرسشنامه‌ای تهیه شد (در این پرسشنامه ضمن تعیین سوالات، نتایج دوره قبل شامل تعداد موافقین و مخالفین و میانگین شدت موافقت ارائه شد و همچنین، نظر خبره در دور اول برای او قید گردید) و سپس دور دوم دلفی اجرا شد و از خبرگان درخواست شد که با توجه به مجموع نظرات گردآوری شده در دور اول دلفی، پاسخ قبلی خود را (موافقت یا مخالفت و شدت آن)، تأیید و یا تغییر دهند. بر این اساس، از بین ۳۰ خبره شرکت‌کننده در دور اول دلفی، ۲۱ نفر به سوالات دور دوم نیز پاسخ داده و نظرات آنها با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب، تجزیه و تحلیل شد. نگاره ۸، یافته‌های حاصل از دور دوم دلفی را نشان می‌دهد.

نگاره (۸): نتایج آزمون‌های آماری دور دوم دلفی

| شماره سوال | نوع جواب | آزمون دوجمله‌ای | | آزمون تی | | آزمون کلموگروف | | آزمون کروسکال والیس | | |
|------------|----------|-----------------|-------|---------------|----------|---------------------------|--------------|---------------------|---------------|-------|
| | | تعداد | نسبت | سطح معنی داری | مقدار تی | مقدار Z کلموگروف اسمیرنوف | مقدار احتمال | آماره کای دو | سطح معنی داری | |
| ۶ | بلی | ۲ | ٪۱۰ | ۰/۰۰۰ | ۳/۲۱۱ | ۰/۰۰۴ | ۱/۳۹۰ | ۰/۰۴۲ | ۱/۲۸۰ | ۰/۷۳۴ |
| | خیر | ۱۹ | ٪۹۰ | | | | | | | |
| ۱۲ | بلی | ۷ | ٪۳۳/۳ | ۰/۱۸۹ | ۲/۹۵۰ | ۰/۰۰۸ | ۱/۸۸۳ | ۰/۰۰۲ | ۶/۴۳۷ | ۰/۰۹۲ |
| | خیر | ۱۴ | ٪۶۶/۷ | | | | | | | |

رتبه‌بندی پیش‌نیازهای تحول و عوامل پشتیبان و چالش‌های بکارگیری استانداردها

با توجه به کسب اجماع عمومی در رابطه با پیش‌نیازهای تحول و عوامل پشتیبان و همچنین، چالش‌های بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی، سوالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که در دیدگاه خبرگان کدام چالش و یا پیش‌نیاز در رتبه بالاتری قرار دارد؟ به عبارت دیگر، هر یک از عوامل مورد اجماع خبرگان در چه رتبه‌ای قرار می‌گیرند و کدامیک پیش‌نیاز مهمتری در راستای اجرای تحولات خواهند بود. از سوی دیگر، از بین چالش‌های مطرح شده، کدام یک به‌عنوان مانع نقش پررنگ‌تری در بکارگیری استانداردها دارند. بنابراین، بررسی داشتن یا نداشتن تفاوت معنی دار بین میانگین پاسخ‌های داده شده برای هر یک از موارد مذکور، از طریق آزمون فریدمن انجام پذیرفت. این آزمون برای بررسی یکسان بودن اولویت‌بندی (رتبه‌بندی) انجام گرفته افراد برای تعدادی از متغیرهای مستقل، استفاده می‌شود. نتایج آزمون فریدمن در نگاره ۹، ارائه شده است. نتایج، از معنی داری همه آماره‌های کای دو، در سطح پنج درصد حکایت دارد. مفهوم این یافته آن است که اهمیت این عوامل از نظر خبرگان یکسان نبوده و میانگین رتبه‌های مربوط به پیش‌نیازها و عوامل پشتیبان و چالش‌ها، یکسان نمی‌باشد.

نگاره (۹): نتایج آزمون فریدمن

| معنی داری | آماره کای دو | |
|-----------|--------------|----------------------------|
| ۰/۰۱۱ | ۲۰/۱۳۶ | چالش‌های بکارگیری |
| ۰/۰۰۰ | ۸۰/۹۳۵ | پیش‌نیازها و عوامل پشتیبان |

نتایج حاصل از بررسی اهمیت نسبی عوامل از دیدگاه خبرگان در نگاره ۱۰، مستند شده است.

نگاره (۱۰): رتبه‌بندی خبرگان از پیش‌نیازها و عوامل پشتیبان و چالش‌های بکارگیری

استانداردها

| رتبه | پیش‌نیازها و عوامل پشتیبان | رتبه | چالش‌ها بکارگیری استانداردها |
|------|---|------|--|
| ۱ | آموزش حسابداران بخش عمومی | ۱ | نبود شناخت مناسب و کافی از استانداردها |
| ۲ | تغییرات در قوانین و مقررات | ۲ | فقدان منابع انسانی کافی |
| ۳ | پیاده‌سازی تحولات در مدیریت بخش عمومی | ۳ | مناسب نبودن توسعه و گسترش تکنولوژی اطلاعات |
| ۴ | ایجاد و توسعه سیستم پردازش اطلاعات حسابداری | ۴ | نبودن تجربه در رابطه با بکارگیری استانداردها |
| ۵ | تجربه ایران در خصوص انتشار استانداردهای حسابداری در بخش خصوصی | ۵ | هزینه‌های زیاد پیاده‌سازی استانداردها |
| ۶ | پشتیبانی گسترده از سوی حامیان مالی نظیر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و... | ۶ | عدم توجه کافی استانداردهای بخش عمومی به ویژگی‌های خاص و با اهمیت بخش عمومی |
| | | ۷ | عدم توجه کافی استانداردهای حسابداری بخش عمومی به حسابداری بودجه‌ای |

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

گرایش به تحولات در سیستم‌های اطلاعات مالی، به‌عنوان ضرورتی حیاتی در بهبود و ارتقای مدیریت و تصمیم‌گیری نهادهای دولتی تلقی می‌شود. هم‌اکنون فرصت ارتقای تحول در حسابداری دولتی کشورهای در حال توسعه از طریق پذیرش حسابداری تعهدی بر مبنای استانداردهای حسابداری بین‌المللی بخش عمومی، فراهم شده است. با توجه به اینکه استانداردهای حسابداری بخش عمومی ایران برگرفته از استانداردهای بین‌المللی بخش عمومی است، بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی چالش‌های بکارگیری این استانداردها در طی ۴ سال از الزام به بکارگیری این استانداردها و شناسایی پیش‌نیازها و عوامل پشتیبان بکارگیری آنها در شرایط محیطی ایران، است. از طریق طرح و پاسخگویی به دو سوال اصلی پژوهش، اهداف پژوهش به شرح زیر محقق شد.

یافته‌ها نشان داد که در رابطه با چالش‌های بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی، خبرگان با شدت موافقت بالایی همه عوامل مطرح شده را به‌عنوان چالش‌های اثرگذار در این زمینه در شرایط محیطی ایران، شناسایی نمودند. در این بین در دیدگاه خبرگان، نبود شناخت مناسب از استانداردها، رتبه اول چالش‌ها را به خود اختصاص داده است. فقدان منابع انسانی کافی و مناسب نبودن توسعه و گسترش تکنولوژی اطلاعات در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند. یافته‌های این بخش، هر یک به نوعی مشابه با یافته‌های چان (۲۰۰۶)، آئودا (۲۰۱۳)، کریستیانز و هم‌پژوهان (۲۰۱۳)، باباجانی و هم‌پژوهان (۱۳۹۷)، اسماعیلی کیا و شیخی (۱۳۹۶) و کردستانی، رحیمیان و شهرابی (۱۳۹۵) می‌باشد.

در مورد عوامل پشتیبان، از ۶ مورد مطرح شده، خبرگان موافقت شدید خود را در رابطه با ۵ عامل اعلام نموده و یک عامل (پشتیبانی بکارگیری استانداردهای بخش عمومی (پشتیبانی گسترده از سوی حامیان مالی نظیر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و...)) به اجماع خبرگان نرسید. همچنین، از دیدگاه آنان، سه عامل آموزش حسابداران بخش عمومی، تغییر در قوانین و مقررات و پیاده‌سازی تحولات در مدیریت بخش عمومی، به ترتیب مهمترین پیش‌نیازها و عوامل پشتیبان در جهت بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی می‌باشند. این یافته با نتایج ترانگ (۲۰۱۲)، چان (۲۰۰۶) و باباجانی و هم‌پژوهان (۱۳۹۷) همراستا است.

عطف به یافته‌های پژوهش حاضر و نتایج پژوهش‌های مشابه در این حوزه، باید اذعان نمود که کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به اهداف بلندپروازانه اجتماعی اقتصادی، نیازمند ارتقای ظرفیت سازمانی با هدف اجرا و پیاده‌سازی سیاست‌ها و رویه‌های عمومی هستند، که این به نوبه خود تحولات حسابداری بخش عمومی را ضروری می‌نماید. بر این اساس، تأکید بر یکپارچگی مالی و حرکت به سمت حسابداری تعهدی، می‌تواند بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی را سودمندتر سازد، اما توجه به این نکته حائز اهمیت است که اجرای تحولات مذکور و بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی، فعالیت ساده و آسان نیست. چالش‌ها و موانع عمده‌ای در این راستا وجود خواهد داشت که لازمه غلبه بر این موانع، توجه به راهکارهای پیشگیرانه در جهت کاهش و از بین بردن چالش‌های موجود و تسهیل اجرای تحولات است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که متولیان امر قانونگذاری در اقتصاد کشور، سیاست‌گذاران و استانداردهاگذاران نتایج پژوهش حاضر را در این راستا، مورد استفاده قرار دهند.

این پژوهش با محدودیت‌هایی به این شرح مواجه بود: ۱. یکی از محدودیت‌ها به ابزار مورد استفاده در گردآوری اطلاعات یعنی پرسشنامه مربوط است که خود دارای محدودیت‌های ذاتی است. همچنین، احتمال عدم درک مفاهیم و محتوی سؤال‌های پرسشنامه و بروز ابهام برای پاسخگو هم وجود داشت. بنابراین، سعی بر آن بود که از طریق برقراری تماس تلفنی و ارائه توضیحات اضافی در ایمیل‌های ارسالی به خبرگان، ابهامات در حد امکان برطرف گردد؛ ۲. اکثریت خبرگان عضو تیم دلفی، مسئولین نهادهای مختلف بودند و غالباً با محدودیت زمانی برای تکمیل پرسشنامه روبرو بودند. علاوه بر این، برخی از خبرگان در این حوزه علیرغم پیگیری فراوان پژوهشگر، متأسفانه حاضر به همکاری در این پژوهش نشدند.

همانگونه که اشاره شد لازمه ارتقای کیفیت پاسخگویی و راهبری در بخش عمومی، وجود و تهیه اطلاعات صحیح و با کیفیت می‌باشد. استانداردهای حسابداری بخش عمومی نقشی کلیدی در تهیه صورت‌های مربوط و قابل اتکا دارد. علیرغم اهمیت این موضوع و با توجه به نوپا بودن تدوین و بکارگیری این استانداردها در بخش عمومی کشور، توجه چندانی از سوی محققین به این حوزه معطوف نشده است. بنابراین، در این راستا پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. سطح و میزان پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بخش عمومی در واحدهای گزارشگر بخش عمومی بررسی و ارزیابی گردد.
۲. از طریق بررسی گزارشگری مالی کنونی و مطابق با دستورالعمل حسابداری بخش عمومی، با رویکرد تعهدی وزارت اقتصاد و دارایی و استانداردهای مصوب سازمان حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی بخش عمومی را مورد بررسی و واکاوی قرار دهند.

پی نوشت

- | | | | |
|---|---|---|--|
| ۱ | ۱۳۹۴ | ۲ | استانداردهای مزبور برگرفته از استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی می‌باشند. |
| ۳ | South Asian Federation of Accountants (فدراسیون حسابداران جنوب آسیا) | ۴ | IPSASB |
| ۵ | PWC | ۶ | Kendall's Coefficient of Concordance (W) |

منابع

- Alshujairi, M. H. A. (2014). Government accounting system reform and the adoption of IPSAS in Iraq. *Research Journal of Finance and Accounting*, 5 (24), 1-20.
- Argento, D. , Peda, P. , & Grossi, G. (2018). The enabling role of institutional entrepreneurs in the adoption of IPSAS within a transitional economy: The case of Estonia. *Public Administration and Development*, 38 (1) , 39-49.
- Atuilik, W. A. (2013). *The relationship between the adoption of International Public Sector Accounting Standards (IPSAS) by governments and perceived levels of corruption* (Doctoral dissertation, Capella University).
- Azar, A. , & Momeni, M. (2011). *Statistics and its application in management*. Tehran. (In Persian).
- Babajani, J. , Alivar, A. Alimadad, M. Mosavi, M. (2013). Theoretical foundations and financial reporting of municipalities. *Tehran Studies and Planning Center*. (In Persian).
- Babajani, j. , Azar, A. , Moayeri. , M. (2013). Factors and Drivers of the Reforms in Iran's Public Sector Financial and Operational Accountability System. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 11 (37) , 1-37. (In Persian).
- Babajani, J. , Blue, G. , & Ebrahimpour, S. (2019). The Status of Implementation of Audit Organization's accounting standards in the public sector institutions

- of Islamic Republic of Iran. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 6 (2) , 1-28. (In Persian).
- Babatunde, S. A. (2013). The effects of adoption of accrual- based budgeting on transparency and accountability in the Nigerian public sector, *Governmental Financial Management* 4 (1) , 15-35.
- Babbie, E. R. (2015). *The basics of social research*. Nelson Education.
- Bellanca, S. , & Vandernoot, J. (2014). International public sector accounting standards (IPSAS) implementation in the European Union (EU) member states. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 10 (3).
- Chan, J. L. (2006). IPSAS and government accounting reform in developing countries. Accounting reform in the public sector: mimicry, fad or necessity, 31-42.
- Chan, J. L. (2008). International public sector accounting standards: conceptual and institutional issues. *The Harmonization of Government*, 21, 1-15.
- Christiaens, J. , Vanhee, C. , Manes-Rossi, F. , Aversano, N. , & Van Cauwenberge, P. (2015). The effect of IPSAS on reforming governmental financial reporting: An international comparison. *International Review of Administrative Sciences*, 81 (1) , 158-177.
- Ernst and Young. (2011). Toward transparency: A comparative study on the challenges of reporting for governments and public bodies around the world, www.ey.com/gps.
- Esmaelikia, G. , & Mollanazari, M. (2016a). Necessity of changes in the Financial and Operational Accountability System of Public Universities and Identification of its Dimensions from the Experts and Academics View. *Empirical Research in Accounting*, 6 (1) , 53-80. (In Persian).
- Esmaelikia, Gh. Parandin, K. (2016). Comparative study of accounting and financial reporting system of public universities in Iran and Germany. *First National Conference on Research Opportunities in Governmental Accounting*. 1-15. (In Persian).
- Esmaelikia, Gh. Sheikhi, K. (2017). Identifying the challenges of establishing accrual accounting in the public sector from the perspective of financial staff (Case study: Dehloran city government departments). *The Second National Conference on New Approaches to Public Sector Accounting*, 1-15. (In Persian).
- Esmailikia, G. , & Mollanazari, M. (2017b). Identifying barriers and constraints to implement reforms in the financial and operational accountability systems of public universities. *Journal of Accounting Advances*, 8 (2) , 1-29. (In Persian).
- Habibi, A. , Sarafrazi, A. , & Izadyar, S. (2014). Delphi technique theoretical framework in qualitative research. *The International Journal of Engineering and Science*, 3 (4) , 8-13.
- Hassan, M. M. (2013, July). Debates on accrual accounting in the public sector: A discrepancy between practitioners and academicians. In *Seventh Asia Pacific interdisciplinary research in accounting conference-APIRA Kobe*.
- Huges, J. (2013). A compilation and certification program for developing countries. *International Journal of Governmental Financial Management*, 13 (1) , 1-14.

- IFAC. (2019). Case Study: Adoption of International Public Sector Accounting Standards in the Philippines, 1-41.
- IPSASB. (2009). IPSASB communication and liaison activities, (December 2009 agenda paper) , Rome, Italy.
- Jabari, M. Omidfar, Gh. (2016). Investigating the barriers to the implementation of standards and public sector accounting system in executive bodies with a process approach. *Third National Conference on Public Sector Accounting Standards Past Experiences- Leading path*. 91-110. (In Persian).
- Kartiko, S. W. , Rossieta, H. , Martani, D. , & Wahyuni, T. (2018). Measuring accrual-based IPSAS implementation and its relationship to central government fiscal transparency. *BAR-Brazilian Administration Review*, 15 (4).
- Kordestani, Gh. , Ashtab, A. (2015). Public Sector Budgeting and Accounting reforms, *Hesabras*, 77, 102-112. (In Persian).
- Kordestani, Gh. , Rahimian N. , shahrabi,Sh. (2015). Identifying barriers to the transition to accrual accounting in the public sector (based on studies by the Public Sector Accounting Standards Board). *Audit Science*, 16 (65) , 47-75. (In Persian).
- Mahdavi , Gh. , Kazemnejad. , M. (2013). Investigating the Necessity and usefulness of Establishing Conceptual Framework Based on Accounting Standards for Municipalities, *Accounting Advances*, 5 (1) , 191-217. (In Persian).
- Mahdavi, G. , & Kazemnejad, M. (2013). Investigating the Necessity and Usefulness of Establishing Conceptual Framework Based on Accounting Standards for Municipalities. , *Journal of Accounting Advances*, 5 (1) , 191-217. (In Persian).
- Mahdavi, G. , & Namazi, N. R. (2012). Extended Abstract An Investigation of the University Affiliated and Practical University Accountants' View Points Towards the Status of the Public Sector Accounting in Iran's Universities. *Journal of Accounting Advances*, 4 (1) , 137-166. (In Persian).
- Moeiniyan, D. , & Pourzamani, Z. (2017). Financial Reporting Quality based on Public Sector Accounting Standards for Information Presentation. *Journal of Governmental Accounting and Auditing*, 3 (2) , 93-104. (In Persian).
- Momeni. M. , Faal Ghayoumi, A. (2018). Statitital analysis with SPSS, Moalef, Tehran.. (In Persian).
- Olayinka, E. ; Okoye, L. , Uchenna; M. , Nwanneka J. & Ogundele O. (2016). International public sector accounting standards (IPSAS) adoption and quality of financial reporting in the Nigerian public sector, *Esut Journal of accountancy*, 7 (2) , 22-30.
- Ouda, H. A. G. (2013). Suggested framework for implementation of performance budgeting in the public sector of developing countries with special focus on Egypt. *International Journal of Governmental Financial Management*, 13 (1) , 50. -67.
- Pina, V. , & Torres, L. (2003). Reshaping public sector accounting: an international comparative view. *Canadian Journal of Administrative Sciences/Revue Canadienne des Sciences de l'Administration*, 20 (4) , 334-350.

- PWC. (2012). Adoption of IPSAS in Ghana -prospects, challenges and the way forward, http://www.pwc.com/en_GH/gh/pdf/adoption-of-ipsas.pdf.
- Roje, G. , Vašiček, V. , & Hladika, M. (2012). The perspectives of IPSASs introduction in Croatian public sector. *International journal of public sector performance management*, 2 (1) , 25-43.
- SAFA (South Asian Federation of Accountants). (2006). South A study on accrual-based accounting for government and PSEs in SAARC countries.
- Schmidt, R. , Lyytinen, K. , Keil, M. , & Cule, P. (2001). Identifying software project risks: An international Delphi study. *Journal of management information systems*, 17 (4) , 5-36.
- Somerville, J. A. (2008). Effective use of the Delphi process in research: Its characteristics, strengths and limitations. *Oregon: Corvallis*.
- Trang, T. (2012). *Application of IPSAS Standards to the Vietnamese Government Accounting and Financial Statements* (Doctoral dissertation, Master's thesis in Public Finance Management, University of Tampere, Hanoi).
- Udeh, F. & Sopekan, S. (2015). Adoption of IPSAS and the quality of public sector financial reporting in Nigeria. *Research Journal of Finance and Accounting*, 6 (20) , 1-9.

Applying Public Sector Accounting Standards: Identifying Existing Challenges and Prerequisites Reforms Factors Based on an Expert Perspective

Gharibeh Esmailikia¹

Received: 2020/02/01

Accepted: 2020/04/28

Research Paper

Abstract

Over the past three decades, major reforms in public administration, especially the establishment of accrual accounting, have been characteristic of the public sector in many countries. The public sector financial system of Iran is also in the process of implementing these reforms, according to the available evidence, that the public sector accounting standards are not fully and properly applied, the purpose of this paper is to examine public sector accounting reforms and the application of public sector accounting standards with focusing on identifying challenges and factors supporting change. The research statistical population is all of experts in the filed of public sector accounting and its reforms; We collected the information needed to answer the main research questions through the distribution of a researcher-made questionnaire in 2018. Expert opinion polls during two Delphi rounds showed that the lack of proper knowledge of standards is the main challenge of applying standards. In addition, training for public sector accountants ranked first among prerequisites and supporting factors. The results of this paper, in addition to evaluating the challenges of applying public sector accounting standards, for the first time examines the prerequisites for applying the standards. Therefore, the results help to develop and improve public sector accounting in Iran.

Keywords: Public sector accounting standards, Challenges of applying standards, Prerequisites factors of reforms

JEL classification: M41· M48

DOI: 10.22051/jaasci.2021.30131.1579

¹ Assistant Professor of Accounting, Ilam University, Ilam, Iran. (Gh.esmailikia@ilam.ac.ir)

jaasci.alzahra.ac.ir

Identify and Rank Accounting Performance Indicators in the Banking Industry with Emphasis on interest-free (Riba) Banking in Iran

Hamed Tajmir Riahi¹, Reza Yarmohammadi², Mohammad Rahmati³

Received: 2019/10/29

Accepted: 2020/02/12

Research Paper

Abstract

Explaining the criteria of efficiency in any industry, is one of the prerequisites for investing and choosing a company in that industry. Investors of Tehran Stock Exchange use certain criteria for selecting stocks from the banking industry due to the complexity of financial statements and its accounting procedures. The purpose of this paper is to evaluate the banking system of the country in terms of efficiency based on accounting indicators. this paper seeks to answer what are the criteria for accounting efficiency in the Riba banking industry in Iran? And among the criteria in the literature, which criteria are considered by investors and what is the ranking of these criteria? To answer these questions, we used TOPSIS methods. According to the results of paper, Out of 15 accounting efficiency criteria, 10 criteria were approved, which we can refer to the ratio of the reserve of doubtful receivables to facilities and return on equity. From the investors' point of view, the return on equity is the most important factor in examining the shares of banks. The ratio of doubtful receivables to facilities is also the second most effective efficiency indicator from the perspective of investors. In finally, deposit facility percentage is the third indicator selected by investors.

Keywords: Islamic Banking, Efficiency, Accounting Criteria, Stock Exchange, Riba Banking, TOPSIS method.

JEL classification: M41, G21.

DOI: 10.22051/jaasci.2021.28896.1558

¹ Ph. D. of Finance, Imam Sadiq A. S. University, Tehran, Iran (Hamedtajmir@gmail.com)

² Ph. D. student of Finance, Imam Sadiq A. S. University, Tehran, Iran.
(Yarmohammadi15@gmail.com)

³ Ph. D. student of Technology management in IUST, Tehran, Iran, Corresponding Author,
(M69Rahmati@gmail.com)

jaasci.alzahra.ac.ir

Investigating the Effects of Greenhouse Gas Emissions, Environmental Performance and Social Function on Financial Performance of firms listed on Tehran Stock Exchange

Mohammad Ghasemi¹, Mosa Mohammadi², Chia Amin Panah³

Received: 2019/09/05

Accepted: 2019/11/14

Research Paper

Abstract

In recent years, due to the breadth and importance of corporate social responsibility, various researchers have examined new dimensions of this issue and they investigated its relationship with various issues such as corporate governance, corporate financial performance and economic conditions. The statistical population of this study is all firms listed on the Tehran Stock Exchange, which by using the sampling method, we investigated 98 firms for the period 2014 to 2015. For collecting information, we used financial statements of firms listed on the Tehran Stock Exchange as well as related databases. The results show that the emission of greenhouse gases of firms along with their environmental and social performance has a significant effect on the financial performance of firms listed on the Tehran Stock Exchange.

Keywords: greenhouse gas emissions, environmental performance, social performance, firm's financial performance.

JEL classification: M41, M14.

DOI: 10.22051/jaasci.2021.27062.1543

¹ MSc. of Accounting, Islamic Azad University, Tafresh Branch, Markazi, Iran, Corresponding Author, (mhd. ghasemi65@gmail.com)

² Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Tafresh Branch, Markazi, Iran, (mohamadi_moosa@yahoo.com)

³ Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Tafresh Branch, Markazi, Iran, (chia_aminpanah84@yahoo.com)

jaacsi.alzahra.ac.ir

The Relationship between Disclosure of Social Responsibility Information and Accuracy of Managers Forecast

Rezvan Hejazi¹, Hossain Rajabdorri²

Received: 2018/07/21

Accepted: 2018/11/11

Research Paper

Abstract

The purpose of this paper is to investigate the relationship between disclosure of social responsibility information and the accuracy of managers' prediction in firms listed on the Tehran Stock Exchange. According to the hypothesis of transparent disclosure based on the stakeholder theory, these two variables have a positive relationship and according to the hypothesis of opportunistic disclosure based on agency theory, the relationship between these two variables is negative. The study period includes the years 2012 to 2016 and the selected sample consists of 89 companies listed on Tehran Stock Exchange. We used in order to test the hypothesis of the research, also the least squares regression method. The results show that there is a positive significant effect between the disclosure of social responsibility information and the accuracy of managers' prediction, which confirms the hypothesis of transparent disclosure of stakeholder theory.

Keywords: Information Disclosure, Social Responsibility, managers' Prediction Accuracy.

Jel classification: G11, M19

DOI: 10.22051/ijar.2018.21343.1414

¹ Professor of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran. (hejazi33@gmail.com)

² Ph. D. Student of Accounting, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch, Bandar Abbas, Iran.
Corresponding Author (Hosrado@gmail.com)

jaacsi.alzahra.ac.ir

The Role of value Moderator of the Brand Name on the Relationship between Corporate Social Responsibility and Financial Performance of firms Listed in Tehran Stock Exchange

Vahid Bekhradinab¹, Fatemeh Jolanejad²

Received: 2019/01/07

Accepted: 2019/04/09

Research Paper

Abstract

Improving financial performance will not be possible by maximizing profits and benefits alone. Based on social contract theory, society allows the company to operate and they expects the company to serve the interests of all stakeholders. One of the expected benefits of all stakeholders is social responsibility. The special value of a brand and trademark as a brand name also is one of the achievements of social responsibility that leads to improving the financial performance of the company. Therefore, the purpose of this paper is to investigate the effect of social responsibility on the financial performance of the company by considering the moderating role of the value of brand name and trademark. This study uses quantile regression and structural equation modeling to explore the causal linkages among these factors in firms listed on the Tehran Stock Exchange over the period 2011–2015. The results of quantile regression analysis show that the economic dimension of corporate social responsibility and the special value of a brand and trademark are a positive significant effect on all of the quantiles. The brand extension driver provides a significant positive effect on the higher quantiles of firm performance. However, the findings indicate a significant negative effect on firm performance considering the brand loyalty driver.

Keywords: Brand name, Corporate social responsibility, Financial performance, Quantile regression, Structural equation modeling.

JEL classification: G10, G32

DOI: 10.22051/ijar.2019.23306.1475

¹ PhD of Accounting, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch, Najaf Abad, Iran, corresponding author, (Vahid. BekhradiNasab@gmail.com)

² PhD student of Accounting, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch, Najaf Abad, Iran, (jolanejad1022@gmail.com)

jaacsi.alzahra.ac.ir

The effect of Social Responsibility on Financial Performance and Earning Response Coefficient

Mohsen Hasani¹

Received: 2019/09/02

Accepted: 2019/12/23

Research Paper

Abstract

Social responsibility is the commitment of companies to actions that, in addition to serving the interests of the company, also improve the well-being of society. Accordingly, social responsibility is an obligation to which the company must be accountable. In other words, companies have a responsibility to avoid polluting the environment, discriminating in employment matters, disregard for the needs of employees, producing harmful products, and the like that harm the health of society. The purpose of this paper is to investigate the relationship between social responsibility and financial performance and earning response coefficient of firms listed on Tehran Stock Exchange. We investigated the data of 109 firms listed on Tehran Stock Exchange for a period of 7 years from 2010 to 2017. We used The Carroll Index (1979) to measure corporate social responsibility. The results show that social responsibility has a positive significant effect on earning response coefficient. It has also no significant effect on market value to stock value, but has a positive effect on return of assets.

Keywords: social responsibility, financial performance, earning response coefficient.

JEL classification: M41, M21

DOI: 10.22051/ijar.2020.28044.1542

¹ Assistant Professor of Accounting, Payamnoor University, (mhassani2418@gmail.com)

jaacsi.alzahra.ac.ir

Table of content

| | |
|---|------------|
| The effect of Social Responsibility on Financial Performance and Earning Response Coefficient..... | 1 |
| Mohsen Hasani | |
| The Role of value Moderator of the Brand Name on the Relationship between Corporate Social Responsibility and Financial Performance of firms Listed in Tehran Stock Exchange | 27 |
| Vahid Bekhradinasab, Fatemeh Jolanejad | |
| The Relationship between Disclosure of Social Responsibility Information and Accuracy of Managers Forecast | 73 |
| Rezvan Hejazi, Hossain Rajabdorri | |
| Investigating the Effects of Greenhouse Gas Emissions, Environmental Performance and Social Function on Financial Performance of firms listed on Tehran Stock Exchange..... | 93 |
| Mohammad Ghasemi , Mosa Mohammadi, Chia Amin Panah | |
| Identify and Rank Accounting Performance Indicators in the Banking Industry with Emphasis on interest-free (Riba) Banking in Iran..... | 111 |
| Hamed Tajmir Riahi , Reza Yarmohammadi , Mohammad Rahmati | |
| Applying Public Sector Accounting Standards: Identifying Existing Challenges and Prerequisites Reforms Factors Based on an Expert Perspective..... | 141 |
| Gharibeh Esmailikia | |

IN THE NAME OF GOD
Quarterly Journal of Accounting, Accountability and Society
Interests
Winter 2020, Volume 10, Issue Number 4, Number 39

| | |
|---|---|
| <p>Jornal of</p> <p><i>Accounting, Accountability and Society</i></p> <p><i>Interests</i></p> | <p>Licence Holder: Alzahra University Director: Rahmani. Ali, Prof. Alzahra University Editor in chief: Jafar Babajani, Professor, Allameh Tabatabai University Executive Manager: Behbahaninia. Parisa Saadat, Assistant Prof. Alzahra University Editorial Board: Pourjalali Hamid, Professor of Hawaii University Hejazi, Rezvan, Professor of Alzahra University Rahmani Ali, Professor of Alzahra University Rezaee Zabihollah, Proffessor of Memphis University Mashayekh, Shahnaz, Associate Prof. of Alzahra University Mollanazari, Mahnaz, Associate Prof. of Alzahra University Homayoun Saeid, Professor of Gavle University Yazdifar Hassan, Associate Professor of Salford University Business School Scientific Editor: Behbahaninia, Parisa Saadat Literally editor: Taheri, Mandana English Editor: Taheri, Mandana Cover Designer: Samadian, Maryam Lay out editor: Esfandi, Khadijeh Coordinator: Pakkhesal Azam, Esfandi Khadijeh Address: Alzahra University, Vanak ,Tehran - Iran. P. O Box 1993893973 Tel: (+9821) 85692421- 85692745 Fax: 88252178 Website: http://jaacsi.alzahra.ac.ir/ Email: jaacsi@alzahra.ac.ir</p> |
|---|---|